

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سلسله نشست های فرهنگ سازی و تبیین

«نقشه جامع مدیریت اسلامی» «نجما»

«مبانی و مسائل مدیریت اسلامی»

ارائه: حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پور فر

عضو هیات علمی دانشگاه قم

و مسئول انجمن مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم

V-naghipoor@qom.ac.ir



انتشارات دانشگاه قم

نقشه جامع
مدیریت اسلامی
«نجا»
حوزه پژوهش

ویرایش ششم

به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی
(مصاحبه‌ها و نشست‌ها)

پژوهش: کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی

نظارت علمی: دکتر علی رضائیان

مسئول کارگروه: حجت‌الاسلام دکتر ولی‌الله نقی‌پورفر

نقشه جامع مدیریت اسلامی (ویرایش ششم)
به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی

Comprehensive Map
of
Islamic Management
CMIM (NAJMA)
The Research Part

(Sixth Edition)

Along with critique of
The Management Professors and Humanities
(Interviews and Meetings)

The Research by: The Fundamental Workgroup of Islamic Management
Scientific Supervisor: Ali Rezaeian, PH. D
Responsible of the Work group: Vli Allah Naghipour Far, PH. D

گزیده‌ای از مقدمه دکتر علی رضائیان:

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا» مبتنی بر اسناد بالادستی، دیدگاه نخبگان حوزوی و دانشگاهی مدیریت اسلامی و دیدگاه نخبگان مسلمان در زمینه مبانی و مسائل علوم انسانی و دانش مدیریت است. از ویژگی‌های اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا»، انجام پژوهش‌ها، مبتنی بر «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»، در دو سطح مطلوب و قابل قبول، است. که بر اساس روش‌های چهارگانه جامع «نقلی و حیاتی، عقلی، تجربی و شهودی»، همه توانمندی‌های تخصصی حوزوی و دانشگاهی، را ارج می‌نهد و در انجام پژوهش‌ها، از تمام آن‌ها، به تناسب، بهره می‌گیرد. این نقشه به همت مراکز و پژوهشگران فعال قم و تهران در زمینه مدیریت اسلامی، و مصاحبه‌ها و نشست‌های ملی با اساتید مدیریت و علوم انسانی در سه حوزه پژوهش، آموزش و اجرا سیاست‌گذاری شده است و هم اینک، نقشه جامع مدیریت اسلامی در حوزه پژوهش، تدوین گشته و بستر مناسبی را برای تعریف منطقی، نظام‌یافته و هماهنگ طرح‌های پژوهشی مدیریت اسلامی فراهم آورده است. ...

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»

مقدمه: تعریف

❖ «نجما، مجموعه‌ای است جامع، هماهنگ، پویا و آینده‌نگر، شامل «مبانی (محتوایی و روشی)»، «مسائل مدیریت اسلامی»، و «الزامات اجرایی»، در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در راستای اهداف نظام اسلامی، برای دستیابی به مدیریت مطلوب فراگیر، متوازن و نظام‌مند در همه سطوح و همه ارکان نظام اسلامی». ❖ این تعریف با الهام از «نقشه جامع علمی کشور»، ارائه شده است.

❖ ارکان نقشه جامع:

➤ مبانی (محتوایی و روشی)

➤ مسائل

➤ الزامات اجرایی

❖ حوزه های نقشه جامع:

➤ پژوهش

➤ آموزش

➤ اجرا

قرآن و سنت معصومین (ع)، و محکمت عقلی و تجربی
اسناد بالادستی | دستاوردهای علمی پژوهشی



«نجما» حوزه پژوهش

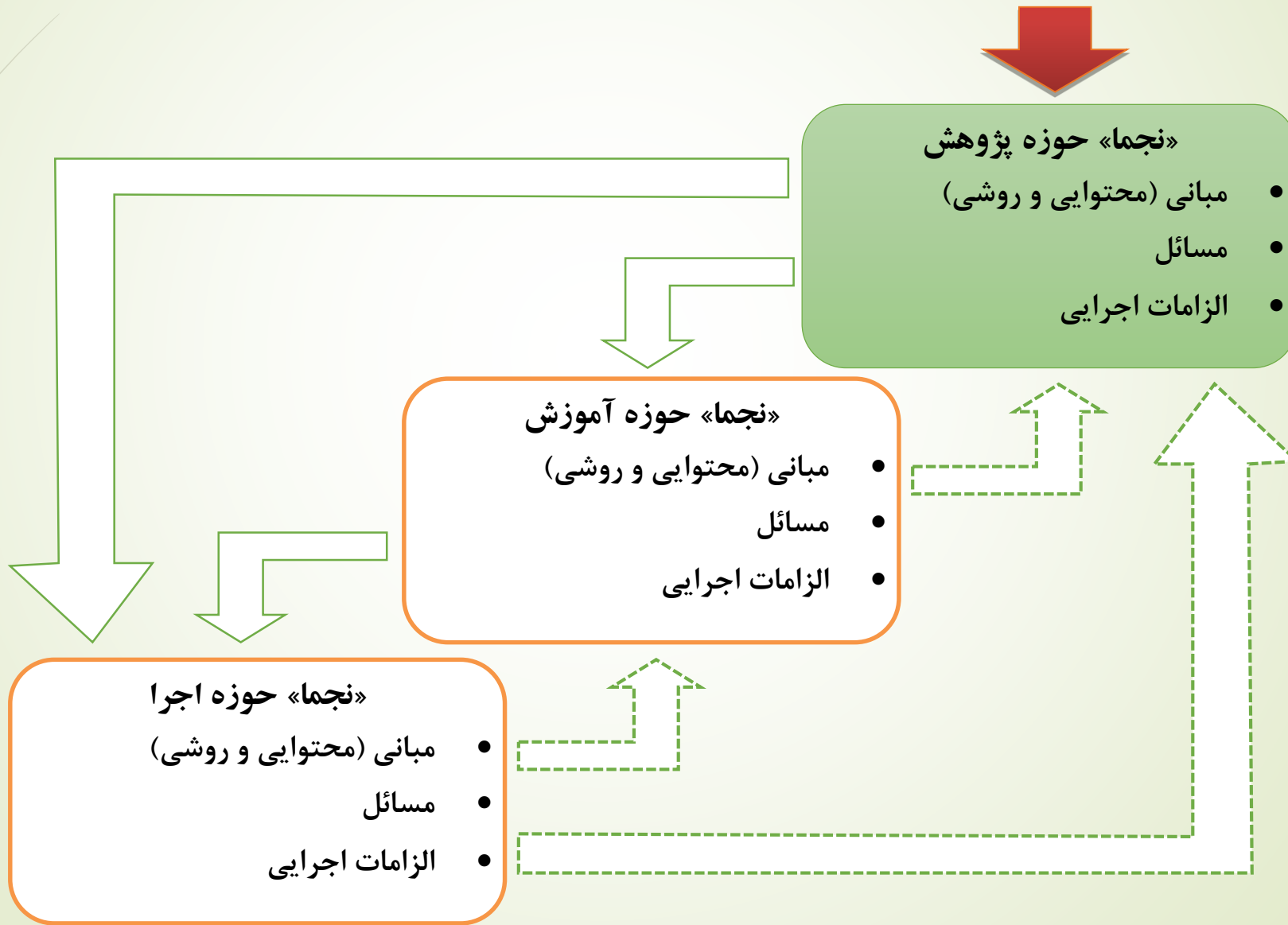
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه آموزش

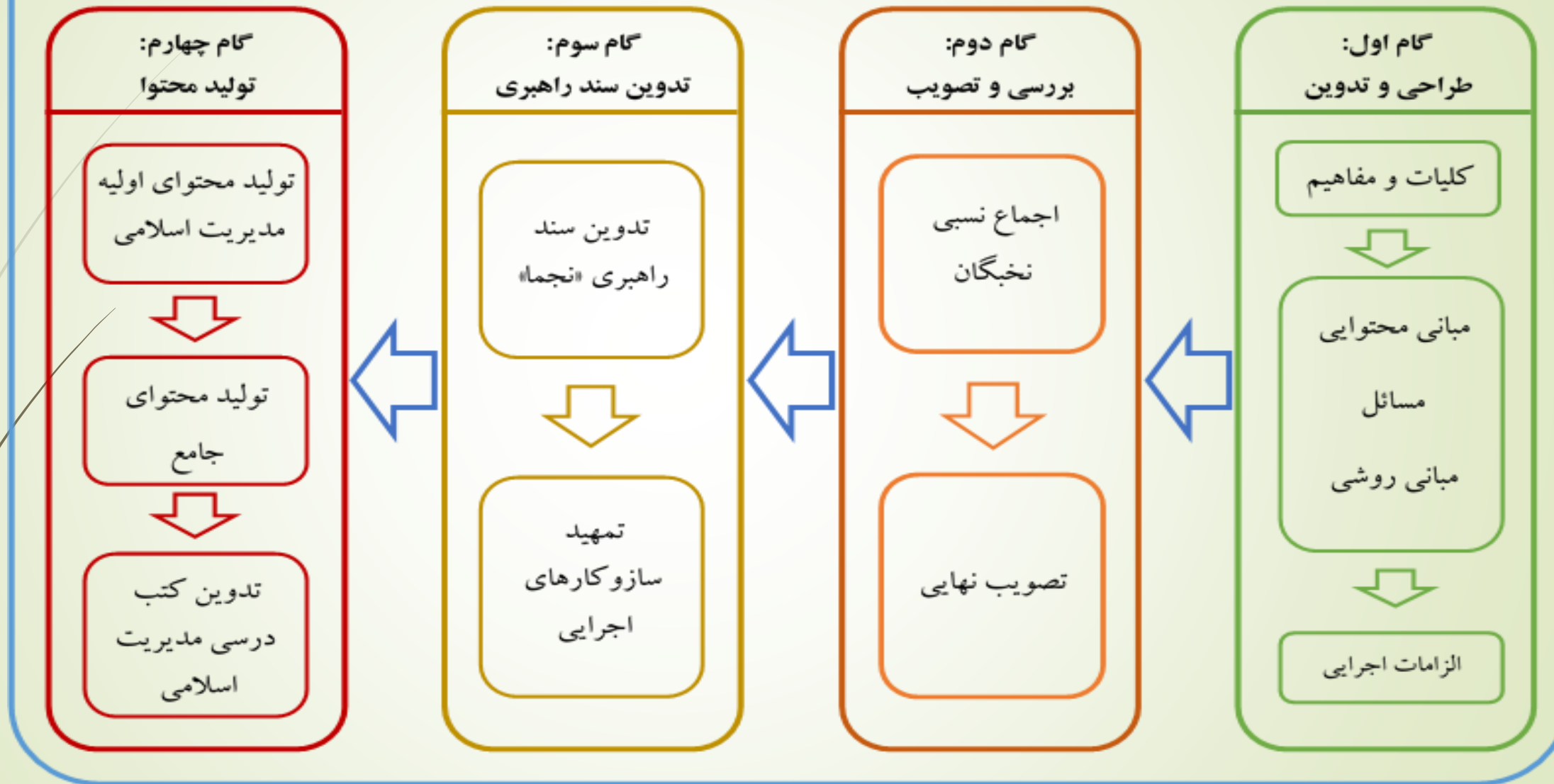
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه اجرا

- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی



مراحل تحقق «نجما» در حوزه پژوهش



مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

«نقشه جامع علم»:

«نقشه جامع علم» در منظر «نجم»، ناظر به نظام موضوعات «مبانی، مسائل و الزامات اجرایی» یک علم است؛ که در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این تقسیم، «مسائل»، قسیم «مبانی» است.

«مبانی علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که «اصول متعارفه» (بدیهیات اولیه) و «اصول موضوعه علم» (پیش‌فرض‌های علم) را در سه سطح عام، خاص و اخص تشکیل می‌دهد».

«مبانی مدیریت اسلامی»

بنابراین «مبانی مدیریت اسلامی» شامل «اصول متعارفه و اصول موضوعه عام» (مبانی عام علوم انسانی) و «اصول موضوعه خاص و اخص» (مبانی خاص و اخص مدیریت اسلامی) است.

«مسائل علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که موضوعات آنها زیر چتر عنوان جامعی (کل یا کلی) قرار می‌گیرند؛ که آن عنوان جامع، موضوع علم را تشکیل می‌دهد».

بنابراین هر آنچه «درون یک علم»، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، «مسائل علم» را تشکیل می‌دهد.

«مسائل علم مدیریت اسلامی»

شامل «مسائل نظری (توصیفی-تجویزی) و مسائل الگویی» است.

مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجما") «تقسیمات مبانی» و منطق آن

«مبانی هر علمی» در تقسیمی منطقی،

یا ناظر به «محتوای علم» است و یا ناظر به «روش علم» است که نحوه دستیابی به محتوای علم را ارائه می دهد.

از این رو، می توان، «مبانی علم»، را به «مبانی محتوایی» و «مبانی روشی» تقسیم کرد.

«مبانی محتوایی»، یا ناظر به «اصل شناخت» و یا ناظر به «متعلق شناخت» است.

«قسم اول»، «مبانی معرفت شناختی» است.

قسم دوم، یا ناظر به «بود و نبود»ها است و یا ناظر به «باید و نباید»ها است.

مورد اول، «مبانی هستی شناختی» است.

و مورد دوم، «مبانی الزام شناختی» است.

بنابراین، «مبانی علم»، منطقاً، در چهار عرصه، مورد بحث قرار می گیرد:

الف. «مبانی محتوایی»: «مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، و الزام شناختی»

ب. «مبانی روش شناختی»: «روش شناسی اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی».

- بدیهیات اولیه حاکم بر همه عرصه های:
- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول متعارفه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول موضوعه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی خاص و اخص
مدیریت اسلامی

- چارچوب ها، رویکردها و مکاتب
- نظریه ها
- اصول و قوانین

مسائل کلی مدیریت
اسلامی

- فاعل تدبیر
- فعل تدبیر
- وسایط تدبیر
- متعلق تدبیر (سنخ و موضوع)
- ظرف و محیط تدبیر
- هدف تدبیر

مسائل تفصیلی مدیریت
اسلامی

- الگوهای تدبیر ولایی الهی
- الگوهای مدیریت ولایی شیطانی

مسائل الگویی مدیریت
اسلامی

نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

بخش اول:

«مبانی محتوایی مدیریت اسلامی»

بخش دوم:

«مبانی روشی مدیریت اسلامی»

بخش سوم:

«مسائل نظری مدیریت اسلامی»

بخش چهارم:

«مسائل الگویی مدیریت اسلامی»

بخش پنجم:

«نظام موضوعات مبانی و مسائل مدیریت اسلامی»

بخش ششم:

«الزامات اجرایی «نجم»ی حوزه پژوهش»

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»: بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی

فصل اول:

مبانی معرفت‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل دوم:

مبانی هستی‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل سوم:

مبانی الزام‌شناختی مدیریت اسلامی

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»: فصل اول: مبانی معرفت‌شناختی مدیریت اسلامی

۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی

❖ مبانی عام:

«اسلام و علوم بشری»:

➤ اسلام،

➤ علوم بشری،

➤ رابطه اسلام و علوم

❖ مبانی خاص:

«علم مدیریت اسلامی»:

➤ تعریف

➤ مولفه های اساسی تعریف

۲) منابع معرفت، ابزار معرفت و ...

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی مبانی عام: «اسلام و علوم بشری»:

➤ اسلام:

✓ **اسلام:** «تسلیم امر خدا شدن»

«اذ قال له ربه اسلم؛ قال اسلمت لرب العالمین» (بقره/۱۲۱)

✓ **دین اسلام:**

«مجموعه گزاره های جامع منسجم نظری و عملی بصیرت ده حیات بخش هدایتگر به سوی قله های رشد و کمال انسانی است، که از جانب خدا نازل شده است و ضرورت التزام دارد»

«ان الدین عند الله الاسلام» (ال عمران/۱۹)

«قد جاءكم بصائر من ربكم» (انعام/۱۰۴)

«يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاكم لما يحييكم...» (انفال/۲۴)

«... انا سمعنا قرآنا عجبا يهدى الى الرشده...» (جن/۱-۲)

«و قل انى انا النذير المبين؛ كما انزلنا على المقتسمين؛ الذين جعلوا القرآن عضين» (حجر/۸۹-۹۱)

✓ **مراتب دین اسلام:**

- **دیانت مسلمین (اهل اسلام):** الزامات فقهی حقوقی
- **دیانت مؤمنین (اهل ایمان):** الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی
- **دیانت محسنین (اهل یقین):** الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی + الزامات عرفانی

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی: مبانی عام: «اسلام»

✓ «گستره اسلام»:

«همه حقایق ظاهر و باطن عالم خلقت»

«و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء...» (نحل/۸۹)

«القرآن علی اربعه اشیاء؛ علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق؛

العبارة للعوام؛ و الاشارة للخواص؛ و اللطائف للاولیاء؛ و الحقائق للانبیاء» امام حسین(ع)، امام صادق(ع)

(مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰)، (همان، همو، ج ۷۵، ص ۲۷۸؛ و ج ۸۹، ص ۱۰۳)

«عبارت قرآن» سطح عمومی،

و «اشاره، لطائف و حقائق»، سطوح تخصصی را نظر دارد:

«اشاره»، دریافت های «استدلالی» از قرآن کریم،

«لطائف»، دریافت های ترکیبی «استدلالی شهودی» از قرآن کریم،

و «حقائق»، دریافت های «شهودی» از قرآن کریم را تذکر می دهد.

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی: مبانی عام: «اسلام»

• گستره اسلام در دسترس «علوم حصولی»:

«انا انزلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون» (یوسف/۲)

«اشاره قرآن»، از آن «خواص» است که اهل تفسیر استدلالی و قرآن کریم اند.

در این سطح، «هدایت قرآنی»، تمرکز بر «سطح الهیات و علوم تجربی انسانی» دارد.

و دریافتهای کلی و یا جزئی محدودی از «علوم تجربی طبیعی قرآن کریم» حاصل می‌شود.

مانند «زوجیت موجودات طبیعی»، «حرکت منظومه شمسی»، «لنگر بودن کوه‌ها، و حرکت همچون ابر»،

و «علم، حیات و تسبیح تمام مخلوقات عالم»

و موارد دیگر که از مصادیق «اعجاز علوم طبیعی قرآن کریم» است.

امثال «چهار مورد اول»، قابل درک تجربی برای عموم متخصصان و جامعه بشری است.

و امثال «تسبیح موجودات»، درک تجربی اش از عقول عمومی و تخصصی فراتر رفته، نیازمند سهمی از ذوق عرفانی و شهودی است.

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی مبانی عام: «اسلام»

• گستره اسلام در دسترس «علوم شهودی»:

«و انه فی ام الكتاب لدینا لعلي حکیم» (زخرف/۴)

«و لو ان قرآنا سیزت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی...» (رعد/۲۱)

در سطح «لطائف قرآن»، تجربه شهودی برخی از حقائق قرآنی، در کار است.

این سطح، از آن مفسرین «اهل ولایت الهی» می باشند.

در این سطح، تجربه حقائق عالم از جمله، علوم تجربی قرآن، دامنه بیشتری را در بر می گیرد؛ که این مرتبه، سهم علمای ربانی قریب به مقام عصمت، است که از نمونه‌های بارزش، حضرت سلمان می باشد.

در سطح «حقائق قرآن کریم»، ارتباط خاص شهودی با حقائق قرآنی بر قرار می‌شود.

این سطح از آن «مقام عصمت و طهارت» است.

حقائق قرآنی، هردو چهره ظاهر و باطن عالم خلقت (مُلک و مَلکوت) را در برمی گیرد.

ظاهری که به مرور زمان تحت سیطره علوم تجربی حقائق اش آشکار می‌شود و باطنی که از دسترس علوم تجربی خارج است.

«قدر متیقن» توان دست یابی به این مرتبه، از آن «معصوم صاحب منصب الهی» است.

درجه ای از «مقام ولایت تکوینی» که در این سطح می توان، کوه را از جا کند و به حرکت در آورد!؛ طی الارض نمود! و با مردگان به سخن نشست!

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی: مبانی عام: «علوم بشری»

➤ «علم»:

«علم»، در منطق «نحما»، «مجموعه معرفت‌های نظام‌یافته حاصل از تتبع در منابع تکوینی و تشریحی با روش‌های نقلی-وحيانی، عقلی، تجربی و شهودی است»

که «تمامی کارکردهای نظری علم (توصیف، تبیین، تجویز، پیش‌بینی و مانند آن) و کارکردهای عملی علم (تغییر، کنترل و ایجاد قدرت و اقتدار، رفاه، سعادت دنیوی و اخروی و مانند آن) را دربرمی‌گیرد.

«علوم بشری»

«همه علوم عقلی (فلسفی و ریاضی)، تجربی (انسانی، و طبیعی) و شهودی را در بر می‌گیرد»

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی مبانی عام: رابطه اسلام و علوم بشری

➤ **رابطه اسلام و علوم تجربی طبیعی:**

«محکمت علوم طبیعی»، در کنار «محکمت قرآن و سنت»، «داوران اندیشه ها و عملکرد اسلامی» می باشند.

اجمالاً، «ظنیات علوم تجربی طبیعی» مرتبط با مسائل انسانی، (مانند نظریه داروین) در «هرم مراتب اعتبار»، بایستی با محک «محکمت دینی»، و «ظنیات قرآن و سنت»، بررسی و ارزیابی شوند.

«عدم مخالفت» با داوران مذکور، کف تأیید اسلامی و «موافقت با آنها»، سقف آن است»

«نسبت دستاوردها»ی «اسلام» به دستاوردهای ظنی «علم طبیعی»،

«نسبت عموم و خصوص من وجه» است؛ که یک حوزه مشترک و دو حوزه متمایز دارند»

➤ **رابطه اسلام ، و علوم تجربی انسانی (علم مدیریت و ...)**

«علوم انسانی»، متأثر از ارزش‌های فرهنگی حاکم بر ذهن و روح پژوهش‌گران و متخصصان و متأثر از محیط حاکم پژوهشگران و جامعه مربوطه است.

«علم مدیریت»، همچون علوم انسانی دیگر، علمی متأثر از فرهنگ (عقاید، بایدها و نبایدها و...) حاکم بر پژوهش‌گر علم مدیریت، منابع انسانی و جامعه مربوطه است.

«نسبت دستاوردها»ی «علم مدیریت اسلامی» به دستاوردهای «علم مدیریت»، نیز،

«نسبت عموم و خصوص من وجه» است؛ که یک حوزه مشترک و دو حوزه متمایز دارند»

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی مبانی عام: رابطه اسلام و علوم بشری

▀ دیدگاه ها:

❖ تایید

❖ عموم و خصوص مطلق

❖ عموم و خصوص من وجه

❖ تباین: به دلیل تضاد ایمان و کفر: دیدگاه مخالف مبانی قرآن و سنت:

• مخالف ادله استفاده از موارد حکمت از منافقین و مشرکین:

«خذ الحکمة و لو من اهل النفاق»

«خذ الحکمة و لو من فم المشرکین»

• وجود نقص در نیت و عمل در میان مسلمین:

«هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان»

«...خلطوا عملا صالحا و آخر سيئا»

«و ما يؤمن بالله الا و هم مشرکون».

• خلط مبحث در میان مشرکین، و وجود استضعاف در میان آنان:

«و ما كان الله ليضل قوما بعد اذ هديهم حتى يبين لهم ما يتقون»

«و ان احد من المشرکين استجارک فاجره حتى يسمع كلام الله...»

• امکان حصول یقین برای اهل کفر و شرک:

«و جحدوا بها و استيقنتها انفسهم ظلما و علوا»

(۱) مفاهیم اساسی مدیریت اسلامی مبانی خاص: «علم مدیریت اسلامی»

مدیریت اسلامی در سه سطح «مدیریت خداوند و کارگزاران الهی»، «مدیریت معصومین» «ع» و «مدیریت غیرمعصومین»، جریان دارد.

«مدیریت خداوند و کارگزاران الهی»،

«تدبیر ولایی امور مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی عالم هستی برای رساندن آنها به کمال خویش است».

«ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی» (طه/۵۰)

«ثم استوی علی العرش ... یدبر الامر من السماء الی الارض...»

ذلک عالم الغیب و الشهادة العزیز الرحیم» (سجده/۴-۶)

«فالمدیرات امرا» (نازعات/۵)

❖ «علم مدیریت اسلامی»:

«علم مدیریت اسلامی، علم تدبیر ولایی امور مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی، برای رسیدن به اهداف مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است».

❖ «موضوع مدیریت اسلامی»:

«مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی» است از آن جهت که تحت «تدبیر» واقع می‌شوند».

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»:

«تدبیر»:

«تدبیر»، در ادبیات اسلامی، ناظر به وظائف مدیریت، «تدوین» (هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی)، «اجرا» (سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و رهبری) و «نظارت و کنترل» است.

• «ویژگی تدبیر»: اعمال «تدبیر»

• «تدبیر»: «ژرف‌اندیشی و ژرف‌نگری»، «عاقبت‌اندیشی و عاقبت‌نگری» و «ولایت الهی».

• «اجزاء تدبیر»، شامل «علم، هنر و مهارت»، است؛ و در عرصه انسانی، چنین تعریف می‌شود:

الف. «علم» ناظر به «دانش نظری و کاربردی» است.

ب. «هنر» ناظر به «قابلیت‌های وجودی» (وراثتی و شخصیتی) است.

ج. «مهارت» ناظر به «توانمندی‌های حاصل از آموزش عملی و حرفه‌ای» است.

• رابطه «تدبیر» و «مدیریت»: در اسلام، هر «تدبیری» مدیریت است ولی هر مدیریتی «تدبیر» نیست.

• «گستره تدبیر» هم مفهوم «رهبری» و هم مفهوم «مدیریت» را در برمی‌گیرد.

• «هدف‌گذاری» با توجه به فرهنگ اسلامی و روح حاکم بر «نجما» از اهمیت و نقش خاصی برخوردار است، لذا به عنوان یکی از وظایف مستقل مدیریتی ذکر شده است.

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»:

«تدبير»: اعمال تدبير

عوامل تقويت تدبير:

➤ أنس با قرآن و اهل بيت(ع):

« انا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون» (يوسف/ ٢) / «انا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون» (زخرف/ ٢)

«... و انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم و لعلهم يتفكرون» (نحل/ ٤٢)

➤ أنس با نماز:

«اقم الصلوة لذكرى» (طه/ ١٤)

«اتل ما اوحى اليك من الكتاب و اقم الصلوة؛ ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنكر؛ و لذكر الله اكبر؛ ان الله يعلم ما تصنعون» (عتكوت/ ٤٥)

«فلاتعلم نفس ما اخفى لهم من قرآءة اعين؛ جزاء بما كانوا يكسبون» (سجده/)

«العلم نور يقذفه الله فى قلب من يشاء...» (بحار، ؛)

➤ انس با أهل آخرت:

«فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/ ٢١)

➤ أنس با فقراء:

«يؤتى الحكمة من يشاء؛ و من يؤت الحكمة فقد اوتى خيرا كثيرا؛ و ما يذكر الا اولوا الالباب» (بقره/ ٢٦٩)

➤ حسن خلق:

➤ عمل صالح

➤ زيارت أهل قبور

➤ عبرت از بلاء و مشكلات: تضرع، تذكر، رجوع:

«و لنبلونكم بشىء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات؛ فبشر الصابرين...» (بقره/ ١٥٥)

«... لعلهم يتضرعون» (انعام/ ٢٢) / «... لعلهم يتذكرون» (اعراف/ ١٢٠) / «... لعلهم يرجعون» (السجده/ ٢١)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»:

«تدبير»: اعمال تدبير

موانع تدبير:

«أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها؟» (محمد/٢٤)

➤ غفلت از یاد خدا: تساهل و تسامح در حلال و حرام الهی:

«اذكروا الله ذكرا كثيرا؛...» (احزاب/٤١)

«... و لكن ذكر الله عندما احل له و ذكر الله عندما حرم عليه» امام صادق (ع): (نور الثقلين، ٢٨٧/٤؛ خصال/)

➤ غفلت از آخرت:

«... و ما انت عليهم بجبار؛ فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/٢٥)

➤ تجمل گرایی و دنیازدگی و رفاقت با اهل دنیا:

«يعلمون ظاهرا من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون» (روم/٧)

«فاعرض عن من تولى عن ذكرنا و لم يرد الا الحياة الدنيا» (نجم/٢٩)

➤ ارتكاب گناه:

«إذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين؛ كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون؛ كلا انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون» (مطففين/١٢-١٥)

➤ شیرازه امور را از هم گسیختن، قطع رحم و رفاقت با اهل نفاق و ارتداد و کفر:

«فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا فى الارض؛ و تقطعوا ارحامكم؛ اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم و اعمى ابصارهم؛ (محمد/٢٢-٢٣)

«افلا يتدبرون القرآن؛ ام على قلوب اقفالها؟» (محمد/٢٤)

«ان الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد ما تبين لهم الهدى، الشيطان سول لهم و املى لهم» (محمد/٢٥)

«ذلك بانهم قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم فى بعض الامر؛ و الله يعلم اسرارهم» (محمد/٢٦)

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»:

«تدبیر»: اعمال تدبیر

➤ رابطه تدبیر و تفکر: عموم و خصوص مطلق

➤ کار فکر:

«شناسایی اهداف، و ارائه راه های رسیدن به هدف»

➤ مبانی تفکر ارزشمند :

❖ ارزشمندی موضوع تفکر:

• ناظر به نیازهای اصیل مادی و معنوی انسان

• تعادل در نیاز مادی و معنوی

• رعایت اولویتها

❖ ارزشمندی قاعده تفکر:

• منبع معتبر نقل و حیانی / عقل فطری / تجربه / شهود معتبر

❖ ارزشمندی نیت:

❖ ارزشمندی مشورت:

• مشاور متخصص صادق، شجاع، کریم،...

• تعدد مشاورین

• مشورت مبتنی بر منابع معتبر

❖ ایمان راسخ به اصول اعتقادات، اخلاق، و فقه و حقوق اسلامی

«مفاهيم اساسی تعريف مديريت اسلامی»:

«تدبير»: اعمال تدبير: رابطه عقل و فکر:

❖ فکر سالم:

«مامور شناسایی در خدمت عقل سالم»

❖ ویژگی عقل سالم:

• « علم،

• قدرت،

• نورانیت الهی،

• سلوک باذن الله»:

«خلق الله تعالى العقل من اربعة اشياء: من العلم و القدرة و النور و المشية بالامر؛ فجعله قائماً بالعلم، دائماً في الملكوت». (اختصاص، ٢٤٤، بحار الانوار، مجلسی، ١/١٣٦)

«قلت له: ما العقل؟ قال(ع): «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ ... قلت: فالذي كان في معاوية؟

قال (ع): تلك النكراء؛ تلك الشيطنة؛ هي شبيهة بالعقل و ليست بالعقل» امام صادق(ع): (كافي، ١ / ١١)

«كم من عقل اسير تحت هوى امير» على (ع)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»:

«تدبير»: اعمال تدبير: رابطه عقل و فکر:

❖ نقش عقل سالم:

«مدیریت افکار»:

• بررسی دستاورد های فکر و گزینش احسن هدف:

▪ "حد العقل، النظر في العواقب؛ و الرضاء بما يجري به القضاء". علی(ع): (غرر الحكم، ح ۴۹۰۱، مختصر بصائر؛ حسن بن سلیمان، ۱۴۰)

▪ "ألا، و إن اللبيب من استقبال وجوه الآراء بفكر صائب؛ و نظر في العواقب". (غرر، ح ۲۷۷۸).

▪ "أعقل الناس أنظرهم في العواقب". (غرر، ح ۲۳۶۷).

• گزینش احسن راه رسیدن به هدف:

• بسیج قوا و سازماندهی منابع انسانی و مادی

• هدایت و رهبری

• نظارت و کنترل

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»:

«تدبير»: اعمال تدبير

■ شخصیت و عقلانیت زن و مرد

❖ اشتراکات معنوی:

رشد معرفتی / رشد ایمانی / مراتب رشد و کمال

❖ تمایزات مادی:

• تمایزات جسمی:

ظرافت جسمی / جذابیت و زیبایی

• تمایزات روانی:

تخیل قوی تر / عاطفه سرشارتر / حساسیت روحی شدیدتر :

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ - نَوَاقِصُ الْخُطُوبِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ - فَأَمَّا نِقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ - فَمَعْوَدُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ - وَأَمَّا نِقْصَانُ عُقُولِهِنَّ - فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ - ... وَأَمَّا نِقْصَانُ خُطُوبِهِنَّ - فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ

«ان تضل احديهما فتذكر احديهما الاخرى...» (بقره/ ۲۸۲)

تصميم زن = عقل زن + عواطف + ...

تصميم مرد = عقل مرد + عواطف + ...

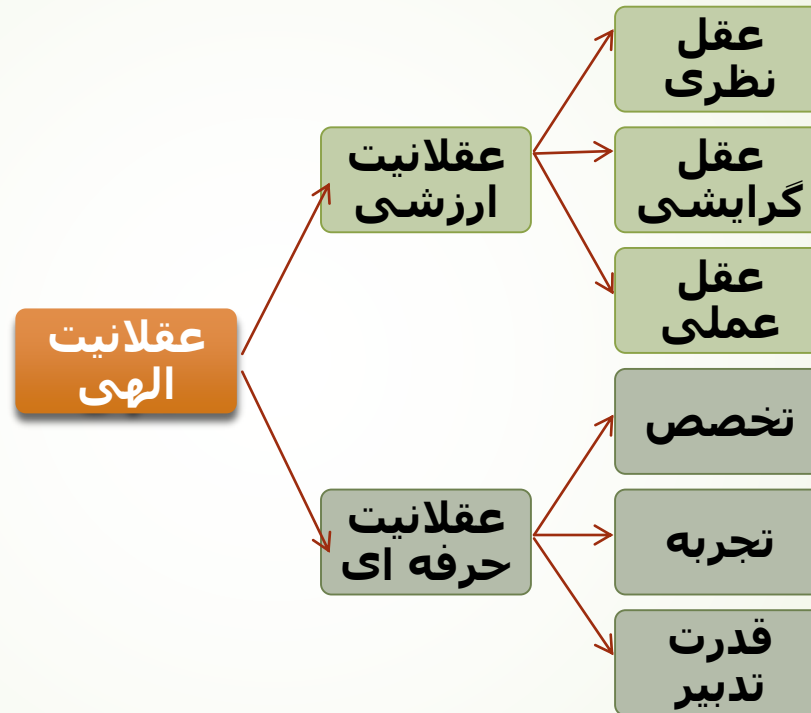
• تمایزات جسمی روانی:

بلوغ زودتر / امکانات مادری / ایام ماهانه / یائسگی

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدبیر»:

تذکرات کاربردی: اقسام عقلانیت: ارزشی و حرفه ای

مثالها: عقلانیت جناب سلمان و ابوذر/عقلانیت زیاد بن ابیه و عقلانیت جناب کمیل بن زیاد نخعی، و مالک اشتر



الگوی کلی شایستگی بر محور عقلانیت از منظر اسلام

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدبیر»: تذکرات کاربردی: مثال های اقسام عقلانیت در عرصه اجتهاد دینی

► **اجتهاد و مرجعیت مرسوم دینی:**

«عقلانیت ارزشی» + «عقلانیت تخصصی»

► **اجتهاد مطلوب دینی:**

«عقلانیت ارزشی + «عقلانیت تخصصی، و عقلانیت اجتماعی(علم به زمان)»:

«افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها...» (حج /)

«العالم بزمانه لا یهجم علیه اللوابس» امام صادق(ع): (کافی، ۱ / ۲۷)

«ذمتی بما اقول رهینه و انا به زعیم:

ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثلات حجزته التقوی عن تقحم الشبهات» علی (ع): (نهج، خ ۱۶)

► **مرجعیت مطلوب دینی:**

«عقلانیت ارزشی» + «عقلانیت حرفه ای»:

«عقلانیت نظری، گرایش، و عملی» + «عقلانیت تخصصی، تجربی(اجتماعی: علم به زمان) و تدبیری»

► **مثالها: عقلانیت جناب ابوذر، فقیه مجاهد فی سبیل الله:**

"عن أبي ذر، قال قلت: يا رسول الله، ألا تستعملني؟ قال: فـضرب بيده على منكبي، ثم قال (ص):

"يا أبا ذرّ، إنك ضعيف و إنّهـا أمانة و إنّهـا يوم القيامة خزي و ندامة إلاّ من أخذها بحقّها و أدّى الذي عليه فيها". (صحيح مسلم، ۳ / ۱۴۵۷)

"عن أبي ذرّ أنّ رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: "يا أبا ذرّ، إنّي أراك ضعيفاً، و إنّي أحبّ لك ما أحبّ لنفسي، لا تأمرنّ على اثنين و لا تولين مال يتيم". (صحيح مسلم، ۳ / ۱۴۵۷)

"عن أبي ذرّ: أنّ النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: "يا أبا ذرّ، إنّي أحبّ لك ما أحبّ لنفسي ،

إنّي أراك ضعيفاً ، فلا تأمرنّ على اثنين و لا تولين مال يتيم". (بحار، ۲۲ / ۴۰۶، و ۷۵ / ۲۴۲، به نقل از امالی طوسی)

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدابیر»:

تذکرات کاربردی:

محورها و روش های دست یابی به عقلانیت تخصصی در عرصه اجتهاد دینی و علمی

➤ مولفه های رسیدن به ملکه اجتهاد دینی و علمی:

❖ وراثت

❖ تربیت عقلانی دینی

❖ تلاش علمی

❖ ایمان و تقوی

➤ روش های تحقق مولفه های ملکه اجتهاد دینی و علمی:

❖ مدیریت ازدواج و رعایت آداب نکاح

❖ مدیریت دوران رحم و شیر دهی و کودکی

❖ نظام تعلیم و تربیت عقلانی قرآن محور جامع نگر

❖ ...

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدبیر»:

تذکرات کاربردی: محورهای روش های دست یابی به عقلانیت تجربی در عرصه اجتهاد دینی

■ محورهای «عقلانیت اجتماعی (در اجتهاد دینی: علم به زمان)»:

➤ علم به سیره انبیا (قصص قرآن)، سیره ۱۲ معصوم، و علمای ربانی

➤ علم کلی به تاریخ اسلام و تاریخ بشر؛ و عبرت از حوادث تلخ آن.

➤ علم کلی به مکتبهای دینی داخل و خارج اسلام؛

➤ علم کلی به مکتبهای بشری عصر خویش:

(مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، پلورالیسم، فمینیسم، و ...)

➤ علم کلی به حوادث و قطب بندی های جهانی عصر خویش:

(جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب اسلامی و ...)

➤ علم کلی به اقوام و ملل بشری خصوصا، اقوام مسلمین؛

➤ علم به طبقات اجتماعی و اقوام و فرق جامعه خود؛

➤ علم کلی به محیط اجتماعی سیاسی حاکم بر موضوع؛

➤ علم به موضوع مبتلا به؛

■ روش های دست یابی به «علم به زمان»:

➤ آموزش کلاسیک عمومی و تخصصی

➤ مطالعات کتابخانه ای: مطالعه مستقیم، مطالعه غیر مستقیم (گزارش کارشناسی)

➤ مطالعات سمعی بصری: حضورمیدانی، استفاده از فیلم و گزارش مستند

«مفاهيم اساسية تعريف مديريت اسلامي»: «تديير»:

تذكرات کاربردى: مثال هاى اقسام عقلانيت

عقلانيت جناب سلمان

مراتب ايمان سلمان، ابوذر و مقداد:

➤ حدثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال: حدثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن أبي عبد الله الرازي، عن الحسن بن علي بن أبي عثمان، عن محمد بن حماد الخزاز، عن عبد العزيز القراطيسي، قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام:

يا عبد العزيز إن الإيمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مرقاة بعد المرقاة، فلا تقولن صاحب الواحد لصاحب الاثنين: لست على شئ حتى ينتهي إلى العاشرة، و لا تسقط من هو دونك فيسقطك الذي هو فوقك، فإذا رأيت من هو أسفل منك فارفعه إليك برفق، و لا تحملن عليه ما لا يطيق فتكسره فإنه من كسر مؤمنا فعليه جبره؛

و كان المقداد في الثامنة، و أبو ذر في التاسعة، و سلمان في العاشرة. (خصال، ٢٤٨)

➤ حدثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن الحسن بن معاوية، عن محمد بن حماد أخي يوسف بن حماد الخزاز، عن عبد العزيز القراطيسي قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فذكرت له شيئا من أمر الشيعة و من أقاويلهم، فقال (ع): يا عبد العزيز الإيمان عشر درجات بمنزلة السلم له عشر مراقي و ترتقى منه مرقاة بعد مرقاة، فلا تقولن صاحب الواحدة لصاحب الثانية لست على شئ، و لا تقولن صاحب الثانية لصاحب الثالثة لست على شئ حتى انتهى إلى العاشرة قال (ع):

و كان سلمان في العاشرة، و أبو ذر في التاسعة، و المقداد في الثامنة؛

يا عبد العزيز لا تسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك، إذا رأيت الذي هو دونك فقدرت أن ترفعه إلى درجتك رفعا رفيقا فافعل، و لا تحملن عليه ما لا يطيقه فتكسره فإنه من كسر مؤمنا فعليه جبره،

لأنك إذا ذهبت تحمل الفصيل حمل البازل فسخته (خصال، ٢٤٨).

➤ و باسناده عن علي عليه السلام، قال: قال النبي (ص): سلمان منا أهل البيت.

➤ و باسناده عن علي عليه السلام، قال: قال النبي (ص): أبو ذر صديق هذه الأمة. (عيون، ٧٠ / ٢)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تديبر»:

تذكرات كاربردى: مثال هاى اقسام عقلانيت

■ منزلت و كرامات سلمان، نسبت به ابى ذر و مقداد:

➤ و حدثنا جعفر بن الحسين ، عن محمد بن الحسن ، عن محمد بن الحسن الصفار ، عن أحمد ابن عيسى أو غيره ، عن بعض أصحابنا ، عن عباس بن حمزة الشهرزوري رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال :

كان سلمان يطبخ قدرا " فدخل عليه أبو ذر فانكبت القدر فسقطت على وجهها و لم يذهب منها شئ فردها على الأثافي؛

ثم انكبت الثانية فلم يذهب منها شئ فردها على الأثافي،

فمر أبو ذر إلى أمير المؤمنين عليه السلام مسرعا " قد ضاق صدره مما رأى و سلمان يقفو أثره حتى انتهى إلى أمير المؤمنين عليه السلام ،
فنظر أمير المؤمنين إلى سلمان فقال له : يا أبا عبد الله! أرفق بأخيك! (الاختصاص، مفيد، ١٢؛ بحار، ٦ / ٧٩٣) .

➤ الحسين بن حمدان الحضيبي في الهداية عن الحسن بن محمد بن جمهور عن خالد بن مالك الجهني عن قيس العبراني عن أبي عمرو زاذان قال: لما و اخی رسول الله صلى الله عليه و آله بين أصحابه و اخی بين سلمان و المقداد؛

فدخل المقداد على سلمان و عنده قدر منصوبة على اثنتين و هي تغلى من غير حطب!

فتعجب المقداد و قال يا أبا عبد الله هذه القدر تغلى من غير حطب! فآخذ سلمان حجرين فرمى بهما تحت القدر فالتهب فيها!

فقال له المقداد هذا أعجب يا ابا عبد الله فقال له سلمان: لا تعجب أليس الله يقول جل من قائل: «وقودها الناس و الحجارة» ففارت القدر؛

فقال سلمان: يا مقداد سکن فورتها؛ فقال المقداد: ما أرى شيئا اسكن به القدر؛

فادخل سلمان يده في القدر فأدارها فسكنت القدر من فورتها! فاعترف منها بيده فأكل هو و المقداد؛

فدخل المقداد على رسول الله صلى الله عليه و آله فأعاد عليه خبر النار و القدر و فورتها؛

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: سلمان من يطيع الله و رسوله و أمير المؤمنين صلوات الله عليهما فيطيعه كل شئ و لا يضره شئ؛

فلما دخل سلمان عليه، **قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ارفق يا سلمان! بأخيك المقداد!؛ ارفق الله بك.** (جامع احاديث الشيعة، ١٢ / ٢٤٠)

«مفاهيم اساسی تعريف مديريت اسلامی»: «تدبير»:

تذکرات کاربردى: مثال های اقسام عقلانیت

■ سیره ابوذر:

- ❖ حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال : حدثنا محمد ابن الحسن الصفار ، عن إبراهيم بن هاشم ، عن يحيى بن أبي عمران الهمداني ، عن يونس بن عبد الرحمن ، عن رواه ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال :
«كان أكثر عبادة أبي ذر - رحمة الله عليه - خصلتين : التفكير و الاعتبار» (خصال، ٤٢)
- ❖ «... فقال أبو ذر رحمه الله : و الذي نفس أبي ذر بيده، ما من أمة ائتمت - أو قال : اتبعت - رجلا و فيهم من هو أعلم بالله و دينه منه إلا ذهب أمرهم سفالا» . (بحار، ٢٧ / ١١٣)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تديير»:

تذكرات كاربردى: مثال هاى اقسام عقلانيت

عقلانيت و علم لدنى و ملكوتى سلمان:

➤ حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى ، عن أبيه . عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن وهيب بن حفص ، عن أبي بصير ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول : «إن سلمان عليم الاسم الأعظم» (اختصاص، ١١).

جعفر بن محمد بن قولويه ، عن أبيه ، ومحمد بن الحسن ، عن محمد بن الحسن الصفار ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن ابن فضال ، عن عبد الله بن بكير عن زرارة قال : سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول :

أدرك سلمان العلم الأول و العلم الآخر و هو بحر لا ينزح؛ و هو منا أهل البيت؛

بلغ من علمه أنه مر برجل في رهط فقال له: يا عبد الله تب إلى الله من الذي عملت في بطن بيتك البارحة و اتق الله، فقال الرجل: أستغفر الله و أتوب إليه، قال: ثم مضى و قال له القوم: لقد رماك بأمر و ما دفعته عن نفسك قال: إنه أخبرني بأمر ما اطلع عليه أحد إلا الله رب العالمين و أنا» (اختصاص، ١١؛ بحار ٦ / ٧٩٠).

➤ أحمد بن إدريس ، عن عمران بن موسى ، عن هارون بن مسلم ، عن مسعدة ابن صدقة ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : ذكرت التقية يوما عند علي بن الحسين عليه السلام فقال: و الله لو علم أبو ذر ما في قلب سلمان لقتله (لَكَفَّرَهُ)؛

و لقد آخى رسول الله صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ بينهما فما ظنكم بسائر الخلق؛

إن علم العلماء صعب مستصعب لا يحتمله إلا نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان؛

فقال و إنما صار سلمان من العلماء لأنه امرؤ منا أهل البيت فلذلك نسبته إلى العلماء «. (الكافي ، ١ / ٤٠١ ؛ بصائر، ٤٥)

➤ «... سهل عن منصور بن العباس عن سليمان بن المسترق عن صالح الأحول قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

« آخى رسول الله صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ بين سلمان و أبي ذر و اشترط على أبي ذر أن لا يعصي سلمان ». (الكافي ، ٨ / ١٤٢ و ١٤٨)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «تدبير»:

تذکرات کاربردی: مثال های اقسام عقلانیت

جلوه لطيف از عقلانیت جناب سلمان در ارتباط با ابوذر:

- «دعا سلمان أبا ذر "ره" ذات يوم إلى ضيافة فقدم إليه من جرابه كسرة يابسة و بلها ركوته؛ فقال أبو ذر: ما أطيب هذا الخبز، لو كان معه ملح؛ فقام سلمان و خرج و رهن ركوته بملح و حمله إليه؛
فجعل أبوذر يأكل ذلك الخبز و يذر عليه ذلك الملح و يقول: الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعة؛
فقال سلمان: لو كانت قناعة لم تكن ركوتي مرهونة!» امام جواد از پدران معصوم از امام سجاد (ع): (عيون اخبار الرضا، صدوق، ٢ / ٥٨)
- حدثنا علي بن أحمد بن موسى (رضي الله عنه) قال : حدثنا محمد بن هارون الصوفي ، قال : حدثنا عبيد الله بن موسى الروياني ، قال : حدثنا عبد العظيم بن عبد الله الحسيني ، عن الإمام محمد بن علي ، عن أبيه الرضا علي بن موسى ، عن أبيه موسى بن جعفر ، عن أبيه الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن جده (عليهم السلام) ،
قال : دعا سلمان أبا ذر (رحمة الله عليهما) إلى منزله، فقدم إليه رغيفين، فأخذ أبو ذر الرغيفين يقلبهما، فقال له سلمان :
يا أبا ذر، لأي شيء تقلب هذين الرغيفين؟ قال : خفت أن لا يكونا نضيجين؛ فغضب سلمان من ذلك غضبا شديدا، ثم قال:
ما أجراك حيث تقلب هذين الرغيفين!
- فوالله لقد عمل في هذا الخبز الماء الذي تحت العرش، و عملت فيه الملائكة حتى ألقوه إلى الريح ، و عملت فيه الريح حتى ألقته إلى السحاب ، و عمل فيه السحاب حتى أمطره إلى الأرض ، و عمل فيه الرعد والملائكة حتى وضعوه مواضعه ، و عملت فيه الأرض و الخشب و الحديد و البهائم و النار و الحطب و الملح، و ما لا أحصيه أكثر ، فكيف لك أن تقوم بهذا الشكر ؟
فقال أبو ذر : إلى الله أتوب، و استغفر الله مما أحدثت ، و إليك أعتذر مما كرهت (امالی صدوق، ٥٢٨؛ بحار ٢٢ / ٣٢٠).

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «تدبير»: تذکرات کاربردی: عقلانیت سلمان: لقمان آل محمد(ص):

➤ حدثنا يعقوب بن يزيد ومحمد بن عيسى عن زياد العبدى عن الفضل بن عيسى الهاشمي قال دخلت على أبي عبد الله عليه السلام أنا و أبي عيسى فقال له: **امن قول رسول الله صلى الله عليه وآله، سلمان رجل منا أهل البيت فقال (ع): نعم.**

فقال: أي من ولد عبد المطلب؛ فقال (ع): **منا أهل البيت؛ فقال له: أي من ولد أبي طالب؛ فقال (ع):** **منا أهل البيت فقال له: اني لا اعرفه فقال (ع):** فاعرفه يا عيسى فإنه **منا أهل البيت؛ ثم أومى بيده إلى صدره ثم قال (ع):** ليس حيث تذهب ان الله خلق طينتنا من عليين و خلق طينة شيعتنا من دون ذلك فهم منا و خلق طينة عدونا من سجين و خلق طينة شيعتهم من دون ذلك و هم منهم؛ **و سلمان خير من لقمان!** (بصائر الدرجات، ٢٨)

❖ ویژگی های عقلانیت تدبیری لقمان:

اهتمام به مشورت / درگیری فکری و تمرکز بر موضوع تصمیم / حداکثر همراهی و مشارکت در فعالیت جمعی / مراقبت در انتخاب مشاور امین و راز دار / «حضور در صحنه» / تاکید بر نماز و وحدت جمعی، در قالب حضور در نماز جماعت / تقدم و اولويت در اداء حقوق زیرمجموعه، (منابع انسانی، محیط زیست (حیوانات و سرزمینها) حتی در خوراک / :

➤ «الكافي : علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن القاسم بن محمد ، عن سليمان بن داود المنقري ، عن حماد ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال لقمان لابنه : إذا سافرت مع قوم فاکثر استشارتك إياهم في أمرک و أمورهم ، ...» (وصایای لقمان، کافی، ٢٢٨ / ٨؛ بحار، ١٢ / ٢٢٢)

➤ «... و أجهد رأيك لهم إذا استشاروك ، ثم لا تعزم حتى تثبت و تنظر ، و لا تجب في مشورة حتى تقوم فيها و تقعد و تنام و تصلي و أنت مستعمل فکرك و حکمتک في مشورته...» (وصایای لقمان، بحار، ١٢ / ٢٢٢)

➤ «... و إذا رأيت أصحابك يمشون فامش معهم ، و إذا رأيتهم يعملون فاعمل معهم ، و إذا تصدقوا فأعطوا قرضا فأعط معهم ، و اسمع لمن هو أكبر منك سنا ، و إذا أمروك بأمر و سالوك فقل : نعم ، و لا تقل : لا ، فإن (لا) عي و لوم ...» (همو، همان)

➤ «... و إذا تحيرتم في طريقكم فانزلوا ، و إذا شككتم في القصد فقفوا و تؤامروا ، و إذا رأيتم شخصا واحدا فلا تسألوه عن طريقكم و لا تسترشدوه ، فإن الشخص الواحد في الفلات مربب ، لعله أن يكون عينا للصوص ، أو يكون هو الشيطان الذي يحيركم ، و احذروا الشخصين أيضا إلا أن تروا مالا أرى...» (همو، همان)

➤ «... فإن العاقل إذا أبصر بعينه شيئا عرف الحق منه ، و الشاهد يرى ما لا يرى الغائب...» (همو، همان)

➤ «...يا بني فإذا جاء وقت الصلاة فلا تؤخرها لشيء، و صلها و استرح منها، فإنها دين، و صل في جماعة و لو على رأس زج...» (همو، همان)

➤ «... و إذا قربت من المنزل فأنزل عن دابتك ، وابدء بعلفها قبل نفسك ... و إذا نزلت فصل ركعتين قبل أن تجلس ، ...، فإذا ارتحلت فصل ركعتين ، و ودع الأرض التي حللت بها ، و سلم عليها و على أهلها ، فإن لكل بقعة أهلا من الملائكة... و إن استطعت أن لا تأكل طعاما حتى تبدأ فتصدق منه فافعل! ...» (همو، همان)

«مفاهيم اساسی تعريف مديريت اسلامی»: «تدبير»:

تذکرات کاربردی: مثال های اقسام عقلانیت

عقلانیت ارزشی جناب کمیل بن زیاد نخعی و ضعف عقلانیت تدبیری

➤ «و من کلام له (ع) لکُمیل بن زیاد النخعی - قال کُمیل بن زیاد - اخذ بيدي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) - فأخرجني إلى الجبان فلما أصررتنفس الصعداء - ثم قال يا كُمیل بن زیاد - إن هذه القلوب أوعية فخيرها أوعاها - فأحفظ عني ما أقول لك ...» (نهج، حکمت ۱۲۷، ۲۹۵)

➤ و من کتاب له (ع) إلى كميل بن زياد النخعي و هو عامله على هيت، ينكر عليه تركه دفع من يجتاز به من جيش العدو طالبا الغارة: **أما بعد فإن تضييع المرء ما وُلِّيَ و تكلفه ما كُفِيَ - لعجز حاضر و رأي متبر - و إن تعاطيك الغارة على أهل قرقيسيا - و تعطيك مسالحك التي وليناك - ليس بها من يمنعهها و لا يرُد الحيش عنها - ل رأي شعاع - فقد صرت جسرا لمن أراد الغارة - من أعدائك على أوليائك - غير شديد المنكب و لا مهيب الجانب - و لا ساد ثغرة و لا كاسر لعدو شوكة - و لا معني عن أهل مصره و لا مجز عن أميره»** (نهج، نامه ۶۱، ۲۵۱)

ضعف عقلانیت ارزشی زیاد بن ابیه، و توانمندی مديريت او:

➤ و من کتاب له (ع) إلى زياد ابن أبيه وقد بلغه أن معاوية كتب إليه يريد خديعته باستلحاقه: و قد عرفت أن معاوية كتب إليك - يستزل بك و يستغل غربك - فأحذره فإنما هو الشيطان - يأتي المرء من بين يديه و من خلفه - و عن يمينه و عن شماله - ليقتحم عقله و يستلب عرته - **و قد كان من أبي سفیان في زمن عمر بن الخطاب فلتة - من حديث النفس - و نزعة من نزعات الشيطان - لا يثبت بها نسب و لا يستحق بها إرث - و المتعلق بها كالواغل المدفع و التوط المدبذب»**

- فلما قرأ زياد الكتاب قال - شهد بها و رب الكعبة - و لم تزل في نفسه حتى ادعاه معاوية. (نهج، نامه ۲۲، ۲۱۶)

➤ و من کتاب له (ع) إلى زياد ابن أبيه - و هو خليفة عامله عبد الله بن عباس على البصرة - و عبد الله عامل أمير المؤمنين (ع) يومئذ عليها - و على كور الأهواز و فارس و كرمان وغيرها: **وإني أقسم بالله فسما صادقا - لئن بلغني أنك خنت من فيء المسلمين شيئا صغيرا أو كبيرا - لأشدن عليك شدة تدعك قليل الوفر - نقيال الظهر ضيل الأمر و السلام»** (نهج، نامه ۲۰، ۲۷۷)

➤ و من کتاب له (ع) إلى زياد أيضا: فدع الإسراف مقتصداً - و اذكر في اليوم غداً - و أمسك من المال بقدر ضرورتك - و قدم الفضل ليوم حاجتك - أترجو أن يعطيك الله أجر المتواضعين - و أنت عنده من المتكبرين - و تطمع و أنت متمرع في النعيم تمنعه الضعيف و الأرملة - أن يوجب لك ثواب المتصدقين - و إنما المرء مجزي بما أسلف و قادم على ما قدم و السلام» (نهج، نامه ۲۱، ۲۷۷)

«مفاهيم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدبیر»:

تذکرات کاربردی: مثال های اقسام عقلانیت

عقلانیت ارزشی و تدبیری مالک اشتر:

«معرفت به حقایق دین مبتنی بر قرآن و سنت» / «تبعیت از ولایت» / «عبودیت» / «علو روح» / «سرعت در راه حق» / «دوری از افراط و تفریط» /

«هشیاری و بیداری هنگام خطر» / «شجاعت و صلابت بر حق» / «خیرخواه امت» / فروتنی بر عموم و ضعفا / «شدت بر پرده دران تبهکار»:

➤ «وَقَالَ (ع) وَقَدْ جَاءَهُ نَعْيُ الْأَشْتَرِ رَحِمَهُ اللَّهُ - مَالِكٌ: وَمَا مَالِكٌ وَاللَّهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا - وَلَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صُلْدًا - لَا يَرْتَعِيهِ الْحَافِرُ وَلَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ» (نهج، حکمت ۴۲۳)

➤ «و من کتاب له (ع) إلی امیرین من امراء جیشہ: و قد امرت علیکم - و علی من فی حیزکم مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ - فَاسْمَعَا لَهُ و أَطِيعَا و اجْعَلَاهُ دِرْعًا و مِجَنًّا - فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهَنَهُ و لَا سَفَطَتُهُ، و لَا بَطُوهُ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، و لَا إِسْرَاعَهُ إِلَى مَا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْثَلُ» (نهج، نامه ۱۲، ۲۷۲)

➤ «و من کتاب له (ع) إلی أهل مصر لما ولی علیهم الأشتر، مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ غَضِبُوا لِلَّهِ - حِينَ

عَصِي فِي أَرْضِهِ وَذُهِبَ بِحَقِّهِ - فَضَرَبَ الْجَوْرُ سُرَادِقَهُ عَلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ - وَالْمُقِيمِ وَالطَّاعِينَ - فَلَا مَعْرُوفٌ يُسْتَرَاخُ إِلَيْهِ - وَلَا مُنْكَرٌ يَتَنَاهَى عَنْهُ -

أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ - لَا يَتَأَمُّ أَيَّامَ الْخَوْفِ - وَلَا يَتَكَلَّمُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ - أَشَدَّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِّقِ النَّارِ - وَهُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَحْوَّ مَدْحٍ - فَاسْمَعُوا لَهُ و أَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَابَقَ الْحَقَّ -

فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ - لَا كَلِيلُ الطَّبَةِ وَلَا نَابِي الضَّرْبَةِ - فَإِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا - وَإِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُقِيمُوا فَاقِيمُوا - فَإِنَّهُ لَا يُقَدِّمُ وَلَا يُخَجِّمُ - وَلَا يُؤَخِّرُ وَلَا يُقَدِّمُ إِلَّا عَنْ أَمْرِي - و قد أترتكم به على نفسي لتصيحتي لكم - و شدة شكيمته على عدوكم» (نهج، نامه ۲۸، ۴۱۱)

➤ «و من کتاب له (ع) كتبه للأشتر النخعي - لما ولاه على مصر وأعمالها حين اضطرب أمر أميرها محمد بن أبي بكر ، ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَمَرَهُ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ، فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ - حِينَ وَلاَهُ مِصْرَ حَيَاةَ خَرَايَها وَجِهَادَ عَدُوَّها - وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِها وَعِمَارَةَ بِلَادِها - أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِتِبَارِ طَاعَتِهِ - وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ - الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِها - وَلَا يَشْفَى إِلَّا مَعَ جُودِها وَإِضَاعِها - وَأَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ - فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِهِ مِنْ نَصْرِهِ وَإِعْزَازٍ مِنْ أَعْرَهِ - وَأَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ - وَيَزْعَمَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ - فَإِنَّ النَفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ - ثُمَّ اعْلَمْ يَا مَالِكُ - ...

وَأَرْدُدْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا بَضَلْتُمْ مِنَ الْخَطُوبِ - وَبَشْتِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ - فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمٍ أَحَبَّ إِرْشَادَهُمْ - * (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ - وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) * - فَالِرُّدُّ إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِمَحْكَمِ كِتَابِهِ - وَالرُّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَنِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمَفْرَقَةِ ... ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَالِكَ فَاسْتَعْمَلْتُمْ اخْتِبَارًا - وَلَا تَوْلَيْتُمْ مِحَابَةَ وَائِرَةً - فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ - وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاةِ - ... وَإِذَا قَمْتِ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ - فَلَا تَكُونَنَّ مَنفِرًا وَلَا مُصَيِّعًا - ...» (نهج، نامه ۵۲، ۲)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير»: تذكرات كاردى: مثال هاى اقسام عقلانيت: ويژگى مالك اشتر

❖ هو مالك بن الحارث بن عبد يغوث بن مسلمة بن ربيعة بن خزيمه بن سعد بن مالك ابن النخع بن عمرو بن علة بن خالد بن مالك بن ادد . وكان فارسا شجاعا رئيسا من اكابر الشيعة و عظامها ، شديد التحقق بولاء امير المؤمنين عليه السلام و نصره ، وقال فيه بعد موته :

«رحم الله مالكا ، فلقد كان لي كما كنت لرسول الله صلى الله عليه وآله!»: (شرح بن ابى الحديد، ١٥ / ٩٨)

❖ و قد روى المحدثون حديثا يدل على فضيلة عظيمة للأشتر رحمه الله ، و هي شهادة قاطعة من النبي صلى الله عليه و آله بأنه مؤمن ، روى هذا الحديث أبو عمر بن عبد البر في كتاب " الاستيعاب " في حرف الجيم ، في باب " جندب " قال أبو عمر : لما حضرت أبا ذر الوفاة و هو بالربذة بكت زوجته أم ذر ، فقال لها : ما يبكيك ؟ فقلت : ما لي لا أبكي و أنت تموت بغلاة من الأرض ، و ليس عندي ثوب يسعك كفنا ، و لا بد لي من القيام بجهازك ! فقال : أبشري و لا تبكي، فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول:

" لا يموت بين امرأين مسلمين ولدان أو ثلاثة ، فيصبران و يحتسبان فيريان النار أبدا " ، و قد مات لنا ثلاثة من الولد . و سمعت أيضا رسول الله صلى الله عليه و آله يقول لنفر أنا فيهم : " ليموتن أحدكم بغلاة من الأرض يشهده عصابة من المؤمنين " ، و ليس من أولئك نفر أحد إلا و قد مات في قرية و جماعه فأنا - لا أشك - ذلك الرجل ، و الله ما كذبت و لا كذبت ، فانظري الطريق ...

روى أبو عمر بن عبد البر قبل أن يروي هذا الحديث في أول باب جندب: كان نفر الذين حضروا موت أبي ذر بالربذة مصادفة جماعة، منهم حجر بن الأديب ، و مالك بن الحارث الأشتر»: (شرح بن ابى الحديد، ١٥ / ٩٨)

❖ «و من كتاب له (ع) إلى بعض عماله: مَا بَعْدُ فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ - وَأَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الأَئِمِّمِ - وَأَسْدُ بِهِ لَهَاةَ الثَّغْرِ المَخُوفِ - فَاسْتَعِنُ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ - وَاخْلُطِ الشَّدِيدَةَ بِضِعْفٍ مِنَ اللِّينِ - وَاِرْفِقْ مَا كَانَ الرِّفْقُ أَرْفَقَ - وَاَعْتَزِمُ بِالشَّدِيدَةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدِيدَةُ - وَاخْفِضِ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَاَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ - وَاَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ - وَاَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللِّحْظَةِ وَ النُّظْرَةِ وَ الإِشَارَةِ وَ النُّجْيَةِ - حَتَّى لَا يَطْمَعِ العُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ - وَاَلْيَأْسَ الضَّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ وَ السَّلَامِ » (نهج، نامه ٢٤، ٢٢١).

❖ روى الطبري هذا المكتوب في تاريخه [ج ٦ ص ٥٢] ، و قال: «إن المكتوب إليه هو الأشتر».

❖ فلما انقضى أمر الحكومة كتب علي إلى مالك الأشتر ، و هو يومئذ بنصيبين أما بعد ،

«فإنك ممن أستظهر به على إقامة الدين ، و أقمع به نخوة الأئيم ، و أسد به الثغر المخوف» (الغارات، ثقفى كوفى، ١ / ٢٥٨)»

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير»: تذكرات كاربردى: مثال هاى اقسام عقلانيت: ويژگى مالك اشتر

- ❖ «... إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيِّتُهُ أَمْرَ مِصْرَ - كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَعَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا - فَرَحِمَهُ اللَّهُ فَلَقَدْ اسْتَكْمَلَ أَيَّامَهُ - وَلَاقَى حِمَامَهُ وَنَحْنُ عَنْهُ رَاضُونَ - أَوْلَاهُ اللَّهُ رِضْوَانَهُ وَضَاعَفَ الثَّوَابَ لَهُ -...» (نهج/نامه ۲۴، ۲۰۸)
- ❖ مالك بن الحارث ، الأشتر قدس الله روحه ، ورضي عنه : جليل القدر ، عظيم المنزلة ، كان اختصاصه بعلي عليه السلام أظهر من أن يخفي ، و تأسف أمير المؤمنين عليه السلام بموته ، وقال : (لقد كان لي كما كنت لرسول الله صلى الله عليه وآله) . قاله العلامة . (وسائل الشيعة، ۲/ ۲۵۳)
- ❖ « عن المفضل بن عمر ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) ، قال : « إذا قام قائم آل محمد (صلى الله عليه وآله) استخرج من ظهر الكوفة سبعة و عشرين رجلا ، خمسة عشر من قوم موسى الذين يقضون بالحق و به يعدلون ، و سبعة من أصحاب الكهف ، و يوشع وصي موسى ، و مؤمن آل فرعون ، و سلمان الفارسي ، و أبا دجاجة الأنصاري ، و مالك الأشتر » . (عياشى، ۲/ ۳۲؛ البرهان، بحراني، ۲/ ۵۹۶)
- ❖ و روى المفضل بن عمر ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : " يخرج القائم عليه السلام من ظهر الكوفة سبعة و عشرين رجلا ، خمسة عشر من قوم موسى عليه السلام الذين كانوا يهدون بالحق و به يعدلون ، و سبعة من أهل الكهف ، و يوشع بن نون ، و سلمان ، و أبا دجاجة الأنصاري ، و المقداد ، و مالكا الأشتر ، فيكونون بين يديه أنصارا وحكاما» . (الارشاد، مفيد، ۲/ ۲۸۶)

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «ولایی»:

۱. «ولایی الهی»،

«سرپرستی توأم با دوستی، عشق و محبت»

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور...» (بقره/)

«ولایت الهی» در سطح غیرمعصومین در دو مرتبه مطرح است:

❖ ولایت الهی اهل اسلام به یکدیگر:

در روابط افقی و عمودی {خانوادگی، اجتماعی (سازمان ها، و نهادهای)، حکومتی و روابط بین الملل}:

«المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» (توبه/ ۷۱).

❖ ولایت الهی-فطری انسانها نسبت به یکدیگر:

در روابط افقی و عمودی (خانوادگی، اجتماعی (سازمان ها، و نهادهای)، حکومتی و روابط بین الملل}:

«و ما لکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین ...

و اجعل لنا من لادک ولیا و اجعل لنا من لادک نصیرا» (نساء/ ۷۵).

۲. «ولایی شیطانی»:

«سرپرستی توأم با ادعای دوستی، عشق و محبت»

«و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات، اولئک اصحاب النار؛ هم فیها خالدون» (بقره/)

«کتب علیه انه من تولاه یضله و یردیه الی عذاب السعیر» (حج/)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «ولایى»:

رهنمودهای کاربردی: استعاره های تدبیر ولایى:

❖ مظهر سرپرستی خدا:

- «والذین تبوءالدار و الايمان من قبلهم یحبون من هاجر الیهم و لا یجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا؛ و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة؛ و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» (حشر/۹)
- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الخلق کلهم عیال الله، و أحبهم إلى الله عز و جل أنفعهم لعیاله» (قرب الاسناد حمیری، ۱۲۰)
- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): الخلق عیال الله فأحب الخلق إلى الله من نفع عیال الله و أدخل علی أهل بیت سرورا». (کافی، ۲/ ۱۶۴)

❖ رابطه پدر با فرزندان:

➤ «... و ما جعل علیکم فی الدین من حرج؛ ملة ابيکم ابراهیم؛ هو سميکم المسلمین ...» (حج/۷۸)

➤ «انما المؤمنون اخوة؛ ...» (حجرات/۱۰)

➤ «انا و علی ابوا هذه الامة» امام رضا(ع) از پیامبر(ص): (علل الشرايع، ۱/ ۱۲۷)

➤ «الامام، الانیس الرفیق، و الوالد الشفیق» امام رضا(ع): (کافی، ۱/ ۲۰۰)

➤ «لا تصلح الامامة الا لرجل فيه ثلاث خصال: ورع یحجزه عن معاصي الله، و حلم یملك به غضبه، و حسن الولاية علی من یلی حتی یكون لهم کالوالد الرحیم(لرعية کالاب الرحیم)» امام باقر(ع) از پیامبر(ص): (همان، ۱/ ۲۰۷)

➤ «...ثم تَعَقَّدْ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَعَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا...» (نهج، نامه ۵۳)

❖ رابطه مرغ با جوجه ها:

➤ «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء/۲۱۵)

➤ «و اخفض جناحک للمؤمنین» (حجر/۸۸).

❖ رابطه پزشک ورزیده دلسوز با بیمار:

➤ «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین...» (اسراء/۸۲)

➤ «طیبٌ دَوَّارٌ یطیبه قد أحکم مراهمه - و أحمی مَواسمه یضع ذلك حیثُ الحاجة إلیه - من قلوب عُمي و آذان صُم - و السنة یکم - فتتبع بدوانه مواضع الغفلة - و مواطن الحيرة لم یستضئوا بأضواء الحکمة - و لم یغدخوا بزناد العلوم الثاقبة - فهم فی ذلك کالانعام السائمة - و الصخور القاسية...» (نهج، ح ۱۰۸)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «ولايى»: رهنمودهاى كاربرى: ويژگى هاى كلى مدير مدبر ولايى:

■ مديريت قرآن محور:

«ان هذا القرآن يهدى للتى هى احسن...» (اسراء/ ٩)

«استجيبوا لله و الرسول اذا دعاكم لما يحييكم؛ و اعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه؛ و انه اليه تحشرون» (انفال/ ٢٤)

■ مديريت تدبيرى اهل تجربه و تخصص:

اهل تدبر: ژرف انديشى و عاقبت انديشى / اعمال تدبر

■ مديريت ولايى:

«يحبون من هاجر اليهم...» (حشر/ /) «المؤمنون و المؤمنات، بعضهم اولياء بعض...» (توبه /)

■ مديريت اهل قربت الهى:

«يا قوم اتبعوا المرسلين؛ اتبعوا من لا يسئلكم اجرا و هم مهتدون» (يس/ ٢٠-٢١)

■ مديريت «نور على نور»:

جمع عقل و دين / تعبد فوق عقلى به دين

«نور على نور؛ يهدى الله لنوره من يشاء...» (نور/ ٢٥)

«كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آياته و ليتذکر اولوا الالباب» (ص/ ٢٩)

«والراسخون فى العلم يقولون آمنا به كل من عند ربنا...» (ال عمران/ ٨)

■ مديريت مادرانه ايمانى: استعاره مرغ با جوجه:

■ مديريت پدرى ايمانى:

«فضل كافل يتيم آل محمد، المنقطع عن موالیه، الناشب في تيه الجهل يخرجه و يوضح له، على فضل كافل يتيم يطعمه و يسقيه، كفضل الشمس على السها»: (تفسير منسوب به امام حسن عسكرى(ع): ص ٣٢١)

■ مديريت طبابت دلسوزانه:

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «تدبير ولايی»:

رهنمودهای کاربردی: تذکرها و هشدارها

► ترجیح غیر بر خودی در شرایط تساوی:

❖ "كان لي فيما مضى، اخ في الله؛ و كان يعظمه في عيني، صغر الدنيا في عينه؛ ... و كان اذا بده امران، ينظر أَيْهما أقرب إلى الهوى، فيخالقه"؛ (نهج /)

► حق مدیریت اسلامی در آخر صف حقوق ضایع شده در مدیریت های گذشته!:

❖ حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال : حدثنا أحمد بن سعيد الهمداني قال حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضال عن أبيه عن أبي الحسن الرضا (ع) قال :

سألته عن أمير المؤمنين لم لم يسترجع فدكا لما ولي امر الناس ؟ فقال(ع) : «لأننا أهل بيت إذا ولينا الله عز وجل لا يأخذ لنا حقوقنا ممن ظلمنا الا هو ؛ و نحن أولياء المؤمنين إنما نحكم لهم و نأخذ لهم حقوقهم ممن ظلمهم و لا نأخذ لأنفسنا» . (عيون اخبار الرضا(ع)، ٢ / ٩٢؛ علل الشرايع، ١ / ١٥٥)

► حکم خیانت در عدم اهتمام و خیر خواهی برای برادر مومن:

❖ "عن أبي بصير قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: "أما رجل من أصحابنا استعان به رجل من إخوانه في حاجة فلم يبالغ فيها بكل جهده فقد خان الله و رسوله و المؤمنين قال أبو بصير قلت لأبي عبد الله عليه السلام ما تعني بقولك و المؤمنين قال من لدن أمير المؤمنين عليه السلام إلى آخرهم".

❖ "عن سماعة قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: "أما مؤمن مشى مع أخيه المؤمن في حاجة فلم يناصره فقد خان الله تعالى و رسوله (ص)".

❖ "عن أبي جميلة قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: "من مشى في حاجة أخيه ثم لم يناصره فيها كان كمن خان الله تعالى و رسوله و كان الله تعالى خصمه". (كافي ٢ / ٣٦٣)

► مجازات قاضی طالب حق برای خویشان

❖ عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد وعلی ابن إبراهيم عن أبيه جميعا عن ابن محبوب عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر (ع) كان في بني إسرائيل قاض

كان يقضى بالحق فيهم فلما حضره الموت قال لامراته إذا أنا مت فاغسليني و كفيني و ضعيني على سريري و عطى وجهي فانك لا ترين سوء فلما مات فعلت ذلك ثم مكثت بذلك حينا ثم انها كشفت عن وجهه لتنظر اليه فإذا هي بدودة تقرض منخره ففرغت من ذلك فلما كان الليل أتاها في منامها فقال لها أفزعك ما رأيت قالت أجل لقد فرغت فقال لها: اما لئن كنت فرغت ما كان الذي رأيت الا في أخيك فلان أتاني و معه خصم له فلما جلسا إلى قلت اللهم اجعل الحق له و وجه القضاء على صاحبه فلما اختصما إلى كان الحق له و رأيت ذلك بينا في القضاء فوجهت القضاء له على صاحبه فأصابني ما رأيت لموضع هواي كان مع موافقة الحق.(كافي، ٧ / ٤١٠؛ تهذيب، ٦ / ٢٢٢)

«باسناده إلى الصدوق عن محمد بن موسى بن المتوكل عن عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليها السلام قال كان قاض في بني إسرائيل و ذكر نحوه . (مسندرك ٣٥٥ ج ١٧ - القطب الراوندي في قصص الأنبياء) / عن أبيه قال أخبرني أبو بكر محمد بن عمر الجعابي قال حدثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد الهمداني قال حدثنا علي بن الحسين بن عبد الله بن أسلم قال حدثني أبي قال حدثنا معاوية بن سفيان المزني قال حدثني محمد بن إسماعيل بن الحكم عن أبي جعفر محمد بن علي عليهما السلام نحوه . (أمالي ابن الطوسي، ١ / ١٢٤)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «تدبير ولايی»:

رهنمودهای کاربردی: تذکرها و هشدارها

رد صلاحیت مشتاقان پست و مقام:

❖ "عن أبي موسى ، قال : دخلت على النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) أنا و رجلان من بني عمّي؛ فقال أحد الرجلين: يا رسول الله؛ أمرنا على بعض ما ولاك الله - عزّ وجلّ - . و قال الآخر مثل ذلك ، فقال (صلى الله عليه و آله و سلم):
"إِنَّا و الله لا نؤلي على هذا العمل، أحداً سأله و لا أحداً حرص عليه". (صحيح مسلم، ۳/۱۴۵۶)

حکم خیانت در ترجیح غیر اصلح:

- ❖ "أیما رجل استعمل رجلا على عشرة أنفس علم أنّ في العشرة أفضل ممن استعمل فقد غشّ الله و غشّ رسوله و غشّ جماعة المسلمين".
حذیفة از پیامبر اسلام (ص): (کنز العمال، ۶/۱۹)
- ❖ "من استعمل عاملا من المسلمين و هو يعلم أنّ فيهم أولى بذلك منه و أعلم بكتاب الله و سنّة نبيّه فقد خان الله و رسوله و جميع المسلمين".
ابن عباس ، از رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) : (سنن النبي، بيهقي، ۱۰/۱۱۸؛ الغدير، اميني، ۸/۲۹۱)
- ❖ "من استعمل رجلا من عصابة و فيهم من هو أرضى لله منه فقد خان الله و رسوله و المؤمنین". ابن عباس، از پیامبر (ص) (کنز العمال، ۶/۲۵)
- ❖ "من تولى شيئا من أمور المسلمين، فولى رجلا، شيئا من أمورهم؛ و هو يعلم مكان رجل هو أعلم منه، فقد خان الله و رسوله و المؤمنین".
(ص): (معجم الكبير طبرانی، ۱۱/۱۱۴)

❖ "عن على (عليه السلام): أنه كتب إلى رفاعه، قاضيه على الأهواز:

"اعلم يا رفاعه، إنّ هذه الإمارة، أمانة؛ فمن جعلها خيانة فعليه لعنة الله إلى يوم القيامة؛ و من استعمل خائناً، فإنّ محمداً (صلى الله عليه و آله و سلم) برئ منه في الدنيا و الآخرة". (دعائم الاسلام، ۲/۵۳۱)

حکم خیانت صاحب منصب با علم به افضل از خود:

❖ "من تقدم على قوم من المسلمين وهو يرى أنّ فيهم من هو أفضل منه فقد خان الله و رسوله و المسلمين". (ص):

(تمهيد باقلانی، ۱۹۰، الغدير، ۸/۲۹۱)

❖ «من دعا الناس إلى نفسه و فيهم من هو أعلم منه فهو مبتدع ضال»: (بحار، ۷۵/۲۵۴)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير ولايى»: رهنمودهاى كاربردى: تذكرها و هشدارها

■ آفت اقا زادگى در انحراف خانواده ها و سلسله مراتب مديران:

❖ "يا ايها الذين آمنوا؛ إنّ من أزواجكم و اولادكم عدوا لكم فاحذروهم..." (تغابن/١٤)

❖ إنّما اموالكم و اولادكم فتنة؛ و الله عنده اجر عظيم" (تغابن/١٥)

❖ "و اما الغلام فكان ابواه مؤمنين؛ فخشنا ان يرهقهما طغيانا و كفرا" (كهف/٨٠)

❖ "ما زال الزبير رجلا منا، أهل البيت؛ حتى نشأ ابنه المشؤم عبد الله" (سيد رضى، نهج، حكمت ٢٥٢)

❖ "و قال علي عليه السلام ما زال الزبير منا أهل البيت حتى نشأ ابنه المشؤوم عبد الله. (ينابيع المودة، قندوزى، ١/٤٥٠)

❖ "سمعت شيخنا محمد بن الحسن رضى الله عنه يروي أن الصادق عليه السلام قال : "ما زال الزبير منا، أهل البيت، حتى أدرك فرخه؛ فنهاه عن رأيه". (خصال، صدوق، ١٥٧)

❖ "كان علي يقول: ما زال الزبير منا، أهل البيت، حتى نشأ بنوه؛ فصرفوه عنا". (بحار، مجلسى، ٢٨/٢٢٧)

❖ "كان علي رضى الله عنه يقول: ما زال الزبير منا، أهل البيت، حتى نشأ له عبد الله".

(اسد الغابة، ابن أثير جزري، ٢٢٣، ١٤٢، ٣/١٤٢؛ الاستيعاب، ابن عبد البر، ٣/٩٠٦)

❖ "و في رواية: أن علياً لما التقى بالزبير، قال له:

«كنا نعدك في خيار بني عبد المطلب؛ حتى بلغ ابنك السوء، ففرّق بيننا».

(تذكرة الخواص، سبط ابن جوزى، ٧١) .

❖ "قال الزبير: والله ما كان أمر قط إلا عرفت أين أضع قدمي فيه، إلا هذا الامر، فإني لا أدري: أمقبل أنا فيه أم مدبر!؛ فقال له ابنه عبد الله: كلا، و لكنك فرقت سيوف ابن أبي طالب؛ و عرفت أن الموت الناقع تحت رايته. فقال الزبير: ما لك أخزأك الله من ولد ما أشأمك! كان أمير المؤمنين عليه السلام، يقول: ما زال الزبير منا أهل البيت، حتى شب ابنه عبد الله". (نهج، شرح ابن ابى الحديد، ٢/١٤٧؛ ٤/٧٩، ٦/١١)

■ «ما كان أحد ادفع عن عثمان من علي رضى الله عنه فقيل له: ما لكم تسبونى على المنابر؟ قال: انه لا يستقيم لنا الامر الا بذلك!» (الصواعق المحرقة ص ٣٣)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير ولايى»:

رهنمودهاى كاربرى: تذكرها و هشدارها

- روى محمد بن سعيد الأصفهاني ، عن شريك ، عن محمد بن إسحاق ، عن عمرو بن علي ابن الحسين ، عن أبيه علي بن الحسين عليه السلام ، قال قال لي مروان ما كان في القوم ادفع عن صاحبنا من صاحبكم قلت فما بالكم تسبونونه على المنابر قال إنه لا يستقيم لنا الامر الا بذلك . (شرح ابن ابى الحديد، ١١٣ / ٢٢٠)
- روى مالك بن إسماعيل أبو غسان النهدي ، عن ابن أبي سيف ، قال خطب مروان و الحسن عليه السلام ، جالس فقال من علي عليه السلام فقال الحسن ويلك يا مروان أهذا الذي تشتم شر الناس قال لا ، و لكنه خير الناس . (همو، همان)
- و روى أبو غسان أيضا ، قال قال عمر بن عبد العزيز كان أبى يخطب فلا يزال مستمرا في خطبته ، حتى إذا صار إلى ذكر على و سبه تقطع لسانه ، و اصفر وجهه ، و تغيرت حاله ، فقلت له في ذلك ، فقال أو قد فطنت لذلك ، إن هؤلاء لو يعلمون من على ما يعلمه أبوك ما تبعنا منهم رجل» (شرح ابن ابى الحديد، ١١٣ / ٢٢١)
- «و روى عثمان بن سعيد ، قال حدثنا مطلب بن زياد ، عن أبي بكر بن عبد الله الأصبهاني ، قال كان دعى لبني أمية يقال له خالد بن عبد الله ، لا يزال يشتم عليا عليه السلام ، فلما كان يوم جمعة ، و هو يخطب الناس ، قال و الله إن كان رسول الله ليستعمله ، و انه ليعلم ما هو و لكنه كان ختنه ، و قد نعس سعيد بن المسيب ففتح عينيه ، ثم قال ويحكم ما قال هذا الخبيث رأيت القبر انصدع و رسول الله صلى الله عليه و آله يقول كذبت يا عدو الله» . (شرح ابن ابى الحديد، ١١٣ / ٢٢٢)

«مفاهيم اساسی تعريف مديريت اسلامی»: «تدبير ولايی»:

رهنمودهای کاربردی: تذکرها و هشدارها

عوامل افت اقازادگی:

❖ دل بستگی به دنیا، خصوصاً زن و بچه:

➤ «زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين، و القناطير المقنطرة من الذهب و الفضة و الخيل المسومة و الانعام و الحرث ذلك متاع الحياة الدنيا؛ و الله عنده حسن المآب» (ال عمران/ ۱۴)

➤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛

وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (انفال/ ۲۷- ۲۸)

➤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِن تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تغابن/ ۱۴)

❖ عدم اداء حق فقراء و مساكين:

➤ «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ الْجُنْبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا؛ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا؛

وَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛

وَ مَا دَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَعُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا» (نساء/ ۳۶- ۳۹)

➤ «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (توبه/ ۶۷)

➤ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ؛ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ؛ وَ لَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ؛

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ؛ وَ يَمْتَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون/ ۱-۷)

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «تدبیر ولایی»:

رهنمودهای کاربردی: تذکرها و هشدارها

❖ تبعیت از هوای نفس و تساهل و تسامح در ضوابط الهی

❖ قفل دل و عدم درک سخن خدا

❖ بدعت در دین خدا

➤ ائتلاف و رفاقت علی غیر دین الله:

➤ وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا (فرقان/ ۲۷- ۲۹)

➤ «فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ؛ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ؛ يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ؛ أَيْدَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَنِنَا لَمَدِينُونَ؛

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ؛ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ؛ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لِتُرَدِّينَ؛ وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ» (صفات/ ۵۰- ۵۷)

➤ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْعَالُهَا؛ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَى لَهُمْ؛

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ؛

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ؛

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/ ۲۲- ۲۸)

➤ «إِنَّمَا بَدَأَ وُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ؛ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ؛ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ - لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُرْتَادِينَ - وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ - انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ - وَ لَكِنْ يُؤَخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرَجَانِ - فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ؛ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى» (نهج، خ ۵۰، ص ۸۸)

❖ پرونده اعمال تشکیلاتی و سازمانی:

➤ وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَانِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (جاثیه/ ۲۸)

«مفاهيم اساسی تعريف مدیریت اسلامی»: «تدبير ولايی»:

رهنمودهای کاربردی: راه کارهای مصونیت

❖ مسجد محوری:

➤ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه / ۱۸)

➤ مستدرک ۲۲۷ - القطب الراوندي في لب اللباب ، عن النبي صلى الله عليه و آله قال :

المساجد بيوت المتقين ، و من كانت المساجد بيته ضمن الله له بالروح و الراحة و الجواز على الصراط .

❖ محوریت جوانان در اداره مسجد:

➤ فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ؛

و قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ؛ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

و نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (يونس/ ۸۳- ۸۶)

❖ شهرک و محله اهل ایمان!:

➤ وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (يونس / ۸۷)

❖ جلسات هفتگی چرخشی بحث قران و حدیث خانوادگی بستگان و اهل ایمان (جامع، مختصر و مفید، پر و پیمان!):

➤ «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : إن الله عز وجل يقول : **تذاكر العلم بين عبادي مما يحيى عليه القلوب الميتة إذا هم انتهوا فيه إلى أمرى**». (كافى، ۱ / ۲۰)

➤ «محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد ، عن عبد الله بن محمد الحجال، عن بعض أصحابه رفعه قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : **تذاكروا و تلاقوا و تحدثوا فإن الحديث جلاء للقلوب ، إن القلوب لترين كما يرين السيف جلاؤها الحديث**» (كافى، ۱ / ۲۱)

➤ علي ، عن محمد بن عيسى ، عن يونس ، عن ذكره ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

«**أف لرجل لا يفرغ نفسه في كل جمعة لأمر دينه فيتعاهده و يسأل عن دينه ، و في رواية أخرى، لكل مسلم**». (كافى، ۱ / ۲۰)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير ولايى»:

رهنمودهاى كاربردى: راه كارهاى مصونيت

❖ نظام رسمى تعليم و تربيت اسلامى (سلامت علمى و اخلاقى محيط مدارس و آموزشگاه ها):

➤ حرکت بسوى نظام تعليم تربيت اسلامى سه مرحله اى عمومى (سيادت، عبوديت، وزارت)

➤ هماهنگى فرهنگى خانواده دانش آموزان

❖ معاشرت با اولياء الله در امور معنوى؛ معاشرت با فقراء و مساكين در امور مادى!:

➤ «عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد البرقي ، عن شريف بن سابق ، عن الفضل بن أبي قرة ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قالت الحواريون لعيسى : يا روح الله ! من نجالس ؟

قال(ع): من يذكركم الله رؤيته، و يزيد في علمكم منطقته و يرغبكم في الآخرة عمله» (كافى، ١ / ٣٩)

➤ «عنه ، عن عثمان بن عيسى ، عن محمد بن عجلان قال : كنت عند أبي عبد الله (عليه السلام) فدخل رجل فسلم ،

فسأله كيف من خلفت من إخوانك ؟ قال : فأحسن الثناء و زكى و أطرى،

فقال(ع) له : كيف عيادة أغنيائهم على فقرائهم ؟ فقال : قليلة ،

قال(ع) : و كيف مشاهدة أغنيائهم لفقرائهم؟ قال : قليلة ،

قال(ع) : فكيف صلة أغنيائهم لفقرائهم في ذات أيديهم ؟ فقال : إنك لتذكر أخلاقا قل ما هي فيمن عندنا ، قال :

فقال(ع) : فكيف تزعم هؤلاء أنهم شيعة!». (كافى، ٢ / ١٧٣)

➤ علي ، عن أبيه ، عن محمد بن زياد ، عن صندل ، عن أبي الصباح الكناني قال : قال أبو عبد الله (عليه السلام) :

«لقضاء حاجة امرء مؤمن أحب إلى [الله] من عشرين حجة كل حجة ينفق فيها صاحبها مائة ألف». (كافى، ٢ / ١٩٣)

❖ آثار معاشرت با اغنياء:

➤ وفي (المجالس) عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد ، عن الحسين بن الحسن بن أبان ، عن الحسين بن سعيد ، عن فضالة بن أيوب ، عن يحيى الحلبي عن أبيه ، عن عبد الله بن سليمان ، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام أنه قال لرجل :

«يا فلان لا تجالس الأغنياء فإن العبد يجالسهم و هو يرى أن لله عليه نعمة . فما يقوم حتى يرى أن ليس لله عليه نعمة!» (وسائل الشيعة، ٨ / ٤٢١)

«مفاهيم اساسى تعريف مديريت اسلامى»: «تدبير ولايى»: رهنمودهاى كاربردى: آثار تدبير ولايى عدل محور

■ الديلمي رفعه إلى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) انه قال :

من ولى من أمور أمتي شيئاً فحسنت سيرته [سيرته] رزقه الله الهيبة في قلوبهم؛

و من بسط كفه إليهم بالمعروف رزقه الله المحبة منهم؛

و من كف عن أموالهم وقر الله ماله؛

و من أخذ للمظلوم من الظالم كان معي في الجنة مصاحباً؛

و من كثر عفوهُ مدّ في عمره؛

و من عم عدله نصر على عدوه؛

و من خرج من ذلك المعصية إلى عزّ الطاعة أنسه الله بغير أنيس؛ و عزّه بغير عشيرة؛ و أعانه بغير مال»

(أعلام الدين : ١٨٤ . و نقل عنه في بحار الأنوار : ٧٢ / ٢٥٩ ح ٧٥) .

■ «حسن السيرة، عنوان حسن السيرة» أمير المؤمنين (عليه السلام) : (غرر الحكم، الأمدي: ح ٢٨٢٤) .

■ « من سائت سيرته، سرّت منيته!» أمير المؤمنين (عليه السلام) : (غرر الحكم؛ الأمدي: ح ٧٩٢٢) .

■ «الكليني ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : قال رسول الله (ص) :

«إياكم و دعوة المظلوم فإنها ترفع فوق السحاب حتى ينظر الله عزّ وجلّ إليها فيقول ارفعوها حتى أستجيب له؛

و إياكم و دعوة الوالد فإنها أحدّ من السيف» (الكافي : ٢ / ٥٠٩ ح ٣) .

■ «الكليني ، عن عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد ، عن علي بن الحكم ، عن عمر بن أبان ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال قال رسول

الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«الخير كلّهُ في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس إلاّ السيف و السيوف مقاليد الجنة و النار» (الكافي : ٥ / ٢ ح ١) .

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «ولایی»:

رهنمودهای کاربردی: تدبیر ولایی:
مدیریت تحول فرهنگی

► **مدیریت فرهنگی:**

«**تدبیر ولایی الهی** امور فرهنگی «نظامات انفسی و آفاقی»

به غرض نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی،

در ارتباطات چهارگانه انسانی (ارتباط با خود، با خداوند، با دیگران و با نظام خلقت)»

► **فرایند مدیریت تحول بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتار جوانان:**

«مدیریت تحول فرهنگی»: «راهبرد‌ها و فرایند فرهنگ سازی»:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم؛ یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة؛

و ان کانوا من قبل لغی ضلال مبین» (جمعه/۳)

❖ **راهبرد تلاوت: «مدیریت تحول بینش»:**

«تبیین صحیح ارزش‌ها + ارائه الگوی عملی»

❖ **راهبرد تزکیه: «مدیریت تحول گرایش و منش»:**

«ارائه الگوی اخلاقی + تحول اعتقادی و اخلاقی جامعه»

❖ **راهبرد تعلیم کتاب و حکمت: «مدیریت تحول الزامات رفتاری»:**

ارائه الگوی فقهی حقوقی + تحول بینشی رفتاری جامعه در «تقید به الزامات دینی، و بینش فلسفه الزامات»

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»: «ولایی»:

رهنمودهای کاربردی: تدبیر ولایی:

مدیریت تحقق ارزشها

❖ «مدیریت تحقق ارزشها و راهبرد های اجرا»:

«ما ننسخ من آية او ننسها نأت بخیر منها لو مثلها؛ الم تعلم ان الله علی کل شیء فذیر» (بقره/۱۰۶)

• **راهبرد قاطعیت در اجرا:**

«حکم قابل تحقق»: (نماز، روزه و ...)

• **راهبرد تدریج در اجرا:**

«عدم ظرفیت فعلی تحقق: مرحله بندی حکم»:

(معضلات صدر اسلام: ربا، شرابخواری، فحشاء، و ...)

• **راهبرد تاخیر در اجرا:**

«عدم ظرفیت فعلی تحقق و غیر قابل مرحله بندی حکم»:

(معضلات صدر اسلام: بی حجابی، نفوذ فرهنگی اهل کتاب، و ...)

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»:

مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی:

موضوع مدیریت اسلامی در سطح غیرمعصومین، ناظر به «نفس»، «خانواده»، «جامعه» (سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی)، «نظام حاکم بر جامعه» و «نظام روابط بین الملل» است.

این مجموعه‌ها، به طور طبیعی، «مخلوقات جمادی، نباتی و حیوانی» مرتبط با زندگی انسان‌ها را نیز، دربرمی‌گیرد.

- مقصود از «نفس» (فرد) به عنوان «مجموعه منسجم سلسله مراتبی» «روح انسانی»، با عنایت به «قوای نفسانی» است که عقل آن قوا را مدیریت می‌کند.

- «خانواده» یک مولفه اساسی در «مبانی مدیریت اسلامی»، و یک «کلان موضوع» در «مسائل مدیریت اسلامی» است.

❖ «خانواده محوری در تدبیر نظامات اسلامی»،

نظریه بنیادین حاکم، در مکتب مدیریتی اسلام:

«اقتضائات اصیل مادی و معنوی «خانواده» محور تدبیر تمامی سازمان‌های اجتماعی است»

و «سازمان‌ها و نهادهای حاکم اجتماعی، ابزارهایی در خدمت رشد و تعالی خانواده است»

و «خانواده، بستر شکوفایی و قرب الهی انسان می باشد»؛

این نظریه پایه، در سند «سیاست‌های کلی خانواده»، مورد تأکید واقع شده است.

- در فرهنگ قرآنی، «مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی» در سطح عالم انسانی و عالم خلقت، «امت» نامیده شده است:

«و ما من دابه فی الارض و لا طائر یطیر یجناحیه الا امم امثالکم»: (انعام/۲۸ و ...).

«مفاهیم اساسی تعریف مدیریت اسلامی»:

۴. «اهداف»:

• «اهداف مادی و معنوی تشکیلاتی (کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت)»،

• «اهداف غایی (کمال رشد و قرب الهی)»

«اهداف غایی» جهت دهنده و کنترل کننده «اهداف تشکیلاتی سازمان های اسلامی» است.

«بهره‌وری» (اثربخشی+کارایی) از ملاکات اساسی سنجش توفیق در اهداف اساسی هر سازمان است.

«دنیا و آخرت»، قلمرو زندگی آدمی است.

بهره‌وری مطلوب در مدیریت اسلامی:

«بهره‌وری دنیوی و اخروی» و «مادیات در خدمت معنویات»

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا؛ و احسن کما احسن الله الیک و لاتبغ الفساد فی الارض؛ ان الله لا یحب المفسدین» (قصص/۷۷)

۵. ارزش‌های اسلامی

«ارزش‌ها»، «مطلوبیت‌های در راستای رسیدن به اهداف مادی و معنوی است».

تمامی گزاره‌های اسلامی اعم از توصیفی و تجویزی در منطق اسلام، هر یک، سهمی را در رسیدن به اهداف اسلامی دارا می‌باشد؛ از این رو، همه آنها، مطلوبند و ارزش‌های اسلامی تلقی می‌شوند.

«گستره ارزش‌های اسلامی»،

همه حوزه‌های «مبانی محتوایی و روشی» و همه حوزه‌های «مسائل مدیریت اسلامی (نظری و الگویی)» را در بر می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش در مدیریت اسلامی: «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»

«روش‌شناسی اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»:

«روش جامع نقلی و حیانی، عقلی، تجربی، و شهودی است

که با مراجعه به منابع تکوینی و تشریحی و با تکیه بر مبانی مدیریت اسلامی،

پاسخ‌های معتبر، برای مسائل مدیریت اسلامی ارائه می‌کند».

«اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی، دارای مراتب تشکیکی» و «منابع آن»، «منابع تشریحی و منابع تکوینی است».

بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی:

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

مقدمه: قرآن و مدیریت

گفتار اول: مبانی «هستی شناسی خالق»

گفتار دوم: مبانی «هستی شناسی مخلوق»

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الإنسان من علق» «إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الإنسان ما لم يعلم»
«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ إن إلى ربك الرجعى» (علق / ۱-۸)

❖ مسائل مدیریتی شب بعثت:

➤ منصب نبوت و ولایت:

• «انتصاب پیامبر اسلام (ص) به مدیریت و رهبری نظام خلقت و عالم انسانی»

• انتصاب امیر مؤمنان (ع) به وزارت و قائم مقامی پیامبر اسلام:

«اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی؛ اشدد به ازری و اشركه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک کثیرا...» (طه /)

«انت منی بمنزلة هارون من موسى؛ الا انه لا نبی بعدی» (ص): (...)

«اری نور الوحی و اشم ریح النبوة؛ ... انک تسمع ما اسمع و تری ما اری؛ الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر» (نہج، خ قاصعه)

«و عنه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه قال: "وقف النبي (صلى الله عليه و آله) بعرج ثم قال:

«اللهم، إن عبدك موسى دعاك فاستجبت له، و ألقيت عليه محبة منك، و طلب منك أن تشرح له صدره، و تيسر له أمره، و تجعل له وزيرا من أهله، و تحل العقدة من لسانه؛ و انا أسألك بما سألك عبدك موسى أن تشرح به صدري، و تيسر لي أمري ، و تجعل لي وزيرا من أهلي عليا أخي» (قرب الاسناد، ص ۲۷) .

«يا سلمان ، إن موسى سأل ربه أن يجعل له وزيرا من أهله فجعل له أخاه هارون وزيرا . و إنني سألت ربي أن يجعل لي وزيرا من أهلي فجعل لي أخي أشد به ظهري و أشركه في أمري؛ فاستجاب لي كما استجاب لموسى في هارون .

يا سلمان ، لولا أن تفرط أمتي في أخي علي كإفراط النصارى في عيسى بن مريم لقلت فيه مقالة يتبعون آثار قدميه في التراب يقبلونه .(كتاب سليم، ص ۴۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

➤ مطالعه شهودی لوازم منصب مدیریت و رهبری:

• مطالعه شهودی کلی عوالم و منابع انفسی و آفاقی سازمان خلقت:

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الانسان من علق» (علق/۱-۲)

«و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين» (انعام/)

• مطالعه شهودی کلی سیر تاریخی عملکرد مدیریت و رهبری انبیاء اولوا العزم در عالم انسانی:

«إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الانسان ما لم يعلم»؛

«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ ان الى ربك الرجعى» (علق/۲-۸)

❖ سیر کلی مدیریت الهی در جذب، گزینش و تربیت مدیران و رهبران الهی {انبیاء و اولیاء معصوم(ع) به ویژه پیامبر اسلام(ص)}:

➤ مقدمه:

«اشترکات و تمایزات در الگو گیری از مدیریت الهی، براساس ملاک وسع و امکانات (فعلی و تقدیری) غیر معصومین»

«لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره/۲۸۶) / «لا یكلف الله نفسا الا ما آتیها» (طلاق/۷)

«فلما فصل طالوت بالجنود؛ ... ان الله مبتلیکم بنهر ... قالوا: لا طاقة لنا الیوم بجالوت و جنوده؛

قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله: کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بأذن الله؛ و الله مع الصابرين ... ربنا افرغ علينا صبرا و ...» (بقره/۲۵۰-۲۴۹)

«الا لله الذین الخالص...» (زمر/۲) / «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا، لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛» (اعراف/۹۶)

➤ مدیریت وراثت فرانسلی معصومین (ع):

«مدیریت اسلامی، هنر، علم و مهارت تدبیر امور ...»

«ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین؛ ذریه بعضها من بعض؛ و الله سمیع علیم» (ال عمران/۳۳-۳۴)

➤ مدیریت و تربیت شخصیت پیامبر از کودکی تا بعثت:

«و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن أن كان فطیما أعظم ملك من ملائکته؛ یسلك به طریق المکارم ، و محاسن أخلاق العالم لیه و نهاره؛ (نهج، خ قاصعه، ۳۰۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلا؛ نصفه او انقص منه قليلا؛ و رتل القرآن ترتيلا؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلا؛
إن ناشئة الليل هي أشد وطأ و أقوم قيلا؛ إن لك في النهار سبحا طويلا؛ ...
ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و ... و طائفه من الذين معك ...
فاقرؤوا ما تيسر من القرآن؛ علم ان سيكون منكم مرضى؛ و آخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله؛ و
آخرون يقاتلون في سبيل الله؛ فاقروا ما تيسر منه ... (مزمل /)

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المدثر قم فأندر؛ و ربك فكبر و ثيابك فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستكثر و لربك فاصبر“ (مدثر /)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی بعد از شب بعثت (سه سال اول):

➤ برنامه خود مدیریتی:

«يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلاً؛ نصفه أو انقص منه قليلاً؛ و رتل القرآن ترتيلاً؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلاً؛

إن ناشئة الليل هي أشد وطأً و أقوم قيلاً؛ إن لك في النهار سبحا طويلاً؛ ...» (مزمل/ ۱-۷)

«من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ من نفسه قبل تعليم غيره» (نهج،)

➤ دعوت و مدیریت و رهبری الهی غیر مستقیم و عدم اعلان رسمی:

«ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی...» (علق/ ۹-۱۰)/ «و اذا ذكرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا» (اسراء/)

➤ جذب و گزینش و تربیت نیروهای مستعد:

«ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و ... و طائفه من الذین معک ... فاقروا ما تیسر من القرآن؛ علم ان سیکون منکم مرضی؛ و آخرون یضربون فی الارض یتبعون من فضل الله؛ و آخرون یقاتلون فی سبیل الله؛ فاقروا ما تیسر منه ...» (مزمل/ ۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی دعوت علنی (سال چهارم بعثت به بعد):

➤ آغاز اعلان رسمی مدیریت و رهبری الهی

«یا ایها المدثر قم فأنذر؛ و ربک فکبر و ثیابک فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربک فاصبر» (مدثر/۱-۷)

➤ معرفی قائم مقام و جانشین:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : يا بني عبد المطلب ! إني قد جئتكُم بخير الدنيا و الآخرة و قد أمرني الله أن أدعوکم إليه؛

فأيکم يؤازرنی علی هذا الامر علی أن يكون أخي و وصيي و خليفتي فيکم؟

قال : فأحجم القوم عنها جميعا و قلت : يا نبي الله ! أكون وزيرك عليه ؟ فأخذ برقبتي ثم قال:

هذا أخي و وصيي و خليفتي فيکم، فاسمعوا له و أطيعوا» علی (ع): (کنز العمال، ۱۲ / ۱۱۴)

«... فأیکم يؤازرنی علی أمری هذا ؟ فقلت ...: أنا یا نبي الله أكون وزيرك عليه !

فأخذ برقبتي فقال : إن هذا أخي و وصي و خليفتي فيکم فاسمعوا له و أطيعوا ،

فقام القوم يضحكون و يقولون لأبي طالب : قد أمرک أن تسمع و تطيع لعلی» (علی): (کنز العمال، ۱۲ / ۱۲۳؛ ابن إسحاق و ابن جریر و...)

➤ گسترش تدریجی حیطة رسالت با روش پدری معنوی و رافت و عنایت و تدبیر مادرانه (استعاره مزغ با جوجه ها)

• انذار عشیره خود:

«و انذر عشیرتک الاقربین؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء/۲۱۴-۲۱۵)

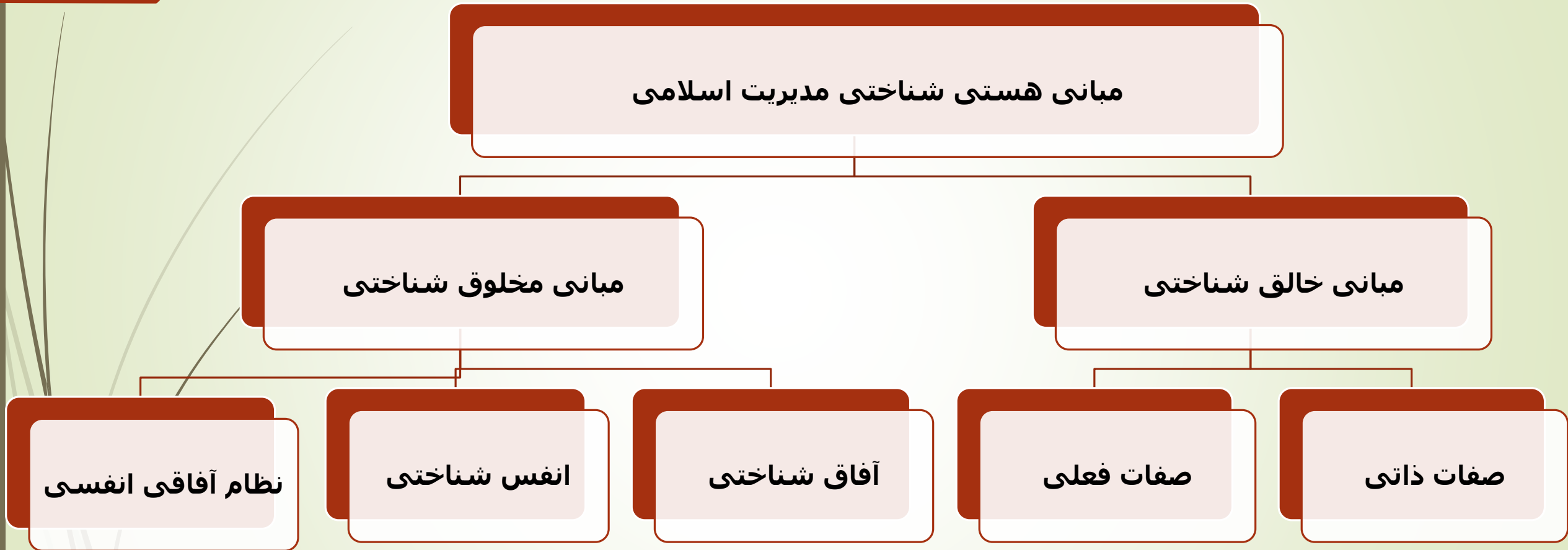
• انذار مکه و عربستان:

«و کذلک اوحینا الیک قرانا عربیا لتنذر ام القرى و من حولها...» (شوری/۷)

• انذار جهانی:

«قل یا ایهاالناس؛ انی رسول الله الیکم جميعا ...» (اعراف/۱۵۸)

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:



فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

گفتار اول: مبانی خالق شناختی «الله»: : نظام اسماء الله:

❖ نظام صفات ذاتی

❖ نظام صفات فعلی

گفتار دوم: مبانی مخلوق شناختی (افاق و انفس):

❖ «نظام آفاقی»:

❖ «نظام انفسی»:

❖ «نظام آفاقی انفسی»:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

مقدمه: رابطه فعل الهی با عملکرد انسانها

► نظام تکوین و تشریح، تحت تدبیر ولایی دائمی «الله» قرار دارد:

«یدبر الامر من السماء الی الارض...» (سجده/۵)

► «ولایت الله» ذاتی است؛ و «تدبیر ولایی الله»، شامل «تدبیر نظام تکوین و تشریح» می باشد.

► هیچ حادثه‌ای شکل نمی‌گیرد، مگر به اذن خدا و تحت تدبیر الهی؛ لذا، بررسی «تدبیر ولایی الله»، از الزامات اولیه مدیریت اسلامی است:

«الا له الخلق و الامر، تبارک الله رب العالمین» (اعراف/۵۴)

پس، بدون توجه و لحاظ تدبیر «رب العالمین»، سخن از «مدیریت اسلامی» برای اهل ایمان، معنای صحیحی ندارد.

و «مدیریت اسلامی»، بایستی اهداف، برنامه ریزی و عملکرد خود را در طول «تدبیر الهی»، قرار دهد.

► «سنت‌های الهی در فرد، خانواده، جامعه و تاریخ» از جلوه‌های قدرتمند تحقق اراده و تدبیر خدا، است.

بنابراین، بررسی تدبیر ولایی الله، از راه سنن، نیز، از الزامات اولیه علم به مدیریت اسلامی است.

► غالب اوصاف الهی نسبت به مخلوق، اشتراک معنوی دارد (با حفظ تمایزات خالق و مخلوق)؛

و حرکت انسان‌ها در مسیر الهی، برای رسیدن به مراتبی از خلافت الهی (مظهریت متعالی اسماء و صفات الهی)، و تخلق به اخلاق الهی، می باشد.

بنابراین تدبیر الهی، (با حفظ تمایزات شؤون الهی از شؤون انسانی)، از باب «تخلقوا باخلاق الله»، الگوی مدیریت اسلامی را برای مدیران مسلمان ترسیم می کند.

«الگوی تدبیر ولایی الله»، شامل «الگوی تدبیر نظام عالم ملک و عالم ملکوت» می باشد.

► «تدبیر الله، در عالم ملک و ملکوت»، برحسب مراتب فرهیختگی علمی حصولی و شهودی، و میزان ولایت الهی پژوهشگران و مدیران اسلامی {مراتب سه گانه الزامات فقهی حقوقی (الزامات مسلمین)، اخلاقی (الزامات اهل ایمان) و عرفانی (الزامات اهل یقین و احسان)} قابل بهره‌برداری علمی و عملی می باشد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

مقدمه:

الگو گیری از «نظم و نسق قرآنی»، از راهبردهای اساسی در تفکر دینی و تدوین ادبیات و اسناد دینی است؛

توحید و حمد، سور پایه در بررسی نظام اسماء الله:

آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور «توحید و حمد» از سور پایه در این زمینه می باشد؛

چرا که بنابر منطق قرآن و روایات، «بسم الله الرحمن الرحيم»، و «سوره حمد»، خلاصه کل قرآن»، و «سوره توحید، خلاصه ثلث قرآن»، تلقی شده است:

«يا ايها الملاء، انى القى اليّ كتاب كريم: انه من سليمان؛ و انه بسم الله الرحمن الرحيم ...» (نمل/۲۹-۳۰)

«في مهج الدعوات باسنادنا إلى محمد بن الحسن الصغار من كتاب فضل الدعاء باسناده إلى معاوية بن عمار عن الصادق عليه السلام أنه قال:

«بسم الله الرحمن الرحيم اسم الله الأكبر - أو قال : الأعظم». (نورالثقلين، ۱/۸)

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)

«... عن الحسن ابن علي عن أبيه علي بن محمد عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه الرضا عن آبائه عن علي عليهم السلام أنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول: إن الله تبارك و تعالى قال لي:

يا محمد؛ «و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)؛

فأفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب، و جعلها بإزاء القرآن العظيم ...» (نورالثقلين، ۱/ ۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

«و فی کتاب التوحید باسناده إلى أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«من قرأ قل هو الله أحد مرة واحدة فكأنما قرأ ثلث القرآن، و ثلث التوراة، و ثلث الإنجيل، و ثلث الزبور». (نور الثقلين، ۷۰۱/۵)

«في كتاب معاني الأخبار باسناده إلى الأصبع بن نباتة عن أمير المؤمنين عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام:

«نسبة الله عز وجل، قل هو الله». (نور الثقلين، ۷۰۷/۵)

«و أخرج أبو عبيد و أحمد في فضائله و النسائي في اليوم و الليلة و ابن منيع و محمد بن نصر و ابن مردويه و الضياء في المختارة عن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه (و آله) و سلم:

«من قرأ قل هو الله أحد، فكأنما قرأ ثلث القرآن». (الدر المنثور، ۴۱۱/۶)

➤ این ویژگی «بسم الله...» و «سوره توحید و حمد»، بدین معنی است که:

«مرجع تمام اسماء و صفات اعظم الهی، اسماء الله مذکور در سوره «توحید و حمد» است»:

پس بایستی «نظام اسماء الله» بر محور و ظل «اسماء الله سوره توحید و حمد»، توصیف و تبیین گردد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله...» و «سور توحید و حمد»

► نظام اسمایی «بسم الله الرحمن الرحيم»:

«الله»، «الرحمن»، «الرحيم» (و شديد العقاب) است.

► نظام اسمایی سوره توحید:

«قل هو الله احد؛ الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحید/۲-۵)

«الله» و دو اسم اعظم الهی کلیدی، «احد» و «صمد» است؛

فقره "لم يلد و لم يولد و ..." تفسیری از "صمد" است که در روایات بدان تذکر داده شده است:

قال وهب بن وهب القرشي : وحدثني الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه الباقر عن أبيه عليهم السلام أن أهل البصرة كتبوا إلي الحسين بن علي عليهما السلام، يسألونه عن الصمد فكتب إليهم: بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد فلا تخوضوا في القرآن ، ولا تجادلوا فيه ، و لا تتكلموا فيه بغير علم ، فقد سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول : من قال في القرآن بغير علم فليتبوء مقعده من النار؛

و إن الله سبحانه قد فسر الصمد فقال: «الله أحد. الله الصمد» ثم فسره فقال: «لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحد» (صدوق، توحید، ۹۱)

► «احدیت و صمدیت»، در تحلیل عقلی و در تفاسیر روایی، هم ناظر به «صفات ذاتی» و هم ناظر به «صفات فعلی» است؛ بنا بر این:

► «مبانی خالق شناختی»،

هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات ذاتی «الله»، است.

و هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات فعلی «الله»، (شؤونات الهی در نظام عوالم هستی)، است.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق: «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره توحید»

«الله»، «مستجمع جمیع صفات کمال»:

➤ ویژگی های عمومی صفات ذاتی و فعلی:

❖ احدیت:

«... ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» (یوسف/۳۹)

❖ صمدیت:

«یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ ویژگی های صفات ذاتی:

❖ حیات:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم؛ لاتأخذه سنة و لا نوم...» (بقره/۱۵۵)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سبح بحمده» (فرقان/۵۸)

❖ علم:

«هو الله الذی لا اله الا هو؛ عالم الغیب و الشهادة؛ هو الرحمن الرحیم» (حشر/۲۲)

❖ قدرت:

«الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن ینزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير؛ و ان الله قد احاط بكل شیء علما»
(طلاق/۱۲)

«انی جاعل فی الارض خلیفة...» (بقره/۳۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت الهی: «متجلی در فکر و عقیده، منش و رفتار»:

❖ تجلی احدیت در کلمه توحید (فکر و عقیده):

➤ توحید در ذات و صفات الله: «حیات، علم و قدرت»:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم...» (بقره/۲۵۵)

➤ توحید در افعال الله: «خالقیت، ربوبیت، ملوکیت (حاکمیت و مدیریت عالم) و الوهیت»:

«الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل» (زمر/۱) / «قل اعوذ برب الناس، ملک الناس، اله الناس» (ناس/۱-۲)

❖ تجلی احدیت در توحید کلمه و عدم تفرقه (منش و رفتار): کلان راهبرد حاکم بر نظامات وجودی انسان:

«وحدت و هماهنگی در همه عرصه های تجلی نفس و عدم تفرقه»:

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲)

❖ تفرقه، نماد شرک (اکبر الكبائر!):

«... یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم» (لقمان/۱۲)؛ «و لاتکونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا؛ ...» (روم/۳۱-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ نمادهای تشریحی احدیت الهی

❖ ده فرمان قرآنی متعالی محترم، تجلی عقلانی احدیت الهی و قدم اول مسلمانی

و زیر بنای ارزشهای فوق عقلانی اسلام:

«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم، الا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا؛ ولا تقتلوا اولادکم من املاق؛ نحن نرزقکم و ایاهم؛ و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن؛ و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تعقلون»؛

«و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتي هي احسن حتی يبلغ اشده؛ و اوفوا الکیل و المیزان بالفسط؛ لانکلف نفسا الا وسعها؛ و اذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذا قربی؛ و بعهد الله اوفوا؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تذکرون»

«و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبيله؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تتقون» (انعام/۱۵۱-۱۵۲)

❖ نماز، (خصوصا نماز جماعت و جمعه)، اولین تجلی فوق عقلانی احدیت الهی:

«... و یعلمکم ما لم تكونوا تعلمون» / «... فاذکروا الله کما علمکم ما لم تكونوا تعلمون» (بقره/۱۵۱ و ۲۲۹)/ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بینهم؛ کل الینا راجعون» (انبیاء/۹۲-۹۳)

«یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم؛

و ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زبرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (مومنون/۵۱-۵۲)

«حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی؛ و قوموا لله قانتین» (بقره/۲۲۸)

❖ کعبه، خانه معنوی بشریت، و حج ابراهیمی، نماد وحدت و هماهنگی جهانی امت اسلام و امت بشری:

«ان اول بیت وضع للناس للذی بکة مبارکا و هدی للعالمین؛

فیه آیات بینات؛ مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا؛ و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلا» (ال عمران/۹۶-۹۷)

«جعل الله الکعبة البيت الحرام قیاما للناس...» (مائده/۹۷)

«و فرض علیکم حجّ بینته الحرام... جعله سبحانه و تعالی للإسلام علما...» (نهج، خ ۱، ص ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► احدیت الهی و مراتب وحدت (توحید کلمه):

❖ وحدت و هماهنگی در نظام وجودی:

«لا اقسام بیوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة» (قیامت/۱-۲) / یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ لا یضركم من ضل اذا اهتديتم...» (مائده/۱۰۵)

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله...» (حشر/۱۸) / «اتقوا الله و كونوا مع الصادقین» (توبه/۱۱۹)

«افرایت من اتخذ الهه هواه افانت تكون علیه وکیلا؛ ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون...» (فرقان/۲۳-۲۴)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام خانواده:

«... لتسکنوا الیها؛ و جعل بینکم مودة و رحمة...» (روم/۲۱) / «... و الصلح خیر...» (نساء/۱۲۸)

❖ وحدت و هماهنگی در سازمانها و نظامات اجتماعی:

«... فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم؛ و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین» (انفال/۱)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام اسلامی:

«و اعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا...» (ال عمران/۱۰۳) / «ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ فان تنازعتم...» (نساء/۵۹)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اسلام:

«انما المومنون اخوه؛ فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون» (حجرات/۱۰)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اهل کتاب:

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (ال عمران/۶۴)

❖ وحدت و هماهنگی با مستضعفین عالم:

«و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان... ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها؛ و اجعل...» (نساء/۷۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ وحدت و هماهنگی با نظام ملک و ملکوت:

«الله الذي سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض جميعا منه؛ ان فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون» (جاثیه/۱۳)

«... تنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التى كنتم توعدون نحن اولياؤكم فى الحياة الدنيا و فى الآخرة...» (فصلت/۲۰-۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► پیش نیازها و الزامات تجلی احدیت الهی در جامعه:

➤ وحدت و هماهنگی در نظام تقنین قرآن محور:

مرجعیت قرآن و سنت معصومین(ع) / استقرار نظام تقنین صالح قرآنی (تفکیک مجلس کارشناسی و مجلس تقنین):

«... الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب الا یقولوا علی الله الا الحق و درسوا ما فیہ؛ و الدار الآخرة خیر للذین یتقون؛ افلاتتعقلون» (اعراف/۱۶۹)

➤ استقرار قانونی نظام شایسته سالار قرآن محور:

«و الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین... خذوا ما آتیناکم بقوة و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون» (اعراف/۱۷۰)

➤ استقرار نظام مشورت و مشارکت اجتماعی و سازمانی قرآن محور:

«و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة؛ و امرهم شوری بینهم؛ و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/۳۸)

«و ما اختلفتم فیہ من شیء فحکمه الی الله» (شوری/۱۰)

➤ وحدت و هماهنگی حوزوی، کشوری و لشکری در نظام امامت و رهبری قرآنی:

«و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا...» (ال عمران/ /) «و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشکروا و تذهب ریحکم و اصبروا...» (انفال/۲۶)

➤ استقرار نظام جامع دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (نظام جامع بازرسی و نظارت):

«و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ و اولئک هم المفلحون؛ و لا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات؛ و اولئک لهم عذاب عظیم» (ال عمران/۱۰۴-۱۰۵)

➤ وحدت و هماهنگی در نظام قضایه قرآن محور:

«انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله؛ و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء/۱۰۵)

➤ استقرار نظام تنبیه و پاداش مضاعف نسیت به عملکرد سلسله مراتب مدیریت نظام اسلامی:

«... من یأت منکن بفاحشة مبینة یمضیها لها العذاب ضعفین؛... و من یقت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین...» (احزاب/۳۰-۳۱)

➤ استقرار نظام تنبیه غلاظ و شداد ناقضین وحدت اجتماعی و متعرضین به حیثیت سلسله مراتب مدیریت صالح،

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

احدیت الهی و عالم آخرت:

❖ «عالم آخرت»، تجلی گاه تمام عیار احدیت الهی (اسماء و صفات فعلی):

«مالک يوم الدين» (حمد/۴) / «يوم لا تملك نفس لنفس شيئا؛ و الامر يومئذ لله» (انفطار/۱۹)

«يوم هم بارزون؛ ...؛ لمن الملك اليوم؟! لله الواحد القهار» (غافر/۱۶)

❖ «باور به آخرت و آخرتگرایی»، موتور پیشران تحقق ارزش های الهی:

«هذا كتاب انزلناه مبارك ... و الذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم على صلواتهم يحافظون» (انعام/۹۲) / «... فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/۴۵)
«وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و احسن ...؛ و لا تبغ الفساد في الارض؛ ان الله لا يحب المفسدين» (قصص/۷۷)

* توجه به «سنت اضطجاع»: اشتغال به ذکر الهی در حالت خوابیده به پهلو راست همچون میت در قبر، کمی قبل از نماز صبح بعد از ناهله صبح

تمرین امادگی اهل ایمان خصوصا مدیریت اسلامی برای سفر آخرت و ارزیابی عملکرد و حسابرسی الهی

احدیت الهی و مراتب الزامات دینی، و جایگاه سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ مراتب الزامات دینی:

➤ «اسلام»: «الزامات فقهی حقوقی»

➤ «ایمان»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی»

➤ «یقین (و احسان)»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی + حد اقل الزامات عرفانی»

❖ «الزامات اهل ایمان»، حد اقل الزامات سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان»، الزامات اولیه اهل اسلام در دوره مکه، و پایه الزامات در مدینه

❖ «تداوم طهارت و تلاوت»، «اهتمام به نماز»، «ایتاء زکوة، و صبر بر عبادت، از معصیت و در مصیبت»،
الزام اولیه عموم اهل ایمان و خصوصا سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان» و پیوست محرمانه اولیه غذایی:

«قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم... الا ان یتکون میتة او دما مسفوحا او لحم خنزیر، فانه رجس او فسقا اهل لغير الله به؛...» (انعام/۱۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

▪ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۱) سلوک شخصی:

➤ اهل عشق به خدا و انس به خلوت مستمر و مناجات با خدا و تلاوت قرآن:

«انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تليت عليهم آياته زادتهم ايمانا و على ربهم ينوكلون» (انفال/۲)

➤ اهل تواضع و فروتنی و دوری از منیت و خود خواهی و عجب و غرور:

«اذلة على المومنين...» (مائده/۵۴)

➤ زهد به دنیا و مراقبت از امور، موقعیتها و مصرف شبهه ناک:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا...» (مومنون/۵۱) / «... لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم...» (حدید/۲۳)

«و لاتمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحياة الدنيا لنتفتم فيه و رزق ربك خير و ابقى» (طه/۱۳۱)

➤ اهل محاسبه نفس و نقد جدی خود و طالب مستمر عفو و غفران و رحمت خدا:

«يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم؛ لا يضرکم من ضل اذا اهتديتم؛ الى الله مرجعکم فينبئکم بما كنتم تعملون» (مائده/۱۰۵)

«لا اقسام بيوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة...» (قيامت/۱-۲)

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خير بما تعملون؛ و لا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون» (حشر/۱۸-۱۹)

«و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لاتکن من الغافلين» (اعراف/۲۰۵)

➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۲) سلوک اجتماعی و سازمانی:

➤ جلوه گاه توحید و یاد خدا و عشق به آخرت:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن شريف بن سابق، عن الفضل ابن أبي قرة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: قالت الحواريون لعيسى: يا روح الله! من نجالس؟

قال: من يذكركم الله رؤيته؛ و يزيد في علمكم منطقه و يرغبكم في الآخرة عمله» (كافي، ۱ / ۳۹)

➤ اخلاص در فکر و نیت و عمل، و دوری از خود نمایی و ریاکاری

➤ دیدن ارزشهای اصیل دیگران و قدر شناسی مناسب از آنان:

«و الى مدین اخاعم شعيبا قال يا قوم ... فافوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اشياءهم...» (اعراف/۸۵)

«ويل للمطففين الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم يخسرون ...» (مطففين/۱-۲)

➤ عشق به حقیقت و تشنه دانش کارگشا:

«قال له موسى: هل اتبعك على ان تعلمني مما علمت رشدا» (كهف/۶۶)

«وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم...» (ع): (خطبه متقين، ۱۹۳)

➤ اهل مشورت مستمر و دوری از استبداد رای:

«و شاورهم في الامر» آل عمران/ / «و امرهم شوری بینهم» (شوری/۲۸)

➤ اهل رسیدگی به احوال نیازمندان (فقراء و مساکین، ایتام و ...):

«فآت ذا القربى حقه و المسکین و ابن السبل؛ ذلک خیر للذین یریدون وجه الله؛ و اولئک هم المفلحون» (روم/۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ عشق و رحمت، و فروتنی و نرمش با اهل توحید و مقابله سخت نفوذ ناپذیر با دشمنان خدا:

«... اذلة على المومنين و اعزة على الكافرين...» (مائده/۵۴) / «... اشداء على الكفار و رحماء بينهم...» (فتح/۲۹)

➤ اهل توکل بر خدا و عدم واهمه از غیر خدا و قاطعیت و صلابت در بیان و دفاع از حق و عمل به آن:

«و على الله فليتوكل المؤمنون» (ابرهیم/) / «... يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم...» (مائده/۵۴)

«الذين يبلغون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله و كفى بالله حسيبا» (احزاب/۳۹)

«سألت الرضا (عليه السلام) فقلت له: جعلت فداك، ما حد التوكل؟ فقال لي: أن لا تخاف مع الله أحدا» (امالی صدوق، ص ۳۱۱)

➤ ...

■ وحدت و هماهنگی مبتنی بر احدیت، و سلوک مدیریت اسلامی:

❖ پرچمداری حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، سازمانی، ملی، منطقه ای و بین المللی، مبتنی بر ارزشهای انسانی و اسلامی:

➤ حمایت از وحدت و مبارزه با نماد های تفرقه و اختلاف افکنی

سیره امیر مومنان (ع) بعد از سقیفه برابر ابوسفیان و دارودسته بنی امیه

➤ سعه صدر در مواجهه فرهنگی با مخالفین و تلاش وافر برای حفظ وحدت:

سیره امیر مومنان (ع) در مواجهه با اصحاب سقیفه، حمل، معاویه و خوارج

➤ تحمل و پرداخت هزینه های حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و سازمانی:

مدارای دردآور فوق انتظار با اصحاب سقیفه (خلفای ثلاث)، و جنگ خونین با وحدت شکنان متجاوز

سیره امام خمینی ره: «اینجانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می‌کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم، که هستی ملت بدان پیوسته است، استمداد می‌نمایم». (صحیفه امام؛ ج ۲؛ ص ۲۲۸، نجف، ۱ شهریور ۱۳۵۷)

❖ جذب حداکثری مبتنی بر ارزشهای ثابت الهی، و دفع حداقلی

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء الهی:

❖ **سیره مدیریتی حضرت ابراهیم (ع) در برابر نظام شرک:**

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ:

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ؛

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبَّا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه ۴-۶)

❖ **سیره مدیریتی پیامبر اسلام، در آغاز جنگ با مشرکان:**

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بَاتِهِمْ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛ وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْجَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا
اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره إن الله لقوي عزيز (۴۰)

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

❖ **سیره امیرمومنان (ع) در جنگ جمل:**

«... المقدام بن شريح بن هاني عن أبيه قال : إن أعرابيا قام يوم الجمل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال:

يا أمير المؤمنين أتقول : ان الله واحد؟ قال:

فحمل الناس عليه و قالوا : يا أعرابي أما ترى ما فيه أمير المؤمنين من تقسم القلب؟

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : دعوه فان الذي يريده الاعرابي هو الذي نريده من القوم ،...» (توحيد صدوق، ۸۳؛ نور الثقلين، ۵ / ۷۰۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► .. جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی اصحاب کهف:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاَهُمْ هُدًى؛
وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا» (كهف/۱۳-۱۴)

❖ سیره مدیریتی اهل ایمان:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ
نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ؛ نُزِّلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت/۳۰-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه های اشکار و پنهان از حفظ وحدت اجتماعی مبتنی بر «احدیت»

در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی حضرت هارون (ع) در برخورد با گوساله پرستان: (صلاحیت رهبری و وحدت ارتدادی امت)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي؛

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (طه/ ۹۲-۹۴)

❖ سیره مدیریتی حضرت امیر مومنان(ع) در برخورد با اصحاب سقیفه:

«و من كلام له عليه السلام لما عزموا على بيعة عثمان: لقد علمتم اني اُحق الناس بها من غيري .

و و الله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين؛

و لم يكن فيها جور إلا علي خاصة التماسا لأجر ذلك و فضله، و زهدا فيما تنافستموه من زخرفه و زبرجه» (نهج، خ/ ۷۴)

➤ نمونه های اشکار و پنهان تعارض وحدت اجتماعی با «احدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی امام حسین(ع) با فتنه یزید: (همراهی امت غافل مرعوب با رهبری مرتد):

«... و یزید فاسق شارب الخمر و قاتل النفس؛ و «مثلی لایبایع مثله» ... قال(مروان) : اني امرک ببيعة یزید فإنه خیر لك في دینک و دنیاک!

فقال عليه السلام : إنا لله و إنا إليه راجعون؛ و على الإسلام السلام! إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید

(الفتوح، ۵ / ۱۷، انساب الاشراف، بلاذری، ترجمه الحسين(ع)، ۱۶۶)

❖ سیره مدیریتی حضرت امام خمینی ره در مقابل محمد رضا پهلوی:

«سخنرانی امام ره در مورد تصویب کاپیتولاسیون» ۴ ابان ۱۳۴۳ قم، «مباحثه حضرت امام ره با مرحوم آقای حکیم» ۲۷ مهرماه ۱۳۴۴، نجف.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ صمدیت الهی:

❖ بی نیازی ذاتی:

«حدثنا أبي رحمه الله ، قال : حدثني سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا محمد ابن عيسى بن عبيد ، عن يونس بن عبد الرحمن ، عن الربيع بن مسلم ، قال : سمعت أبا الحسن عليه السلام و سئل عن الصمد فقال : الصمد الذي لا جوف له» (صدوق، توحيد، ۹۳)

❖ بی نیازی از غیر :

الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحيد/۲-۵)

❖ مرجعیت رفع نیاز غیر:

«حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه الله، قال: حدثنا محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد و لقبه شباب الصيرفي، عن داود بن القاسم الجعفري،

قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلت فداك، ما الصمد؟ قال: السيد المصمود إليه في القليل و الكثير». (صدوق، توحيد، ۹۴)

❖ فرمانروایی محبوب عالم:

«قال الباقر عليه السلام : الصمد السيد المطاع الذي ليس فوقه أمر و ناه». (همو، همان، ۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

صمدیت الهی و رهنمودهای مدیریتی:

❖ اصل اول: توکل بر خدا و استمداد از او:

«... و من يتوكل على الله فهو حسبه؛ ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا» (طلاق/۳)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سیح بحمده ...» (فرقان/۵۸)

❖ اصل دوم: تلاش و همت مستقل در کسب روزی:

«الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله» (كافی، ۵ / ۸۸)

❖ اصل سوم: عزت نفس و بی نیازی از غیر، حتی خوبان، پرهیز از تملق و مذمت غیر:

«ما اكل احدكم طعاما قطّ خيرا من عمل يده» (ص): (كافی، ج ۸)

«الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد، عن صالح بن أبي حماد، جميعا عن الوشاء، عن أحمد بن عائذ، عن أبي خديجة سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **من سألنا أعطیناه و من استغنی أغناه الله**» (كافی، ۲ / ۱۳۸)

«اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي الْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ - وَ ابْتَلِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نهج، خ ۲۲۵، ص ۲۲۸)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ، وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتِنِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي، وَ ابْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ» امام سجاد (ع): (صحيفه، دعای مكارم الاخلاق: دعای ۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

❖ اصل چهارم: ضرورت حفظ عزت نفس، و پرهیز از ابراز نیاز به تبهکاران و بی دینان و منت کشی آنان، و بالعکس، ابراز نیازمندی به خدا و بندگان خوب خدا:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن علي بن حسان، عن حدثه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله. «ما أقبح ان تكون في مومن رغبة تذله» (كافي، ٢ / ٣٢٠)

«علي بن إبراهيم عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله تبارك وتعالى فوض إلى المؤمن كل شئ إلا ادلال نفسه» (كافي، ٥ / ٦٣)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد الأنصاري عن عبد الله بن سنان عن أبي الحسن الأحمسي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عز وجل فوض إلى المؤمن أموره كلها و لم يفوض إليه ان يكون ذليلا اما تسمع قول الله تعالى يقول: «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين» فالمؤمن يكون عزيزا و لا يكون ذليلا؛

ثم قال: إن المؤمن أعز من الجبل ان الجبل يستقل منه بالمعاول و المؤمن لا يستقل من دينه بشئ» (كافي، ٥ / ٦٣؛ تهذيب، ٦ / ١٧٩)

«... و هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ و بِأَوْلِيَايِكَ و أَهْلِ طَاعَتِكَ؛ و لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ و لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، و لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، و لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلِ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي و أَنْسَ نَفْسِي و اسْتِغْنَائِي و كِفَايَتِي بِكَ و بِخِيَارِ خَلْقِكَ» امام سجاد (ع): (صحيفه، دعای ٢١)

❖ اصل پنجم: نهی شدید از سربرار دیگران شدن:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الخزرج الأنصاري، عن علي بن غراب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : ملعون ملعون من ألقى كله على الناس، ملعون ملعون من ضيع من يعول» (كافي، ٤ / ١٢)

«محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن محمد الأسدي، عن سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: اشتدت حال رجل من أصحاب النبي (صلى الله عليه وآله) فقالت له امرأته، لو أتيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسألته فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فلما رآه النبي (صلى الله عليه وآله) قال: «من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»، فقال الرجل: ما يعني غيري فرجع إلى امرأته فأعلمها، فقالت: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) بشر فأعلمه؛ فأتاه فلما رآه رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: «من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»، حتى فعل الرجل ذلك ثلاثا ثم ذهب الرجل فاستعار معولا ثم أتى الجبل، فصعداه فقطع حطبا، ثم جاء به فباعه بنصف مد من دقيق فرجع به فأكله، ثم ذهب من الغد، فجاء بأكثر من ذلك فباعه، فلم يزل يعمل و يجمع حتى اشترى معولا، ثم جمع حتى اشترى بكرين و غلاما ثم أترى؛ حتى أيسر فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فأعلمه كيف جاء يسأله و كيف سمع النبي (صلى الله عليه وآله) فقال النبي

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

"و لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ ... مع قناعة تملأ القلوب و العيون غنى"؛ علی (ع)، (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷ ص ۲۹۲)

❖ بی نیازی از دشمن در اقتصاد مقاومتی حضرت موسی (ع):

«وَ إِذْ قُلْتُمْ: يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ! فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا وَ قُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا؛

قَالَ: أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟! اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ؛

وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/۶۱)

«... وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَتَهُمْ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَىٰ كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنَّ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف/۱۶۰)

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَىٰ؛

كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (طه/۸۰-۸۱)

❖ تذکر به تجربه های موفق کشورهای دیگر:

➤ ریاضت اقتصادی چند ده ساله، و خود تحریمی ۱۰ ساله چین (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی آلمان بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی در احیاء شرکت کرایسلر (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، با ثلث درآمد گذشته!)

... ➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ سیره پیامبر اسلام(ص) و مومنین در شعب ابی طالب در برابر محاصره اقتصادی و بایکوت اجتماعی:

➤ وضعیت شعب در گزارش امیر مومنان (ع):

«خویشان ما (قبیله قریش) بر این شدند که پیامبر ما را بکشند و نسل ما را براندازند. درباره ما تصمیم گرفتند و ستمها روا داشتند. خواروبار از ما قطع کردند و آب گوارا از ما بازگرفتند و ما را در جایگاه بیم و هراس نشانند و جاسوسها بر ما گماشتند و ما را ناچار ساختند تا در میان کوهی ناهموار پناه جویم و بدین اکتفا نکرده جنگ علیه ما افروختند و پیمان نامه در میان خود علیه ما نوشتند بدین مضمون که:

▪ با ما هم خوراک نشوند و با ما آب ننوشند؛

▪ و با ما وصلت و ازدواج نکنند؛

▪ و خرید و فروش نمایند؛

▪ و از آنان در امان نباشیم تا اینکه **محمد(ص)** را در اختیار آنان نهیم تا اینکه وی را بکشند و جسدش را مثله [=قطعه قطعه] کنند.

جز در موسم **حج** و **عمره** ما **بنی هاشم** از امنیت برخوردار نبودیم. اما **مشیت خداوند** درباره ما چنین قرار گرفت که ما با تمام وجود از آن حضرت دفاع کنیم. و پروانه وار شمع وجودش را طواف نماییم و با شمشیرهای خود شب و روز از او حمایت کنیم. مومنانمان به انگیزه نیل به پاداش پروردگار و کافرانمان به منظور دفاع از حریم قوم و تبار از وجود مقدس وی حمایت می کردند.» علی (ع):

(شوشتری، بهج الصباغه، ۱۲۷۶ش، ج۲، ص۲۵۵، به نقل از نصر بن مزاحم، وقعه صفین)

➤ سیره و ابتلائات حضرت یوسف (ع)، از الگوهای الهی برای پیامبر و یاران در دوره محاصره:

«نزول سوره یوسف (ع) در دوره شعب ابی طالب»

(مدت محاصره: محرم سال هفتم بعثت تا رجب سال دهم)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

■ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره پیامبر(ص) و مومنین در برابر محاصره اقتصادی و نظامی جنگ احزاب:

➤ اوضاع سخت مسلمانان:

«مسلمانان از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی قریظه در مورد خانواده هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چندگاه از قسمت های تنگ خندق می گذشتند، درگیر می شدند، دچار هراس زیادی شدند». (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۷۴)

قرآن وحشت مسلمانان و بدگمانی آنان به وعده های خداوند را کاملا وصف کرده است. (طبری، ۱۲۲۰، ج ۱۰، ص ۲۷۰-۲۶۴):

«اذجاؤوكم من فوقکم و من اسفل منکم؛ و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و یظنون بالله الظنونا؛ هنالك ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالا شديدا؛ و اذ يقول المنافقون و الذين فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا (احزاب/ ۱۰-۱۲)

این ترس به گونه ای بود که مُعْتَب بن قُشیر، از منافقان، گفت: محمد به ما وعده گشایش قصرهای کسری و قیصر را می داد، در حالی که اکنون کسی برای قضای حاجت هم جرات بیرون رفتن ندارد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۵۱؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۲؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳)

نقض عهد بنی قریظه، سرماي شدید، قحطی و گرسنگی و فشار بر مسلمانان به اوج خود رسید. ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳.

قرآن نیز ضمن آوردن آیاتی به این مطلب اشاره کرده است. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۹۵):

«ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یاتکم مثل الذين خلوا من قبلکم؛ مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذين آمنوا:

متی نصر الله؟؛ الا ان نصر الله قریب» (بقره/ ۲۱۴)

➤ سیره پیامبر(ص) و مومنین:

«لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة ...»

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا» (احزاب ۲۱-۲۳)

«الآن نغزوهم و لا یغزوننا» (ص): (صحیح بخاری، ۵ / ۲۸؛ حلیه الاولیاء، ۴ / ۳۴۵)

مسلمانان روز و شب در سرما و گرسنگی شدید به نوبت از خندق پاسداری می کردند. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۸)

معجزاتی از رسول خدا(ص) درباره سیرکردن مسلمانان نقل شده است. (ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ۱۳۹۷ق، ص ۴۳۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ صمدیت و فشار اقتصادی مومنین:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا!
تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۹۴)

«يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس؛ فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا؛

و ان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء؛ ان الله عليم حكيم» (توبه/۲۸)

❖ جلوه لطيف صمدیت در سیره جناب سلمان:

«دعا سلمان ابا ذر "ره" ذات يوم إلى ضيافة فقدم إليه من جرابه كسرة يابسة و بلها من ركوته؛ فقال أبو ذر:

ما أطيب هذا الخبز، لو كان معه ملح؛ فقام سلمان و خرج و رهن ركوته بملح و حمله إليه؛ فجعل أبو ذر يأكل ذلك الخبز و يذر عليه ذلك الملح و يقول:

الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعة؛ فقال سلمان: «لو كانت قناعة لم تكن ركوتي مرهونة!»

امام جواد از پدران معصوم از امام سجاد (ع): (عيون اخبار الرضا، صدوق، ۲ / ۵۸؛ بحار، ۲۲ / ۲۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

► نگرشی اجمالی بر ویژگی های سوره حمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/۱-۴)

«اياك نعبد و اياك نستعين» (۵)

اهدنا الصراط المستقيم» (۶)

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم، و لا الضالين» (۷)

❖ اسامی با مسماى سوره:

حمد، فاتحة الكتاب، ام الكتاب، سبعا من المثاني...

❖ سوره حمد خلاصه كل قرآن:

«بسم الله ...» خلاصه سوره حمد، «سوره حمد»، خلاصه قرآن:

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/)

❖ حاوی اسم اعظم الهی:

«و عن جعفر بن محمد (عليهما السلام)، أنه قال: من قرأها - يعني سورة الفاتحة - فتح الله عليه خير الدنيا و الآخرة ،

و قال (ع): ان اسم الله الأعظم مقطع في هذه السورة». (مستدرک الوسائل، نوری، ۴ / ۲۳۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/ ۱-۵)

❖ «الله»: اسم اعظم الهی، مستجمع جميع صفات:

➤ خالق هستی:

«الله خالق كل شيء و هو على كل شيء وكيل» (زمر/ ۶۲)

➤ رب العالمين:

«ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى» (طه/ ۵۰).

❖ «الرحمن»:

➤ اسم اعظم مختص الله:

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ايا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اعراف/)

➤ رحمت ابتدایی فراگیر:

ناظر به نحوه ربوبیت در «نظام خلقت و هدایت» :

«الرحمن على العرش استوى» (طه/ ۵)/ «و رحمتی وسعت كل شيء...» (اعراف/ ۱۵۶)

❖ «الرحيم»: رحمت پاداشی:

«هو الذي يصلى عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور و كان بالمؤمنين رحيمًا» (احزاب/ ۲۳)/ «و سأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوة و الذين هم بآياتنا يؤمنون» (اعراف/ ۱۵۶)

«لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم، ان عذابي لشديد»/ «نبئ عبادى انى انا الغفور الرحيم؛ و ان عذابي هو العذاب الاليم» (حجر/ ۴۹-۵۰)

❖ مالك يوم الدين: (غضب مستتر: شديد العقاب بودن)

«و ما ادريك ما يوم الدين ثم ما ادريك ما يوم الدين؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«... و كان (على بن الحسين عليه السلام) إذا قرأ "مالك يوم الدين" يكررها حتى كاد أن يموت». (كافى، ۲ / ۶۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:
«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ **رحمانیت و رهنمود های مدیریتی:**

❖ **مدیریت رحمانی، حاکم بر عالم هستی:**

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ایا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اسراء/۱۱۰)/«الرحمن على العرش استوی» (طه/۵)

❖ **رحمت شامل بر بندگان خدا {انفس(مسلمان و غیرمسلمان) و آفاق(ملک و ملکوت: جماد، نبات، حیوان، جن و ملک):**

«و رحمتی وسعت کل شیء...» (اعراف/۱۵۶)/ «ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما؛ فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک...» (غافر/۷)

«الله الذی سخر لكم البحر... و سخر لكم ما فی السموان و الارض جمیعا منه؛ ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (جاثیه/۱۲-۱۳)

«و الی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من الهه غیره؛ هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه؛

ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

«اتقوا الله فی عباده و بلاده؛ فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» علی (ع): (نهج، خ ۱۶۷)

❖ **تخریب زمین و تباهی منابع انسانی و محیط زیست، نماد مدیریت شیطانی مدعی ارزش های انسانی معنوی:**

«و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذی خصام؛ اذا تولى سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل؛ و الله لا یحب الفساد» (بقره/۲۰۵)

❖ **پیمانهای بین المللی محیط زیست و مدیریت رحمانی:**

(پیمان کیوتو، پاریس، گلاسکو و ...)

❖ **جامعیت در رفع نیاز مادی و معنوی، و اصالت و اولویت معنویات بر مادیات:**

«الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان» (الرحمن/۱-۴)

❖ **مقدمیت مادیات جهت تحقق معنویات:**

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص/۷۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ **ادامه مبحث «رحمانیت و رهنمود های مدیریتی»:**

❖ **تکریم در رحمانیت (نظام تکوین و نظام هدایت):**

«یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدلک ...» (انفطار/ /) «اقراً و ربک الاکرم الذی علم بالقلم؛ علم الانسان ...» (علق/ ۱-۵)

❖ **ترجیح معنویات بر مادیات:**

«و الذین تبوءوا الدار و الایمان ...؛ یحبون من هاجر الیهم ... و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» (حشر/ ۹)

«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام ...؛ و ان خفتم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء؛ ان الله علیم حکیم» (توبه/ ۲۸)

❖ **رعایت اقتضاعات و مصلحتها:**

«الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز» (شوری/ ۱۹) «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض؛ ...» (شوری/ ۲۷)

❖ **بلاء، پیک ویژه رحمت خدا:**

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات؛ فبشر الصابرین ... اولئک علیهم صلوات و رحمة؛ و ...» (بقره/ ۱۵۵)

❖ **مدیریت رحمانی، و التزام به پیوست اخلاقی در رعایت الزامات فقهی حقوقی:**

«ان الله یأمر بالعدل و الاحسان؛ و ایتاء ذی القربی و الیتامی، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ یعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/ ۹۰)

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب) و رهنمودهای مدیریتی:**

❖ **فوریت بازخورد گرایشی و منشی عملکرد نیک و بد (نظام عکس العمل):**

«قل کل يعمل علی شاکلته...» (اسراء/۸۲)/ «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران/۹۲) / «... و من یبخل فانما یبخل عن نفسه...» (محمد/۲۸) / «... و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون» (بقره/۹) / «... و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» (آل عمران/۶۹) / «... و ان یهلكون الا انفسهم و ما یشعرون»؛ «... و ما یمكرون الا بانفسهم و ما یشعرون» (انعام/۲۶ و ۱۲۳)

❖ **قطعیت در پاداش و «عفو و غفران» و «تانی (درنگ)» در تنبیه:**

«لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم، ان عذابی لشدید» (ابراهیم/۷)/ «نبئ عبادی انی انا الغفور الرحیم؛ و ان عذابی هو العذاب الالیم» (حجر/۴۹-۵۰) «ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر» (شوری/)

❖ **تقدم پاداش بر تنبیه:**

«هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما» (احزاب/۲۳)

«و سأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بأیاتنا یؤمنون» (اعراف/۱۵۶)

«یا من وسعت کل شیء رحمته، یا من سبقت رحمته غضبه» (ص)/ «یا من سبقت رحمته غضبه» علی (ع) : (بحار، ۹/ ۲۸۶ و ۲۳۹)

❖ **اصیل بودن پاداش، و فرعی بودن تنبیه:**

«صراط الذین انعمت علیهم؛ غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ **ده ها و صدها برابری پاداش، و همانندی در تنبیه:**

«من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون» (انعام/۱۶۰)

«مثل الذین ینفقون ... کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة؛ و الله یضاعف لمن یشاء؛ و الله واسع علیم» (بقره/۲۶۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ همراهی پاداش مادی با رشد معنوی:

«و اذ تاذن ربکم: لئن شکرتم لازیدنکم...» (ابراهیم/۷)

«یا ابا ذر، إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين، و زهده في الدنيا، و بصره بعيوب نفسه». (ص):

«إذا أراد الله بعبد خيرا منحه عقلا قويا و عملا مستقيما». على (ع): (عيون الحكم و المواعظ، واسطی، ۱۲۶)

«إذا أراد الله بعبد خيرا ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير، و جنبه سوء التدبير و الاسراف». على (ع): (مستدرک الوسائل، ۱۵ / ۲۶۶)

❖ همراهی «تنبیه مادی» با عبرت آموزی، تذکر معنوی و اصلاح:

«و ما ارسلنا فی قرية من نبي الا اخذنا اهلها بالاساء و الضراء؛ **لعلهم يضرعون**»؛ «و لقد آخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرات **لعلهم يذكرون**» (اعراف/۹۴ و ۱۲۰) / «و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر **لعلهم يرجعون**» (سجده/۲۱).

❖ تنبیه موقت دنیوی اصلاحگر، مقدمه پاداش ابدی اخروی:

«عدة عن أحمد عن علي بن الحكم عن ابن جندب عن سفيان بن السمط قال قال أبو عبد الله عليه السلام:

« إذا أراد الله بعبد خيرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة و يذكره الاستغفار ... » . (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

❖ پاداش ظاهری موقت مادی دنیوی مقدمه تنبیه ابدی اخروی:

نظام تنبیه استدراجی خالق هستی: حاکم بر افراد گنهکار سرکش مصر به ضدیت با حق:

«و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون و املی لهم ان كیدی متین» (اعراف/۱۸۲-۱۸۳)

«و لقد ارسلنا الى امم من قبلك فآخذناهم بالباطل و الضراء لعلهم يتضرعون؛ فلو لا اذ جاءهم تضرعوا و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون؛ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا، آخذناهم بغتة فأذا هم مبلسون؛

فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين» (انعام/۴۲-۴۵) / «سأرهقه صعودا» (مدثر/۱۷)

«... و إذا أراد بعبد شرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة لينسيه الاستغفار و يتمادى بها و هو قول الله تعالى:

« **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ** » بالنعم عند المعاصي» . (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

«علي(بن ابراهيم) عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

« كم من مغرور بما أنعم الله تعالى عليه و كم من مستدرج يستر الله تعالى عليه؛ و كم من مفتون بثناء الناس عليه » (الكافي، ٢ / ٤٥٢).

❖ **«تنبیه مضاعف» مدیریت و بستگان گنهگار، و «تکریم مضاعف» مدیریت و بستگان خدمتگذار:**

«يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين و كان على الله يسيرا» (احزاب/٢٠)

«و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صالحا نُؤْتها اجرها مرتين و اعتدنا لها رزقا كريما» (احزاب/٢١)

«و تفقد الطير فقال ما لى لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين؛ لا عذبه عذابا شديدا او لاذبحنه؛ او ليأتيني بسلطان مبين» (نمل/٢٢)

❖ **عفو و گذشت و مدارای هرچه بیشتر با سطوح نازل سازمانی و جامعه:**

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين» (اعراف/١٩٩)

❖ **هلاکت جوامع بر اثر وارونگی نظام پاداش و تنبیه:**

«... إنما هلك من كان قبلكم بمثل هذا؛ كانوا يقيمون الحدود على ضعفائهم و يتركون أقوياءهم و أشرافهم فهلكوا». (ص): (دعائم ...)

«إنما هلك بنو إسرائيل لأنهم كانوا يقيمون الحدود على الوضيع دون الشريف». (دعائم...)

« عن علي (ع) أنه كتب إلى رفاعة (بن شداد بجلى، قاضيه فى الاهواز):

أقم الحدود فى القريب يجتنبها البعيد، لا تطل الدماء و لا تعطل الحدود» (دعائم الاسلام، ٢ / ٢٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ قاعده کلی عملکرد جامعه انسانی و نظام پاداش و تنبیه عالم هستی در حیات دنیوی:

« لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/۱۱)

➤ عملکرد صالح جامعه:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْغُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (مائده/ ۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مائده/۶۶)

➤ عملکرد فاسد جامعه:

«و ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفوا عن كثير» (شورى/ ۳۰)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۲۵)

«ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس ليزيقهم بعض الذى عملوا لعلهم يرجعون» (روم/)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/ ۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

■ مقدمه: نظام تجسم اعمال در دنیا و آخرت:

مالکیت مطلق، و نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی، در «مراحل عالم آخرت»:

❖ مرحله ابتدایی برزخ:

«حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»

❖ مرحله میانی قیامت:

«حسابرسی تفصیلی نهایی»

❖ مرحله نهایی بهشت و جهنم:

«پاداش و تنبیه نهایی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ **مرحله برزخ: نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی ابتدایی: «حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»:**

«حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعونی لعليّ اعمل صالحا فيما تركت؛ كلا!؛ ... و من ورائهم برزخ الی يوم یبعثون» (مومنون/۹۹-۱۰۰)

«محمد ، عن ابن عیسی ، عن أحمد بن محمد ، عن عبد الرحمن بن حماد ، عن عمرو بن یزید ، قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام ...

و لكني و الله أتخوف عليكم في البرزخ» قلت : و ما البرزخ قال: القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة» (الكافي ۳ : ۲۴۲)

➤ **نظام پاداش و تنبیه و گذرگاه مرگ:(نظام تجسم اعمال):**

«كل نفس ذائقة الموت ...» (آل عمران/۱۸۵، انبياء/۳۵، عنكبوت /۵۷) / «كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاكرام» (الرحمن/۲۶-۲۷)

✓ **مرگ شیرین و آسان: آخرت گرایان مجاهد فی سبیل الله:** «اهل ایمان و یقین (اصحاب یمین و مقربین)»

✓ **مرگ های متنوع دردناک: مریض القلب های دلبسته دنیا:** « بسیاری از مسلمانان و اهل کتاب»

✓ **مرگ های هولناک: اهل نفاق، و کفر دلبسته دنیا:** «منافقین، اهل کتاب معاند، مشرکین و ملحدین»:

«**زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين ... ذلك متاع الحیوة الدنيا...**» (آل عمران/۱۴) / «**كلا بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة**» (قیامت/۲۰-۲۱)

«و لو ترى اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملكة باسطوا ايديهم؛ **اخرجوا انفسكم**؛ اليوم تجزون عذاب الهون ...» (انعام/۹۲)

«و التفت الساف و بالساق.. فلا صدق و لا صلی و لكن كذب و تولى ثم ...؛ **اولی لك فاولی؛ ... ثم اولی لك فاولی**» (قیامت/۲۹-۳۵)

✓ **مرگ های نامعلوم: دنیا گریزان غیر مسلمان: (?)**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

➤ موضوعات حسابرسی کلی برزخ:

✓ سؤالات اعتقادی: از «پروردگار / دین / نبوت و امامت و رهبری الهی»

عن سوید بن عفلة قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام: ... فيقولان له : من ربك؟ و ما دينك؟ و من نبيك؟ ... و من امامك؟» (كافي ٢ / ٢٢١ - ٢٢٩) «... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله... و عم يسألون» قال: «عن الحجة القائمة بين أظهرهم...» (الكافي ٢ : ٢٢٧)

✓ سؤالات دیگر: از «الزامات اولیه عبادی و اقتصادی»:

➤ محور اصلی افراد مورد سوال: رهبران و پیروان خالص در ایمان و کفر:

«... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله من المسؤولون في قبورهم؟ قال: من محض الإيمان و من محض الكفر؛ قلت: فبقية هذا الخلق قال: يلهي و الله عنهم، ما يعاب بهم...» (الكافي ٢ / ٢٢٧)

➤ نظام پاداش و تنبیه و قرارگاه موقت برزخ:

✓ بهشت برزخی: شهداء و اولیاء الهی و ...: (انعمت عليهم):

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون؛ فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم و لا هم يحزنون» (آل عمران/١٦٩-١٧٠)

✓ جهنم برزخی: تبهکاران، منافقین و کفار (مغضوبین):

«النار يعرضون عليها غدوا و عشيا؛ و يوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» (غافر/٤٦)

✓ خواب برزخی: (شیرین و یا آشفته)

➤ تغییر و تحول پرونده اعمال از برزخ تا روز قیامت:

«ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم و اخر...» (قيامت/١٢)

➤ سه عامل مکمل در ارتقاء پرونده اعمال بعد از مرگ: «فرزند صالح، سنت حسنه، وقف جاری»:

عن عبد الخالق بن عبد ربه قال : قال أبو عبد الله عليه السلام : خير ما يخلفه الرجل بعده ثلاثة : ولد بار يستغفر له ، و سنة خير يقتدى به فيها ، و صدقة تجري من بعده» (بحار الأنوار، ٦ / ٢٩٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

■ مراحل مالکیت و ملوکیت الهی در روز قیامت:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهيم / ۴۸)

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ؛ لمن الملك اليوم؟؛ لله الواحد القهار» (غافر/ ۱۶)

«لايسئل عما يفعل و هم يسئلون» (انبیاء/ ۲۳)

❖ **مرحله فوق العاده مالک «يوم الدين»:** قدرت نمایی خدای رحمان:

«و ما ادريک ما يوم الدين؟؛ ثم ما ادريک ما يوم الدين؟؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا... و عنت الوجوه للحي القيوم...» (طه/ ۱۰۸)

«حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّحَتِ الْأُمُورُ - وَتَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَأَزَفَ النَّشُورُ - أَخْرَجَهُمْ مِنْ صَرَائِحِ الْقُبُورِ وَأَوْكَارِ الطُّيُورِ - وَأَوْجِرَةَ السَّبَّاعِ وَمَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ - مَهْطِعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلًا صُمُوتًا قِيَامًا صُفُوفًا - يَبْغِذُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِي - عَلَيْهِمْ لُبُوسٌ الْأَسْتِكَانَةِ وَصَرَعُ الْأَسْتِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ - فَذَلَّتِ الْحَيْلُ وَانْقَطَعَ الْأَمَلُ وَهَوَتْ الْأَفِيدَةُ كَاطِمَةً - وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مُهَيَّبَةً - وَالْجَمُّ الْعَرَقُ وَعَظْمُ الشَّقَقِ وَأُرْعِدَتِ الْأَسْمَاعُ - لِزَبْرَةِ الدَّاعِي إِلَىٰ فَصْلِ الْخِطَابِ وَمُقَابِيضَةِ الْجَزَاءِ - وَنَكَالِ الْعِقَابِ وَنَوَالِ الثَّوَابِ» (نہج، خ ۸۳، ص ۱۰۹)

«سليمان بن جعفر ، باسناده ، عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ، أنه قال : إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الخلق

عراة ، فيوقفون بالمحشر ، حتى يعرقوا عرقا " شديدا " و تشند أنفاسهم ، فيمكثون بذلك مقدار خمسين عاما " ، و ذلك قول الله عز وجل :

" و خشعت الأصوات للرحمان فلا تسمع إلا همسا» (شرح الاخبار ، قاضى نعمان، ۲ / ۴۶۸ ؛ بحار الانوار، ۷ / ۱۰۱).

❖ **مرحله عمومی مالک «يوم الدين»:** سیطره اقتدار مطلق الهی بر تمام عرصه های آخرت:

«يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ؛ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (ذاریات/ ۱۲-۱۳)/ وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي حَجِيمٍ؛ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (انفطار/ ۱۴-۱۵)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (صافات / ۸۲) / وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص / ۷۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک یوم الدین» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «یوم الحساب»: حسابرسی از خالق و مخلوق!:

«فلنستئن الذين ارسل اليهم و لنستئن المرسلين» (اعراف/۶)

➤ حسابرسی از خالق! و رسولان الهی!:

✓ حسابرسی از خدای رحمان:

«... أَوْلَمْ نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْذَكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ...» (فاطر/۳۷)

✓ حسابرسی از کارگزاران (انبیاء و معصومین صاحب منصب):

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؟

قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (انعام/۱۳۰)

➤ حسابرسی از خلائق (پرونده فردی و تشکیلاتی):

«و یوم ینادیهم فیقول: ماذا اجبتم المرسلین؟...» (قصص/۶۵)

«أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ؛ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (مطففين/۲-۶)

✓ حسابرسی به پرونده اعمال فردی:

«اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا» (اسراء/۱۴)

«و وضع الكتاب؛ فترى المجرمین مشفقین مما فیہ؛ و یقولون: یا ویلتنا! ما لهذا الكتاب لا یغادر صغيرة و لا كبيرة الا احصیها؟! و وجدوا ما عملوا حاضرا؛ و لا یظلم ربک احدا» (کھف/۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

✓ حسابرسی به پرونده اعمال تشکیلاتی و سازمانی (اعمال رهبری، و اعضای سازمان):

• پرونده مشترک اعضای سازمان:

«تری کل امة جاثیه!؛ کل امة تدعی الی کتابها؛ الیوم تجزون ما کنتم تعملون» (جاثیه/۲۸)

«فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» (شعراء/۱۵۷)/ «... اذ انبعث اشقيها؛ ... فکذبوه فَعَقَرُوهَا؛ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم ... و لا يخاف عقبيها» (شمس/۱۲-۱۵)

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَالسُّخْطُ - وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ - فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا - فَقَالَ سُبْحَانَهِ: «فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» * - فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ - خَوَارَ السِّكَّةَ الْمُحَمَّاةَ فِي الْأَرْضِ الْخَوَارَةَ» (نہج، خ ۲۰۱، ص ۳۱۹)

«فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ - بِلَا جُرْمٍ جَرَّهَ لِحَلِّ لِي قَتْلِي ذَلِكَ الْجَبِشِ كُلِّهِ - إِذْ حَصَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا - وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا بِيَدٍ - دَعَا مَا أَنْتُمْ قَدْ قَتَلْتُمُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»

(نہج، خ ۱۷۲؛ الغارات، ثقفی کوفی، ۱/ ۲۱۰؛ الامامه و السياسه، ابن قتیبہ دینوری، ۱/ ۱۲۵)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ... قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخِثَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ: رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَأْتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۲۷-۲۸)

• پرونده سرنوشت ساز رهبری سازمان:

«یوم ندعوا کل اناس بامامهم...» (اسراء/۷۱)

«يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم النار؛ و بنس الورد المورود» (هود/) / «وَجَعَلْنَاَهُمْ أُمَّةً يُدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص/۴۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَادَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (بقره/۲۴-۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا: اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (عنكبوت/۱۲-۱۳)

يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ؛ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا؛ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (احزاب/۶۶-۶۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الجزاء»:

➤ سرنوشت امت مسلمان:

✓ مقربان:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٍ (واقعه/۸۸-۸۹) / «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» (حمد/۷)
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹)

✓ اصحاب یمین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (واقعه/۹۰-۹۱)
وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱)

✓ مریض القلب ها(ضالین):

«...فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ» (بقره/ ۲۰۰)

✓ منافقان(مغضوبین):

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ؛ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادَ (بقره/۲۰۲-۲۰۶)

➤ سرنوشت امت بشری:

✓ مغضوبین:

✓ ضالین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ؛ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ؛ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ (واقعه/۹۲-۹۴) / «غير المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

✓ آزادگان بی خبر از اسلام

➤ بلاتکلیفان (بالغان متحیر، نابالغان و سفیهان):

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► نجلی احدیت در اعتقاد و سلوک جامعه، در سوره حمد و رهنمود های مدیریتی:

❖ احدیت و توکل الهی:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«لا حول و لا قوة الا بالله ...»

❖ احدیت و دغدغه مستمر لغزش و سقوط:

«اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۶)

❖ احدیت و امت واحده:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بينهم؛ كل الينا راجعون» (انبیاء / ۹۲-۹۳)

«و ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بينهم زبرا؛ كل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم...» (مومنون / ۵۲-۵۴)

❖ احدیت و الگوهای سلسله مراتب امامت و رهبری الهی:

«صراط الذين انعمت عليهم...» (حمد/۷)

«و من يطع الله و الرسول فاولئك الذين انعم الله عليهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین؛ و حسن اولئك رفیقا؛

ذلك الفضل من الله و كفی بالله علیما» (نساء/۵۹)

❖ احدیت و اسبب شناسی گروه ها و رهبران اجتماعی معارض، و موضع گیری مناسب در برابر انها:

«غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد/۷)

«الله لا اله الا هو؛ ... فمن یكفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقی، لا انفصام لها؛ و الله سمیع علیم؛ الله ولی الذين آمنوا ...» (بقره/۲۵۵-۲۵۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ امامت الهی و وحدت امت اسلامی:

. «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

• «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم؛ فاتقون» (مومنون/۵۲)

«و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى و يتبع غير سبيل المومنين، نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيرا» (نساء/۱۱۵)

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل بیت (ع):

«و علم آدم الاسماء كلها؛ ثم عرضهم على الملكة» (بقره/۳۱)/ «و جعلناهم ائمة يهدون بامرنا...» (انبياء/۷۳)

«لو بقيت الارض بغير امام لساخت» امام صادق (ع): (كافي، ۱/ ۱۷۹، ۳/ ۱۹۸)

«اللهم بلى لا تخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بيناته» على (ع): (نهج، حکمت ۱۲۷)

• «... حدثني أبو علي بن - همام قال : سمعت محمد بن عثمان العمري - قدس الله روحه - يقول : سمعت أبي يقول : سئل أبو محمد الحسن بن علي عليهما السلام و أنا عنده عن الخبر الذي روي عن أبائه عليهم السلام :

" أن الأرض لا تخلو من حجة لله على خلقه إلي يوم القيامة و أن من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية»

فقال (ع): إن هذا حق كما أن النهار حق ، ف قيل له : يا ابن رسول الله فمن الحجة و الامام بعدك ؟

فقال ابني محمد ، هو الامام و الحجة بعدي ، من مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلية» (كمال الدين، ۴۰۹)

• قال رسول الله (ص) : من مات لا يعرف إمام دهره مات ميتة جاهلية»: امام صادق(ع): (دعائم الاسلام، ۱/ ۲۷)

• عن ابى عبد الله (ع)، عن رسول الله (ص): «و من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية» (مستدرک، ۱۸/ ۱۷۶)

• «... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَدَّثَنِي عَمَّا بُنِيَتْ عَلَيْهِ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ ... وَ الْوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا وَ لَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ص فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ :

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ : (نساء/۵۹)» (كافي، ۲/ ۲۱)

• حدثنا بهذا الدعاء ، و ذكر أن الشيخ العمري قدس الله روحه أملاه عليه و أمره أن يدعو به و هو الدعاء في غيبة القائم عليه السلام:

«اللهم! عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف رسولك، اللهم! عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك،

اللهم! عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني، اللهم! لا تمنني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد إذ هديتني، (كمال الدين، ۵۱۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

• «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» (ص): (کنز العمال، ۱ / ۱۰۳)

• «و من مات ليس له إمام جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة بعث من مات ميتة جاهلية» (مسند الشاميين، طبرانی، ۳ / ۲۶۰)

• «حدثنا أبو النعمان ... حدثني أبو رجاء العطاردي قال سمعت ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي (ص) قال من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر عليه فإنه من فارق الجماعة شبراً فمات الا مات ميتة جاهلية» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۷)

• «... فإنه ليس أحد يفارق الجماعة شبراً فيموت الا مات ميتة جاهلية» (همان، ۱۰۵)

• «حدثنا عبد الله ... ابن جريح قال أخبرني عاصم بن عبيد الله:

ان النبي (ص) قال: ... من فارق الجماعة مات ميتة جاهلية» (مسند احمد، ۳ / ۲۴۵)

• «... سمعت ابن عباس يرويه عن النبي (ص) قال: من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر فإنه ليس من أحد يفارق الجماعة شبراً فيموت الا مات ميتة جاهلية» (سنن دارمی، ۲ / ۲۴۱)

• حدثنا إسماعيل ... عن جنادة بن أبي أمية قال دخلنا على عبادة بن الصامت وهو مريض فقلنا: أصلحك الله حدث بحديث ينفعك الله به سمعته من النبي (ص)؛ قال: دعانا النبي (ص) فبايعنا فقال فيما اخذ علينا: ان بايعنا على السمع و الطاعة في منشطنا و مكرهنا و عسرنا و يسرنا و أثرة علينا و ان لا ننازع الامر أهله الا ان تروا كفراً بواحا عندكم من الله فيه برهان» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۸)

• «حدثنا مسدد، حدثنا يحيى بن سعيد عن عبيد الله حدثني نافع عن عبد الله رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه و سلم قال:

«السمع و الطاعة على المرء المسلم فيما أحب وكره ما لم يؤمر بمعصية فإذا امر بمعصية فلا سمع و لا طاعة» (صحيح بخارى، ۸ / ۱۰۶)

• «حدثنا عمر بن حفص بن غياث ... عن أبي عبد الرحمن عن علي رضي الله عنه قال:

بعث النبي صلى الله عليه وسلم سرية و أمر عليهم رجلاً من الأنصار و أمرهم ان يطيعوه فغضب عليهم و قال أليس قد امر النبي صلى الله عليه و سلم ان تطيعوني قالوا بلى قال عزمت عليكم لما جمعتم حطبا و أوقدتم ناراً ثم دخلتم فيها فجمعوا حطبا فأوقدوا فلما هموا بالدخول فقام ينظر بعضهم إلى بعض فقال بعضهم: إنما تبعدنا النبي صلى الله عليه و سلم فراراً من النار أفندخلها فبينما هم كذلك إذ خمدت النار و سكن غضبه؛ فذكر للنبي (ص) فقال: لو دخلوها ما خرجوا منها ابداً إنما الطاعة في المعروف» (همان، ۸ / ۱۰۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

- حدثنا إسحاق بن منصور ... اتينا معقل بن يسار نعوذه فدخل عبید الله فقال له معقل أحدثك حديثا سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : **ما من وال يلي رعية من المسلمين فيموت وهو غاش لهم الا حرم الله عليه الجنة**» (صحيح بخارى، ١٠٧ / ٨)
- «... عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: **من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات مات ميتة جاهلية؛** و من قاتل تحت راية عميه يغضب لعصبة أو يدعو إلى عصبة أو ينصر عصبة فقتل فقتله جاهليه و من خرج على أمتي يضرب برها و فاجرها و لا يتحاش من مؤمنها و لا يفى لذي عهد عهده فليس منى و لست منه» (صحيح مسلم، ٢١ / ٦)
- «وحدثني عثمان بن أبي شيبة ... عن عرفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من اتاكم و أمركم جميع على رجل واحد يريد ان يشق عصاكم أو يفرق جماعتكم فاقتلوه» (صحيح مسلم، ٢٣ / ٦)
- حدثنا الحسين بن إسحاق التستري حدثنا سهل بن عثمان ثنا وكيع عن سفيان عن عبد الملك بن عمير عن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم **«لا يزال هذا الأمر قائما حتى يكون اثنا عشر خليفة»** (المعجم الكبير، طبرانى، ٢١٤ / ٢)
- حدثنا عثمان بن أبي شيبة ، ثنا أبو داود الحفري ، ثنا ياسين ، عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية ، عن أبيه عن علي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **" المهدي منا أهل البيت يصلحه الله في ليلة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٧ / ٢).
- و أخرجه أيضا ابن ماجه في السنن قال : حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة ، ثنا أحمد بن عبد الملك ، ثنا أبو المليح الرقي ، عن زياد بن بيان ، عن علي بن نفيل ، عن سعيد بن المسيب ، قال : كنا عند أم سلمة فتذاكرنا المهدي فقالت : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : **«المهدي من ولد فاطمة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٨ / ٢) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► قرآن و اهل البيت (ع) محور وحدت اسلامی

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲) / «و اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشلقوا و تذهب ريحكم و اصبروا ...» (انفال/۴۶)

«انه لقرآن كريم ...؛ لا يمسه الا المطهرون» (واقعه/۷۸۰۷۹) / «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» (احزاب/۳۳)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو النصر ثنا محمد يعني ابن طلحة عن الأعمش عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه و سلم قال إني أوشك أن أدعى فأجيب و انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل و عترتي كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض؛

و عترتي أهل بيتي و ان اللطيف الخبير أخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروني بم تخلفوني فيهما» (مسند احمد، ۱۷ / ۳)

• «انى تارك فيكم ما إن تمسكتم به بعدى لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي؛

و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (ص): (كنز العمال، ۱ / ۱۸۶)

• «إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح، من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك» ابوذر از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۴)

• «النجوم أمان لأهل السماء؛ و أهل بيتي أمان لامتي» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۶)

• «أنا و علي و فاطمة و الحسن و الحسين يوم القيامة في قبة تحت العرش» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۰)

• «خير رجالكم علي؛ و خير شبابكم الحسن و الحسين؛ و خير نسائك فاطمة» ابن مسعود از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

• «عرض لي ملك استأذن ان يسلم علي و يبشرني ببشرى:

ان فاطمة سيدة نساء أهل الجنة و ان الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة» حذيفة از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

» ... عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: النجوم أمان لأهل السماء فإذا ذهبت النجوم ذهب أهل السماء، و أهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض» (كمال الدين، صدوق، ۲۰۵)

«... حدثني أبو الطفيل [عامر بن واثلة] أنه رأى أبا ذر قائما عند باب الكعبة و هو ينادي: أيها الناس من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فأنا جندب الغفاري صاحب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ألا إني أبو ذر؛ ألا إني سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول:

مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق ...» (مناقب الامام اميرالمومنين، محمد بن سليمان كوفى، ۱۲۶ / ۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»
امت واحده اسلامی و امامت سیاسی واحد:**

❖ ملاکات شایستگی جانشینی پیامبر اسلام و رهبری معصومانه امت اسلام:

«منسوب از جانب خدا/ برترین در معنویت/ علم کامل به دین/ پهلوان امت!/ صاحب اعجاز/ وارث آثار نبوت/ هم سخن با ملائکه»

❖ «ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا...؛ قال: ان الله اصطفيه عليكم و زاده بسطة في العلم و الجسم، ... ان اية ملكه ان يأتكم التابوت و فيه سكينه من ربكم و بقیة مما ترك آل موسى و آل هارون، تحمله الملائكة...» (بقره/ ۲۴۷-۲۴۸)

❖ امام زمان (ع) حلقه وصل میان خالق و مخلوق (ملک و ملکوت، زمین و آسمان، دنیا و آخرت):

• «الحمد لله رب العالمين ... مالک يوم الاديم؛ اياک نعبد و اياک نستعين؛ اهدنا الصراط المستقیم... و لا الضالين»

• «قال الإمام أبو محمد الحسن(ع)، قال أمير المؤمنين (ع): فاتحة الكتاب هذه أعطاها الله محمدا صلى الله عليه و آله و أمته؛

بدأ فيها بالحمد لله و الثناء عليه، ثم ثنى بالدعاء لله عز وجل؛ و لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول :

قال الله عز وجل : **قسمت الحمد بيني و بين عبدي نصفين ، فنصفها لي ، و نصفها لعبدي ...**» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۵۸)

«و حدثناه إسحاق بن إبراهيم الحنظلي أخبرنا سفيان بن عيينة عن العلاء عن أبيه عن أبي هريرة ... فقال ... فاني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول قال الله تعالى: **قسمت الصلاة بيني و بين عبدي نصفين ...** فإذا قال: **«إياك نعبد و إياك نستعين»** قال: **هذا بيني و بين عبدي...** فإذا قال: **«اهدنا الصراط المستقیم ...»** قال: **هذا لعبدي...**» (صحيح مسلم، ۲ / ۹)

• «... أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهَ الْأَوْلِيَاءُ؛ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ و السَّمَاءِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)

➤ **نماز ویژه امام زمان(ع):**

• ۲ رکعت: در هر رکعت، ۱۰۰ مرتبه تکرار ایه «ایاک نعبد و اياک نستعين» در سوره حمد، و... + ۱۰۰ مرتبه صلوات در سجده» (مفاتيح الجنان)

➤ **مدیریت و رهبری امام زمان(ع):**

• «و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» (صافات/ ۱۷۱-۱۷۳)

• «...إِقَامَةً لِدِينِكَ و حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ و لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ و يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ ملاکات شایستگی رهبری امت اسلام در دوره غیبت کبری:

➤ مشروعیت دینی

«علم به دین / تقوی / علم به زمان / شجاعت / قدرت تدبیر»

« ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها... » (نساء/ ۵۸)

➤ مقبولیت مردمی:

«و الذين استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بينهم و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/ ۲۸)

«لو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر...» علی (ع): (نهج / خطبه ۳)

❖ پیش بسوی رهبری واحد امت اسلامی:

➤ اتحادیه کشورهای اسلامی: وحدت در اقتصاد، سیاست، امنیت و ...

➤ نظام فدرالی مبتنی بر رای امت مسلمان و خبرگان رهبری

➤ مقام معظم رهبری، حائز بالاترین امتیاز صلاحیت رهبری در «مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی»:

«ملاکات مشترک مکتب اهل البيت (ع) و مکتب اهل سنت»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

اصول بنیادین و سطوح وحدت اسلامی: (سطوح وحدت خانواده رحمانی):

«الرحمن علم القرآن؛ خلق الانسان؛ علمه البيان؛... و السماء رفعها و وضع الميزان؛ الا تطغوا في الميزان؛... و الارض وضعها للانام...» (الرحمن/۱-۱۰)

❖ **اصول بنیادین وحدت میان امت اسلامی: (خانواده اسلامی):**

«انما المؤمنون اخوة؛ فاصلحوا بين اخويكم؛ و اتقوا الله لعلكم ترحمون» (حجرات/۱۰)

➤ **اصول وحدت با عموم شیعیان:**

رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر) + «محکقات مکتب اهل بیت (ع)»

➤ **اصول وحدت با عموم مسلمین:**

رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر)»، مبتنی بر «عدم تعرض به مقدسات خاص یکدیگر»

❖ **اصول بنیادین وحدت با اهل کتاب: (خانواده توحیدی)**

رعایت حرمت «محکقات ۱۰ فرمان» + «محکقات مشترک دیگر با اهل کتاب»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»

«قل يا اهل الكتاب: تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم ان لانعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (آل عمران/۶۴)

❖ **اصول بنیادین وحدت با بشریت: (خانواده بشری)**

«يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و ... ان اكرمكم عند الله اتقيكم؛ ان الله عليم خبير» (حجرات/۱۳)

رعایت حرمت «محکقات حقوق و تکالیف بشری با محوریت محکقات مشترک ۱۰ فرمان»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»

التزام به «عدالت محوری بر مبنای عقلانیت فطری»

«... و لايجرمنكم شأن قوم على الا تعدلوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ و اتقوا الله؛ ان الله خير بما تعملون» (مائده/۸)

«لاينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم؛ ان الله يحب المقسطين» (ممتحنه/۸)

«ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى؛ و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى؛ يعظكم لعلكم تذكرون» (نحل/۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):

«... غیر المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ جریان های معارض امت واحده:

➤ گروه «مغضوبین» (عالمان حق پوش، شبهه افکنان معاند، منافقین، کفار معاند، ستمگران، مرتکبین و مروجین فحشاء، و ...):

✓ مصادیق: «ابلیس، سامری، بلعم باعورا، قوم عاد و ثمود، فرعون، هامان، قارون، و...»

«... و إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا؛ لَعْنَةُ اللَّهِ ...» (نساء/۱۱۷-۱۱۸) / «... وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (هود/۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا... ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)

«وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (شوری/۱۶)

«وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْسِ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود/۹۹) / «... فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (بقره/۹۰)

«... وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل/۱۰۶)

«وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ... وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (نور/۷ و ۹)

«فَإِذَنْ مُؤَدِّنُ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف/۲۴-۲۵)

✓ وضعیت باطنی: بیماران لاعلاج، مردگان (کوران، کران و لال ها) در قبر!:

«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره/۱۰)

«صم بكم عمى فهم لا يرجعون»؛ «صم بكم عمى؛ فهم لا يعقلون» (بقره/۱۸ و ۱۷) / «انك لاتسمع الموتى» (نمل/۸۰؛ روم/۵۲)

«و ما انت بمسمع من فى القبور» (فاطر/۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ اقسام جماعت «ضالین»:

✓ راه گم کردگان حق طلب:

«قَالَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام/۷۷) / «قَالَ فَعَلَّهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۲۰) / «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن/)

✓ گمراهان آلوده: «فی قلوبهم مرض»:

«فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ»

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مائده/۵۲)

«وَأَغْرُ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۸۶) / «لَنْ لَمْ يَنْتَه الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، وَالْمُرْجِفُونَ...» (احزاب/۴۰)

«إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاءٌ دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/ ۴۹)

«و إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب/۱۲)

«وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ... وَ ذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ... فَأُولَى لَهُمْ (محمد/ ۲۰)

«...اذا تمنى الفى الشيطان فى امنيته... لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (حج/۵۲-۵۳)

الف. کران نغرت زده:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران صدمه خورده از بعضی متدینین»:

«و جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ» (هود/۷۸) / «... و لا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين؛ (روم/۵۲)

«انهم أَلْفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ؛ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ» (صافات/۶۹-۷۰)

ب. کوران گرفتار:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران هم مشرب با مسلمان نما ها»:

«و ما انت بهادى العمى عن ضلالتهم...» (روم/۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):**

❖ **تبعات خطرناک و هول انگیز تفرقه:**

«و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران / ۱۰۵)

➤ **نماد شرک عملی و کفر به آخرت، و ملازم ریاکاری، بخل و خشونت اجتماعی:**

«...منیبین الیه و اتقوه و اقیموا الصلوة و لا تكونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (روم / ۲۱-۲۲)

«... انما الهکم اله واحد؛ فاستقیموا الیه و استغفروه؛ و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون» (فصلت ۶-۷)

«ارایت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین؛ فویل للمصلین... و الذینهم یراؤون و یمنعون الماعون» (ماعون / ۱-۷)

➤ **از دست رفتن ابرو و عزت اجتماعی:**

«و أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال / ۲۶)

➤ **فرو غلطیدن در گرداب تباهی اهداف و برنامه های متعالی انسانی الهی:**

«ان هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زیرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم حتی حین!» (مومنون / ۵۲-۵۴)

➤ **نابودی منابع قدرت و امنیت اجتماعی و حیثیت اخلاقی و ناموسی:**

«ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا؛ یتضعف طائفة منهم؛ یذبح ابناءهم و یتحی نساءهم؛ انه کان من المفسدین» (قصص / ۴)

➤ **از دست رفتن هویت انسانی الهی، و اسارت در بند و بندگی فراعنه گردنکش:**

«فاستخف قومه فاطاعوه؛ انهم كانوا قوما فاسقین» (زخرف / ۵۴)

... ➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ آسیب شناسی امت واحده اسلامی (خانواده اسلامی):

➤ وضعیت عموم مسلمین:

«و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (بقره/ ۲۴۳؛ یوسف/ ۳۸؛ غافر/ ۶۱) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف/ ۱۸۷؛ یوسف/ ۲۱، ۴۰، ۶۸، نحل/ ۳۸؛ روم/ ۳۰ و ۳۱؛ سبأ/ ۲۸ و ۲۶؛ غافر/ ۵۷؛ جاثیه/ ۲۶) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (هود/ ۱۷، رعد/ ۱؛ غافر/ ۵۹) / «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (عنکبوت/ ۶۳؛ حجرات/ ۲)

• جهل به دین و بی خبری اکثریت از عقاید مشترک مذاهب یکدیگر

• گرفتار اقسام تعصبات قومی مذهبی

• کثرت محرومیت از الگوهای راهبر و حدتگرا

• ضعف تقید اعتقادی رفتاری اکثریت مسلمین

«الی الله اشکو من معشر يعيشون جهالا و يموتون ضلالا» (نهج/ خطبه ۱۷)

➤ وضعیت اکثریت سران و رهبران مسلمین:

• ضعف مشورت، و شیوع استبداد رأی

• ضعف تقید دینی و عملی اکثر سیاستمداران مسلمان

• حزب گرایی و غلبه گرایش های ملی مذهبی، بر شمول گرایی اسلامی در اکثریت رهبران

• سیطره نظام های سکولار در اکثر کشورهای مسلمان

• وابستگی و یا انفعال اکثریت علمای مسلمان در نظام های مسلمان سکولار

• وابستگی اکثر نظام های مسلمین به قدرت های جهانی غیر مسلمان

❖ راهبرد بصیرت دهی و اصلاح مبتنی بر قسط و عدل در دفع آسیبها، با حفظ هویت و حیثیت خانواده اسلامی:

«قل هذه سبيلي؛ ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني؛ سبحان الله و ما انا من المشركين» (يوسف/ ۱۰۸)
«و ان طائفتان من المؤمنين اقاتلوا فاصلحوا بينهما؛ فان بغت احديهما على الاخرى فقاتلوا التي تبغى حتى تغىء الى امر الله؛ فان فاءت فاصلحوا بينهما بالعدل و اقسطوا؛ ان الله يحب المقسطين؛ انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم...» (حجرات/ ۹-۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»
❖ **آسیب شناسی امت واحده توحیدی: (خانواده توحیدی)**

➤ **وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی یهود:**

«جریان فرهنگ جمود فکری/دنیاگرایی شدید/استکبار و گردنکشی/ نژادپرستی شدید و نفی مسئولیت فرا نژادی!»

«لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشركوا؛ ...» (مائده/۸۲)

«...و منهم ان تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِمَّا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ...» (آل عمران/۷۵)

➤ **وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی مسیحیت:**

«جریان فرهنگ حقیقت جویی/دنیا گریزی/تواضع و فروتنی»

«... و لتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى؛ ذلك بان منهم قسسين و رهبانا و انهم لايسنكبرون» (مائده/۸۲)

«و من اهل الكتاب من ان تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ و ...» (آل عمران/۷۵)

➤ **عملکرد اکثریت سران و رهبران یهود و مسیحیت:**

«ازار فراوان اهل ایمان/کتمان حقیقت/حسادت شدید!/شبهه افکنی/توطئه جنگ مذهبی و تلاش بر ارتداد مسلمین»:

«... مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ و أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/۱۱۰)

«... و لتسمعن من الذين اتوا الكتاب من قبلكم و الذين اشركوا اذى كثيرا و ان تصبروا و تتقوا؛ فان ذلك من عزم الامور» (آل عمران/۱۸۶)

«يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُونَ الْحَقَّ و انتم تعلمون» (آل عمران/۷۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ان تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/ ۱۰۰)

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا و اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۰۹)

« قالت اليهود ... كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله؛ و يسعون فى الارض فسادا؛ و الله لايجب المفسدين» (مائده/۶۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ آسیب شناسی امت واحده بشری: (خانواده بشری):

➤ «عدم تمایل سران کفر و شرک به هرگونه پیشرفت نظام اسلامی:

«مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ؛ ...» (بقره/ ۱۰۵)

➤ عدم التزام به پیمانها و تعهدات:

« لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ » (توبه/ ۱۰)

➤ فتنه گری و ترور، جنگ مستمر تا ارتداد امت مسلمان:

«... وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا؛ ...» (بقره/ ۲۱۷)

➤ تظاهر به جهل و بی خبری به حقوق و تکالیف:

«... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام/ ۱۱۱)

➤ عادت به شکستن حدود و ضوابط انسانی و الهی:

نَلَيْكَ الْغُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ؛

وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (اعراف/ ۱۰۱-۱۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ راهبرد مدیریت رحمانی در مقابل فتنه گری و شیطنت زورگویان عالم:

➤ آمادگی همه جانبه برای دفع آسیب دشمنان (خصوصا آمادگی نظامی):

«آمادگی نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی برای دفع تهدید و تهاجم دشمنان آشکار و پنهان»:

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل؛ ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم و الله يعلمهم؛

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم و انتم لا تظلمون» (انفال/۶۰)

«و ان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فى دينكم فقاتلوا ائمة الكفر؛ انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون» (توبه/۱۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين» (بقره/۱۹۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما تعملون بصير» (انفال/۲۹)

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عمر بن أبان، عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

الخير كله في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس إلا السيف و السيوف مقاليد الجنة و النار» (كافى، كلينى ، ۵ / ۲)

«أحمد بن محمد بن سعيد، عن جعفر بن عبد الله العلوي، وأحمد بن محمد الكوفي، عن علي بن العباس، عن إسماعيل بن إسحاق جميعا، عن أبي روح فرج بن قره، عن مسعدة بن صدقة قال: حدثني ابن أبي ليلى، عن أبي عبد الرحمن السلمى قال: قال

أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أما بعد **فإن الجهاد باب من أبواب الجنة**، فتحه الله لخاصة أوليائه و سوغهم كرامة منه لهم و نعمة ذخرها، و الجهاد هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنته الوثيقة، فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله ثوب الذل و شمله البلاء؛ و فارق الرضا و ديث بالصغار و القماءة، و ضرب على قلبه بالأسداد و أدب الحق منه بتضييع الجهاد و سئم الخسف و منع النصف، ...:

اغزوهم قبل أن يغزوكم فوالله ما غزي قوم قط في عقر دارهم إلا ذلوا، ... و قد بلغني أن الرجل منهم كان يدخل على المرأة المسلمة و الأخرى المعاهدة، فينتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعاثها ما تمنع منه إلا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین ما نال رجلا منهم كلم و لا أريق له دم؛ **فلو أن امرءا مسلما مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما بل كان عندي به جديرا»** (كافى، كلينى ، ۵ / ۵)

➤ **حمايت از مظلومان ناتوان طالب نجات به قدر توان:**

«و ما لكم لا تقاتلون فى سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» (نساء/۷۵)

«لايكلف الله نفسا الا وسعها...» (بقره/۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► ایرانیان و محور وحدت اسلامی:

❖ پرچمداری قرآن و عترت در آخر الزمان:

- يا ايها الذين امنوا من یرتد منكم عن دينه، فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلة على المومنين اعزة على الكافرين يجاهدون فى سبيل الله لا يخافون لومة لائم؛ ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء و الله واسع عليم؛
- انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا ... و هم راکعون؛ و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا **فان حزب الله هم الغالبون**» (مائده/۵۴-۵۶)
- «... فان يكفر بها هؤلاء، **فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين**» (انعام/۸۹) / «و ان تتولوا **يستبدل قوما غيركم** ثم لا يكونوا امثالكم» (محمد/۲۸)
- هو الذى بعث فى الاميين رسولا منهم، يتلوا عليهم آياته و ... و **آخرين منهم لما يلحقوا بهم** و هو العزيز الحكيم؛
- ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء و الله ذو الفضل العظيم» (جمعه/۲-۳)
- «و روى أن النبي صلى الله عليه و آله سئل عن هذه الآية (مائده/۵۴)، فـضرب بيده على عاتق سلمان فقال هذا و ذوهه ، ثم قال:
- **لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس**» (نور الثقلين، ۱ / ۶۲۲)
- «أخرج سعيد بن منصور وابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه قال لما نزلت «و ان تتولوا **يستبدل قوما غيركم** (محمد/۲۸)؛ قيل: **من هؤلاء؟** و سلمان رضي الله عنه إلى جنب النبي صلى الله عليه و سلم؛
- فقال(ص): **هم الفرس؛ و هذا و قومه**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷) و أخرج عبد الرزاق و عبد بن حميد و الترمذي و ابن جرير و ابن أبي حاتم و الطبراني في الأوسط و البيهقي في الدلائل عن أبي هريرة رضي الله عنه قال تلا رسول الله صلى الله عليه و سلم هذه الآية: «**و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا أمثالكم**» (محمد/۲۸)
- فقالوا: يا رسول الله؛ من هؤلاء الذين ان تولينا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا أمثالنا ؟
- فـضرب رسول الله صلى الله عليه و سلم على منكب سلمان ثم قال(ص):
- **هذا و قومه؛ و الذى نفسي بيده لو كان الايمان منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

و أخرج ابن مردويه عن جابر رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم تلا هذه الآية: «و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم...» (محمد/٢٨):

• فسئل « من هم؟ قال(ص): **فارس؛ لو كان الدين بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور، ٦ / ٤٧)

• و أخرج سعيد بن منصور و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن المنذر و ابن مردويه و أبو نعيم و البيهقي معا في الدلائل عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه و سلم حين أنزلت سورة الجمعة فتلاها فلما بلغ «**و آخرين منهم لما يلحقوا بهم**» (جمعه/٣) قال له رجل: يا رسول الله من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا ؟ فوضع يده على رأس سلمان الفارسي و قال(ص):

و الذي نفسي بيده **لو كان الايمان بالثريا لناله رجال من هؤلاء**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

• و أخرج سعيد بن منصور و ابن مردويه عن قيس بن سعد بن عبادة ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال:

«**لو أن الايمان بالثريا لناله رجال من أهل فارس**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

❖ پرچمداری علم در آخر الزمان:

• «... عن جعفر عن أبيه (ع) أن رسول الله (ص)، قال: **لو كان العلم منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (قرب الإسناد، ؛ بحار الانوار، ١ / ١٩٥)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي، ثنا عبد الوهاب بن عطاء، ثنا عوف عن شهر بن حوشب قال: قال أبو هريرة:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **لو كان العلم بالثريا لتناوله ناس من أبناء فارس**» (مسند احمد، ٢ / ٢٢٠؛ جامع الصغير، السيوطي، ٢ / ٢٢٢؛ كنز العمال، ١١ / ٤٩١؛ ح ٣٣٢٤٢، ١٢ / ٩١، ح ٣٤١٣١)

• أخبرنا أحمد بن يحيى شعبة البصري في كتابه ثنا يعقوب بن غيلان ثنا محمد بن الصباح عن سفيان بن عيينة عن عبد الرحمن بن القاسم عن أبيه عن عائشة أن النبي (ص) قال: **لو كان العلم معلقا بالثريا لناله ناس من أبناء فارس**» (ذكر اخبار اصبهان، ابو نعيم اصبهاني، ١ / ٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► دو فتنه جهانی یهود، و رسالت ایرانیان در آزادی قدس، و بستر سازی حکومت جهانی امام زمان (ع):

❖ دو فتنه جهانی آخر الزمانی یهود:

• «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب: لتفسدون فی الارض مرتین و لتعلن علوا کبیرا» (اسراء/۴)

➤ ویژگی های مشترک دو فتنه:

فتنه: جهانی / فتنه گر: قوم یهود / مرکز فتنه: فلسطین / سرکوبگر فتنه: فداییان سلحشور اسلام (عبادا لنا اولی باس شدید)

➤ فتنه جهانی اول یهود و رسالت ایرانیان در سرکوبی آن و بستر سازی ظهور (رفع مانع ظهور):

«فاذا جاء وعد اولیهما، بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا» (اسراء/۵)

• «عن بعض أصحابنا (قال): کنت عند ابي عبد الله (ع) جالسا إذ قرأ هذه الآية:

«فاذا جاء وعد اولاهما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید، فجاسوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا»

فقلنا: جعلنا فداک، من هؤلاء؟ فقال: ثلاث مرات: هم و الله اهل قم!» (بحار الانوار، ۶۰ / ۲۱۶) .

➤ فتنه جهانی دوم یهود، و سرکوبی آن به رهبری بی واسطه امام زمان (ع):

«ثم ردنا لکم الکره علیهم؛ و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا؛ ...

فاذا جاء وعد الآخرة ليسؤوا وجوهکم و لیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما علوا تتبیرا...» (اسراء/۶-۷)

• عن حمران ، عن ابي جعفر عليه السلام قال كان یقرأ: " بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید "

ثم قال : و هو القائم (ع) و أصحابه اولی باس شدید» (تفسیر العیاشی، ؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۷)

• «اللهم إنا نرغب إلیک فی دولة کریمة، تعز بها الاسلام و أهله، و تذل بها النفاق و أهله، و تجعلنا فیها من الدعاة إلی طاعتک و القادة إلی سبیلک، و ترزقنا بها کرامة الدنيا و الآخرة» امام باقر(ع): دعا در خطبه نماز جمعه: (کافی، ۲ / ۲۲۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **عباد الرحمن، و امام المتقین (مدیران و رهبران فرشته خوی، الگوی پیروان اهل تقوی):**

«و عباد الرحمن ... و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان/۶۳) / «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ ...» (زخرف/۱۹)

❖ **افتاده احوالی:**

«و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا» (فرقان/۶۳)

❖ **مدارا با جاهلان...:**

«و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما»

❖ **اهل خلوت با خود و خدا: تهجد و شب زنده داری:**

«و الذين يبيتون لربهم سجدا و قياما»

❖ **یاد آخرت و نگران از عواقب عملکرد های خود:**

«و الذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم؛ ان عذابها كان غراما؛ انها ساءت مستقرا و مقاما»

❖ **اعتدال در رسیدگی به احوال نیازمندان:**

«و الذين اذا انفقوا لم يسرفوا و لم یقتروا و كان بین ذلك قواما»

❖ **مصون از شرک و قتل و فحشاء و شهادت ناحق و امور بیهوده و جاهلانیه:**

«و الذين لا يدعون مع الله الها اخر؛ و لا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و لا یزنون؛ و من یفعل ذلك یلق اثاما؛ یضاعف لها العذاب یوم القیمة و یخلد فیہ مقاما... و الذين لا یشهدون الزور؛... و اذا مروا باللغو مروا کراما»

❖ **متذکر به آیات قرآن کریم و نظام تکوین:**

«و الذين اذا ذکروا بآیات ربهم لم یخروا علیها صما و عمیانا»

❖ **دغدغه مند رشد و صلاح خانواده؛ و طالب توفیق هدایت و رهبری اهل تقوی:**

«و الذين یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان / ۷۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا!):**

(تمرین امادگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

از عوامل یاد آخرت:

استمرار در «خلوت با خود و خدا، انس با نماز و قرآن، انس با اهل آخرت، زیارت اهل قبور، رسیدگی به احوال فقرا و مساکین و ...»

«فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/ /) «يا ايها الانسان انك كادح الى ربك ... فلا اقسم بالشفق و الليل و ما وسق ... لتركن طبعا عن طبق...» (انشقاق/ ۶-۱۹)

«اذكروا هادم اللذات» على (ع): (عيون الحكم، ۸۸) / «تجهزوا رحمكم الله فقد نودي فيكم بالرحيل» (نهج، خ/ ۲۰۴) / «كيف غفلتكم عما لا يغفلكم» (نهج/)

«باسناده عن علي (ع): ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان إذا صلى ركعتين قبل صلاة الغداة اضطجع على شقه الأيمن و جعل يده اليمنى تحت خده اليمنى ثم قال: استمسكت بالعروة (بعروة الله - خ) الوثقى التي لا انفصام لها و استعصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من فورة العرب و العجم و أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن توكلت على الله طلبت حاجتي من الله حسبي الله و نعم الوكيل لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم». (الجعفریات ۳)

«الحسين بن سعيد عن فضالة عن حسين بن عثمان عن ابن مسكان و محمد بن سنان عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد قال: سئلته عما أقول إذا اضطجعت على يميني بعد ركعتي الفجر فقال أبو عبد الله عليه السلام:

اقرأ الخمس آيات التي في آخر آل عمران إلى أنك لا تخلف الميعاد و قل استمسكت (استمسك - يب ط) بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم آمنت بالله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله و فوضت امرى إلى الله و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا حسبي الله و نعم الوكيل . اللهم من أصبحت حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك الحمد لرب الصباح الحمد لخالق الاصباح ثلثا». (التهديب، ۲/ ۱۳۶)

«عن أبي عبد الله (ع) انه إذا صلى ركعتي الفجر و كان لا يصليهما حتى يطلع الفجر يتكى على جانبه الأيمن ثم يضع يده اليمنى تحت خده الأيمن يستقبل القبلة ، ثم يقول استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن؛ أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم حسبي الله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله طلبت حاجتي من الله لا حول و لا قوة الا بالله؛

اللهم اجعل لي نورا في قلبي و نورا في سمعي و نورا في بصري و نورا في لساني و نورا في شعري و نورا في بشري و نورا في لحمي و نورا في دمي و نورا في عظامي و نورا في عصبي و نورا من بين يدي و نورا من خلفي و نورا عن يميني و نورا عن يساري و نورا من فوقى و نورا من تحتي . اللهم عظم لي نورا و نعمة و سرورا ثم يقرء خمس آيات من آخر آل عمران ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد ثم يقول سبحان رب الصباح و خالق الاصباح و جاعل الليل سكنا و الشمس و القمر حسباننا ثلثا؛ اللهم اجعل أول يومى هذا صلاحا و أوسطه فلاحا و آخره نجاحا اللهم من أصبح و حاجته و طلبته إلى مخلوق فان حاجتي و طلبتي إليك وحدك لا شريك لك؛ ثم يقرء آية الكرسي و المعوذتين و يقول سبحان ربى العظيم و بحمده استغفر الله و أتوب اليه مئة مرة و كان يقول من قال هذا بنى الله له بيتا فى الجنة». (الدعائم، ۱/ ۱۶۶؛ جامع إحدیث، ۵/ ۴۲۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

(تمرین امامدگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

(القول في الضجعة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة):

«اضطجع بين ركعتي الفجر و (ركعتي - خ) الغداة على يمينك مستقبل القبلة؛ و قل في ضجعتك:

«استمسك بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس؛ سبحان رب الصباح فالق الاصبح سبحان رب الصباح فالق الاصبح ثم يقول بسم الله وضعت جنبي لله فوضت امرى إلى الله اطلب حاجتي إلى الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا اللهم و من أصبح و حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك و تقرا خمس آيات من آخر آل عمران ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد و صل على محمد و آل محمد مئة مرة فإنه روى ان من صلى على محمد و آل محمد مئة مرة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة وقى الله وجهه حر النار و من قال مئة مرة سبحان (الله - خ) ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه بنى الله له بيتا في الجنة و من فرأ احدى و عشرين مرة قل هو الله أحد بنى الله له بيتا في الجنة فان قرئها أربعين مرة غفر الله له». (الفقيه، ١/ ٤٩٢، ١٢٢٢)

«و لا بأس بان تصليهما (اي ركعتي الفجر) إذا بقي من الليل ربع و كلما قرب من الفجر كان أفضل ثم اضطجع على يمينك مستقبل القبلة و قل:

«استمسك (استمسكت - ك) بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها و بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس اللهم رب الصباح و رب المساء فالق الاصبح سبحان الله رب الصباح و فالق الاصبح و جاعل الليل سكنا بسم الله فوضت امرى إلى الله و ألجأت ظهري إلى الله و اطلب حوائجي من الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم»

فإنه من قالها كفى ما أهمه ثم يقرأ خمس آيات من آخر آل عمران و يقل مئة مرة سبحان ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه مئة مرة فإنه من قالها بنى الله له بيتا في الجنة». (فقه الرضا، ١٢؛ جامع احاديث، ٥/ ٢٦١٧)

«باسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر (ع) قال: سئلته عن الرجل: هل يصلح له ان يتكلم إذا سلم في الركعتين قبل الفجر قبل أن يضطجع على يمينه؟ قال(ع): نعم». (قرب الإسناد ٩١؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦١٩)

«محمد بن يعقوب عن علي بن محمد عن سهل بن زياد عن علي بن أسباط عن إبراهيم ابن أبي البلاد قال صليت خلف الرضا عليه السلام في المسجد الحرام صلاة الليل فلما فرغ جعل مكان الضجعة سجدة». (الكافي، ٣/ ٢٢٨؛ التهذيب، ٢/ ١٣٧؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦٢٠)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن أبي البلاد قال صلى أبو الحسن الأول صلاة الليل في المسجد الحرام و انا خلفه فصلى الثمان و أوتر و صلى الركعتين ثم جعل مكان الضجعة سجدة». (قرب الإسناد، حميرى، ١٢٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

(تمرین امادگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

«محمد بن علي بن محبوب عن محمد بن عبد الحميد محمد بن عمر بن يزيد عن محمد بن عذافر عن عمر بن يزيد قال قال أبو عبد الله عليه السلام ان خفت الشهرة في التكاأة فقد يجزيك ان تضع يدك على الأرض و لا تضطجع و أوماً بأطراف أصابعه من كفه اليمنى فوضعها في الأرض قليلاً؛

و حكى أبو جعفر عليه السلام ذلك». (تهذيب ۲۲۲ - جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

«احمد عن موسى بن القاسم و أبي قتادة عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال: **سئلته عن رجل نسي ان يضطجع على يمينه بعد ركعتي الفجر فذكر حين اخذ في الإقامة كيف يصنع؟** قال يقيم و يصلی و يدع ذلك فلا بأس».

(مسائل علی بن جعفر، ۱۸۲؛ قرب الاسناد، ۲۲۲؛ التهذيب، ۲ / ۳۲۸؛ جامع احاديث، ۵ / ۲۴۶)

«علي بن جعفر في كتابه مثله بإسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر (ع) مثله». (قرب الإسناد ۹۲؛ جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

«و يستحبّ الضجعة بعد نافلة الفجر على الجانب الأيمن ، و الدعاء فيها بالمأثور للمستفيضة الخاصية و العامية».

(بهبهانی، وحید، مصابيح الظلام فی شرح مفاتيح الشرائع، ۲ / ۵۱۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

■ عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی:

- «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ...» (يونس/٣)
- «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ» (طه/٥)

■ صفات عرش الهی: مجد، کرامت و عظمت:

- «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» (مومنون / ١١٦)
- «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (نمل / ٢٦)
- «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ؛ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ» (بروج/١٥-١٦)

■ تسبیحات اربعه، چهار رکن عرش الهی، حاکم بر تارو پود عالم:

- «و روى عن الصادق عليه السلام انه سئل لم سميت الكعبة كعبة؟؛ قال (ع): لأنها مربعة؛ ف قيل له و لم صارت مربعة؟ قال(ع): لأنها بحذاء البيت المعمور و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار البيت المعمور مربعاً؟ قال(ع): لأنه بحذاء العرش و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار العرش مربعاً؟

قال(ع): لان الكلمات التي بنى عليها الاسلام أربع و هي: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**». (علل الشرايع، ٢ / ٢٩٨)

■ حقیقت تسبیحات اربعه، حاکم بر تارو پود «بینش، گرایش و رفتار» اهل ایمان:

- «تفسیر علی بن ابراهیم : ابي ، عن ابن ابي عمير ، عن جميل ، عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قال: رسول الله صلى الله عليه و آله: لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فرأيت فيها (قيعان و رايت فيها) ملائكة يبنون لبنة من ذهب و لبنة من فضة و ربما أمسكوا؛ فقلت لهم: ما لكم ربما بنيتم و ربما أمسكتم؟ فقالوا: حتى تجيئنا النفقة، فقلت لهم : و ما نفقتكم؟ فقالوا: قول المؤمن في الدنيا: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**، فإذا قال، بنينا ، و إذا أمسك، أمسكنا!».

(بحار الانوار، ٨ / ١٢٢؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ٧ / ١٨٨، طوسی، امالی، ٤٧٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

مقدمه:

❖ «حاکمیت مطلق اراده الهی بر نظام خلقت»:

- «ذو العرش المجید فعال لما یرید» (بروج/۱۵-۱۶)
- «اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون» (بقره/۱۱۷؛ آل عمران/۴۷؛ مریم/۳۵)
- «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۲-۸۳)

❖ فرایند حاکمیت اراده الهی بر فکر و اراده و عملکرد انسانی:

- «حاکمیت الهی بر اندیشه انسانی / بر شوق و اراده / بر قدرت عمل / بر توفیق عمل، و ضرورت اذن الهی»
- «یا ایها الذین آمنوا استنجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ و اعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون» (انفال/۲۴)
- «و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو؛ و ان یمسک بخیر، فهو علی کل شیء قدیر» (انعام/۱۷)
- «و ما تشاؤون إلاّ ان یشاء الله ربّ العالمین» (تکویر/ ۲۹)

❖ عرصه های تجلی آشکار حاکمیت الهی در زندگی انسان:

- «عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم، و حل العقود، و نقض الهمم» (نهج، حکمت ۲۵۰)
- «عرف الله سبحانه و تعالی بفسخ العزائم و حل العقود و كشف الضر و البلیة عن اخلص له النیة» علی (ع): (عیون الحکم، واسطی، ۳۳۹)
- «حدّثنا أحمد بن هارون القاضي (الغامی)، و جعفر بن محمد ابن مسرور، قال: ... حدّثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعت أبي يحدث عن أبيه (عليه السلام): أن رجلا قام إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا أمير المؤمنين بما عرفت ربّك؟ قال (عليه السلام): بفسخ العزائم و نقض الهمم، لما أن هممت فحال بيني و بين همّي، و عزمت فخالف القضاء عزمي، فعلمت أنّ المدبرّ غيري، ...» (خصال، صدوق، ۱/ ۱۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

از «صاحب نظران مدیریت»، چند پرسش مطرح می شود:

۱- در سازمانی که من، ظاهراً، مدیر آن هستم، «وجود نامرئی حیرت آوری» با خصوصیات ذیل حضور دارد:

➤ در همه بخشهای سازمان حضور دارد:

▪ «هو معکم اینما کنتم» (حدید /)

➤ بر همه سازمان اشراف اطلاعاتی دارد:

▪ «ألا إنّه بكلّ شیءٍ محیط» (فصلت / ۵۴)

➤ حتی در فکر و قلب من حضور دارد:

«نحن أقرب إلیه من حبل الوريد» (ق /)

➤ بدون اجازه اش، نه تنها حق، بلکه امکان هدفگذاری،... و تصمیم گیری در سازمان، برای من وجود ندارد:

▪ «إنّ الله یحول بین المرء و قلبه...» (انفال /)؛

▪ «و ما تشاؤون إلاّ أن یشاء الله ربّ العالمین» (تکویر /)

➤ بدون اجازه اش، حتی، امکان کسب قدرت ندارم؛ بلکه، جوانی، پیری، و مرگ و زندگی ام نیز، در اختیار اوست:

▪ «الله الذی خلقکم من ضعف؛ ثمّ جعل من بعد قوّة ضعفا...» (روم /)

▪ «کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فأحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم؛ ثمّ إلیه ترجعون» (بقره /)

➤ او، در کتاب راهنمایش، از نوع مدیریت، علمکرد و توصیه هایش، سخن گفته، عمل بر طبق آن را، تاکید دارد:

▪ «لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم افلا تعقلون» (انبیاء /)

▪ «انا انزلنا الیک الكتاب بالحقّ لتحکم بین الناس بما اریک الله و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء / ۱۰۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او از عواقب تخلف از دستور هایش، به من هشدار می دهد؛ و در مقابل، از غفران و رحمتش در صورت عذر خواهی و جبران، سخن می گوید:

▪ «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (حجر/۴۹-۵۰)

➤ سبک برخوردش با من، شبیه ترکیبی از سبک های مدیریت و رهبری است:
از دستوری تا مشارکتی و تفویضی:

▪ «انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون» (يس/۸۲) / «فعال لما يريد» (بروج/)

▪ «انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا» (انسان/)

▪ «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ» (زمر/۷)

➤ به ظاهر، به من اجازه هدفگذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، ... و نظارت و کنترل می دهد؛ لیکن با حضور و اشراف لحظه لحظه اش بر کار و وجود من، هر جا مصلحت ببیند، بدون اجازه ام، با اقتدار کامل، دخل و تصرف می کند و اراده اش را بر من و سازمانم حاکم می کند:

▪ «قل اللهم مالك الملك؛ تؤتي الملك من تشاء؛ و تنزع الملك ممن تشاء؛ و تعزّ من تشاء و تدلّ من تشاء...» (آل عمران/)

▪ «و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و أحسن كما أحسن الله إليك...» (قصص/)

▪ «ليس للإنسان إلا ما سعى...» (نجم/)

➤ «نحوه مدیریت او، با چگونگی بینش، گرایش، منش، و عملکرد من، ارتباط شدیدی دارد:

▪ «قل ما يعبؤا بكم ربّي لولا دعاؤكم؛ فقد كذبتم فسوف يكون لزاما» (فرقان/)

▪ «ادعوني استجب لكم؛ إنّ الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين» (شوری/)

▪ «ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفو عن كثير» (شوری/)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او لحظه به لحظه مرا در مسیر رسیدن به اهداف متعالی سازمان و هدف نهایی خلافت و جانشینی خود در عالم، یاری می دهد:

«بسم الله الرحمن الرحيم» ... «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

«هو الذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها؛ فاستغفروه ثم توبوا الیه؛ ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

▪ «... إني جاعل في الأرض خليفة...» (بقره /)

▪ «تخلقوا بأخلاق الله» (ص): {بحار الأنوار، ۵۸ / ۱۲۹؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، باب فضائل علی (ع)؛ ارشاد القلوب، دیلمی، ب ۲۸ ص ۱۲۷}

▪ «عن زید بن أسلم، قال: قيل أوحى الله إلى داود (ع): **تخلّق بأخلاقی و إن من أخلاقی الصبر**» .

(الحر العاملي في الجواهر السنّية ص ۷۸ عن كتاب مسكن الفؤاد؛ الزمخشري في ربيع الأبرار؛ ۲ / ۵۲۹).

➤ او مدیرانی با الگوی نمایندگی مدیریت خود، در ارتباط با من قرار داده است:

▪ «فالمدبرات أمرا...» (نازعات/۵)

▪ «لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون» (تحریم/۶)

▪ «لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون» (انبیاء/۲۷)

▪ «نحن أولياؤکم في الحياة الدنيا و في الآخرة...» (فصلت/۳۱)

▪ «الله يصطفي من الملائكة رسلا و من الناس؛ إنّ الله سمیع بصیر؛ يعلم ما بین أيديهم و ما خلفهم؛ و إلى الله ترجع الأمور» (حج/۷۵-۷۶)

▪ «لقد لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيرا» (احزاب/۲۱)

۲- «حال از صاحب نظران مدیریت، می پرسم»:

«مدیر ارشد این سازمان ، کیست؟ من هستم یا او؟!»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر»

مراحل سلوک الهی:

«تخلیه / تحلیه / تجلیه / فناء فی الله (مقام محو: بندگی تمام عیار):»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر»

▪ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)

مراتب سلوک الهی:

❖ **مرتبه اسلام:**

التزام به الزامات فقهی حقوقی

(احکام تکلیفی: محرمات و واجبات؛ احکام وضعی: صحت، بطلان، و ...)

❖ **مرتبه ایمان:**

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی

❖ **مرتبه یقین**

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی + عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مرحله رکن تسبیح: سبحان الله:

➤ معرفت و باور به خالقیت و ربوبیت مطلق الهی در نظام تکوین و تشریح:

«سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»... «الله خالق کل شیء» (زمر/ ۴ و ۶۲) / «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس / ۸۲)

➤ بینش و باور و اعتراف به نفی هرگونه عیب و نقص در ذات مقدس خدای رحمان، و در نظام خلقت و تشریح الهی:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» (اسراء/ ۱)

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس/ ۳۶)

«وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْعُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ؛ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ؛ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (زخرف/ ۱۲-۱۴)

«مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ...؛ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (مومنون/ ۹۱-۹۲)

«قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ؛ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (زخرف/ ۸۱-۸۲)

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ... هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ... لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى؛ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/ ۲۲-۲۴)

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ؛ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاقُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ؛ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (ملك/ ۴)

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص/ ۶۸)

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات/ ۱۵۹-۱۶۰)

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛... سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۱۷۱-۱۸۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ بینش و باور و اعتراف به فقر و نیاز وجودی مطلق خود و نظام خلقت، به خالق بی نیاز پاسخگوی نیازها:

▪ «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله؛ و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ آسیب شناسی وجود خود، و معرفت و اعتراف به قصور و تقصیر بندگی، و عذر خواهی به درگاه الهی و طلب عفو و گذشت و رحمت الهی:

«و نَفْسٍ و مَا سَوَّاهَا؛ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/۷-۱۰)

«... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ مطالعه اسبب شناسانه اهداف، برنامه ها و عملکرد مدیریت های غیر الهی (طاغوتی و شیطانی) با استمداد از رهنمود ها و الگوی عملی سیره اولیاء الهی، خصوصاً اهل البيت (ع):

▪ «... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى، لا انفصام لها و الله سميع عليم» (بقره/۲۵۶)

▪ «و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ اَنْ يَعْبُدُوهَا و اَنَابُوا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ النُّبُورَى؛ فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر/۱۷)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام/۱۱)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل / ۶۹)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم/۴۲)

▪ «... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ و لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (يوسف / ۱۰۹)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آدَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج/۲۶)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ و أَشَدَّ قُوَّةً وَّآثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ و حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَحَدَّهُ و كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ؛ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سِنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ و خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (غافر/۸۲-۸۵)

▪ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى و لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ... و هُدًى و رَحْمَةً لِّعَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (يوسف/۱۱۱)

▪ «فَأَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ و الْأُولَى؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى» (نازعات/۲۵-۲۶)

▪ «و اعلموا انكم لن تعرفوا الرشده حتى تعرفوا الذى تركه؛ و لن تاخذوا بميثاق الكتاب حتى تعرفوا الذى الذى نقضه؛ و لن تمسكوا به حتى تعرفوا

الذى نبذه؛ فالتمسوا ذلك من عند أهله فإنهم عيش العلم و موت الجهل؛ هم الذين يخبركم حكمهم عن علمهم، و صمتهم عن منطقتهم، و ظاهرهم عن باطنهم؛ لا يخالفون الدين و لا يختلفون فيه، فهو بينهم شاهد صادق، و صامت ناطق ...» على (ع): (خ/۱۲۷، ص/۲۰۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ سیاست وارونه بنی امیه و معاویه، در سنت آسیب شناسی ارزشها و شناخت پیروان جبهه حق و باطل:

✓ ازادی تعلیم ایمان و ممنوعیت تبیین کفر و شرک و نفاق:

▪ «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن المنقري، عن سفيان ابن عيينة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن بني أمية أطلقوا للناس تعليم الايمان و لم يطلقوا تعليم الشرك لكي إذا حملوهم عليه لم يعرفوه» (كافي، كليني، ۲ / ۲۱۵)

✓ تنقیص مقام عصمت: شخصیت انبیاء(ع) و پیامبر اسلام(ص):

▪ «لا أوتى برجل يزعم أن داود تزوج امرأة أوريا الا جلده حيا للنبوة و حيا للاسلام» علی (ع): (نورالثقلين، حویزی، ۴ / ۲۴۶)

✓ نسبت قضاوت جاهلان به پیامبر اسلام!:

▪ «حدثنا قتيبة بن سعيد الثقفي و أبو كامل الجحدری و تقاربا في اللفظ و هذا حديث قتيبة قال: حدثنا أبو عوانة عن سماك عن موسى بن طلحة عن أبيه قال: مررت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم يقوم على رؤس النخل؛ فقال ما يصنع هؤلاء؟!؛

فقالوا يلحقونه يجعلون الذكر في الأنثى فيتلقح فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: ما أظن (يعنى ذلك) شيئا؛

قال: فأخبروا بذلك فتركوه فأخبر رسول الله صلى الله عليه و سلم بذلك فقال: إن كان ينفعهم ذلك فليصنعه فاني إنما ظننت ظنا فلا تؤاخذوني بالظن و لكن إذا حدثتكم عن الله شيئا فخذوا به فاني لن اكذب على الله عز وجل» (صحيح مسلم، ۵ / ۹۵)

▪ «حدثنا عبد الله بن الرومي اليمامي و عباس بن عبد العظيم العنبري و أحمد بن جعفر المعقري قالوا حدثنا النضر بن محمد حدثنا عكرمة (و هو ابن عمار) حدثنا أبو النجاشي حدثني رافع بن خديج قال: قدم نبي الله صلى الله عليه و سلم المدينة و هم يأبرون النخل يقولون يلحقون النخل؛ فقال(ص): ما تصنعون؟!؛

قالوا كنا نصنعه قال(ص): لعلكم لو لم تفعلوا كان خيرا؛ فتركوه فنغضت أو فبنقت؛ قال: فذكروا ذلك له؛ فقال(ص): إنما انا بشر إذا أمرتكم بشئ من دينكم فخذوا به و إذا أمرتكم بشئ من رأيي فإنما انا بشر؛ (قال عكرمة أو نحو هذا قال المعقري فنغضت و لم يشك)» (صحيح مسلم، ۵ / ۹۵)

▪ «حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة و عمرو الناقد كلاهما عن الأسود بن عامر قال أبو بكر حدثنا اسود بن عامر حدثنا حماد بن سلمة عن هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة و عن ثابت عن انس ان النبي صلى الله عليه و سلم مر يقوم يلحقون؛ فقال(ص):

لو لم تفعلوا لصلح؛ قال: فخرج شيصا!!؛ فمر بهم فقال ما لنخلكم قالوا: قلت كذا و كذا؛ قال(ص): أنتم اعلم بأمر دنياكم!» (صحيح مسلم، همو، همان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ ترویج اندیشه جبری مسلکی:

✓ ترویج اندیشه ارجاء (لودگی اخلاقی + ایمان = عاقبت بخیری!):

✓ معرفی تناقض امیز امثال عشره مبشره بالجنه:

«حدثنا قتيبة اخبرنا عبد العزيز بن محمد، عن عبد الرحمن بن حميد، عن ابيه، عن عبد الرحمن بن عوف، قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **أَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُمَرُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَ طَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ، وَ الزَّيْنُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ فِي الْجَنَّةِ وَ أُبُو عَيْدَةَ ابْنِ الْحَرَّاجِ فِي الْجَنَّةِ**» (سنن ترمذی، ۵ / ۲۱۱)

«أخبرنا أبو مصعب قراءة عن عبد العزيز بن محمد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه وسلم نحوه؛ و لم يذكر فيه عن عبد الرحمن بن عوف، و قد روى هذا الحديث عن عبد الرحمن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه وسلم نحو هذا، و هذا أصح من الحديث الأول». (سنن ترمذی، ۵ / ۲۱۲)

«حدثنا صالح بن مسمار المروزي أخبرنا ابن أبي فديك عن موسى بن يعقوب عن عمر بن سعيد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه أن سعيد بن زيد حدثه في نفر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: " عشره في الجنة: **أبو بكر** في الجنة، و **عمر** في الجنة، و **علي** و **عثمان** و **الزبير** و **طلحة** و **عبد الرحمن** و **أبو عبيدة** و **سعد بن أبي وقاص**: قال: فعد هؤلاء التسعة و سكت عن العاشر؛ فقال القوم: ننشدك الله يا أبا الأعور من العاشر؟ قال: نشدتموني بالله؛ **أبو الأعور** في الجنة، قال: هو سعيد ابن زيد بن عمرو بن نفيل، و سمعت محمدا يقول هذا أصح من الحديث الأول» (همو، همان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ قرآن کریم، منبع الهی حیرت آور در سنت آسیب شناسی امور افراد، تشکیلات، جوامع و نظامات بشری:

✓ فرمان انصاف و عدالت ورزی قولی و عملی در برخورد با دشمنان و دوستان راه حق:

▪ «و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام/۱۵۲)

▪ «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و إيتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنکر و البغی يعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/۹۰)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَي أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَّوْا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/ ۱۲۵)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ ... وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده/ ۲)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ تَعْدِلُوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۸)

▪ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/ ۸)

▪ «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ؛

فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/ ۹)

▪ «عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد بن خالد ، عن إسماعيل بن مهران ، عن عثمان بن جبلة ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : ثلاث خصال من كن فيه أو واحدة منهن كان في ظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله :

رجل أعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم ، و رجل لم يقدم رجلا و لم يؤخر رجلا حتى يعلم أن ذلك لله رضى ، و رجل لم يعب أخاه المسلم يعيب حتى ينفي ذلك العيب عن نفسه؛ فإنه لا ينفي منها عيبا إلا بدا له عيب!؛ و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس» (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۷)

▪ «علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

سيد الأعمال إنصاف الناس من نفسك و مؤاساة الأخ في الله و ذكر الله عز وجل على كل حال». (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۵).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن الحسن ابن حمزة، عن جده [عن] أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين (صلوات الله عليهما) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في آخر خطبته: طوبى لمن طاب خلقه و طهرت سجيته و صلحت سريرته و حسنت علانيته و أنفق الفضل من ماله و أمسك الفضل من قوله و **أنصف الناس من نفسه**». (كافي، كليني، ۲/ ۱۲۴)
- «أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال، عن غالب بن عثمان، عن روح ابن أخت المعلى، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: **اتقوا الله و اعدلوا، فإنكم تعيرون على قوم لا يعدلون**». (كافي، كليني، ۲/ ۱۲۷).
- «علي، عن أبيه، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن زرارة، عن الحسن البزاز قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): **ألا أخبرك بأشد ما فرض الله على خلقه [ثلاث]**؛ قلت: بلى قال: **إنصاف الناس من نفسك و مؤاساتك أخاك و ذكر الله في كل موطن، أما إنني لا أقول سبحان الله و الحمد لله و لا إله الا الله و الله أكبر و إن كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله عز وجل في كل موطن، إذا هجمت على طاعة أو على معصية**» (كافي، كليني، ۲/ ۱۲۵)
- «ابن محبوب، عن أبي أسامة قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): **ما ابتلي المؤمن بشئ أشد عليه من خصال ثلاث يجرمها، قيل: و ما هن؟** قال: **المؤاساة في ذات يده و الانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا، أما إنني لا أقول: سبحان الله و الحمد لله، [و لا إله الا الله] و لكن ذكر الله عندما أحل له و ذكر الله عندما حرم عليه**». (كافي، كليني، ۲/ ۱۲۶).
- «يا بني، **اجعل نفسك ميزانا فيما بينك و بين غيرك، فاحب لغيرك ما تحب لنفسك، و أكره له ما تكره لها، و لا تظلم كما لا تحب أن تظلم، و أحسن كما تحب أن يحسن إليك، و استقبح من نفسك ما تستقبحه من غيرك، و ارض من الناس بما ترضاه لهم من نفسك**» (نهج، نامه ۳۱، ص ۳۹۷)

✓ **أسباب شناسی پیروان جبهه حق در عين تبیین و دفاع از حقانیت سبیل الله:**

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا إِلَى الطَّاعُونَ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أُنزِلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء/ ۶۰-۶۱)

✓ **أسباب شناسی پیروان جبهه باطل، به همراه تبیین بطلان سبیل الشیطان:**

▪ «... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاعُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۵۷)

▪ «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ» (حج/ ۳-۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

اسیب شناسی و نقد متواضعانه و عالمانه اهداف، برنامه ها و عملکردهای خود و خودی ها و تلاش بر رفع آنها:

▪ «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون» (اعراف/ ۲۰۱)

▪ «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله، ان الله خبير بما تعملون» (حشر/ ۱۸)

▪ «و اذكر ربك في نفسك تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تكن من الغافلين» (اعراف/ ۲۰۵)

▪ «بصرتكم صدق النية» على (ع): (نهج، خ ۴)

➤ سعه صدر در پی جویی دیدگاه های منتقدانه مخالفان نسبت به اهداف، برنامه ها و عملکرد خود

و بازخورد عالمانه و عادلانه به موقع به آنها:

• در صورت وارد بودن نقدها:

پذیرش عذر خواهانه و اصلاح، و یا عذرخواهی و استعفاء:

«سیره اهل ایمان و یقین»

«و الذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم، و من يغفر الذنوب الا الله و لم يصروا على ما فعلوا...» (آل عمران/ ۱۲۵)

• در صورت سوء تفاهم در نقد ها:

تبیین و رفع سوء تفاهم و مدارا با لجاجتها بشرط عدم نقض حقوق انسانی و اسلامی دیگران توسط منتقدین

«سیره امیرمنان (ع) در برخورد با خوارج و مخالفین»

➤ عذر خواهی دائمی به درگاه الهی، سنت اهل ایمان و یقین، خصوصا در شرائط پیروزی و موفقیت!:

▪ «اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسیح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا» (نصر/ ۱-۲)

▪ «الذين يقولون ربنا اننا آمننا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار الصابرين و الصادقين و المنفقين و المستغفرين بالاسحار» (آل عمران/ ۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

■ اثار و برکات تسبیح و استغفار:

❖ بن بست گشایی، نزول برکات اقتصادی و رزق معنوی:

■ «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى و يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ؛ و إِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ...عَذَابَ...كَبِيرٍ» (هود/۲)

■ «و يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا و يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ و لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/۵۲)

■ «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛ و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۰-۱۲)

■ «و عن ابن عباس رضي الله عنهما قال ، قال رسول الله صلى الله عليه و سلم :

"من لزم الاستغفار جعل الله له من كل ضيق مخرجاً، و من كل هم فرجاً، و رزقه من حيث لا يحتسب" رواه أبو داود . (رياض الصالحين، نووی، ۷۲۲)

■ «... إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّبِيَّةَ - بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ و حَسْبِ الْبَرَكَاتِ - و إِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتُوبَ تَائِبًا؛ و يُفْلِعَ مُفْلِعًا و يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرًا و يَزِدَّجِرَ مُزْدَجِرًا؛ و قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا - لِذُرُورِ الرِّزْقِ و رَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ:

- «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ - و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»-

- فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَفْبَلَ تَوْبَتَهُ؛ و اسْتَفَالَ خَطِيئَتَهُ و بَادَرَ مَنِيئَتَهُ؛ ... و لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...» (نہج، خ ۱۲۳)

❖ مصونیت از عذاب الهی:

«و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (انفال/۳۳)

وَحَكَى عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (ع) ، أَنَّهُ قَالَ - كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ - وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فِدْوَانُكُمْ الْآخِرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ - أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) - وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم - وما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (نہج، حکمت ۸۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ پاک شدن از آلودگی ها، برطرف شدن نقائص وجودی (غیر معصومین)، و ارتقاء وجودی معصومین (ع) و پیروان:

▪ «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران / ۱۹۳)

▪ «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ؛ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۸-۹۹)

▪ «ألا أخبركم بدائكم من دوائكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، قال (ص) : دأؤكم الذنوب و دواؤكم الاستغفار». (ص): (بحار الانوار، ۹۰ / ۲۸۲)

❖ رسیدن به جامعیت و کمال الهی:

▪ «فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى؛

و لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه / ۱۳۰-۱۳۱)

➤ رسیدن به جامعیت الهی (مقام رکوع)

▪ «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه / ۷۴) / «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه / ۹۵-۹۶)

▪ «وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (حاقه / ۵۱-۵۲)

▪ «سبحان ربى العظيم و بحمده»

▪ «سأل رجل أمير المؤمنين عليه السلام فقال: يا ابن عم خير خلق الله عز وجل ما معنى مد عنقك في الركوع فقال (ع):

تأويله، آمنت بالله (بوحدايتك) و لو ضربت عنقي» (من لا يحضره الفقيه، ۱ / ۳۱۱؛ علل الشرايع، ۲ / ۳۲۰)

➤ رسیدن به کمال الهی (مقام سجده)

▪ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى؛ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى؛ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى؛ وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى؛ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى» (اعلى / ۱-۵)

▪ «سبحان ربى الاعلى و بحمده»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم تسبیح و استغفار:

❖ دو تسبیح سجده حیات و ممات دنیوی و استغفار تمام عیار فیما بین:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» / «استغفر الله ربی و اتوب الیه» / «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه/۵۵)

«أخبرنا علي بن سهل قال : حدثنا إبراهيم بن علي قال : حدثنا أحمد بن محمد الأنصاري عن الحسن بن علي العلوي قال: حدثني أبو حكيم الزاهد قال : حدثني أحمد بن علي الراهب قال سألت رجل أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا ابن عم خير خلق الله: ما معنى السجدة الأولى؟ فقال: تأويلها، اللهم انك منها خلقتنا يعني من الأرض؛ و تأويل رفع رأسك، و منها أخرجتنا؛ و السجدة الثانية و إليها تعيدنا؛ و رفع رأسك و منها تخرجنا تارة أخرى». (علل الشرايع، ۲ / ۳۳۶؛ من لا يحضره الفقيه، صدوق، ۱ / ۲۱۲؛ وسائل الشيعه، ۶ / ۳۳۱)

❖ تسبیحات و استغفار در تعقیبات نماز دو رکعتی شبهای رمضان:

تسبیحات چهارگانه + ۷ بار تسبیحات اربعه + ۳ بار تسبیح و طلب غفران + ۱۰ بار صلوات

«سبحان من هو حفيظ لا يغفل؛ سبحان من هو رحيم لا يعجل؛ سبحان من هو قائم لا يسهو؛ سبحان من هو لا يلهو»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر (۷ بار)؛ سبحانک سبحانک سبحانک؛ یا عظیم اغفر لی الذنب العظيم» (۳ بار): (مستدرک، ۶ / ۲۱۶؛ جامع احادیث الشيعه، ۷ / ۲۱۰)

❖ تسبیحات مکرر دعای جوشن کبیر شبهای قدر:

«سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث، خلصنا من النار یا رب» (مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مراتب استغفار و عذر خواهی به درگاه خدا:

وقَالَ (ع) لِقَائِي قَالَ بِحَضْرَتِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛ تَكَلَّمَكَ أُمَّكَ أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ؟؛ الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ؛ وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةِ مَعَانٍ:

(۱) پشیمانی بر گذشته:

أَوْلَاهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى؛

(۲) عزم بر ترک بازگشت به گناه:

وَالثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا؛

(۳) اداء حقوق مردم:

وَالثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ - حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ؛

(۴) اداء واجبات ضایع شده:

وَالرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ - ضَيَعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا؛

(۵) ذوب کردن جسمی که با گناه پروار شده:

وَالخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ - فَتُذِيْبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ - وَيَنْشَأُ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ؛

(۶) چشاندن رنج طاعت بر جسم و جان:

وَالسَّادِسُ أَنْ تُذِيْقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ - كَمَا أَذْفَنَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ - فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (نهج، حکمت ۴۱۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ اقسام استغفار:

❖ استغفار از فقر بندگی:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم/۹۳)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵)

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (۲۹)

❖ استغفار از قصور و تقصیر بندگی:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفِرْ لَنَا وَ أَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

➤ فقهی حقوقی

➤ اخلاقی

➤ عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه: مناسبت ایام:

ضربت خوردن امیر مومنان:

معرفت موجودات به حضرت، ناله و نوحه مرغابیان منزل حین خروج حضرت به مسجد:

«أن أمير المؤمنين عليه السلام سهر تلك الليلة، فأكثر الخروج و النظر في السماء و هو يقول: " و الله ما كذبت و لا كذبت، و إنها الليلة التي وعدت بها ... فلما خرج إلى صحن الدار استقبلته الإوز فصحن في وجهه، فجعلوا يطردونهن فقال: "دعوهن فإنهن نوائح " ...» . (ارشاد مفید، ۱ / ۱۷)

«و لم يزل قبره مخفياً ... و قد خرج هارون الرشيد يوما يتصيد ، و أرسلوا الصقور و الكلاب على الطباء بجانب الغريين فحاولتها ساعة، ثم لجأت الطباء إلى الأكمة، فرجع الكلاب و الصقور عنها فسقطت [في] ناحية ، ثم هبطت الطباء من الأكمة فهبطت الصقور و الكلاب ترجع إليها، فتراجعت الطباء إلى الأكمة فانصرفت عنها الصقور و الكلاب، ففعلوا ذلك ثلاثا. فتعجب هارون [الرشيد من ذلك] و سأل شيخا من بني أسد : ما هذه الأكمة؟! فقال: لي الأمان؟! قال: نعم؛ قال: فيها قبر علي بن أبي طالب عليه السلام» (الخرائج و الجرائح، قطب راوندى، ۱ / ۲۲۴)

نفرین حضرت و ارزوی شهادت:

«و قال (ع) في سحرة اليوم الذي ضرب فيه:

مَلَكْتَنِي عَيْنِي و أَنَا جَالِسٌ - فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ و اللَّدِّ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ:

أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خطبه ۷۰)

«... عن الحسن بن علي، قال : خرجت أنا و أبي نصلي في هذا المسجد ، فقال لي : يا بني إني بت الليلة أوقظ أهلي ... فملكنتني عيناى، فسبح لي رسول الله صلى الله عليه و اله، فقلت: يا رسول الله ماذا لقيت من أمتك من الأود و اللدد ؟ فقال لي: ادع عليهم!؛ فقلت:

«اللهم أبدلني بهم من هو خير لي منهم ، و أبدلهم بي من هو شر لهم مني» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، ۲۵)

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ و مَلُونِي و سَتَمْتُهُمْ و سَتَمُونِي - فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (نهج، خطبه ۲۵)

از وصای حضرت، تاکید بر التزام به قرآن:

«... الله الله فى القرآن، لايسبقكم بالعمل به غيركم...» (نهج، نامه ۴۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ ریشه های طرد ولایت علوی:

«إِنَّمَا بَدَأَ وُقُوعِ الْغَيْتِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ و أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ - يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ - و يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ - لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُرْتَادِينَ؛

و لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ - انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ؛

و لَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ و مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيُمَزَّجَانِ - فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ -

و يَنْجُو «الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ» - مِنْ اللَّهِ - الْحُسْنَى» (نهج، خ ۵۰)

❖ بحث تولید دانش بنیان:

➤ حیات طیبه:

«من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مؤمن، فلنجينه حياة طيبة؛ و لنجزينهم باحين ما كانوا يعملون» (نحل/۹۷)

➤ زندگی دانش بنیان:

«و لا تقف ما ليس لك به علم؛ ان السمع و البصر و الغوادر، كل ذلك كان عنه مسئولا» (اسراء/۳۶)

«الى الله اشكو من معشر يعيشون جهالا، و يموتون ضلالا» على (ع): (نهج، خطبه ۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

تجلی تسبیح و استغفار در نظام خلقت:

- «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وِ الْأَرْضُ وِ مَنْ فِيهِنَّ وِ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وِ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء/۲۴)
- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ وِ الطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وِ تَسْبِيحَهُ؛ وِ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور/۲۱)
- «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حديد/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۱؛ صف/۱)

تجلی تسبیح و استغفار در سیره مدیران و رهبران معصوم الهی:

عذر خواهی و تسبیح ملائکه:

- «و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وِ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وِ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وِ نُقَدِّسُ لَكَ؛ قَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ وِ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ: أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره/۳۰-۳۲)
- «وَ يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبا/۴۰-۴۱)
- «يسبح الرعد بحمده و الملائكة من خيفته...» (رعد/۱۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسیح آدم (ع):

▪ «فتلقى ادم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم» (بقره/ ۳۷)

▪ «ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين» (اعراف/ ۲۳)

▪ «علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، ... عن كثير بن كلثمة، عن أحدهما (عليهما السلام) في قول الله عز و جل: " فتلقى آدم من ربه كلمات" قال: لا إله إلا أنت سبحانك اللهم و بحمدك عملت سوءا و ظلمت نفسي فاغفر لي و أنت خير الغافرين...» (كافي، ۸ / ۲۰۴)

❖ عذر خواهی و تسیح حضرت موسی!

➤ درخواست رؤیت:

▪ «و لما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك قال لى ترانى و لكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترانى فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و خر موسى صعفا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك و انا اول المؤمنين» (اعراف / ۱۲۳)

➤ ضرب هارون(ع):!

▪ «قال يا هارون ما منعك إذ رأيتهم ضلوا؛ ألا تتبعن أف عصيت أمري؛

قال يا ابن أم لا تأخذ بلحيتي ولا برأسي إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل ولم ترقب قولي» (طه/ ۹۲-۹۴)

▪ «و لما رجع موسى الى قومه غضبان أسفا قال بنسما خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم و ألقى الألواح و أخذ برأس أخيه يجره إليه قال: ابن أم إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء و لا تجعلني مع القوم الظالمين؛

قال: رب اغفر لي و لأخي و أدخلنا في رحمتك و أنت أرحم الراحمين» (اعراف/ ۱۵۰-۱۵۱)

➤ ضرب قبطی:

▪ «و لما بلغ أشده و استوى أتياه حكما و علما و كذلك نجزي المحسنين؛ و دخل المدينة علي حين غفلة من أهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته و هذا من عدوه فاستغاه الذي من شيعته علي الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين قال: رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فإنه هو الغفور الرحيم؛ قال رب بما أنعمت علي فلن أكون ظهيرا للمجرمين (قصص/ ۱۴-۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح یونس(ع):

▪ «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۸-۸۷)

▪ «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات/۱۲۳-۱۲۴)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت داوود (ع):

▪ «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ؛

وَ ظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ؛ فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ؛

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۲-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت سلیمان (ع):

▪ «وَ وَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نَعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ ... وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ؛ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص/۲۰-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت عیسی (ع):

▪ «وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ: أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ: اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَ الْهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ: سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (۱۱۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت پیامبر اسلام (ص):!

«و قالوا: لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا؛ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَجِيلٍ وَعَنْبٍ فَتَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا؛ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا؛ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْفَى فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ؛

قُلْ: سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (اسراء/ ۹۰-۹۳)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ؛ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/ ۱-۳)

«انه لیغان علی قلبی؛ و انی لاستغفر الله فی کل یوم سبعین (مأة) مرة» (ص): (مستدرک الوسائل، نوری، ۵ / ۳۲۰)

«قال (الصادق علیه السلام): کان رسول الله صلی الله علیه و آله، یتوب إلى الله فی کل یوم سبعین مرة، من غیر ذنب» (همان، همو، ۵ / ۳۷۵)

❖ دعای کمیل و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور امیر مومنان (ع):

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِبُّسُ الدُّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَنْتَهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا...»

لا إله إلا أنت ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَ تَجَرَّأتُ بِجَهْلِي ...» (مفاتیح، دعای کمیل) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و حلالیت طلبی امیر مومنان(ع) از خانواده شهید:

«نظر علي عليه السلام إلى امرأة على كتفها قربة ماء، فأخذ منها القربة فحملها إلى موضعها، و سألتها عن حالها فقالت:

بعث علي بن أبي طالب صاحبي إلى بعض الثغور فقتل، و ترك علي صبيانا يتامى، و ليس عندي شيء، فقد أُلجأتني الضرورة إلى خدمة الناس، فانصرف و بات ليلته قلقا، فلما أصبح حمل زنبیلا فيه طعام، فقال بعضهم: أعطني أحمله عنك، فقال(ع): من يحمل وزري عني يوم القيامة؟! فأتى و قرع الباب، فقالت: من هذا؟ قال: أنا ذلك العبد الذي حمل معك القربة؛ فافتحي فإن معي شيئا للصبيان،

فقالت: رضي الله عنك و حكم بيني و بين علي بن أبي طالب!؛

فدخل و قال: إني أحببت اكتساب الثواب، فاختاري بين أن تعجنين و تخبزين و بين أن تعللين الصبيان لأخبر أنا، فقالت: أنا بالخبز أبصر و عليه أقدر، و لكن شأنك و الصبيان، فعملهم حتى أفرغ من الخبز، قال: فعمدت إلى الدقيق فعجنته، و عمد علي عليه السلام إلى اللحم فطبخه، و جعل يلقم الصبيان من اللحم و التمر و غيره، فكلما ناول الصبيان من ذلك شيئا قال له: يا بني اجعل علي بن أبي طالب في حل مما أمر في أمرك، فلما اختمر العجين قالت: يا عبد الله أسجر التنور فبادر لسجره فلما أشعله و لفح في وجهه جعل يقول: ذق يا علي هذا جزاء من ضيع الأراهل و اليتامى!؛

فأرته امرأة تعرفه فقالت: ويحك هذا أمير المؤمنين، قال: فبادرت المرأة و هي تقول: وا حيائي منك يا أمير المؤمنين؛

فقال(ع): بل وا حيائي منك يا أمة الله فيما قصرت في أمرك!» (مناقب ال ابى طالب، ۱ / ۳۱۹؛ بحار الانوار، ۴۱ / ۵۲)

❖ سيد الشهداء(ع)، و عذر خواهی های حیرت آور در دعای عرفه و لحظه شهادت:

«لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ...» (مفاتيح، دعای عرفه)

«الهی رضا برضاک، و تسلیمًا لامرک؛ لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین» امام حسین(ع)

❖ صحیفه سجادیه و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور سید الساجدین(ع):

«إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلتني ، و جللني التباعد منك لباس مسكنتني ، و أمات قلبي عظيم جنائتي ، فأحيه بتوبة منك يا أملی و بغيتي و يا سؤلي و منيتي ، فوعزتک ما أجد لذنوبي سواک غافرا ، و لا أرى لكسري غيرک جابرا ، و قد خضعت بالإنابة إليك ، ...» (مناجات التائبين) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ ... الگوی سیره عذر خواهی یوسف(ع) در سیره امام صادق(ع):

«قال أبو بصير: قلت لأبي عبد الله " عليه السلام " ما كان دعاء يوسف " عليه السلام " في الجب ؟ فانا قد اختلفنا فيه قال(ع):

إن يوسف " عليه السلام " لما صار في الجب و آيس من الحياة قال:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا، و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بحق الشيخ يعقوب فارحم
ضعفه و اجمع بيني و بينه فقد علمت رفته على و شوقي إليه؛

قال: ثم بكى أبو عبد الله " عليه السلام " ثم قال: و أنا أقول:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بك فليس كمثلك شئ. و أتوجه
إليك بمحمد نبيك نبي الرحمة يا الله يا الله يا الله؛

قال: ثم قال أبو عبد الله " عليه السلام " : قولوا هذا و أكثروا منه فاني كثيرا ما أقوله عند الكرب العظام». (روضه الواعظين، فتال نيشابورى، ۲۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تجلی تسبیح و استغفار در سیره اهل توبه و اهل ایمان، مدیران و رهبران جامعه:

❖ عذر خواهی و توبه و تسبیح خونین «سحره» رهبران فرهنگی بت پرستان، خط شکنان و پیشتازان راه حق!!

▪ «وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ؛

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ؛

لَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ وَمَا نَنفَعُ مِمَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفِرْعُ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ» (اعراف/ ۱۲۱-۱۲۶)

▪ «فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى؛ قَالَ لَهُمْ مُوسَى: وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى؛

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى؛ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقِكُمُ الْمُثَلَى؛

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ آتُوا صَفًّا وَفَدَّ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى؛

قَالُوا: يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى؛ قَالَ بَلْ أَلْعُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى؛

فَأَوْحَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةَ مُوسَى؛ فُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى؛ وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ؛ وَلَا يُغْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى؛

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَشَدُّ
عَذَابًا وَ أَبْقَى؛

قَالُوا: لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَافْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَفْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه/ ۶۰-۷۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْجُزُا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالَمِينَ؛ قَالَ نَعَمْ وَإِنِّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ؛ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا: بَعِزَّةٌ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِبُونَ؛

فَأَلْفَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ؛ فَأَلْفَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ و لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا: لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۲۱-۵۱)

❖ عذر خواهی ملکه سبا و تبعیت از حضرت سلیمان(ع):

«قَالَتْ: يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ! إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ؛ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ و أُتُونِي مُسْلِمِينَ ...

قال: نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ؛ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ: كَأَنَّهُ هُوَ و أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا و كُنَّا مُسْلِمِينَ؛ و صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ؛ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً و كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ

قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي و أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل/ ۲۹-۲۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح ابودر:

▪ «و عنه عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر ع يقول: إن أبا ذر قال لرجل على عهد رسول الله (ص): يا بن السوداء!

قال: فقال رسول الله (ص): تعيره بأمه؟! قال: فلم يزل أبو ذر يمرغ رأسه و وجهه في التراب حتى رضی عنه رسول الله (ص):

(الاصول الستة عشر، اصل عاصم بن حميد، ٢٩، مستدرک، ١٥ / ١٢٣؛ جامع احاديث، ٢١ / ٢٤٩)

▪ «قال النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) : «من سرّه أن ينظر إلى تواضع عيسى بن مريم فلينظر إلى أبي ذر!» (اسد الغابه، ٥ / ١٨٦؛

بحار الانوار، ٢٢ / ٢٢٠)

❖ عذر خواهی و توبه خونين حر بن يزيد رياحی:

▪ ... فقال الحسين عليه السلام للحر : **تكلتك أمك! ما تريد؟** فقال له الحر : أما لو غيرك من العرب يقولها لي و هو على مثل الحال التي أنت عليها ما تركت ذكر أمه بالمثل كائنا من كان، و لكن و الله ما لي من ذكر أمك من سبيل إلا بأحسن ما نقدر عليه». (بحار الانوار، ٢٤ / ٣٧٧)

«... فأخذ يدنو من الحسين قليلا قليلا ، فقال له مهاجر بن أوس :.. فما هذا الذي أرى منك ؟ فقال له الحر : **إني و الله أخير نفسي بين الجنة و النار ، فوالله لا أختار على الجنة شيئا و لو قطعت و أحرقت؛** ثم ضرب فرسه فلاحق الحسين عليه السلام فقال له : جعلت فداك يا ابن رسول الله أنا صاحبك الذي حبستك عن الرجوع ، و سايرتك في الطريق ، و جعجت بك في هذا المكان ، و ما ظننت أن القوم يردون عليك ما عرضته عليهم ، و لا يبلغون منك هذه المنزلة ، و الله لو علمت أنهم ينتهون بك إلى ما أرى ما ركبت مثل الذي ركبت ، **و أنا تأب إلى الله مما صنعت ، فترى لي من ذلك توبة؟** فقال له الحسين عليه السلام : **نعم يتوب الله عليك** فأنزل فقال : أنا لك فارسا خير مني راجلا أقاتلهم على فرسي ساعة ، و إلى النزول ما يصير آخر أمري ، فقال له الحسين عليه السلام: **فاصنع يرحمك الله ما بدا لك** . (بحار الانوار، ٢٥ / ١١)

▪ «قال : ف ضرب الحر بن يزيد فرسه ، و جاز عسكر عمر بن سعد (لعنه الله) إلى عسكر الحسين (عليه السلام) ، واضعا يده على رأسه ، و هو

يقول: اللهم إليك أنيب فتب علي ، فقد أرعبت قلوب أوليائك و أولاد نبيك؛ يا بن رسول الله ، هل لي من توبة؟ قال: نعم تاب الله عليك؛

قال: يا بن رسول الله، أتأذن لي فأقاتل عنك؟ فأذن له ، فبرز ... فقتل منهم ثمانية عشر رجلا ، ثم قتل ، فأتاه الحسين (عليه السلام) و دمه يشخب

، فقال (ع) : **بخ بخ يا حر ، أنت حر كما سميت في الدنيا و الآخرة...**» (امالی صدوق، ٢٢٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح شب زنده داران اهل قران:

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْرِ لنا ذُنُوبنا و فِنا عَذابَ النَّارِ؛ الصَّابِرِينَ و الصَّادِقِينَ و الْقَانِتِينَ و الْمُنْفِعِينَ و الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحارِ» (آل عمران/ ۱۶- ۱۷)

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ و النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيامًا و قُعُودًا و عَلى جُنُوبِهِمْ و يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ؛ رَبَّنَا ما خَلَقْتَ هَذا باطلاً سُبْحانَكَ فِنا عَذابَ النَّارِ؛... رَبَّنَا فَاغْرِ لنا ذُنُوبنا و كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا و تَوَفِّنا مَعَ الْأَبْرارِ» (آل عمران/ ۱۹۱- ۱۹۰)

▪ «قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذا بُتِلَى عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلأَذقانِ سُجَّدًا؛ و يَقُولُونَ: سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا؛ و يَجْرُونَ لِلأَذقانِ يَبْكُونَ و يَزِيدُهُمْ خُشوعًا» (اسراء/ ۱۰۷- ۱۰۹)

❖ عذر خواهی و تسبیح باغداران خطاکار:

▪ «و لَولا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ: ما يَكُونُ لنا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذا سُبْحانَكَ هَذا بُهتانٌ عَظيمٌ» (نور/ ۱۶)

▪ «إِنا بَلَوناهُمْ كَما بَلَونا أَصحابَ الجَنَّةِ إِذِ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّها مُصِحِّينَ؛ و لا يَسْتَنبِئُونَ؛ فَطَافَ عَلَیْها طائِفٌ مِنْ رَبِّكَ و هُمْ نائمُونَ؛ فَأَصْبَحَتِ كَالصَّرِيمِ؛ فَتَنادَوا مُصِحِّينَ؛ أَنْ اعدُوا عَلَی حَرِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صارِمِينَ؛ فَانطَلَقُوا و هُمْ يَتَخَفَتُونَ؛ أَنْ لا يَدْخُلُها اليَوْمَ عَلَیْكُمْ مَسْكِينٌ؛ و اعدُوا عَلَی حَرِّ قَادِرِينَ؛ فَلَمَّا رَأَوْها قالُوا: إنا لَصالُونَ؛ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ قالَ أوسطُهُمْ: ألمْ أَقُلْ لَكُمْ لَولا تُسَبِّحُونَ؛ قالُوا: سُبْحانَ رَبِّنا إنا كُنَّا ظالمِينَ؛ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ يَتَلَواؤمونَ؛ قالُوا: يا وَيْلَنا إنا كُنَّا طاغِينَ؛ عَسَى رَبِّنا أَنْ يُبَدِّلَنا خَيرًا مِنْها إنا إِلى رَبِّنا راعِبُونَ؛ كَذَلِكَ العَذابُ و لَعَذابُ الآخِرَةِ أَكْبَرُ لو كانُوا يَعْلَمُونَ» (القلم، ۱۷- ۲۳)

❖ عذر خواهی و تسبیح بهشتیان:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الأنهارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ دَعَوِيهِمْ فِيها سُبْحانَكَ اللَّهُمَّ و تَحِيَّاتُهُمْ فِيها سَلامٌ و آخِرُ دَعَوِيهِمْ أَنْ الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العالَمِينَ» (يونس/ ۹- ۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم استغفار و عذر خواهی مدیریت اسلامی از اعمال خود، با نظارت و کنترل و نقد گفتار و رفتار منسوبین به خود و کارگزاران حکومتی خود:

❖ نقد عرفانی:

➤ سیره حضرت موسی(ع) با برادر خود:

قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعُنِي أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه/۹۲-۹۴)

«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلَنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف/۱۵۰-۱۵۱)

❖ نقد فقهی حقوقی و اخلاقی:

➤ عذرخواهی همسر عزیز مصر (زلیخا):

«... قَالَتْ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ: الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ؛ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ؛

وَ مَا أَتْرِكُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (يوسف/۵۱-۵۲)

➤ عذر خواهی برادران یوسف(ع):

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ إِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ؛ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (يوسف/۹۱-۹۲)

«... قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (يوسف/۹۷-۹۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیره حضرت سلیمان (ع) با هدهد:

«و تَفَعَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ: مَا لِي لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ؛ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛

فَمَكَتَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (نمل/ ۲۰-۲۲)

➤ سیره الهی با همسران پیامبر(ص):

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رِسُولِهِ وَ تَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب/ ۲۸-۳۲)

➤ عذر خواهی و توبه سنگین اصحاب متمرذ از حضور در جبهه جنگ:

«وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (نوبه/ ۱۱۸-۱۱۹)

➤ عذر خواهی و نقد عزیز مصر از رفتار همسر خود!:

▪ «وَ قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ؛ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (يوسف/ ۲۱)

▪ «يوسف اعرض عن هذا و استغفرى لذنبك؛ انك كنت من الخاطئين» (يوسف/ ۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیره امیر مومنان (ع) با منسوبین و کارگزاران:

✓ نقد و برخورد با زیاده طلبی دختر خود ام کلثوم، و برخورد با کارگزار غافل خود:

«محمد بن الحسن باسناده عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحجال عن صالح بن السندي عن الحسن بن محبوب عن عبد الله بن غالب عن ابیه عن سعید بن المسیب عن علی بن ابي رافع قال:

كنت علی بیت مال علی بن ابي طالب علیه السلام و کاتبه، و كان في بیت ماله عقد لؤلؤ كان اصابه يوم البصرة؛

قال: فأرسلت إلي بنت علی بن ابي طالب علیه السلام فقالت لي: بلغني أن في بیت مال أمير المؤمنين علیه السلام عقد لؤلؤ و هو في يدك و أنا أحب ان تعیرنيه أتجمل به في أيام عيد الأضحى، فأرسلت إليها (و قلت: نسخه بحار) عارية مضمونة مردودة يا بنت أمير المؤمنين؟ فقالت: نعم عارية مضمونة مردودة بعد ثلاثة أيام فدفعته إليها؛

و ان أمير المؤمنين علیه السلام رآه عليها فعرفه، فقال لها: من أين صار إليك هذا العقد؟ فقالت: استعرت من علی بن ابي رافع خازن بیت مال أمير المؤمنين لاتزين به في العيد ثم أرده. قال: فبعث إلي أمير المؤمنين علیه السلام فجنته فقال لي: **أتخون المسلمين يا ابن ابي رافع؟**

فقلت له: معاذ الله ان أخون المسلمين. فقال: **كيف أعرت بنت أمير المؤمنين العقد الذي في بیت مال المسلمين بغير اذني و رضاهم!؟**

فقلت: يا أمير المؤمنين انها ابنتك و سألتني ان أعيرها إياه تتزين به فأعرتها إياه عارية مضمونة مردودة فضمنته في مالي و علی ان أرده سليما إلى موضعه.

قال: **فرده من يومك و إياك ان تعود لمثل هذا فتناك عقوبتي. ثم قال: أولى لابنتي لو كانت اخذت العقد علی غير عارية مضمونة مردودة لكانت إذن أول هاشمية قطعت يدها في سرقة!**

قال: فبلغ مقالته ابنته فقالت له: يا أمير المؤمنين انا ابنتك و بضعة منك فمن أحق بلبسه مني؟

فقال لها أمير المؤمنين علیه السلام: يا بنت علی بن ابي طالب لا تذهبن بنفسك عن الحق أكل نساء المهاجرين تتزين في هذا العيد بمثل هذا؟ قال: فقبضته منها ورددته إلى موضعه". (تهذيب الاحكام، طوسی، ۱۵۱/۱۰-۱۵۲، بحارالانوار، مجلسی، ۲۳۸/۴۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

✓ عدل علوی در نقد و برخورد با زیاده طلبی برادر خود با وجود فقر و نیاز:

«و ذکر عمرو بن علاء، أن عقیلاً لما سأل عطاءه من بیت المال قال له أمير المؤمنین عبه السلام: تقیم إلى یوم الجمعة، فأقام فلما صلی أمير المؤمنین الجمعة قال لعقیل: ما تقول فیمن خان هؤلاء أجمعین؟ قال: بنس الرجل ذاك، قال: فأنت تأمرنی أن أخون هؤلاء و أعطیک». (بحار الانوار، ۲۱ / ۱۱۴)

«والله لأن أبيت على حسك السعدان مسهداً - أو أجر في الأغلال مصفداً - أحب إلي من أن ألقى الله ورسوله يوم القيامة ظالماً - لبعض العباد - وغاصباً لشيء من الخطم - وكيف أظلم أحداً لنفس يسرع إلى البلى فقولها - ويطول في الثرى حلولها -

والله لقد رأيت عقیلاً وقد أملق - حتى استمأجني من برکم صاعاً - ورأيت صبيانه شعث الشعور غير الألوان من فقرهم - كأنما سودت وجوههم بالعظم - وعاودني مؤكداً وكرر علي القول مردداً - فأصغيت إليه سمعي فطن أبي أبيه ديني - واتبع قياده مفارفاً طريقتي - فأخمت له حديدة ثم أدنيتها من جسمه ليغتر بها - فصح صجيج ذي دنف من ألمها - وكاد أن يخرق من ميسمها - فقلت له تكلتك الثواكل يا عقيل - أتت من حديدة أحماها إنسانها للعبه - وتجرني إلى نار سجرها جبارها لعضيه - أتت من الأذى ولا أتت من لطي... والله لو أعطيت الأقاليم السبعة بما تحت أفلاكها - على أن أعصي الله في نمله أسلبها جلب شعيرة ما فعلت...» (نهج، خطبه ۲۲۴).

✓ برخورد با زیاده طلبی برادر زاده خود، فرزند سردار بزرگ شهید اسلام (جعفر طیار)، و همسر زینب کبری (ع)!:

«و روی هارون بن سعد قال عبد الله بن جعفر بن أبي طالب لعلي عليه السلام : يا أمير المؤمنين لو أمرت لي بمعونة أو نفقة فوالله مالي نفقة إلا أن أبيع دابتي ، فقال : لا والله ما أحد لك شيئاً إلا أن تأمر عمك أن يسرق فيعطيك!». (بحار الانوار، ۲۱ / ۱۲۷)

✓ نقد و برخورد با استنادار خود:

«أما بعد يا ابن حنيف - فقد بلغني أن رجلاً من فئته أهل البصرة - دعاك إلى مأذبة فأسرعت إليها - تستطاب لك الألوان و تُنقل إليك الجفان - و ما ظننت أنك تُحب إلى طعام قوم - عائلهم مجفؤ و عنيتهم مدعو...»

ألا وإن لكل مأموم إماماً يغندي به - ويستضيء بنور علمه - ألا وإن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمره - ومن طعمه بقرضيه -

ألا وإنكم لا تقدرون على ذلك - و لكن أعينوني بورع و اجتهاد و عفة و سداد -» (نهج، نامه ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ نقد و برخورد با قاضی القضاة خود:

و رُوِيَ أَنَّ شَرِيحَ بْنَ الْحَارِثِ قَاضِيَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) - اشْتَرَى عَلَيَّ عَهْدَهُ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا - فَبَلَغَهُ ذَلِكَ فَاسْتَدْعَى شَرِيحًا - وَقَالَ لَهُ بَلِّغْنِي أَنَّكَ ابْتَعْتَ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتَ فِيهِ شُهودًا؟ فَقَالَ لَهُ شَرِيحٌ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ قَالَ فَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ الْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ:

يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ - وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ - حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا!

فَانظُرْ يَا شَرِيحُ لَا تَكُونُ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ - أَوْ نَقَدْتَ التَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ - فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ - .

أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ - لَكَتَبْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَيَّ هَذِهِ النُّسْخَةَ - فَلَمْ تَرَعْبَ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدَرَاهِمٍ فَمَا فَوْقُ - وَالنُّسْخَةُ هَذِهِ هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُرْعِجَ لِلرَّحِيلِ؛ اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْعُرُورِ؛ مِنْ جَانِبِ الْغَائِبِينَ وَحِطَّةِ الْهَالِكِينَ؛ وَ تَجَمَعُ هَذِهِ الدَّارُ حُدُودَ أَرْبَعَةٍ: الْحَدُّ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَقَاتِ؛ وَ الْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ؛ وَ الْحَدُّ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي؛ وَ الْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي؛ وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ؛

اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِّ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْمُرْعَجِ بِالْأَجَلِ، هَذِهِ الدَّارَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقِنَاعَةِ، وَ الدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَ الصَّرَاعَةِ!

فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ - فَعَلَى مُبْلِلِ أَحْسَامِ الْمُلُوكِ وَ سَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ، وَ مُزِيلِ مُلْكِ الْفِرَاعِنَةِ، مِثْلَ كِسْرِي وَ قَيْصَرَ وَ تَبَّعَ وَ حَمِيرَ، وَ مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ، وَ مَنْ بَنَى وَ شَيَّدَ وَ زَخِرَفَ وَ نَجَّدَ، وَ ادَّخَرَ وَ اعْتَقَدَ وَ نَظَرَ بِرِزْمِهِ لِلْوَلَدِ - إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْفِ الْعَرَضِ وَ الْحِسَابِ - وَ مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ - إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ * (وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُنْطَلُونَ:) * -

شَهِدَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى - وَ سَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا!« (نهج، نامه ۳)

✓ نقد و برخورد با فرمانده نظامی منصوب و نظامیان متخلف:

«تاریخ الطبري و فضائل أمير المؤمنين عليه السلام عن ابن مردويه: أنه لما أقبل من اليمن بعجل إلى النبي صلى الله عليه و آله و استخلف على جنده الذين معه رجلا من أصحابه فعمد ذلك الرجل فكسا كل رجل من القوم حلة من البز الذي كان مع علي عليه السلام فلما دنا جيشه خرج علي عليه السلام ليتلقاهم فإذا هم عليهم الحلل! فقال: و بلك ما هذا؟ قال: كسوتهم ليتجملوا به إذا قدموا في الناس؛ قال(ع): و بلك من قبل أن تنتهي إلى رسول الله صلى الله عليه و آله؟ قال: فانتزع الحلل من الناس و ردها في البز؛ و أظهر الجيش شكايه لما صنع بهم . ثم روي عن الخدري أنه قال: شكا الناس عليا،

فقام رسول الله خطيبا فقال: [يا] أيها الناس لا تشكوا عليا فوالله إنه لخشن في ذات الله« (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ نقد رویه تبعیض مصلحتی برای تحکیم قدرت:

«عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن أبي عبد الله ، عن محمد بن علي ، عن أحمد بن عمرو بن سليمان البجلي ، عن إسماعيل بن الحسن بن إسماعيل بن شعيب ابن ميثم التمار ، عن إبراهيم بن إسحاق المدائني ، عن رجل ، عن أبي مخنف الأزدي قال :

أتى أمير المؤمنين عليه السلام رهط من الشيعة فقالوا : يا أمير المؤمنين لو أخرجت هذه الأموال ففرقتها في هؤلاء الرؤساء و الاشراف و فضلتم **علينا** حتى إذا استوسقت الأمور عدت إلى أفضل ما عودك الله من القسم بالسوية و العدل في الرعية؛

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : **ويحكم أنأمروني أن أطلب النصر بالجور، فيمن وليت عليه من أهل الاسلام؟!!**

لا و الله لا يكون ذلك ما سمر السمير و ما رأيت في السماء نجما ،

و الله لو كانت أموالهم مالي لساويت بينهم ، فكيف و إنما هي أموالهم ...» (الكافي، ٢ / ٢١-٢٢؛ بحارالانوار، ٢١ / ١٢٢)

✓ نقد و برخورد با زیاده خواهی اولیه طلحه و زبیر:

«و في رواية عن أبي الهيثم بن التيهان و عبد الله بن أبي رافع، أن طلحة و الزبير جاء إلي أمير المؤمنين عليه السلام و قالوا: **ليس كذلك كان يعطينا عمر ، قال(ع): فما كان يعطيكما رسول الله صلى الله عليه وآله ؟ فسكتا ،**

قال(ع) : **أليس كان رسول الله يقسم بالسوية بين المسلمين؟** قالوا: نعم ، قال(ع) : **فسنة رسول الله صلى الله عليه و آله أولى بالاتباع عندكم أم سنة عمر؟! قالوا: سنة رسول الله صلى الله عليه و آله يا أمير المؤمنين؛ لنا سابقة و عناء و قرابة؛**

قال(ع): **سابقتهما أسبق أم سابقتي؟** قالوا : سابقتك، قال(ع): **فقرابتكما أم قرابتي** قالوا: قرابتك؛

قال(ع): **فعناؤكما أعظم من عنائي؟** قالوا: عناؤك، قال(ع): **فوالله ما أنا و أجيري هذا إلا بمنزلة واحدة - و أوما بيده إلى الأجير»** (بحارالانوار، ٢١ / ١١٧)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ مجازات غلاظ و شداد کارگزار خائن بازار اهواز:

«و عَنْ عَلِيٍّ ع: أَنَّهُ اسْتَدْرَكَ عَلَى ابْنِ هَرْمَةَ خِيَانَةً وَ كَانَ عَلَى سُوقِ الْأَهْوَاذِ فَكَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ (بن شداد، قاضیه فی الاهواز):

فَإِذَا قَرَأْتَ كِتَابِي هَذَا فِنَحِّ ابْنَ هَرْمَةَ عَنِ السُّوقِ وَ أَوْقِفْهُ لِلنَّاسِ وَ اسْجُنْهُ وَ نَادِ عَلَيْهِ وَ اكْتُبْ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكَ لِتُعَلِّمَهُمْ رَأْيِي فِيهِ؛

وَ لَا تَأْخُذْ فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا تَغْرِيطْ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ أَعِزُّكَ أَخْبَثَ عِزْلَةً وَ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ؛

فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنَ السِّجْنِ وَ اضْرِبْهُ خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا وَ طُفْ بِهِ فِي الْأَسْوَاقِ فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلِّفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ وَ ادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ وَ مُرِّ بِهِ إِلَى السِّجْنِ مِهَانًا مَقْبُوضًا (مقبوحا منبوحا) وَ اخْزِمِ رَجُلَيْهِ بِحِزَامٍ؛

وَ أَخْرِجْهُ وَفَتِ الصَّلَاةَ وَ لَا تَحُلْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ؛

وَ لَا تَدْعُ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يُلْقِنُهُ اللَّدْدَ وَ يَرْجِيهِ الْخَلَاصَ فَإِنْ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ أَحَدًا لَقِنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا فَاضْرِبْهُ بِالْدِرَّةِ وَ أَحْبِسْهُ حَتَّى يَتُوبَ؛

وَ مُرِّ بِأَخْرَاجِ أَهْلِ السِّجْنِ إِلَى صَحْنِ السِّجْنِ فِي اللَّيْلِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هَرْمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتُخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ السِّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ؛

فَإِنْ رَأَيْتَ لَهُ طَاقَةً أَوْ اسْتِطَاعَةً فَاضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا الْأُولَى؛

وَ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا فَعَلْتَ فِي السُّوقِ وَ مَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ الْخَائِنِ وَ أَقْطَعُ عَنِ الْخَائِنِ رِزْقَهُ» (دعائم الاسلام، مغربى، ۲/ ۵۳۲؛ مستدرک الوسائل، ۱۱۷/ ۴۰۳)

✓ تحير شيعه خطاكار در تكليف پيروي از امير مومنان(ع):

«و بعث أمير المؤمنين عليه السلام إلى لبيد بن عطار التميمي في كلام بلغه؛ فمر به أمير المؤمنين عليه السلام في بني أسد، فقام إليه نعيم بن دجاجة الأسدي فأفلقه، فبعث إليه أمير المؤمنين عليه السلام فأتوه به، و أمر به أن يضرب؛ فقال له: نعم و الله إن المقام معك لذل؛ و إن فراقك لكفر، فلما سمع ذلك منه قال: قد عفونا عنك إن الله عز وجل يقول: "ادفع بالتي هي أحسن السيئة" (مومنون/ ۹۶)؛ أما قولك: إن المقام معك لذل، فسيئة اكتسبتها؛ و أما قولك إن فراقك لكفر فحسنة اكتسبتها؛ فهذه بهذه» . (مناقب ال ابى طالب، ۱/ ۳۱۷؛ بحار الانوار، ۴۱/ ۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم تسبیح و استغفار با طلب دعا و استغفار برای بشریت و رهروان راه خدا:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/ ۱۰)

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/ ۹۲)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳)

«وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/ ۷۵)

«... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ - وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ...» (نہج، نامه به مالک اشتر، نامه ۵۳)

❖ سلام و صلوات خدا و ملائکه بر رسولان الهی و اهل بیت (ع):

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/ ۵۶)

«قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ» (نمل/ ۵۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (صافات/ ۱۸۰-۱۸۲)

«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۷۹)

❖ سلام و صلوات خدا و ملائکه و پیامبر(ص) بر اهل ایمان:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا»

(احزاب/ ۴۳-۴۴)

❖ صلوات پیامبر(ص) بر مومنان اهل زکات:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار ملائکه برای بشریت و رهروان راه خدا:

▪ «تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَغَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (شوری/۵)

▪ «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا:

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْحَجِيمِ؛ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (غافر/۷-۹)

❖ دعا و استغفار انبیاء بر خانواده و اهل ایمان:

➤ دعا و استغفار حضرت نوح (ع):

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۸)

➤ دعا و استغفار حضرت ابراهیم (ع):

«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/۴۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار برای اهل ایمان در سیره اهل بیت(ع) :

➤ پیامبر (ص) و پاداش حیرت آور دعا برای اهل ایمان:

«عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب (عليه السلام)، عن النبي (صلى الله عليه وآله) أنه قال: نزل جبرئيل و كنت أصلي خلف المقام، قال:

فلما فرغت استغفرت الله عزّ وجلّ لأمتي، فقال لي جبرئيل: يا محمد أراك حريصاً على أمتك، و الله تعالى رحيم بعباده...» (بحار الانوار، ۹۵ / ۲۶۲)

▪ «محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن محمد بن سليمان، عن إسماعيل بن إبراهيم، عن جعفر بن محمد التميمي، عن حسين بن علوان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

ما من مؤمن دعا للمؤمنين و المؤمنات إلا رد الله عليه مثل الذي دعا لهم به من كل مؤمن و مؤمنة مضى من أول الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة؛ و إن العبد ليؤمر به إلى النار يوم القيامة فيسحب، فيقول المؤمنون و المؤمنات: يا رب، هذا الذي كان يدعو لنا فشفعنا فيه فيشفعهم الله عزّ وجلّ فيه فينجو» (وسائل الشيعة، ۷ / ۱۱۲)

➤ علی (ع) و پاداش تکرار دعا برای اهل ایمان:

«عبد الله بن محمد، قال: أخبرنا محمد بن محمد، حدّثني موسى بن إسماعيل، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه، عن جدّه جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن عليّ بن أبي طالب (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

من دعا للمؤمنين و المؤمنات في كلّ يوم خمس و عشرين مرّة نزع الله الغلّ من صدره، و كتبه من الأبدال إن شاء الله» (الجعفریات، ۲۲۳؛ مستدرک الوسائل، ۵ / ۲۴۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ فاطمه (ع) و كثر دعا برای اهل ایمان:

▪ «حدثنا علي بن محمد بن الحسن القزويني المعروف بابن مقبرة قال: حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي قال: حدثنا جندل بن والي قال: حدثنا محمد بن عمر المازني عن عبادة الكلبي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن فاطمة الصغرى، عن الحسين بن علي، عن أخيه الحسن بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال:

رأيت أمي فاطمة عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها فلم تزل راکعة ساجدة حتى اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنين و المؤمنات و تسميهم و تكثر الدعاء لهم و لا تدعو لنفسها بشئ!؛ فقلت لها يا أماه لم لا تدعون لنفسك كما تدعون لغيرك؟ فقالت يا بني: الجار ثم الدار»

(علل الشرايع، ۱ / ۱۸۲؛ وسائل الشيعه، ۷ / ۱۱۳)

➤ امام سجاد (ع) و دعا و طلب صلوات برای تابعين و رزمندگان با وجود حاکمیت قاتلان شهدای کربلا، بر امت مسلمان!:

▪ «... اللهم و صل على التابعين من يومنا هذا إلى يوم الدين و على أزواجهم و على ذرياتهم و على من أطاعك منهم، صلاة تعصمهم بها من معصيتك، و تفسح لهم في رياض جنتك ، و تمنعهم بها من كيد الشيطان...» (صحيفه سجاديه، دعاء ۴)

▪ «اللهم صل على محمد و آله، و حصن ثغور المسلمين بعزتك و أيد حماتها بقوتك، و أسبغ عطاياهم من جدتك،

اللهم صل على محمد و آله؛ و كثر عدتهم؛ و اشحذ أسلحتهم و احرس حوزتهم، و امنع حومتهم ، و ألف جمعهم ؛ و دبر أمرهم؛ و واتر بين ميرهم؛ و توحد بكفاية مؤنهم؛ و اعضدهم بالنصر؛ و اعنهم بالصبر؛ و الطف لهم في المكر؛

اللهم صل على محمد و آله، و عرفهم ما يجهلون و علمهم ما لا يعلمون، و بصرهم ما لا يبصرون ...

اللهم اشغل المشركين بالمشركين عن تناول أطراف المسلمين ... اللهم و أيما غاز غزاهم من أهل ملتك أو مجاهد جاهدهم من أتباع سنتك ليكون دينك الأعلى ، و حزبك الأقوى و حظك الأوفى فلقه اليسر و هيئ له الأمر، و توله بالنجح ...

اللهم و أيما مسلم خلف غازيا أو مرابطا في داره، أو تعهد خالفه في غيبته، أو أعانه بطائفة من ماله ، أو أمده بعناد ، أو شحذه على جهاد، أو أتبعه في وجهه دعوة، أو رعى له من ورائه حرمة، فأجر له مثل أجره وزنا به وزن، و مثلا به مثل ...

اللهم و أيما مسلم أهمه أمر الإسلام، و أحزنه تحزب أهل الشرك عليهم فنوى غزوا، أو هم بجهد فقعد به ضعف، أو أبطأت به فاقة ، أو أخره عنه حادث، أو عرض له دون إرادته مانع فاكتب إسمه في العابدين، و أوجب له ثواب المجاهدين، و اجعله في نظام الشهداء و الصالحين،

اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و آل محمد» (صحيفه سجاديه، ۲۷، دعا برای رزمندگان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ امام صادق(ع) و پاداش حیرت آور دعای غیابی، برای برادر مومن:

▪ «أحمد بن فهد في (عدة الداعي) : عن ابن أبي عمير ، عن زيد النرسي ، عن معاوية بن وهب قال : سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول : من دعا لأخيه المؤمن في ظهر الغيب، ناداه ملك من السماء الدنيا: يا عبد الله و لك مائة ألف ضعف مما دعوت،

و ناداه ملك من السماء الثانية: يا عبد الله و لك مائتا ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء الثالثة: يا عبد الله و لك ثلاثمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء الرابعة: يا عبد الله و لك أربعمائة ألف ضعف مما دعوت،

و ناداه ملك من السماء الخامسة: يا عبد الله و لك خمسمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء السادسة: يا عبد الله و لك ستمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء السابعة: يا عبد الله و لك سبعمائة ألف ضعف مما دعوت،

ثم يناديه الله تعالى أنا الغني الذي لا أفقر ، لك يا عبد الله: لك ألف ألف ضعف مما دعوت» امام صادق(ع): (وسائل الشيعه، ٢ / ١١٢٩)

➤ امام رضا(ع) و پاداش حیرت آور دعا برای امت اسلام:

▪ «ما من مؤمن يدعو للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين، و المسلمات، الأحياء منهم و الأموات، إلا ردّ الله عليه من كل مؤمن و مؤمنة حسنة منذ بعث الله آدم إلى أن تقوم الساعة!» امام رضا(ع): (وسائل الشيعه، ٧ / ١١٦)

➤ امام زمان (ع) و دعا برای همه اقشار جامعه:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و أكرمنا بالهدى و الاستقامة

و سدّد ألسنتنا بالصواب و الحكمة و املاً قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة و اكفف (و كف) أيدينا عن الظلم و السرقة و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة و اسدّد أسماعنا عن اللغو و الغيبة؛

و تفضل **على علمائنا** بالزهد و النصيحة و **على المتعلمين** بالجهد و الرغبة و **على المستمعين** بالاتباع و الموعدة و **على مرضى المسلمين** بالشفاء و الراحة و **على موتاهم** بالرافة و الرحمة و **على مشائخنا** بالوقار و السكينة و **على الشباب** بالإناية و التوبة و **على النساء** بالحياء و العفة و **على الأغنياء** بالتواضع و السعة و **على الفقراء** بالصبر و القناعة و **على الغزاة** بالنصر و الغلبة و **على الاسراء** بالاخلاص و الراحة؛

و **على الامراء** بالعدل و الشفقة و **على الرعية** بالانصاف و حسن السيرة و **بارك للحجاج و الزوار** في الزاد و النفقة و اقض ما أوجبت عليهم من الحج و العمرة بفضلك و رحمتك يا ارحم الراحمين» (مصباح كفعمی، ٢٨١؛ مفاتيح الجنان، دعای ١٢، ص ٢٠٥)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار مؤمنان بر سابقین از اهل ایمان:

«و الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر/ ۱۰)

هم بستگی و پیوند مستمر تاریخی اهل حق: رسولان و اهل ایمان گذشته و حال و آینده:

▪ «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ (نمل / ۵۹)

▪ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (صافات/ ۱۸۰-۱۸۲)

▪ «و من کلام له (ع) لما أظفره الله بأصحاب الجمل: و قد قال له بعض أصحابه:

وَدِدْتُ أَنَّ أَحِي فُلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا؛ لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ؛ فَقَالَ لَهُ (ع): أَهْوَى أَحِيكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ؛

قال (ع) فَقَدْ شَهِدْنَا؛ وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ، وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ؛ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ» (نهج، خ ۱۲)

هم بستگی و پیوند مستمر تاریخی اهل باطل: ستمگران، منافقین و کفار گذشته، حال و آینده:

▪ «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ؛

قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران/ ۱۸۳)

«كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ؛ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» (ذاریات/ ۵۲-۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»
تلازم تسبیح و استغفار با برائت از سران ستمگر دشمن بشریت، دشمن اهل نوحید و اهل ایمان:

❖ مقدمه:

➤ سیاست جذب حد اکثری و دفع حد اقلی:

«خَذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹)

«أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى؛ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۲۳-۲۴)

➤ تکلیف کفر به طاغوت و ایمان به الله:

▪ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا؛ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)

➤ تکلیف دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر:

▪ «وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴)

▪ «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۲۱)

➤ تکلیف تولی و رحمت و فروتنی بر اهل ایمان، و تبری و جهاد و شدت و غلظت بر کفار و منافقین:

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَدْلَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائدة/۵۴)

▪ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/۲۹)

▪ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه/۷۳)

▪ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «عنه ، عن علي بن حسان الواسطي، عن ذكره، عن داود بن فرقد، عن أبي عبد الله (ع) قال:

ثلاث من علامات المؤمن، علمه بالله، و من يحب و من يبغض» (المحاسن، برقي، ۱ / ۲۶۳؛ کافی، ۲ / ۱۲۶)

▪ «الحسين بن محمد، عن محمد بن عمران السبيعي، عن عبد الله بن جبلة، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

كل من لم يحب على الدين و لم يبغض على الدين فلا دين له» . (كافي، ۲ / ۱۲۷)

▪ «الكليني، عن علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله):
إن الله عز وجل يبغض المؤمن الضعيف الذي لا دين له!، فقيل له: و ما المؤمن الذي لا دين له؟! قال: الذي لا ينهى عن المنكر». (كافي، ۵ / ۵۹)

▪ «عنه، عن أبيه، عن حمزة بن عبد الله الجعفري، عن جميل بن دراج، عن عمر بن مدرك أبي علي الطائي قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام: أي عرى الايمان أوثق؟؛ فقالوا: الله و رسوله أعلم، فقال(ع): قولوا؛

فقالوا : يا بن رسول الله الصلاة ، فقال(ع) : ان للصلاة فضلا و لكن ليس بالصلاة؛ قالوا: الزكاة، قال(ع): ان للزكاة فضلا و ليس بالزكاة؛

فقالوا: صوم شهر رمضان؛ فقال (ع): إن لرمضان فضلا و ليس برمضان؛ قالوا: فالحج و العمرة، قال(ع): إن للحج و العمرة فضلا و ليس بالحج و العمرة؛

قالوا: فالجهاد في سبيل الله؛ قال (ع): إن للجهاد في سبيل الله فضلا و ليس بالجهاد؛ قالوا: فالله و رسوله و ابن رسوله أعلم، فقال (ع): قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أوثق عرى الايمان الحب في الله و البغض في الله ، توالى ولي الله و تعادى عدو الله» (المحاسن، برقي، ۱ / ۱۶۵)

➤ تعريف سران ستمگر دشمن بشریت اهل توحيد و اهل ايمان:

«حق پوشان معاند بازدارنده از راه خدا، فريبكاران و وارونه جلوه دهندگان حق و حقيقت»

«فَأَدَّانَ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف/۲۴-۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نفرین الهی بر ابلیس:

«حسادت و گردنکشی ابلیس، و ستیز با مدیریت و رهبری آدم(ع)، پیشکشوت و پیر عرفان و طریقت!»

«... و إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا؛ لَعَنَهُ اللَّهُ...» (نساء/۱۱۷-۱۱۸)

▪ «و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۴)

▪ «و لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ؛ قَالَ: مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ؟»

قَالَ: أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ؛

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ؛ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفُودَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ؛ ثُمَّ لَأَنبِتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ؛ قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْجُورًا لِمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» (اعراف/۱۱-۱۸)

▪ «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ؛ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ؛ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ؟»

قَالَ: لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛ قَالَ: فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ؛ وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ؛

قَالَ: رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ قَالَ: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ؛ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ قَالَ: رَبِّ بِمَا أُغْوِيْتَنِي لِأُرْسِنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ؛ قَالَ: هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ؛ إِنْ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر/۲۰-۲۲)

▪ «و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ؛ قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا؛ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أُخِّرْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَآخْتَبِكَ دَرَبِيَّةً إِلَّا قَلِيلًا؛ قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُ مَوْفُورًا؛ وَ اسْتَغْرَزَ مِنَ اسْتَنْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْنِكَ وَ أَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجَلَكَ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَدَّهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا؛ إِنْ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا» (اسراء/۶۱-۶۵)

▪ «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ؛ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي؟ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ؟؛ قَالَ: أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ قَالَ: فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ؛ وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ؛

قَالَ: رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ قَالَ: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ؛ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ قَالَ: فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ؛ قَالَ: فَالْحَقُّ وَ الْحَقُّ أَقُولُ؛ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص/۷۲-۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ حضرت ابراهیم و پیروان حضرت، الگوی برائت از سران فرهنگ‌ی و تبهکاران حق پوش معاند (منافقین و کفار):

▪ **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُعْثَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛**

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبَّأْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه / ۴-۶)

▪ «وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتْيَاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه / ۱۱۴)

▪ **وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ؛ فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ؛** قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ؛

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ؛ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؛

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ؛ فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ؛

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ؛ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلا يَضُرُّكُمْ؛

أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلا تَعْقِلُونَ؛ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ؛

فُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ؛ وَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۵۷- ۷۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
❖ نفرین الهی بر بلعم باعورا:

«حسادت و گردنکشی بلعم باعورا (مستجاب الدعوة بنی اسرائیل!)، و ستیز با مدیریت و رهبری موسی(ع)»

«و ائُلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ؛

«و لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَافْضُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ أَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ» (اعراف/۱۷۵-۱۷۷)

❖ نفرین حضرت موسی بر سامری:

«حسادت و گردنکشی سامری (از رهبران فرهنگی بنی اسرائیل!)، و ستیز با مدیریت و رهبری موسی(ع)»

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ أَضَلَّاهُمُ السَّامِرِيُّ؛ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَبًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي؛ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَ لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ؛ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَ إِلَهَ مُوسَى فَنَسِي؛ ...؛

قَالَ: فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ؟!؛ قَالَ: بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَ كَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي؛

قَالَ: فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَ إِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ؛

وَ انظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/۸۵-۹۷)

❖ برائت و نفرین حضرت داوود (ع) و عیسی (ع) بر علما و امت متمرّد بنی اسرائیل:

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ؛ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ؛

وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا»
(مائده/۷۸-۸۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «نفرین خدا، ملائکه و معصومین(ع) و اهل ایمان بر فاقدان غیرت دینی و انسانی»:

▪ «قال علي (عليه السلام) : لا يحضرنّ أحدکم رجلاً يضربه سلطان جائر ظلماً و عدواناً ، و لا مقتولا و لا مظلوماً إذا لم ينصره ؛ لأنّ نصره المؤمن (على المؤمن) فريضة واجبة إذا هو حضره، و العافية أوسع ما لم تلزمك الحجة الحاضرة ، قال(ع): و لما جعل الله التقصير في بني إسرائيل جعل الرجل منهم يرى أخاه على الذنب فينهاه فلا ينتهي، فلا يمنعه ذلك أن يكون أكيله و جليسه و شريبه، حتّى ضرب الله عزّ وجلّ قلوب بعضهم ببعض، و نزل فيهم القرآن حيث يقول عزّ و جلّ: « لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ...» (عقاب الأعمال، ٢٦١؛ بحارالانوار، ١٠٠ / ٧٩)

❖ برائت و لعنت خدا، ملائکه، اهل البيت (ع) و مردم بر علمای دین فروش! و یاوران دین فروش ستمگر:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْمَلَائِكَةُ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنَّاهُمْ فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ» (بقره/١٥٩-١٦٢)

▪ «و مَنْ يَتَّبِعْ عَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقِيلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/٨٥-٨٩)

❖ نفرین خدا بر علمای یهود حق پوش معاند صدر اسلام:

▪ «و لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ بِنُسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (بقره/٨٩-٩٠)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مباحثه، برائت و نفرین حضرت پیامبر (ص) بر علمای مسیحی منکر حقیقت:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَصُّ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنْ اللَّهُ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ» (آل عمران/ ۶۱-۶۳)

❖ نفرین امیر مومنان(ع) بر انس بن مالک حق پوش:

«و قَالَ (ع) لِأَنَسِ بْنِ مَالِكٍ - وَ قَدْ كَانَ بَعَثَهُ إِلَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ لَمَّا جَاءَ إِلَى الْبَصْرَةِ - يَذْكُرُهُمَا شَيْئاً مِمَّا سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي مَعْنَاهُمَا - فَلَوْى عَنْ ذَلِكَ فَرَجَعَ إِلَيْهِ - فَقَالَ: إِنِّي أَنَسَيْتُ ذَلِكَ الْأَمْرَ - فَقَالَ (ع): إِنْ كُنْتَ كَاذِباً - فَضَرْبَكَ اللَّهُ بِهَا بَيْضَاءَ لَامِعَةٍ لَا تُوَارِيهَا الْعِمَامَةُ»

قال الرضي «يعني البرص - فأصاب أنسا هذا الداء فيما بعد في وجهه - فكان لا يرى إلا مبرقعا» (نهج، حكمت ۲۱۱)

❖ نفرین امام زمان (ع) بر علمای دین فروش:

حسادت و گردنکشی شلمغانی (ابن ابی عزافر: ۲۲۳م، از رهبران فرهنگى تشيع!) و ستيز با نائب امام زمان(ع)»

«ابوجعفر المعروف بابن ابى العزافر كان متقدماً فى أصحابنا فحمله الحسد لأبى القاسم الحسين بن روح على ترك المذهب و الدخول فى المذاهب الردئيه حتى خرجت فيه توقيعات» (نجاشى، ۱۲۰۷: ۲۷۸)

«... بأن محمد بن علي المعروف بالشلمغاني هو ممن عجل الله له النعمة و لا أمهله - قد ارتد عن الاسلام و فارقه؛ و ألد في دين الله و ادعى ما كفر فيه بالخالق جل و تعالى ، و افترى كذبا و زورا، و قال بهتاناً و إثماً عظيماً؛

كذب العادلون بالله و ضلوا ضلالا بعيدا ، و خسروا خسارانا مبينا ، و إننا قد برئنا إلى الله تعالى و إلى رسوله و آله صلوات الله و سلامه و رحمته و بركاته عليهم بمنه ؛ و لعناه عليه لعائن الله في الظاهر منا و الباطن، في السر و الجهر ، و في كل وقت و على كل حال، و على من شايعه و تابعه أو بلغه هذا القول منا و أقام على توليه بعده؛

... أعزكم الله - أنا من التوقي له؛ و المحاذرة منه؛ على ما كنا عليه ممن تقدمه من نظرائه من الشريعي و النميري و الهلالي و البلالي و غيرهم؛

و عادة الله جل ثناؤه مع ذلك قبله و بعده عندنا جميلة، و به نثق، و إياه نستعين، و هو حسبنا في كل أمورنا و نعم الوكيل» (غيب طوسى، ۲۱۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نفرین امام زمان (ع) بر علمای دین فروش:

حسادت و گردنکشی شلمغانی (ابن ابی عزافر: ۳۲۳م، از رهبران فرهنگی تشیع!) و ستیز با نائب امام زمان(ع)»

«ابوجعفر المعروف بابن ابی العزافر كان متقدماً في أصحابنا فحمله الحسد لأبى القاسم الحسين بن روح على ترك المذهب و الدخول في المذاهب الردئية حتى خرجت فيه توقيعات» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸)

«... بأن محمد بن علي المعروف بالشلمغاني هو ممن عجل الله له النعمة و لا أمهله - قد ارتد عن الاسلام و فارقه؛ و ألد في دين الله و ادعى ما كفر فيه بالخالق جل و تعالی ، و افتري كذبا و زورا، و قال بهتاناً و إثماً عظيماً؛

كذب العادلون بالله و ضلوا ضللاً بعيداً ، و خسروا خساراً مبيناً ، و إنما قد برئنا إلى الله تعالى و إلى رسوله و آله صلوات الله و سلامه و رحمته و بركاته عليهم بمنه ؛ و لعناه عليه لعائن الله في الظاهر منا و الباطن، في السر و الجهر ، و في كل وقت و على كل حال، و على من شايعه و تابعه أو بلغه هذا القول منا و أقام على توليه بعده؛

... أعزكم الله - أنا من التوقي له؛ و المحاذرة منه؛ على ما كنا عليه ممن تقدمه من نظرائه من الشريعي و النميري و الهلالي و البلالي و غيرهم؛

و عادة الله جل ثناؤه مع ذلك قبله و بعده عندنا جميلة، و به نثق، و إياه نستعين، و هو حسبنا في كل أمورنا و نعم الوكيل» (غيب طوسی، ۲۱۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

نمونه های برائت و نفرین الهی، و انبیاء و اولیاء معصوم از گردنکشان و جامعه ستم پیشه:

❖ **نفرین حضرت نوح بر جامعه غرق در کفر:**

«و قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا؛ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا!» (نوح/۲۶-۲۷)

❖ **نفرین الهی بر قوم عاد و ثمود:**

«و تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عَصَوْا رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٍ هُودٍ» (هود/۵۹-۶۰)

«فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ؛ كَان لَمْ يَغْنُوا فِيهَا إِلَّا إِن ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ» (هود/۶۶-۶۸)

❖ **نفرین الهی و حضرت موسی بر آل فرعون:**

«و قَالَ مُوسَى إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا

يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (يونس/۸۸-۸۹)

«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ؛ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلِيئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ؛

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ؛ وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بئْسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود/۹۶-۹۹)

❖ **برائت و نفرین حضرت موسی بر بنی اسرائیل متمرذ از جهاد در راه خدا:**

«قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛

قَالَ: رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ؛

قَالَ: فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده/۲۴-۲۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص)، و برخورد غلاظ و شداد با جریانات سازمان یافته متعرض به عفت ناموسی جامعه:

«ائتلاف منافقین، اراذل و اوباش، و جاسوسان مامور ایجاد زلزله های ناموسی در جامعه اسلامی»

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/ ۶۰-۶۲)

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص) بر جریانات تروریستی و محارب نظام اسلامی:

«و مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/ ۹۲)

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص) بر خانواده ابولهب:

«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ؛ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ؛ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ؛ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ؛...» (مسد/ ۱-۵)

❖ برائت و نفرین الهی و حضرت پیامبر (ص) بر خاندان بنی امیه و حکم بن ابی العاص عموی عثمان خلیفه سوم!:

«وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (اسراء/ ۶۰)

▪ أخرج ابن أبي حاتم عن يعلى بن مرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:

أريت بنى أمية على منابر الأرض وسيتملكونكم فتجدونهم أرباب سوء واهتم رسول الله صلى الله عليه وسلم لذلك فأنزل الله:

«و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة ...» (الدر المنثور، ۴ / ۱۹۱)

▪ أخرج ابن أبي حاتم عن ابن عمر رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم قال:

رأيت و ولد الحكم بن أبي العاص على المنابر كأنهم القردة وأنزل الله في ذلك: «و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة...»

يعنى الحكم و ولده» (الدر المنثور، ۴ / ۱۹۱؛ «ر . ك : الخرائج والجرائح : ج ۱ ص ۱۶۸ ح ۲۵۸ ، دلائل النبوة ، بيهقي : ج ۶ ص ۲۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نفرین امیر مومنان (ع) بر طلحه و زبیر:

«عن الأعمش ، أن علياً (عليه السلام) رفع يده إلى السماء و هو يقول:

«اللَّهُمَّ إِنَّ طَلْحَةَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أَعْطَانِي صَفْقَةَ يَمِينِهِ طَائِعاً ثُمَّ نَكَثَ بَيْعَتِي ، اللَّهُمَّ فَعَاجِلْهُ وَ لَا تَمْهَلْهُ ، اللَّهُمَّ وَ إِنَّ الزُّبَيْرَ بْنَ الْعَوَّامِ قَطَعَ قِرَابَتِي وَ نَكَثَ عَهْدِي وَ ظَاهَرَ عَدُوِّي ، وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ لِي ، فَكُفِّنِيهِ كَيْفَ شِئْتَ وَ أُنِي شِئْتَ» (مناقب ابن شهر آشوب، ۲ : ۲۷۹ ؛ البحار ۴۱ : ۲۰۶ ؛ الفتوح، ۱ / ۲۷۲)

«و من العجب انقيادهما لأبي بكر و عمر، و خلافهما عليّ ، و الله إنهما يعلمان أنّي لست بدون رجل مّمّن قد مضى ، اللهم فاحلل ما عقدا و لا تبرم ما أحكما في أنفسهما، و أرهما المساءة فيما قد عملا» (مناقب ابن شهر آشوب ۲ : ۲۷۹ ؛ البحار ۴۱ : ۲۰۶ ؛ تاريخ الطبري ۲ : ۵۵ . ۲)

❖ نفرین امیر مومنان (ع) بر بسر بن ارطاة جناینکار:

«الوليد بن الحارث و غيره ، أنه قال: إنّ عليّاً (عليه السلام) لما بلغه قتل بسر بن أرطاه من شيعته باليمن حين ولى عليهم من جهة معاوية ، قال: اللَّهُمَّ إِنَّ بَسْرًا بَاعَ دِينَهُ بِالْدُنْيَا فَاسْلِبْهُ دِينَهُ وَ عَقْلَهُ ،

فاختلط بسر ، فكان يدعو بالسيف، فاتّخذ له سيفاً من خشب فكان يضرب به حتّى يغشى عليه، فإذا أفاق يقول: السيف، فلم يزل ذلك دأبه حتّى مات» (مناقب ابن شهر آشوب ۲ / ۲۸۰ ؛ البحار ۴۱ / ۲۰۴ ؛ اثبات الهداة ۴ / ۵۷۲ ؛ ارشاد القلوب / ۲۲۸)

❖ برائت و نفرین امیر مومنان (ع) بر امت متمرّد:

«و قال (ع) في سحرة اليوم الذي ضرب فيه:

مَلَكْتَنِي عَيْنِي وَ أَنَا جَالِسٌ - فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَ اللَّدِّ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ:

أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - وَ أَبْدَلْهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خطبه ۷۰)

«... عن الحسن بن علي، قال : خرجت أنا و أبي نعلي في هذا المسجد ، فقال لي : يا بني إني بت الليلة أوقظ أهلي ... فملكنتني عينا، فسبح لي رسول الله صلى الله عليه و آله، فقلت: يا رسول الله ماذا لقيت من أمتك من الأود و اللدد ؟ فقال لي: ادع عليهم!؛ فقلت:

«اللهم أبدلني بهم من هو خير لي منهم ، و أبدلهم بي من هو شر لهم مني» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، ۲۵)

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ وَ مَلُونِي وَ سَيَّمْتُهُمْ وَ سَيَّمُونِي - فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدَلْهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (نهج، خطبه ۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ **نفرین امام حسین (ع) بر کوفیان در روز عاشوراء:**

«... سألت جعفر بن محمد بن علي بن الحسين (عليهم السلام) ، فقلت : حدثني عن مقتل ابن رسول الله (صلى الله عليه وآله) . فقال :

حدثني أبي ، عن أبيه ، قال : ... فأخذ الحسين (عليه السلام) بطرف لحيته ، و هو يومئذ ابن سبع و خمسين سنة ، ثم قال : اشتد غضب الله على اليهود حين قالوا : عزير بن الله ، و اشتد غضب الله على النصارى حين قالوا : المسيح بن الله ، و اشتد غضب الله على المجوس حين عبدوا النار من دون الله ، و اشتد غضب الله على قوم قتلوا نبيهم ، و اشتد غضب الله على هذه العصابة الذين يريدون قتل ابن نبيهم» . (امالی صدوق، ۲۲۲)

❖ **نفرین امام سجاد (ع) بر دشمنان اسلام و مسلمین:**

«... اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ ، و افْلِمِ عَنْهُمْ أَطْفَارَهُمْ ، و فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ ، و اخْلَعْ وَثَائِقَ أَيْدِيهِمْ ، و بَاعِذْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَادَتِهِمْ ، و حَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ ، و صَلِّهِمْ عَنِ وُجُوهِهِمْ ، و اقطع عَنْهُمْ الْمَدَدَ ، و انقص مِنْهُمْ الْعَدَدَ ، و املا أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسِطِ ، و اخزم أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسِطِ ، و اشرد بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ وَتَكَلَّ بِهَمْ مِنْ وَرَاءِهِمْ ، و اقطع بِخَزِيهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ يَعْذِهِمْ؛ اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ ، و بَيِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ ، و اقطع نَسْلَ دَوَابِهِمْ و أَنْعَامِهِمْ ، لا تَأْذَنْ لِسَمَاوِيهِمْ فِي فِطْرٍ ، و لا لَأَرْضِيهِمْ فِي نَبَاتٍ؛ اللَّهُمَّ وَفِّ بِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ، و حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ...» (صحيفه سجاديه، دعای ۲۷)

❖ **نفرین امام صادق (ع) بر فرماندار ستمگر بی پروا (داوود بن علی بن عبد الله بن عباس):**

▪ و قال الصادق عليه السلام لما قتل المعلى : لأدعون الله على من قتل مولاي و أخذ مالي» (وسائل الشيعة، ۴ / ۱۱۶۵)

❖ **نفرین امام هادی (ع) بر متوکل عباسی، خلیفه ستمگر بی حیا:**

الخرائج : روى أبو القاسم البغدادي عن زرارة قال : أراد المتوكل : أن يمشي علي بن محمد بن الرضا عليهم السلام يوم السلام فقال له وزيره : إن في هذا شناعة عليك وسوء، قاله فلا تفعل ، قال : لا بد من هذا . قال : فإن لم يكن بد من هذا فتقدم بأن يمشي القواد والاشراف كلهم ، حتى لا يظن الناس أنك قصدته بهذا دون غيره ، ففعل و مشى عليه السلام و كان الصيف فوافى الدهليز و قد عرق .

قال : فلقيته فأجلسته في الدهليز و مسحت وجهه بمنديل و قلت : ابن عمك لم يقصدك بهذا دون غيرك ، فلا تجد عليه في قلبك فقال : إياها عنك

" تمتعوا في داركم ثلاثة أيام ، ذلك وعد غير مكذوب " (هود ۶۵).

قال زرارة : وكان عندي معلم بتشييع و كنت كثيرا أمارحه بالرافضي فانصرفت إلى منزلي وقت العشاء و قلت : تعال يا رافضي حتى أحدثك بشئ سمعته اليوم من إمامكم؛ قال لي و ما سمعت ؟ فأخبرته بما قال؛ فقال: أقول لك فاقبل نصيحتي قلت : هاتها قال : إن كان علي بن محمد قال بما قلت فاحترز واخرن كل ما تملكه فان المتوكل يموت أو يقتل بعد ثلاثة أيام ، ... فلما كانت الليلة الرابعة قتل المتوكل و سلمت أنا و مالي و تشيعت عند ذلك؛ فصرت إليه؛ و لزمته خدمته؛ و سألته أن يدعو لي و توأبته حق الولاية» (بحار الانوار، ۵۰ / ۱۴۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست نجما ۲۷: به مناسبت تصویب ملی «کلان نظریه بنیادین نجما»:

«خانواده محوری در تدبیر نظامات اسلامی»

«ابلاغیه مقام معظم رهبری ۱۳/۰۶/۱۳۹۵، مصادف با اول ذی الحجه»

«سالروز ازدواج سرور بانوان عالم، فاطمه زهرا (ع) با سرور اوصیای الهی، علی (ع)»

«سیاستهای کلی خانواده»

«خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی»

و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی

و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است

و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به :

۱. ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن

بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش»

۲. «محور قرار گرفتن خانواده»

در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، «به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی».

۳. «برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد ...»

۴. «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان...»

۵. ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

رکن حمد: الحمد لله:

❖ مفهوم حمد:

«ستایش زیبایی های صادر از فاعل مختار»: فرهنگ «ما رایت الا جمیلا»

❖ جریان مطلق حمد در نظام تکوین و تشریح:

«نظام خالقیت مطلق الهی» / «نظام ربوبیت مطلق رحمانی و رحیمی» / «نظام بازخوردهی مطلق الهی در دنیا و آخرت»:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد/۲-۴)

«وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ؛ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص/۷۰)

«وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» (روم/۱۸)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۳۶-۳۷)

❖ ویژگی های حامد:

➤ باور قلبی انتساب تمام ارزشها و کمالات به خدا:

«ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك» (نساء/۷۹)

«و نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ تَوَدُّوا أَنْ تَلْغَمُ الْجَنَّةَ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف/۲۳)

«فَلَمْ تَغْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَلِّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ ذَلِكَمُ وَ أَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ» (انفال/۱۷-۱۸)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۳۶-۳۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ انجام وظائف و اداء مسئولیتها به مثابه شکر دائمی نعمت و پرهیز از کفران و اسراف نعمت:

«... الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله ...» (اعراف/۴۳)

➤ سلوک حمد، شاخص آدمیت:

«و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَةَ ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةَ ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ . وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ:

« إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا » (صحيفه سجاديه، دعای اول، ۸-۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
➤ عرصه های موکد بر مقام حمد:

✓ حمد بر خالقیت الهی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ؛ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (انعام/۱)

✓ حمد بر وحدانیت مطلق الهی:

«و قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ و لَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ و كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا» (اسراء/۱۱۱)
«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ و رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۲۹)

➤ حمد بر فاطریت الهی و نصب ملائکه در نظام افاق و انفس:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أُولِي أَيْدِيٍّ وَأَنْوَارٍ؛ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (فاطر/۱)

«لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ و مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...» (رعد/۱۱)

➤ حمد بر ربوبیت مطلق الهی:

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ و رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۲۶-۲۷)

➤ حمد بر رزاقیت الهی:

«اللَّهُ يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ و يَغْدِرُ لَهُ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ؛

و لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ؛ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (عنكبوت/۶۲-۶۳)

➤ حمد بر مالکیت مطلق الهی در دنیا و آخرت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ و مَا فِي الْأَرْضِ و لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ؛ و هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (سیا/۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ حمد بر فضائل و عصمت الهی، و نسل رسالتمدار:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهيم/ ۳۹)

«و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/ ۱۵)

✓ حمد بر نزول قرآن:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا؛ فَيَمَّا لِيُذْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَ يُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا؛ مَا كُنْتُمْ فِيهِ أَبْدًا؛ وَ يُذْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا» (كهف/ ۱-۴)

✓ حمد بر هدایت الهی:

«و قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف/ ۴۳)

➤ حمد بر استجابت دعای مخلصان:

«هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر/ ۶۵)

➤ حمد بر هلاکت ستمگران و توفیق رسولان الهی:

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ عَلَى الْعُلُكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

«و قُلِ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَ إِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (مومنون/ ۲۸-۳۰)

«فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ؛ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ؛

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَا يُشْرِكُونَ» (نمل/ ۵۷-۵۹)

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۱۸۰-۱۸۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ حمد بر ارائه آیات و قدرت نمایی ویژه الهی در آفاق و انفس:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرَّجُوا يَمَانًا أَوْتُوا أَخَذْنَاهُم بَعْتَهُ فَاذَا هُمْ مُبْلِسُونَ؛ فَقُطِعَ دَائِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام/۲۴-۲۵)

«و قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (نمل/۹۳)

➤ حمد بر صدق وعده الهی، و وراثت بهشت:

«و قَالُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛

وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر/۷۴-۷۵)

➤ حمد بر لذت مطلق پایدار نعم بهشتی:

«جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ؛ وَ قَالُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ؛ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر/۳۲-۳۵)

✓ حمد بهشتیان بر تمام عرصه ها و نعمتهای مادی و معنوی آفاقی و انفسی بهشت:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛

دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (يونس/۹-۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
❖ عوامل رسیدن به مقام حمد:

➤ باور به فقر مطلق خود و غناى مطلق خداوند «الله»:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ؛ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵)

➤ باور و توسل به فریادرسى خداوند:

«وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ؛ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ» (۲۸)

➤ زهد به دنیا، عشق به آخرت، و سخاوت بزرگوارانه به بندگان خدا:

«ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ؛ لِكَيْ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ؛ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/ ۲۲-۲۴)

➤ پیروی از قرآن و عترت و انبیاء الهی و اهل ایمان:

▪ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم/ ۱)

▪ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ؛ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه/ ۶)

▪ «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ؛

وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ» (فاطر/ ۲۳-۲۴)

▪ «وَ بَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (سبأ/ ۶)

➤ پیروی از راه شهداء:

«قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ؛ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ؛ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ؛ وَ هُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ؛ وَ مَا نَعْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بروج/ ۴-۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

► تلازم حمد با عشق به خدا، اهل بیت(ع) و ارزشهای الهی، خصوصاً، «قرآن، نماز، زکات و مسجد»:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۲-۴)

▪ «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًّا؛ تَفْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ؛

ثُمَّ تَلِينَ جُلُودَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ» (زمر/۲۳)

▪ «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا؛

لِيُؤْفِقِيَهُمْ أَعْوَابَهُمْ وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ» (فاطر/۲۹-۳۰)

▪ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره/۱۲۱)

▪ «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲)

▪ «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا؛ وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ وَ الَّذِينَ يَبِيَّتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا» (فرقان/۶۳-۶۴)

▪ «ألا من اشتاق إلى الله فليستمع كلام الله» رسول الله (صلى الله عليه و آله): (كنز العمال، ح ۲۲۷۲)

▪ " من أحب الله فليحبني؛ و من أحبني فليحب عترتي ، اني تارك فيكم الثقلين : كتاب الله و عترتي؛

و من أحب عترتي فليحب القرآن؛ و من أحب القرآن فليحب المساجد؛

فإنها أفنية الله و أبنيته؛ اذن في رفعها و بارك فيها؛ ميمونة؛ ميمون أهلها؛ مزينة؛ مزين أهلها؛ محفوظة؛ محفوظ أهلها؛

هم في صلاتهم و الله في حوائجهم؛ هم في مساجدها و الله من ورائهم» (ص): (مستدرک الوسائل، ۳ / ۳۵۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مسجد و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی:

❖ مسجد، پایگاه عقل و وحی:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ؛ ... يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَزُوقُ مَن يَشَاءُ بَغِيرِ حِسَابٍ» (نور/۲۵-۲۸)

❖ مسجد، خانه خدا، پایگاه انبیاء، خانه متقین:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله لجبرئيل: يا جبرئيل! اي البقاع أحب إلى الله عز وجل؟ قال: المساجد؛

و أحب أهلها إلى الله أولهم دخولا و آخرهم خروجا منها». (كافی، ۱۲۷؛ جامع احاديث الشيعة، ۴/ ۴۲۸)

«و من أراد دخول المسجد فليدخله على سكون و وقار؛ فان المساجد بيوت الله؛ و أحب البقاع اليه و أحبهم إلى الله عز و جل (رجل) أولهم دخولا و آخرهم خروجا». (فقیه ۴۹؛ جامع احاديث الشيعة، ۴/ ۴۲۰)

«قال النبي صلى الله عليه و آله : المساجد مجالس الأنبياء». (القطب الراوندي في لب اللباب؛ جامع احاديث الشيعة، ۴/ ۴۲۱)

«عن النبي صلى الله عليه و آله قال: المساجد بيوت المتقين؛ و من كانت المساجد بيته ضمن الله له بالروح و الراحة و الجواز على الصراط» (القطب الراوندي في لب اللباب؛ مستدرک ۲۲۷؛ جامع احاديث الشيعة، ۴/ ۴۲۷)

«روى ان في التوراة مكتوبا ان بيوتي في الأرض المساجد؛ فطوبى لعبد تطهر في بيته، ثم زارني في بيتي؛ الا ان على المزور كرامة الزائر؛

الا بشر المشائين في الظلمات الى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة» (فقیه ۴۹؛ جامع احاديث الشيعة، ۴/ ۴۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ ویژگی های هیئت امناء و مدیریت مساجد:

➤ «عشق به خدا، و خوف و دغدغه آخرت»؛

➤ «اقامه نماز و پرداخت زکات»؛

➤ شجاعت در بیان و عمل به حق و عدم واهمه از غیر خدا»؛

➤ اهل هجرت و جهاد در راه خدا؛

▪ «وَمَا يُمِينُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف / ۱۰۶)

▪ «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ؛ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟! لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ؛ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (توبه / ۱۷-۲۲)

▪ «... نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ لَهُمْ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ؛ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛ لِيُخْزِيَهُمْ

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور / ۲۵-۲۸)

❖ صلابت در برابر تبهکاران مزاحم ابادی مساجد:

▪ «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ؛

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره / ۱۱۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ مدیریت الهی بحرانهای نظامی در حفاظت از معابد توحیدی:

▪ «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ؛

و لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ و لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۳۹-۴۱)

❖ دستاورد های حضور در مساجد:

«برادری در راه خدا/دانشی نو و شگرف و یا ایت و استدلالی متین/رحمتی مورد انتظار؛

رهنمودی نجاتبخش یا هدایتگر/دوری از گناه به جهت حضور و یا سرشت الهی»

«كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: من اختلف إلى المساجد اصاب احدى الثمان:

أخا مستفادا في الله عز وجل؛ أو علما مستطرفا؛ أو آية محكمة؛ أو رحمة منتظرة؛

أو كلمة ترده عن ردى؛ أو يسمع كلمة تدله على هدى؛ أو يترك ذنبا خشية أو حياء» . (فقيه ۴۸؛ جامع احاديث الشيعه، ۴/ ۲۳۵)

❖ پاداش نماز در مسجد:

▪ **«علي عليه السلام قال: « صلاة في بيت المقدس تعدل ألف صلاة؛ و صلاة في مسجد الأعظم مائة صلاة؛ و صلاة في مسجد القبيلة خمسة و**

عشرون صلاة؛ و صلاة في مسجد السوق اثنتي عشر صلاة؛ و صلاة الرجل في بيته وحده صلاة واحدة »

❖ پاداش نماز جماعت در مسجد:

▪ **أبي سعيد الخدري ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله اتاني جبرئيل مع سبعين ألف ملك بعد صلاة الظهر ، فقال يا محمد :... قلت يا**

جبرئيل وما لأمتي في الجماعة ؟ قال يا محمد إذا كانا اثنين ، كتب الله لكل واحد بكل ركعة مئة وخمسين صلاة... و إذا كانوا عشرة ، كتب الله تعالى

لكل واحد بكل ركعة سبعين ألفا و ألفين و ثمانمأة صلاة! ، فان زادوا على العشرة ، فلو صارت بحار السماوات و الأرض كلها مدادا ، و الأشجار أقلاما ،

و الثقلان مع الملائكة كتابا لم يقدروا ان يكتبوا ثواب ركعة واحدة!» (جامع احاديث الشيعه، ۶/ ۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مساجد ۴ گانه، وطن مشترک بشری:

«مسجد الحرام، مسجد النبی(ص)، مسجد کوفه، حائر حسینی»

❖ مساجد متفرق دور از مقاصد الهی (فرهنگی و اقتصادی):

▪ «... قامت الدنيا بثلاثة : بعالم ناطق مستعمل لعلمه ، و بغني لا يبخل بماله على أهل دين الله ، و بفقير صابر ،

فإذا كتم العالم علمه ، و بخل الغني ، و لم يصبر الفقير فعندها الويل و الثبور ،

و عندها يعرف العارفون بالله أن الدار قد رجعت إلى بدئها أي الكفر بعد الإيمان! ،

أيها السائل فلا تغترن بكثرة المساجد و جماعة أقوام أجسادهم مجتمعة و قلوبهم شتى ...» علی (ع): (توحيد صدوق، ۲۰۷)

«علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن الحسن بن محبوب ، عن يعقوب السراج و علي بن رثاب ، عن أبي عبد الله عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام لما بويج بعد مقتل عثمان صعد المنبر و خطب بخطبة ذكرها يقول فيها:

الا ان بليتكم قد عادت كهيتها يوم بعث الله نبيه صلى الله عليه و آله!؛ ...» علی (ع): (كافي، ۱ / ۳۶۹؛ نهج، خ ۱۶)

❖ مساجد ضرار (پایگاه کفر، تفرقه و کمین گاه محاربین)، و مواجهه با آن:

▪ «و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسَيْنِيَّ وَ اللَّهَ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ لَا تَغْمُ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّفْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَفْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۱۰۷-۱۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

تلازم حمد با عشق به آخرت:

«و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (انعام / ۹۲)

تلازم حمد با حرص بر هدایت بندگان خدا، و عشق به اهل ایمان:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه / ۱۲۸)

«فَلَعَلَّكَ بَاقِعٌ نَّفْسِكَ عَلَىٰ أَنَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (كهف / ۶)

«و الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ جَاحَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر / ۹)

«عنه، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن حريز بن عبد الله السجستاني، عن فضيل بن يسار قال:

سألت أبا عبد الله (ع) عن الحب و البغض ، أمن الايمان هو ؟؛ قال: و هل الايمان إلا الحب و البغض؟ ثم تلا هذه الآية " و حب إليكم الايمان و زينه في قلوبكم، و كره إليكم الكفر و الفسوق و العصيان أولئك هم الراشدون». (حجرات / ۵): (المحاسن، احمد بن محمد يزقي، ۱ / ۲۶۲)

ضدیت عشق به خدا و آخرت و ارزشهای الهی، با عشق به مظاهر کفر و نفاق، فسق و عصیان:

«وَ اعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات / ۷)

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَن حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَتَدَّهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ؛

أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله / ۲۲)

ترجیح عشق به خدا و آخرت و ارزشهای الهی، بر عشق به بستگان و مال و ثروت:

«قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَرْوَاحُكُمْ وَ أَمْوَالٌ أُفْتِرْتُمْوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ؟؛ فترَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / ۲۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم حمد با صلابت برخوردار با فتنه گران سیاه دل تبهکار:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْبِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ نُزُلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ»

وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ((فصلت/ ۲۰- ۲۳)

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (احقاف/ ۱۲- ۱۴)

تلازم حمد با شکر نعمت و هشدار به عواقب ترک آن :

«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ: لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهيم/ ۷)

«محمد عن ابن عيسى عن معمر بن خلاد قال سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول:

من حمد الله على النعمة فقد شكره و كان الحمد أفضل من تلك النعمة» . (الكافي، ۲ / ۹۶)

❖ شكر الهی:

«وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان/ ۱۲)

❖ شكر از وسائط نعمت های مادی و معنوی:

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَا عَلَيَّ وَ هُنَّ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لَوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان/ ۱۲- ۱۵)

«وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛

وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ» (نحل/ ۱۱۲- ۱۱۳)

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ؛

فَاعْرَضُوا فَأرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أُثْلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ؛

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ يُجَازِي إِلَّا الْكُفُورُ؛ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا فُرى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السِّبْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ؛ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَفْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سبا/ ۱۵- ۱۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

«لا يشكر الله من لا يشكر الناس» .(ص): (من لا يحضره الفقيه، ۴ / ۲۷۲)

▪ «حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق و محمد بن أحمد السناني والحسين بن إبراهيم أحمد المكتب رحمهم الله قالوا حدثنا أبو محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن سهل بن زياد الأدمي عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنی محمود بن أبي البلاد قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: **من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزّ وجلّ**». (عيون اخبار الرضا(ع)، ۲/۲۷؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۴۲)

▪ «عن ابى عبد الله عليه السلام: **لعن الله قاطعي سبيل المعروف!** قيل: و ما قاطعوا سبيل المعروف؟

قال (ع): **الرجل يصنع إليه المعروف فيكفره؛ فيمتنع صاحبه من أن يصنع ذلك إلى غيره**» (كافي، ۴ / ۱۲۳؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۳۹)

«**لا يزهديك في المعروف من لا يشكره لك، فقد يشركك عليه من لا يستمتع بشئ منه،**

و قد تدرك من شكر الشاكر أكثر مما أضع الكافر و الله يحب المحسنين» على(ع): (نهج، حكمت ۲۰۴).

«رسول الله (صلى الله عليه و آله): يد الله تعالى فوق رؤوس المكفرين ترفرف بالرحمة» (علل الشرائع، ۲ / ۵۶۰)

▪ «حدثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي (ره) قال حدثني والدي رض قال حدثنا محمد بن محمد بن النعمان قال حدثنا (ثني - أمالي المفيد) أبو حفص عمر بن محمد بن علي الزيات قال حدثنا عبيد الله بن جعفر بن محمد بن أعين قال حدثنا مسعر بن يحيى النهدي قال حدثنا شريك بن عبد الله القاضي قال حدثنا أبو اسحق الهمداني عن أبيه عن أمير المؤمنين (علي بن أبي طالب - أمالي المفيد) عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله: **ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها و لا تؤخر إلى الآخرة:**

عقوق الوالدين و البغي على الناس و كفر الإحسان» (أمالي ابن الطوسي، ۱ / ۱۳؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۴۱؛ جامع احاديث، ۱۳ / ۵۳۶)

▪ «حدثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن علي الطوسي ره قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي ره عن أبي الفضل قال أخبرنا جماعة قالوا أخبرنا أبو المفضل قال حدثنا أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن راشد الطاهري الكاتب عن أبي أحمد عبيد الله بن الطاهر عن أبي الصلت عبد السلام بن صالح الهروي قال حدثني أبو الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال حدثني أبي عن جدي جعفر بن محمد عن أبيه عن جده أمير المؤمنين صلوات الله عليهم أجمعين قال قال النبي صلى الله عليه و آله:

أسرع الذنوب عقوبة كفران النعمة:» (أمالي ابن الطوسي، ۲/۶۵؛ جامع احاديث الشيعه؛ ۱۳ / ۵۳۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

ان الله من على قوم بالمواهب فلم يشكروا فصارت عليهم وبالاً، و ابتلى قوما بالمصائب فصبروا فصارت عليهم نعمة» (وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۴۲)

▪ «بالأسانيد الثلاثة، عن الرضا، عن آبائه، عن علي بن الحسين (عليهم السلام) قال:

أخذ الناس ثلاثة من ثلاثة: أخذوا الصبر عن أيوب، و الشكر عن نوح، و الحسد عن بني يعقوب» (عيون أخبار الرضا(ع)، ۲ / ۴۵؛ بحار الانوار، ۶۸ / ۴۴)

▪ تلازم حمد با صبر در بلا:

▪ «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ؛ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره/۱۵۵-۱۵۷)

▪ «محمد عن ابن عيسى عن القاسم عن جده عن مثنى الحنات عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم إذا ورد عليه أمر يسره قال: الحمد لله على هذه النعمة؛ و إذا ورد عليه أمر يغم به قال: الحمد لله على كل حال» (الكافي، ۲ / ۹۷)

▪ تلازم حمد با شكر در بلا:

▪ «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ؛

وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ؛

وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا لَّا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ» (طه/۱۲۰-۱۲۲)

▪ «اللهم انى اسئلك صبرا لشاكرين لك، و عمل الخائفين و يقين العابدين لك...»

امام صادق(ع) به معلى بن خنيس؛ (دعاى روزانه ماه رجب، مصباح المتهجدين، شيخ طوسى؛ مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى)

▪ «اللهم لك الحمد، حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتى!» امام هادى(ع)؛ (زيارت عاشوراء، ذكر در سجده)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم حمد با ندیدن خود و دیدن بندگان خدا!!

❖ تلازم حمد با ندیدن خود:

➤ تقلیل عملکرد خود:

▪ «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ؛ فُمْ فَأَنْذِرْ؛ وَ رَبِّكَ فَكِّرْ؛ وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ؛ وَ الرَّجْزَ فَاهْجُرْ؛ وَ لَا تَمُنُّنْ تَسْتَكْبِرُ؛ وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر/۱-۷)

▪ «و الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ؛ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مومنون/۶۰-۶۱)

▪ «لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ - وَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ - فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهِمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ؛

إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنِّْي بِنَفْسِي؛

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ؛ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَطُنُّونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ» (نہج، خ متقین، خ ۱۹۳)

➤ عدم انتظار مزد از دیگران!:

▪ «و جَاءَ مِنْ أَفْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (یس/۲۰-۲۱)

➤ عدم انتظار حتی تشکر از دیگران!:

▪ «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا؛ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا

فَمَطْرِبْرًا» (انسان/۸-۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ تلازم حمد با دیدن بندگان خدا و اباد کردن حیات آنان:

- «و إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ ثَابَرُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود/۶۱)
- «عدة من أصحابنا ، عن سهل بن زياد ، عن يحيى بن المبارك ، عن عبد الله ابن جبلة ، عن رجل ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: في قول الله عز وجل: " و جعلني مبارك أينما كنت " (مريم/۲۱)؛ قال (ع) : نفاعا» (كافي، ۲ / ۱۶۵)
- علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : **الخلق عيال الله فاحب الخلق إلى الله من نفع عيال الله** و أدخل على أهل بيت سرورا» (كافي، ۲ / ۱۶۲)

➤ **عدم حرص و طمع و حسد بر ارزشهای بندگان خدا:**

- «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا؛ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا؛ إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (معارج/۱۹-۲۲)
- «و الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَحْدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَخِ نَفْسِهِ قَاوَلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/ ۹)

➤ **تکثیر ارزشهای دیگران، تقدیر از ان و بازخوردهی پر پیمان به آن:**

- «و إِذَا حُبِبْتُمْ بِهِمْ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء/۸۶)
- «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن/ ۶۰)

▪ «و إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ؛

- فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف/۸۵)
- «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ؛ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يُعْبَدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَكِيمُ الرَّشِيدُ؛ قَالَ يَا قَوْمِ ... وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تُوَفَّقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/۸۵-۸۸)
- «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا يَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ؛ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ؛ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْحِيلَةَ الْأُولَى؛ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ ...» (شعراء/۱۸۰-۱۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

«بالاسناد المتقدم في هذا الباب عن عبد السلام بن صالح الهروي عن الرضا عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله:

يؤتى بعد يوم القيامة فيوقف بين يدي الله عز وجل فيأمر به إلى النار فيقول: اي رب أمرت بي إلى النار و قد قرأت القرآن؟!!

فيقول الله: اي عبيد اني أنعمت عليك فلم تشكر نعمتي؛ فيقول: اي رب أنعمت على بكذا فشكرتك بكذا و أنعمت على بكذا شكركت بكذا فلا يزال يحصى النعمة و يعدد الشكر فيقول الله تعالى صدقت عبي؛ الا انك لم تشكر من أجرته لك نعمتي على يدي فلان و اني قد آتيت على نفسي ان لا اقبل شكر عبد لنعمه أنعمتها عليه حتى يشكر من ساقها من خلقي اليه» (أمالی ابن الطوسی، ۲ / ۶۵؛ جامع احادیث، ۱۲ / ۵۲۸)

مثالها: «حقوق خانواده: حق همسری و مادری بانوان؛ و حق سرپرستی شوهران؛ و ... /عکس العمل در برابر نعمت انقلاب اسلامی، و دفاع از حرم/ و ...»

➤ رسیدگی به احوال بندگان خدا و رفع نیاز آنان به قدر وسع:

«... إِلَّا الْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ؛ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (معارج/۲۲-۲۵)

➤ رسالت هدایت بندگان خدا:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف/۱۵۸)

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ؛

بِأْمُرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۱۵۷)

➤ سرپرستی مومنان به هدایت الهی:

«وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ؛ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛

وَ قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ؛ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ؛ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر/۸۷-۹۱)

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/۲۱۵)

➤ تلازم حمد با اخوت الهی:!

«اخوت ایمانی/ اخوت توحیدی/ اخوت بشری»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست سی ام: به مناسبت ماه محرم ۱۴۴۴ ه.ق.

«قرآن محوری و مرجعیت محکّمات دینی در تحلیل سیره مدیریتی سید الشهداء (ع)، از مدینه تا کربلا»:

❖ خروج از مدینه و ورود به مکه: تشبیه حرکت سید الشهداء (ع) به سیره حضرت موسی(ع):

▪ «... فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرًا يَا مُوسَى؛ وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه/۴۰-۴۱)

▪ «... فسار الحسين إلى مكة و هو يقرأ " فخرج منها خائفا يترقب قال: رب نجني من القوم الظالمين " (قصص/۲۱) ... و لما دخل الحسين عليه السلام مكة، ... و هو يقرأ: " و لما توجه تلقاء مدين قال: عسى ربي أن يهديني سواء السبيل " (قصص/۲۲) . (بحار الانوار، ۴۴ / ۲۳۲)

❖ اتمام حجت شب عاشورا همچون سیره حضرت عیسی(ع):

▪ «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ: مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟؛ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ!؛ أَمَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِنَا مُسْلِمُونَ؛

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُنِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۲-۵۴)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ؛ ...

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ: عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ: مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟؛ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ!؛ ...» (صف/۱۱-۱۴)

▪ «البهبهاني روى عن كتاب نور العيون بإسناده عن سكينه بنت الحسين، أنّها قالت:... إذا بأبي (ع) جالس، و حوله أصحابه ... يقول لهم :

اعْلَمُوا ، أَنْكُمْ خَرَجْتُمْ مَعِيَ لِعَلِّمِكُمْ أَنِّي أَقْدِمُ عَلَى قَوْمٍ بَايَعُونِي بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ؛ وَ قَدْ انْعَكَسَ الْأَمْرُ ... وَ أَخْشَى أَنْ تَكُونُوا مَا تَعْلَمُونَ وَ تَسْتَحْيُونَ وَ الْخَدَعُ عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُحَرَّمٌ ، فَمَنْ كَرِهَ مِنْكُمْ ذَلِكَ فَلْيَتَصَرَّفْ ، فَالْإِلَّيْلُ سَتِيرٌ وَالسَّبِيلُ غَيْرُ خَطِيرٍ وَ الْوَقْتُ لَيْسَ بِهَجِيرٍ ، وَ مَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا غَدًا فِي الْجَنَانِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَنِ ، وَ قَدْ قَالَ جَدِّي مُحَمَّدٌ (ص): ولدى الحسين ... فمن نصره فقد نصرني و نصر ولده القائم ، و لو نصرنا بلسانه فهو في حزبنا يوم القيمة...»(الدمعة الساكبة ۲ : ۲۷۱ ، أسرار الشهادة : ۲۶۸)

▪ «... و قام إليه مسلم بن عوسجة فقال: أ نحن نخلي عنك؟!؛ و بما نعتذر إلى الله في أداء حَقِّك؟!...»(الإرشاد، ۲۳۱؛ تاريخ الطبري، ۲/ ۲۱۵)؛

▪ «... ثم قالت: أخي، هل استعلمت من أصحابك نيّاتهم... فبكي (ع) : أما والله ! لقد نهرتهم و بلوئتهم و لئس فيهم [إلا] الأشوس الأفعس

تَسْتَأْسِرُونَ بِالْمَنِيَّةِ دُونِي اسْتِنَابِ الطُّفْلِ بِأَبْنِ أُمِّهِ» (الدمعة الساكبة ۲ : ۲۷۲ ، مقتل المفيد : ۲۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ تاملی در احادیث برداشتن بیعت و سلب مسئولیت دینی دیگران در شب عاشورا:

الطبري : قال أبو مخنف : حدّثني عبد الله بن عاصم الفائشي ، عن الضحّاک بن عبد الله المشرقي بطن من همدان - أنّ الحسين بن عليّ (عليه السلام) جمع أصحابه قال أبو مخنف : وحدّثني الحارث بن حصيرة ، عن عبد الله بن شريك العامري ، عن عليّ بن الحسين ، قال : جمع الحسين (عليه السلام) أصحابه بعد ما رجع عمر بن سعد ، وذلك عند قرب المساء ، قال عليّ بن الحسين (عليهما السلام) : فدنوت منه لأسمع و أنا مريض ، فسمعت أبي و هو يقول لأصحابه : أثنى على الله تبارك و تعالی أحسن الثناء ، و أحمده على البسراء و البسراء ، اللهم إني أحمّدك على أن أكرمتنا بالنبوّة ، و علمتنا القرآن ، و فقهنا في الدين ، و جعلت لنا أسماعاً و أبصاراً و أفئدة ، و لم تجعلنا من المشركين .

أما بعدُ ، فإنّي لا أعلم أصحاباً أولى و لا خيراً من أصحابي ، و لا أهل بيت أبرّ و لا أوصل من أهل بيتي ، فجزاكم الله عنّي جميعاً خيراً ،

ألا و إنّي أظنُّ يومنا من هؤلاء الأعداء عداءً ، ألا و إنّي قد رأيت لكم ، فانطلقوا جميعاً في حلٍّ ، ليس عليكم مني ذمامٌ ،

هذا ليلٌ قد غشيكم فاتخذوه حملاً . (تاريخ طبري ، ۳ / ۳۱۵ ؛ الكامل في التاريخ ، ۲ / ۵۵۹ ؛ ارشاد مفيد ، ۲۲۱)

«... فجزاكم الله عنّي خيراً ، فهذا الليلُ قد أقبلَ فقوموا واتخذوه حملاً ، و ليأخذ كلُّ رجلٍ منكم بيد صاحبه أو رجلٍ من إخوتي و تفرّقوا في سواد هذا الليل و دروني و هؤلاء القوم ، فإنهم لا يطلبون غيري ، و لو أصابوني و قدروا على قتلي لما طلبوكم» (الفتوح ، ۵ / ۱۰۵ ؛ الكامل في التاريخ ، ۲ / ۵۵۹)

«... و قد نزل بي ما قد ترون و أنتم في حلٍّ من بيعتي؛ لبيست لي في أعناقكم بيعةً ، و لا لي عليكم ذمةً ، و هذا الليلُ قد غشيكم فاتخذوه حملاً و تفرّقوا في سواده فإن القوم إنما يطلبوني ، و لو ظفروا بي لذهلوا عن طلب غيري» (الأمالي صدوق ، ۱۲۳ ؛ بحار الأنوار ، ۲۲ / ۳۱۵)

الطبري : قال أبو مخنف : حدّثنا عبد الله بن عاصم الفائشي - بطن من همدان - عن الضحّاک بن عبد الله المشرقي ، ... قال : فلما كان الليل قال :

هذا الليلُ قد غشيكم ، فاتخذوه حملاً . ثم ليأخذ كلُّ رجلٍ منكم بيد رجلٍ من أهل بيتي ، تفرّقوا في سوادكم و مدائكم حتى يفرّج الله ، فإن القوم إنما يطلبوني و لو قد أصابوني لهوا عن طلب غيري . (تاريخ الطبري ، ۲ / ۳۱۵ ؛ البداية و النهاية ، ۸ / ۱۹۱)

«الراوندي : سعد بن عبد الله : حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى ، حدّثنا الحسين بن سعيد ، حدّثنا النضر بن سويد ، عن عاصم بن حميد ، عن أبي حمزة الثمالي ، قال : قال عليّ بن الحسين (عليهما السلام) : كنت مع أبي الليلة التي قتل صبيحتها ، فقال لأصحابه :

هذا الليلُ فاتخذوه حملاً ، فإن القوم إنما يريدونني ، و لو قتلوني لم يلتفتوا إليكم ، و أنتم في حلٍّ و سعة .

فقالوا : لا ، و الله ! لا يكون هذا أبداً . قال : إنكم تقتلون عداءً كذلك ، لا يغلت منكم رجلٌ . قالوا : الحمد لله الذي شرفنا بالقتل معك .

ثم دعا ، و قال لهم : ارفعوا رؤوسكم و انظروا . فجعلوا ينظرون إلى مواضعهم و منازلهم من الجنة ، و هو يقول لهم : هذا منزلك يا فلان ! و هذا قصرك يا فلان ! و هذه درجتك يا فلان ! فكان الرجل يستقبل الرماح و السيوف بصدرة و وجهه ليصل إلى منزله من الجنة . (الخرائج والجرائح ، ۲ / ۸۲۷ ؛ بحار الأنوار ، ۲۲ / ۲۹۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

جذب و گزینش حسینی بر اساس اصل اختیار و بصیرت نیروها:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (يوسف / ۱۰۸)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ...» (انفال / ۶۵)

«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ اللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا» (نساء / ۸۴)

➤ ضرورت همراهی اهل ایمان با رهبران الهی در صحنه های قتال در راه خدا:

«وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَل مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛

وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ ...» (ال عمران / ۱۲۶-۱۲۸)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قَلَّمُ إِلَى الْأَرْضِ؟! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (توبه / ۲۸-۲۹)

«روي عن عبد الحميد قال: بينما الحسين (ع) واقف في ميدان الحرب ... و هو ينادي: هَلْ مِنْ رَاحِمٍ يَرْحَمُ آلَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ؟ هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُ الذَّرِيَّةَ الْأَطْهَارَ؟ هَلْ مِنْ مُجِيرٍ لِأَبْنَاءِ الْبُتُولِ؟ هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ الرَّسُولِ؟...» (المنتخب، طريحي : ۲۷۹ ؛ الدمعة الساكبة ۲ : ۳۲۴)

«و لَمَّا فَجَعَ الْحُسَيْنِ (ع) بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَوَلَدِهِ ، ... نَادَى : هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ؟ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِيْنَا ؟ هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ فِي إِغَاثِنَا؟ ، هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَاثِنَا؟» (مقتل الحسين (ع)، خوارزمي، ۲ / ۲۲؛ الفتوح لابن أعمش ۵ / ۱۲۱)

➤ ضرورت همراهی خانواده در نهضت حسینی:

«... ارتحل الحسين عليه السلام فبلغ ذلك ابن الحنفية فاتاه فأخذ بزمام ناقته - و قد ركبها - فقال : يا أخي ألم تعدني النظر فيما سألتك؟ قال:

بلى قال: فما حداك على الخروج عاجلا؟ قال: أتاني رسول الله صلى الله عليه و آله بعد ما فارقتك فقال: يا حسين اخرج فان الله قد شاء أن

يراك قتيلا فقال محمد ابن الحنفية: إنا لله و إنا إليه راجعون ، فما معنى حملك هؤلاء النساء معك و أنت تخرج على مثل هذا الحال؟!؛

قال : فقال [لي صلى الله عليه وآله] : إنا لله قد شاء أن يراهن سبايا؛ فسلم عليه و مضى» (اللهورف سيد بن طاووس، ۵۲).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست سی و یکم:

«آسیب شناسی چگونگی بهره برداری از نعم الهی: ضدیت شدید رکن حمد با اسراف و تبذیر»

«ضرورت حیاتی اصلاح الگوی مصرف و سبک زندگی»

❖ ضدیت با اسراف (زیاده روی و ریخت و پاداش):

▪ «و لَا تَعْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ؛ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۲۳)

▪ «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ؛ وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ؛ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (صافات/۱۵۰-۱۵۲)

▪ «... وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ؛ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام/۳۱-۳۲)

▪ «وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام/۱۲۱)

▪ «... بل أنتم قوم مسرفون» (اعراف/۸۸)/ «كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون» (يونس/۱۲)

▪ «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَئِهِمْ أَنْ يَغْتِنَهُمْ وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (يونس/ ۸۲)

▪ «و لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ؛ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ» (دخان/۳۰-۳۱)

▪ «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا؛

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى؛ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى» (طه/۱۲۴-۱۲۷)

▪ «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ» (انباء/ ۹)/ «...وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/ ۴۲)

▪ «و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة و لا تنس نصيبك من الدنيا...» (قصص/)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

▪ ضديت با تبذیر (ریخت و پاش):

- «وَاتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَالْأَبْنَاءَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ؛ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء/ ۲۶-۲۷)
- «علي بن إبراهيم عن صالح بن السندي، عن جعفر بن بشير، عن داود الرقي عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إن القصد أمر يحبه الله، وإن السرف أمر يبغضه الله، حتى طرحك النواة، فإنها تصلح لشيء، و حتى صبك فضل شرابك» (الكافي ۲ / ۵۲، الخصال ۱ / ۱۰)
- «عن بشر بن مروان قال: دخلنا على أبي عبد الله (ع)، فدعا برطب فأقبل بعضهم يرمي بالنواة، قال: و أمسك أبو عبد الله (ع) يده، فقال (ع): لا تفعل؛ إن هذا من التبذير، و إن الله لا يحب الفساد»: (تفسير العياشي ۲ / ۲۸۸، المستدرک ۱۵ / ۲۶۸).
- «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا قتيبة بن سعيد ثنا ابن لهيعة عن حيي بن عبد الله عن أبي عبد الرحمن الحبلي عن عبد الله بن عمرو بن العاصي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بسعد، و هو يتوضأ، فقال (ص): ما هذا السرف يا سعد؟! قال: أ في الوضوء سرف؟! قال(ص): نعم و إن كنت على نهر جار» (سنن ابن ماجه، ۱ : ۱۴۷ / ۲۲۵، مسند أحمد ۲ / ۲۲۱؛ احتجاج، ۱ / ۲۵۰)
- «علي بن محمد و غيره، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن حماد بن عيسى، عن حريز عن أبي عبد الله (ع): «إن لله ملكا يكتب سرف الوضوء، كما يكتب عدوانه» (الكافي، ۳ / ۲۲، الوسائل ۱ / ۲۴۰)
- «إذا أراد الله بعبد خيراً ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير و جنبه سوء التدبير و الإسراف» على (ع): (غرر الحكم و درر الكلم : ص ۳۵۳)
- «سبب الفقر الإسراف» (غرر الحكم و درر الكلم : ص ۲۵۹)
- «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رئاب، عن ابن أبي يعفور و يوسف بن عمارة قالا: قال أبو عبد الله (ع): «إن مع الإسراف قلة البركة» (الكافي، ۴ / ۵۵)
- محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن زرارة، عن أبي جعفر (ع) قال: لقي رجل أمير المؤمنين (ع) و تحته وسق من نوى فقال له: ما هذا يا أبا الحسن تحتك؟! فقال (ع): مائة ألف عذق إن شاء الله، قال(ع): فغرسه فلم يغادر منه نواة واحدة» (كافي، ۵ / ۷۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

سیره امیر مومنان(ع)، و حضرت داوود(ع) در حوزه نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:

«علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن علي بن أبي حمزة ، عن أبي بصير ، أبي جعفر عليه السلام قال:

« دخل أمير المؤمنين عليه السلام المسجد فاستقبله شاب يبكي وحوله قوم يسكتونه فقال علي عليه السلام ما أبكاك»

فقال يا أمير المؤمنين إن شريحا قضى علي بقضية ما أدري ما هي إن هؤلاء النفر خرجوا بأبي معهم في السفر فرجعوا و لم يرجع أبي فسألتهم عنه فقالوا مات فسألتهم عن ماله فقالوا ما ترك مالا فقدمتهم إلى شريح فاستحلفهم و قد علمت يا أمير المؤمنين إن أبي خرج و معه مال كثير؛

فقال لهم أمير المؤمنين عليه السلام: ارجعوا فرجعوا و الفتى معهم إلى شريح فقال له أمير المؤمنين عليه السلام:

يا شريح كيف قضيت بين هؤلاء القوم فقال يا أمير المؤمنين ادعى هذا الفتى على هؤلاء النفر أنهم خرجوا في سفر و أبوه معهم فرجعوا و لم يرجع أبوه فسألتهم عنه فقالوا مات فسألتهم عن ماله فقالوا ما خلف مالا فقلت للفتى هل لك بينة على ما تدعي؟؛ فقال: لا فاستحلفتهم؛

فقال أمير المؤمنين عليه السلام: هيهات يا شريح هكذا تحكم في مثل هذا؟ فقال يا أمير المؤمنين: فكيف فقال أمير المؤمنين عليه السلام:

و الله لأحكمن فيهم بحكم ما حكم به قبلي إلا داود النبي عليه السلام:

يا قنبر ادع لي شرطة الخميس فدعاهم فوكل بكل واحد منهم رجلا من الشرطة ثم نظر إلى وجوههم فقال(ع): ما ذا تقولون؟ أتقولون إنني لا أعلم ما صنعتم بأبي هذا الفتى إنني إذا لجاهل ثم قال(ع): فرقوهم و غطوا رؤسهم قال ففرق بينهم و أقيم كل رجل منهم إلى أسطوانة من أساطين المسجد

و رؤسهم مغطاة بثيابهم ثم دعا عبید الله بن أبي رافع كاتبه فقال(ع): هات صحيفة و دواة و جلس أمير المؤمنين (ع) في مجلس القضاء و اجتمع

الناس إليه فقال(ع) لهم: إذا أنا كبرت فكبروا ثم قال(ع) للناس: أفرجوا ثم دعا بواحد منهم فأجلسه بين يديه و كشف عن وجهه ثم قال(ع): لعبيد الله

اكتب إقراره و ما يقول ثم أقبل عليه بالسؤال فقال له أمير المؤمنين (ع): في أي يوم خرجتم من منازلكم و أبو هذا الفتى معكم؟ فقال الرجل في يوم

كذا و كذا قال(ع): في أي شهر؟ قال: في شهر كذا و كذا قال(ع): في أي سنة؟ قال في سنة كذا و كذا؛ قال(ع): و إلى أين بلغتكم من سفركم حين

مات أبو هذا الفتى؟؛ قال: إلى موضع كذا و كذا قال(ع): في منزل من مات؟؛ قال: في منزل فلان بن فلان؛ قال(ع): و ما كان مرضه؟؛ قال: كذا و كذا؛

قال(ع): فكم يوما مرض؟؛ قال: كذا و كذا؛ قال(ع): فمن كان يمرضه؟؛ و في أي يوم مات؟ و من غسله؟ و أين غسله؟ و من كفنه؟ و بم كفنتموه؟ و

من صلى عليه؟ و من نزل قبره؟؛ فلما سأله عن جميع ما يريد كبر أمير المؤمنين عليه السلام و كبر الناس جميعا؛ فارتاب أولئك الباقون و لم يشكوا أن

صاحبهم قد أقر عليهم و على نفسه؛ فأمر أن يغطي رأسه و ينطلق به إلى السجن؛ ثم دعا بأخر فأجلسه بين يديه و كشف عن وجهه ثم قال كلا

زعمتم أنني لا أعلم بما صنعتم؟ فقال يا أمير المؤمنين ما أنا إلا واحد من القوم و لقد كنت كارها لقتله فأقر ثم دعا بواحد بعد واحد كلهم يقر بالقتل و أخذ

المال ثم رد الذي كان أمر به إلى السجن فأقر أيضا فألزمهم المال و الدم؛ ...» (الكافي، ٧ / ٣٧١ ؛ التهذيب، ٦ / ٣١٦ ؛ من لا يحضره الفقيه، ٣ / ٢٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

سیره حضرت داوود(ع) در حوزه بازرسی و نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:

«... فقال شريح يا أمير المؤمنين و كيف كان حكم داود النبي عليه السلام؟

فقال(ع) إن داود النبي عليه السلام مر بغلظة يلعبون و ينادون بعضهم بيا مات الدين؛ فيجيب منهم غلام فدعاهم داود فقال(ع):

يا غلام ما اسمك؟ فقال مات الدين؛ فقال له داود: من سماك بهذا الاسم؟ فقال أمي؛

قال(ع): فانطلق داود إلى أمه فقال(ع) لها: يا أيتها المرأة ما اسم ابنك هذا؟ فقالت: مات الدين؛

فقال لها: و من سماه بهذا الاسم؟ قالت أبوه؛ قال: و كيف كان ذلك؟؛

قالت: إن أباه خرج في سفر له و معه قوم و هذا الصبي حمل في بطني؛ فانصرف القوم و لم ينصرف زوجي فسألتهم عنه فقالوا مات؛

فقلت لهم: فأين ما ترك؟ فقالوا لم يخلف شيئا؛ فقلت: هل أوصاكم بوصية؟

قالوا: نعم زعم أنك حبلى فما ولدت من ولد جارية أو غلام فسميه «مات الدين» فسميته؛

قال داود و تعرفين القوم الذين كانوا خرجوا مع زوجك؟ قالت: نعم قال فأحياء هم أم أموات؟؛ قالت: بل أحياء .

قال فانطلقني بي إليهم ثم مضى معها فاستخرجهم من منازلهم فحكم بينهم بهذا الحكم بعينه و أثبت عليهم المال و الدم؛

ثم قال للمرأة: سمي ابنك هذا عاش الدين ؛ ...» (الكافي، ٧ / ٣٧١ ؛ التهذيب، ٦ / ٢١٦ ؛ من لا يحضره الفقيه، ٣ / ٢٤)

سیره نظارتی و آسیب شناسی سرداران بزرگ انقلاب و حل برخی از معضلات نظام:

«شهید سلیمانی، احمد متوسلیان، و مرحوم عبدالله والی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

سیره حضرت لقمان حکیم در حوزه بازرسی و نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:

▪ «علي بن إبراهيم: أبي؛ عن القاسم بن محمد؛ عن المنقري؛ عن حماد، قال:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن لقمان و حكمته التي ذكرها الله عز وجل؛ فقال(ع):

أما و الله! ما أوتي لقمان الحكمة بحسب و لا مال و لا أهل و لا بسط في جسم و لا جمال؛ و لكنه كان رجلا قويا في أمر الله؛ متورعا في الله، ساكتا، سكيئا، عميق النظر، طويل الفكر، حديد النظر، مستغن بالعبء، ...

و لم يمر برجلين يختصمان أو يقتتلان إلا أصلح بينهما؛ و لم يمض عنهما حتى تحاجزا، و لم يسمع قولا قط من أحد استحسنته إلا سأل عن تفسيره و عن أخذه، و كان يكثر مجالسة الفقهاء و الحكماء؛

و كان يغشى القضاة و الملوك و السلاطين فيرثي للقضاة مما ابتلوا به؛ و يرحم الملوك و السلاطين لغرتهم بالله و طمأنينتهم في ذلك؛

و يعتبر و يتعلم ما يغلب به نفسه؛ و يجاهد به هواه؛ و يحترز به من الشيطان؛ و كان يداوي قلبه بالتفكر؛ و يداري نفسه بالعبء؛

و كان لا يطعن إلا فيما يعنيه؛ فبذلك أوتي الحكمة؛ و منح العصمة؛

و إن الله تبارك و تعالى أمر طوائف من الملائكة حين انتصف النهار و هدأت العيون بالقائلة فنادوا لقمان حيث يسمع و لا يراهم فقالوا :

يا لقمان هل لك أن يجعلك الله خليفة في الأرض؛ تحكم بين الناس؟

فقال لقمان: إن أمرني ربي بذلك فالسمع و الطاعة؛ لأنه إن فعل بي ذلك أعانني عليه و علمني و عصمني؛ و إن هو خيرني قبلت العافية؛

ف قالت الملائكة: يا لقمان لم؟! قال: لان الحكم بين الناس بأشد المنازل من الدين، و أكثر فتنا و بلاء ما يخذل و لا يعان، و يغشاه الظلم من كل مكان، و صاحبه منه بين أمرين: إن أصاب فيه الحق فبالحري أن يسلم؛ و إن أخطأ أخطأ طريق الجنة؛

و من يكن في الدنيا ذليلا و ضعيفا كان أهون عليه في المعاد من أن يكون فيه حكما سريرا شريفا؛ و من اختار الدنيا على الآخرة يخسرهما كليهما؛ تزول هذه و لا تدرك تلك؛ قال (ع): فتعجبت الملائكة من حكمته؛ و استحسنت الرحمن منطقته؛

فلما أمسى و أخذ مضجعه من الليل أنزل الله عليه الحكمة فغشاه بها من قرنه إلى قدمه و هو نائم؛ و غطاه بالحكمة غطاء؛ فاستيقظ و هو أحكم الناس في زمانه، و خرج على الناس ينطق بالحكمة و بينها فيها ...» (تفسير قمى، ٥٠٨-٥٠٩؛ بحار الانوار، ١٢ / ٢٠٩)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

الگوهای رکن حمد:

❖ سیره عجیب حضرت نوح (ع):

▪ «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (اسراء/۳)

▪ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود/۲۰)

▪ «و لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنكبوت/۱۲)

▪ «و هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ؛ قَالَ: سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ» (هود/۲۲-۲۳)

▪ «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم/۱۰)

▪ «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ؛ إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ ... وَ إِنِّ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» (صافات/۷۹-۸۲)

❖ سیره حضرت ابراهیم، اسحاق، و یعقوب (ع):

▪ «وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولٰٓئِیْ وَ الْاَنْبِیَآءِ؛ اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ» (ص/۲۵-۲۶)

❖ صبر جمیل حضرت ابراهیم (ع) و هاجر (ع) در جریان هجرت غریبانه هول انگیز هاجر (ع) به بیابان مکه:

▪ «رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ اَفْنِیْدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي اِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۲۷)

▪ «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْاَمْوَالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ؛

وَ بَشِیْرٍ الصَّابِرِينَ؛ الَّذِیْنَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیْبَةٌ قَالُوا: اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُونَ؛ اُولٰٓئِكَ عَلَیْهِمْ صَلٰوٰتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛

اِنَّ الصَّغَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِ اَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللّٰهَ شَاكِرٌ عَلِیْمٌ» (بقره/۱۵۶-۱۵۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

▪ «و عنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن معاوية بن عمار، قال: سألته عن السعي فقال:

إن إبراهيم (ع) لما خلف هاجر و إسماعيل بمكة عطش إسماعيل فبكى، فخرجت هاجر حتى علت على الصفا و بالوادي أشجار؛ فنادت: "هل بالوادي من أنيس؟" فلم يجبها أحد، فانحدرت حتى علت على المروة؛ فنادت: "هل بالوادي من أنيس؟" فلم تزل تفعل ذلك حتى فعلته سبع مرات،

فلما كانت السابعة هبط عليها جبرئيل (ع) فقال لها: أيتها المرأة من أنت؟؛ قالت: أنا هاجر أم ولد إبراهيم، قال لها: و إلى من خلفك؟؛ قالت: أما إذا قلت ذلك لقد قلت له: يا إبراهيم إلى من تخلفني ههنا؟؛ فقال: إلى الله عز وجل أخلفك، فقال لها جبرئيل (ع): نعم ما خلفك إليه؛ و لقد وكلك إلى كاف فارجعي إلى ولدك، فرجعت إلى البيت و قد انبعث زمزم و الماء ظاهر يجرى...» (المحاسن، احمد بن محمد برفى، ٢ / ٢٣٨)

❖ صبر جميل حضرت ابراهيم و اسماعيل (ع) در جریان ذبح:

▪ «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ؛ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ؛ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ: يَا بَنِيَّ إِنِّي آرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى؟

قَالَ: يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ؛ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ؛ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ؛ وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات/ ١٠٠-١٠٧)

▪ «روي أن إبراهيم قال لإسماعيل عليهما السلام في حال الذبح: ادع أنت بالفرج؛ لأنك أنت المضطر «امن يجب المضطر إذا دعاه»؛

فلما رأى الكباش خرج ليأخذه؛ فلما رجع رأى يدي إسماعيل مطلقتين قال: و من أطلقك؟

قال: رجل من صفته كذا؛ قال: هو جبرئيل؛ و هل قال لك؟ قال: نعم؛ قال لي: ادع الله فدعوتك الآن مستجابة؛ قال إبراهيم: و أي شئ دعوت؟

قال: قلت: اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات؛ قال: يا بني انك لموفق» (القطب الراوندي في لب اللباب، مستدرک الوسائل، ٥ / ٢٢٧)

❖ صبر جميل در سيره عجيب حضرت يعقوب (ع) در مديريت بحران خانوادگی:

▪ «وَ جَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (يوسف/ ١٨)

▪ «... قَارِجِعُوا إِلَيَّ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَ مَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَ مَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ؛ وَ اسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَ الْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ؛ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ؛ قَالُوا: تَاللَّهِ تَفَاتًا تَذَكَّرَ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَصًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛

قَالَ: إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ...» (يوسف/ ٨١-٨٦)

«وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ: إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ؛ قَالُوا: تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (يوسف/ ٩٤-٩٥)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره داوود (ع) و سلیمان (ع):

▪ «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/۱۵)

▪ «اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۱۷) / «وَ وَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۳۰)

▪ «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَ قَالَ: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ ادْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل/۱۹)

▪ «و لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ؛ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص/۳۴-۳۵)

❖ سیره عجیب حضرت ایوب (ع):

▪ «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ ... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۴۱-۴۲)

❖ سیره عجیب شهیدی از انبیاء بنی اسرائیل (ع):

▪ «و حدثني أبي رحمه الله، عن سعد بن عبد الله، عنهما جميعا، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن سماعة بن مهران،

عن أبي عبد الله (ع)، قال: انه كان لله رسولا نبيا تسلط عليه قومه فقشروا جلدة وجهه و فروة رأسه،

فأتاه رسول من رب العالمين فقال له: ربك يقرؤك السلام و يقول: قد رأيت ما صنع بك و قد امرني بطاعتك فمرني بما شئت،

فقال: يكون لي بالحسين أسوة» (كامل الزيارات، بن قولويه، ۱۲۸)

▪ «حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جده علي بن مهزيار، عن محمد بن سنان، عن ذكره، عن أبي عبد الله (ع)، قال:

ان إسماعيل الذي قال الله تعالى في كتابه: «و اذكر في الكتاب إسماعيل انه كان صادق الوعد»، اخذ فسلخت فروة وجهه و رأسه، فأتاه ملك فقال:

ان الله بعثني إليك فمرني بما شئت، فقال: لي أسوة بالحسين ابن علي (ع)» (كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، ۱۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره عجیب حضرت زکریا و یحیی بن زکریا(ع):

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهيعص؛ ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا» (مریم/۱-۲)

▪ حدثنا محمد بن علي بن محمد بن حاتم النوفلي المعروف بالكرماني قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن عيسى الوشاء البغدادي قال: حدثنا أحمد بن طاهر القمي قال: حدثنا محمد بن بحر بن سهل الشيباني قال: حدثنا أحمد بن مسرور، عن سعد بن عبد الله القمي قال:...

قلت : فأخبرني يا ابن رسول الله عن تأويل «كهيعص» ؟!

قال(ع): هذه الحروف من أبناء الغيب، أطلع الله عليها عبده زكريا ، ثم قصها على محمد صلى الله عليه وآله؛

و ذلك أن زكريا سأل ربه أن يعلمه أسماء الخمسة فأهبط عليه جبرئيل فعلمه إياها ،

فكان زكريا إذا ذكر محمدا و عليا و فاطمة و الحسن سري عنه همه، و انجلى كربه، و إذا ذكر الحسين خنفته العبرة، و وقعت عليه البهرة!؛

فقال ذات يوم : يا إلهي ما بالي إذا ذكرت أربعا منهم تسليت بأسمائهم من همومي ، و إذا ذكرت الحسين تدمع عيني و ثور زفرتي ؟!

فأنبأه الله تعالى عن قصته، و قال:

" كهيعص " : "الكاف" اسم كربلاء . و "الهاء" هلاك العترة . و "الياء" يزيد ، و هو ظالم الحسين عليه السلام . و "العين" عطشه . و "الصاد" صيره .

فلما سمع ذلك زكريا لم يفارق مسجده ثلاثة أيام و منع فيها الناس من الدخول عليه ، و أقبل على البكاء و النحيب و كانت نديته:

«إلهي أتفجع خير خلقك بولده إلهي أنتزل بلوى هذه الرزية بفنائها،

إلهي أتلبيس عليا و فاطمة ثياب هذه المصيبة، إلهي أتحل كربة هذه الفجيعة بساحتها؟!»

ثم كان يقول : «اللهم ارزقني ولدا تقر به عيني على الكبر، و أجعله وارثا وصيا، و اجعل محله مني محل الحسين؛

فإذا رزقتنيه فافتني بحبه؛ ثم فجعني به كما تفجع محمدا حبيبك بولده؛ فرزقه الله يحيى و فجعه به .

و كان حمل يحيى ستة أشهر و حمل الحسين عليه السلام كذلك» (كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، ٢٤١)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

الگوی تلازم حمد با صلابت ایمان، در سیره شهدا و مومنان به ادیان الهی:

❖ صلابت رزمندگان عاشق مجاهد در رکاب انبیاء:

▪ «و كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛

فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۲۶-۱۲۸)

❖ صلابت ایمان در سیره سحره:

▪ «قَالَ: أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّتْكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا: لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۴۹-۵۱)

▪ «فَأُلْقِيَ السِّحْرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى؛ قَالَ: أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ

أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّتْكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَ أَبْقَى؛ قَالُوا: لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا

أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه/ ۷۰-۷۲)

❖ سلامت نفس و صلابت ایمان در سیره آسیه:

▪ «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ؛

وَ قَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قُرَّةُ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ لَا تَقْلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص/ ۸-۹)

▪ «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بِنْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

(تحریم/ ۱۱)

▪ ابن إدريس ، عن أبيه ، عن محمد بن أحمد ، عن أبي عبد الله الرازي ، عن ابن أبي عثمان ، عن موسى بن بكر ، عن أبي الحسن الأول (ع)؛ قال:

قال رسول الله (ص): إن الله عز وجل اختار من النساء أربعا: مريم ، و آسیه ، و خديجة ، و فاطمة» (خصال صدوق ،)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ صلابت ایمان در سیره مومن ال فرعون:

▪ «و يَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَ تَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ؛ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَفَّارِ؛

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَا فِي الْآخِرَةِ وَ أَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (مومن / ۴۱-۴۵)

▪ «عنه، عن أبيه، عن علي بن النعمان، عن أيوب بن الحر، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تعالى: "فوقاه الله سيئات ما مكروا" قال (ع):

أما لقد سطوا عليه و قتلوه ، و لكن أتدرون ما وقاه؟؛ وقاه أن يفتنوه في دينه» (المحاسن، برقي، ۱ / ۲۱۹)

▪ قال أبو عبد الله (ع): و الله لقد قطعوه إربا إربا و لكن وقاه الله ان يفتنوه في دينه» (تفسير قمی، ۲ / ۲۵۸)

❖ صلابت ایمان در سیره مومن آل یس:

▪ «و جَاءَ مِنْ أَفْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ؛ وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ إِلَيْهِ

تَرْجِعُونَ؛ ... إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ؛

قِيلَ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ: يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ؛ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (يس / ۲۰-۲۷)

▪ «و أخبرني أبو طاهر عبد الله بن أحمد الخازن، قال: ... حدثني سيدي علي بن موسى الرضا (ع) قال: حدثني أبي موسى بن جعفر، قال: حدثني

أبي جعفر بن محمد، قال: حدثني أبي محمد بن علي، قال: حدثني أبي علي بن الحسين، قال: حدثني أبي الحسين، قال: حدثني أخي الحسن،

قال: حدثني أبي علي بن أبي طالب (ع) قال: قال لي رسول الله (ص) :

لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم الحق؛ و ذلك حين يأذن الله (عز و جل) له؛ فمن تبعه نجا؛ و من تخلف عنه هلك؛

الله، الله، عباد الله، فأتوه و لو حبوا على الثلج، فإنه خليفة الله (عز و جل) و خليفتي» (دلائل الامامه، طبري، ۴۵۲؛ عيون أخبار الرضا (ع)، ۲ / ۵۹ و ۲۳۰)

▪ «علي بن أحمد ، عن عبد الله بن موسى ، عن الحسن بن معاوية عن ابن محبوب ، عن خلاد بن قصار قال :

سئل أبو عبد الله عليه السلام هل ولد القائم ؟ قال : لا و لو أدركته لخدمته أيام حياتي» (الغيبة للنعماني، بحار الانوار، ۵۱ / ۱۴۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ صلابت ایمان در سیره اصحاب كهف:

▪ «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا؛ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا:

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا؛ ...

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاَهُمْ هُدًى ؛

و رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا؛

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؛

وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا» (كهف/ ١٠-١٦)

❖ صلابت ایمان در سیره شهدای اخذود:

▪ «قِيلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ؛ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ؛ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا فُعُودٌ؛ وَ هُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ؛

وَ مَا نَعْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بروج/ ٢-٩)

▪ «عن جابر ، عن أبي جعفر عليه السلام عن امير المومنين(ع): ... ان الله بعث رجلا حبشيا نبيا و هم حبشية فكذبوه فقاتلهم فقتلوا أصحابه و أسروه و أسروا أصحابه؛ ثم بنوا له حيرا (جسرا) ثم ملأوه نارا ثم جمعوا الناس فقالوا:

من كان على ديننا و أمرنا فليعتزل، و من كان على دين هؤلاء فليرم نفسه في النار معه؛ فجعل أصحابه يتهافتون في النار، فجاءت امرأة معها صبي لها ابن شهر فلما هجمت هابت و رقت على ابنها فنادىها الصبي، لا تهابى و ارمينى و نفسك في النار، فان هذا و الله في الله قليل،

فرمت بنفسها في النار و صبيها و كان ممن تكلم في المهدي؛

عن ميثم التمار قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام و ذكر أصحاب الأخدود فقال(ع): كانوا عشرة، و على مثالهم عشرة يقتلون في هذا السوق»؛ (تفسير عياشى، و نورالثقلين، حویزی، ٥ / ٥٢٧؛ بحار الانوار، ١٢ / ٢٢٢؛ تفسير السيوطي ٦ / ٣٢٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

شهادای ولایت:

❖ میثم تمار شهید اهل یقین، و محرم سر ولایت، شهادت به دست ابن زیاد (۲۲ ذی الحجه ۶۰ هجری):

▪ عن میثم التمار قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام و ذكر أصحاب الأخدود فقال(ع):

كانوا عشرة، و على مثالهم عشرة يقتلون في هذا السوق»؛ علی (ع): (تفسیر عیاشی، و نورالثقلین، حویزی، ۵ / ۵۲۷؛ بحار الانوار، ۱۴ / ۴۲۴؛ تفسیر السیوطی ۶ / ۲۳۲؛ بحار الانوار، ۲۰ / ۲۸۳)

▪ خبر نحوه شهادت : (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۹۲؛ شیخ مفید، ارشاد، ۱ / ۳۲۴)

▪ خبرشهادت به ام سلمه: (شرح ابن ابی الحدید، ۲ / ۲۹۲؛ اعیان الشیعه، ۱۰ / ۱۹۸)

▪ شهادت خونین : (شرح ابن ابی الحدید، ۲ / ۲۹۳؛ بحار الانوار، ۲۲ / ۱۲۴)

❖ اویس قرنی، محبوب نبوت و ولایت، عارف بالله و شهید راه ولایت (جتگ صفین):

❖ رُشید هَجَری، محرم اسرار ولایت و باب الحسین(ع)، شهادت به دست ابن زیاد:

▪ امام کاظم(ع): «يَا إِسْحَاقُ قَدْ كَانَ رُشَيْدُ الْهَجْرِيِّ يُعَلِّمُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَ الْبَلَاءِ»: (بحار الانوار، ۲۲ / ۱۲۳، و ۲۸ / ۵۴)

▪ امام علی (ع) او را رشید البلیا نامید. (اعیان الشیعه، ۷ / ۷؛ امالی شیخ طوسی، ۱۶۵؛ سفینه البحار، ۱ / ۲۰۵؛ نفس المهموم، ۶۰)

▪ عبدالله بن زیاد، قاتل رشید هجری: (خویی، معجم الرجال الحدیث، ۷ / ۱۹۱)

▪ طبق نقل شیخ مفید، ابن زیاد دستور داد دست، پا و زبان رشید را قطع کردند و سپس او را به دار آویختند. (مفید، الإرشاد، ۱ / ۳۲۵)

❖ قنبر، محرم اسرار ولایت (ع)، شهادت به دست حجاج ثقفی:

▪ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۱ / ۳۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۱ / ۳۵۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمات سی دومین نشست نجما:

(۱) «ضرورت بررسی تفصیلی سیره مدیریتی حضرت لقمان و سلمان»:

❖ «مشاور اعظم رهبری معصوم(ع)

❖ نماینده تام الاختیار در:

«بررسی مستمر میدانی حسن جریان وظائف عمومی مدیریت در سلسله مراتب مدیریت در نظام اسلامی»
و «بازخورددهی مناسب و به موقع به عملکردها».

(۲) تکمله ای در معنی گزاره «افضلیت علمای اسلام نسبت به انبیاء بنی اسرائیل»:

«ان العلماء کسائر انبیاء قبلي»

«ان العلماء کسائر انبیاء بني إسرائيل»

«علماء أمتي أفضل من أنبياء بني إسرائيل» (ص) : (بحار، ۲ / ۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

(۳) تاملی قرآن محورانه در حادثه گشت ارشاد:

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا؛ و اذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا...؛

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون؛

و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم» (آل عمران/۱۰۲-۱۰۵)

❖ مراتب الزامات دینی و مدیریت جهادی:

➤ «الزامات مسلمین»: الزامات فقهی حقوقی: الزامات طیف «مقید به احکام»، «مرض القلب» و «منافق»

➤ «الزامات اهل ایمان»: الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی

➤ «الزامات اهل یقین»: الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی + الزامات عرفانی.

«...عن جابر قال : قال لي : أبو عبد الله عليه السلام : يا أبا جعفر!:

إن الإيمان أفضل من الإسلام ، و إن اليقين أفضل من الإيمان و ما من شيء أعز من اليقين» (اصول کافی، کلینی،)، صدوق () .

❖ مراحل فرهنگ سازی حسن تحقق ارزشهای دینی:

«تلاوت» (تبیین ارزشها و ارائه الگو) / «تزکیه» (مدیریت تحول اعتقادی و اخلاقی) / «تعلیم کتاب و حکمت» / «تزکیه

موهبتی»

❖ راهبردهای تحقق ارزشهای دینی:

«فوریت در اجرا» / «تدریج در اجرا» / «تاخیر در اجرا»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مراحل نظارت بر حسن تحقق ارزشها در هر مرتبه از الزامات دینی:

«دعوت به خیر» / «امر به معروف» / «نهی از منکر»

❖ دسته جات مسلمین و مراحل نظارت بر حسن تحقق ارزشها:

➤ مسلمان جاهل غافل:

➤ مسلمان عالم عامد (مسئول): «مقید به احکام، مریض القلب، منافق»

❖ خلأ قیمت گذاری ارزشها در تفکر دینی:

«مثلث اوجب واجبات»: «حفظ ناموس و خانواده» / «حفظ دین» / «حفظ نظام»

➤ قدر و قیمت حفظ ناموس و خانواده و حساسیتهای ناموسی:

▪ «من تزوج فقد احرز نصف دینه؛ فلیتیق الله فی النصف الباقی» (ص)

▪ «الذ الاشیاء فی الدنیا و الآخرة النکاح...» امام صادق(ع) / «اکثر اهل النار العزاب»

▪ «و لا تَعْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ ... وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ لَا تَعْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...» (انعام/ ۱۵۱)

▪ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ - عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْآخِرَى الْمُعَاهِدَةَ - فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَانِدَهَا وَ رُعْثَهَا - مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ - ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافِرِينَ - مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ -

فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا - مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» امیر مومنان(ع): (نهج/ خ ۲۷)

▪ «یا أهل العراق، نبئت أن نساءكم يخرجن إلى الأسواق و يزاحمن العلوج و يدافعن الرجال في الطريق؛

أما تستحون الا تغارون؟!» (مستدرک، ۱۷۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ قدر و قیمت حفظ دین: «اهتمام به «اقامه نماز و زکوة» و «نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر)»:

▪ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ؛ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/ ۴۱)

▪ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ...» (مومنون/ ۱-۴)

▪ «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؛ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» (مدثر/ ۲۲- ۲۴)

▪ «الصلوة عمود الدين»

▪ «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فريضة تقام بها الفرائض» امام باقر(ع)

▪ «و ما اعمال البر كلها و الجهاد فى سبيل الله الى الامر بالمعروف و النهی عن المنکر كنفثة فى بحر لحي!» امير مومنان(ع): (نهج/)

➤ قدر و قیمت حفظ وحدت و حرمت نظام و رهبری:

▪ «وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّيْطَامِ مِنَ الْخَرَزِ - يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ - فَإِنْ انْقَطَعَ النَّيْطَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَذَهَبَ - ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا..» (نهج، خ ۱۲۶)

▪ «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ - وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ - فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ - كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ؛

- أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَاقْتُلُوهُ؛ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ!» (نهج/ خ ۱۲۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ فرایند برخورد با چالشهای امنیتی، اقتصادی و ناموسی:

➤ فوریت برخورد قاطع و شدید با محاربان نظام اسلامی (تبهکاران سردمدار و حریم شکنان)،

خصوصاً در موارد ناموسی:

▪ «... و الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» (بقره/۱۹۱) / «... و الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ...» (بقره/۲۱۷)

▪ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛

ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/۲۳-۲۴)

▪ «فَإِذَا تَتَفَعَّطْتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكَّرُونَ» (انفال/ ۵۷)

▪ «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ

اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/۱-۲)

▪ «لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/۶۰-۶۲)

➤ فوریت اقدامات ایجابی جلوگیری شکل گیری چالشهای امنیتی، اقتصادی و بویژه چالشهای ناموسی:

✓ فوریت بسیج فرهنگی ازدواج:

«آموزش و مشاوره» (قبل، حین و بعد از ازدواج)، و «همسر یابی»

✓ آغاز بسیج اقتصادی ازدواج:

«تامین مسکن، تامین حد اقل وسائل زندگی، تامین حد اقل در آمد ماهیانه»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه سی و سومین نشست نجما:

❖ تاملی در آسیب شناسی مدیریت منابع انسانی، شاخه جذب و گزینش:

به مناسبت «حوادث ۷ تیر، ۸ شهریور، و مدیریت ایام اربعین»

➤ میزان ارزش شایسته سالاری در اسلام:

❖ جذب و گزینش در تاریخ انبیاء و صدر اسلام:

➤ «جذب و گزینش اول خلقت: دوره آدم (ع)»

➤ «جذب و گزینش دوره انبیاء (ع)»

➤ «جذب و گزینش دوره پیامبر(ص)»

➤ «جذب و گزینش دوره خلفاء»

➤ «جذب و گزینش دوره امیر مومنان(ع)»

❖ جذب و گزینش در انقلاب اسلامی و ضرورت حرکت جهادی و مدیریت جهادی:

➤ «جذب و گزینش منجر به حوادث ۷ تیر و ۸ شهریور و ...»

➤ «جذب و گزینش ها در سلسله مراتب مدیریت اسلامی و کارکنان، از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون»

➤ «جذب و گزینش در مدیریت مراسم اربعین و ضرورت ویژه حرکت و مدیریت جهادی»

❖ جذب و گزینش مهدوی (ع) در دوره غیبت، و دوره ظهور:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مولفه های اساسی حرکت جهادی:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (ضافات/۱۷۱-۱۷۳)

➤ مدیریت جهادی

➤ منابع انسانی جهادی:

«سهل ، عن بكر بن صالح رفعه ، عن أبي عبد الله (ع) قال: الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة ...» (کافی، ۸ / ۱۷۷)

❖ شاخصه های مدیر جهادی:

➤ عقلانیت الهی:

○ «عقلانیت ارزشی»:

«عقلانیت معرفتی / عقلانیت گرایشی / عقلانیت رفتاری»

○ «عقلانیت حرفه ای»

«عقلانیت تخصصی / عقلانیت تجربی / عقلانیت تدبیری»

➤ سلامت خانوادگی:

○ «پاک نهادی / تاهل سالم»؛

○ «رعایت حقوق والدین / رعایت حقوق همسر و فرزندان»؛

○ «حفظ حریم ناموسی خانواده / قدرت تدبیر خانواده»؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ شاخصه های مدیریت جهادی:

➤ مدیریت قربه الی الله:

▪ «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (یس / ۲۱)

➤ مدیریت نور علی نور:

«تدبیر و عقلانیت تحت الشعاع و سیطره وحی الهی»

▪ «نور علی نور...» (نور/)

➤ مدیریت قرآن محور:

▪ «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَ يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَ إِنِ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ؛ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ، إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف/ ۱۶۹- ۱۷۰)

➤ مدیریت خانواده محور:

➤ مدیریت ولای الهی (نماینده سرپرستی خدا):

«سرپرستی توام با عشق و محبت»:

استعاره ها: «سرپرستی عیال الله / رابطه مرغ با جوجه ها / رابطه پدری و فرزندی معنوی / طبابت حاذقانه و مشفقانه»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مدیریت ستادی-صف حاضر و ناظر در صحنه:

▪ «و لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا... وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ...» (اعراف/۱۵۰)

- «حدثنا محمد بن علي المروزي ثنا إسحاق بن عبد الله الخشك ثنا حفص بن عبد الرحمن ثنا محمد بن إسحاق عن حكيم بن حكيم بن عباد بن حنيف عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: **ليس الخبر كالمعاين**» (المعجم الوسيط طبرانی، ۷ / ۱۰۲)
- حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا سريج بن النعمان ثنا هشيم عن أبي بشر عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **ليس الخبر كالمعاينة** إن الله عز وجل أخبر موسى بما صنع قومه في العجل فلم يلق الألواح فلما عين ما صنعوا ألقى الألواح (فانكسرت)» (مسند احمد، ۱ / ۲۷۱؛ مسندرك حاكم نيشابوري، ۲ / ۲۲۱)

➤ مدیریت نفس لوامه آخرت گرا:

▪ «لَا؛ أَفْسِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَ لَا؛ أَفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» (قيامت/۱-۲)

- «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، رفعه إلى أبي عبد الله (ع) قال: **أحب إخواني إلي من أهدي إلي عيوبي**» . (كافي، كليني، ۲ / ۶۳۹)
- «حمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن ابن أبي نجران، (عن محمد بن الصلت، عن أبان، عن أبي العديس) قال: قال أبو جعفر (ع): **يا صالح اتبع من يبكيك و هو لك ناصح، و لا تتبع من يضحكك و هو لك غاش،**

و ستردون على الله جميعا فتعلمون» (وسائل الشيعة، ۱۲ / ۲۴)

▪ دعای ۱۶ صحیفه سجادیه: عذر خواهی به درگاه الهی از گناهان و خطاها

➤ مدیریت ضابطه مدار آخزت گرا:

▪ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ؛

➤ مدیریت بهره مند از روح مؤید:

▪ **أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ؛ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** (مجادله / ۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه سی و پنجمین نشست نجما:

❖ برکات و تبعات دنیوی و اخروی جذب و گزینش مدیریت رحمانی و غیر رحمانی:

▪ «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا؛ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا» (نساء / ۸۵)

▪ «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء / ۸۶)

▪ «وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ؛ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه / ۲۸)

❖ بررسی قرآن محورانه ریشه یابی حوادث اهانت ناموسی برخی از معترضین و اغتشاشگران،

بویژه در فضای مراکز آموزش عالی:

➤ ریشه های داخلی اهانت ناموسی غیر واقع:

✓ وجود حدود ۱۵ میلیون دختر و پسر، و زن و مرد مجرد در سن ازدواج:

▪ اکثریت در معرض خطر یاس از تامین نیاز جنسی راه حلال/اقلیت مایوس از تامین نیاز جنسی از راه حلال

▪ مجرد بودن اکثریت معترضین و اغتشاش گران (حدود ۹۰ الی ۹۵٪)، خصوصا قشر دانشگاهی آنان

✓ صدمه ناموسی اهانت کنندگان:

▪ اقلیت تبهکار فرورفته در فساد ناموسی و غیره (سران ارادل و اوباش، منافقین، جاسوسان؛ مزدوران بیگانه)

▪ اکثریت معترض و اغتشاش گر آلت دست محروم از تامین نیاز جنسی از راه حلال

✓ برخی از عوامل عدم پاسخ حلال به نیازهای جنسی اکثریت اهانت کنندگان و دیگران:

▪ فقدان بینش صحیح اسلامی به نظام خانواده و الزامات آن، و درجه اولویت آن در میان ارزش های دینی

▪ فقدان اهتمام لازم در نخبگان حوزوی دانشگاهی و سلسله مراتب مدیریت در جهت حل معضلات ناموسی و خانوادگی

▪ گسترش سبک زندگی جاهلی مدرن پر هزینه در سطح زندگی بخشی از سلسله مراتب مدیریت، نخبگان و عموم جامعه

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ تاریخچه پر غصه راهکارهای ناقص و ناکار آمد در حل بحران ناموسی جامعه در دولتهای بعد از دفاع مقدس:
✓ دولت ۵ و ۶ (۶۸-۷۶):

«طرح ازدواج موقت برای همه مجردان (با حذف اذن پدر، برای دختران بکر) و مقاومت شدید جامعه و حوزه های علمیه»
✓ دولت ۷ و ۸ (۷۶-۸۴): (پیروان جدایی دین از جامعه):

«شعار پذیرش درصدی از صدمه ناموسی/ از ضرورتهای توسعه جامعه، طرح خانه عفاف/ آغاز دیرهنگام فعالیت شورای ازدواج»
✓ دولت ۹ و ۱۰ (۸۴-۹۲):

«تصویب قانون تسهیل ازدواج/ طرح مجدد ازدواج موقت برای عموم مجردان (بدون توجه به اذن پدر)/ اجرای طرح مسکن مهر»
✓ دولت ۱۱ و ۱۲ (۱۳۹۲-۱۴۰۰): (پیروان جدایی دین از جامعه):

«رهاکردن حل مسئله و ایجاد موانع برای رفع بحران/ تعطیل ساخت مسکن و تمسخر مسکن مهر! /...»
✓ دولت ۱۳:

«تصویب قانون جوانی جمعیت و خانواده، پیگیری آن/ طرح مسکن ملی/ و ...»

➤ **سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری، مرتبط با حل بحران ناموسی:**

سیاستهای کلی برنامه سوم تا هفتم توسعه (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱) / سیاستهای کلی اداری (۸۹/۱/۳۱) / سیاستهای کلی امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا) (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی نظام در امور مسکن (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ جهاد و ایثار و ساماندهی امور ایثارگران (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی اشتغال (۹۰/۴/۲۸) / سیاستهای کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ملی (۹۱/۱۱/۲۴) / سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور (۹۲/۲/۱۰) / سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (۹۲/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی سلامت (۹۲/۱/۱۸) / سیاستهای کلی جمعیت (۹۲/۳/۲۰) / سیاستهای کلی خانواده (۹۵/۶/۱۳) / ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مقدمه نشست سی و ششم نجما:

❖ گردنه های راه خدا و الزامات جهادی عبور از آن:

«فَلَا افْتَحِمِ الْعَقَبَةَ؛ وَ مَا اَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ؟؛ فَكُ رَقَبَةً اَوْ اِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ؛ يَتِيْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ، اَوْ مِسْكِيْنًا ذَا مَثْرَبَةٍ؛ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ؛ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» (بلد/۱۲-۱۸)

➤ سرعت

➤ جرات و خطر پذیری و شجاعت

➤ صبر و استقامت

❖ ضرورت درک مشترک دینی نخبگان و مدیران از بحران ناموسی جامعه و راهکار علاج آن:

➤ بحرانی بودن اسیب ناموسی خزنده رو به گسرنش:

➤ ضدمه ناموسی، نوعی خودکشی و آدم کشی:

➤ حفظ ناموس و تشکیل خانواده، نصف اول دین جامعه

➤ دشوارترین گردنه راه خدا: (جهاد اکبر و کبیر):

«تکلیف وجوبی بسیج همگانی برای حفظ ناموس و تشکیل خانواده»

➤ عاقبت به شومی اهل دین در صورت تعلل و سر پیچی از تکلیف بسیج ازدواج:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نزول انفجاری پر طنین سوره نور از عالم ملکوت و راه کارهای قرآنی در حل بحران ناموسی:

«سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور/۱)

❖ محورهای اساسی سوره نور:

➤ برخورد سخت با مرتکبین فحشاء / تهمت زندگان ناموسی / شایعه پراکنان و مروجین فحشاء

➤ مقررات حریم روابط در روابط خانوادگی و اجتماعی

➤ آداب برخورد زن و مرد و فرمان حجاب عمومی

➤ فرمان بسیج ازدواج

➤ «الله»، «نور هستی، نور اسمانها و زمین»

➤ مساجد، کانون تلاقی نور وحی و عقل / و بسیجیان مسلح به این نور

➤ نظام خلافت الهی امام زمان (ع) و خصائص آن

➤ احکام تکمیلی روابط خانوادگی و اجتماعی

➤ تکلیف حضور در صحنه، در شرائط فراخوان عمومی رهبری نظام اسلامی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ كانون محوری و قلب سوره نور:

➤ فرمان بسیج ازدواج:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ؛ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

وَلَيْسَتَعْفَى الَّذِينَ لَا يَحْدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِياتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (نور/۳۲-۳۴)

✓ برکات ویژه ازدواج در رشد شخصیت انسانی الهی:

▪ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)

▪ «قال عليه السلام: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

زوجوا أياماكم؛ فإن الله يحسن لهم في أخلاقهم؛ و يوسع لهم في أرزاقهم؛ و يزيدهم في مرواتهم» (النوادر، راوندى، ۱۷۸)

▪ «الجعفریات: أخبرنا عبد الله، أخبرنا محمد، حدثني موسى قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين ، عن أبيه، عن علي (ع)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

تزوجوا أياماكم، فإن الله تعالى يحسن لهم في أخلاقهم، و يوسع لهم في أرزاقهم، و يزيدهم في مرواتهم» (مستدرک الوسائل، ۱۴ / ۲۰۳)

▪ عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال (عن ابن القداح - كا) قال قال أبو عبد الله عليه السلام:

▪ ركعتان يصليهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصليهما الأعراب» (كافي، ۵ / ۲۲۸؛ تهذيب، ۷ / ۲۳۹)

▪ «قال علي بن الحسين سيد العابدين عليه السلام:

من تزوج لله عز وجل و لصلة الرحم توجه الله تعالى بتاج الملك و الكرامة» .(من لا يحضره الفقيه، ۳ / ۲۴۳؛ جامع احاديث الشيعة، ۲۰ / ۵۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ استجابت دعا هتگام ازدواج و تشکیل خانواده:

▪ «قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يفتح أبواب السماء بالرحمة في أربع مواضع:

عند نزول المطر، و عند نظر الولد في وجه الوالدين، و عند فتح باب الكعبة ، و عند النكاح» (جامع الاخبار، ١٠١؛ جامع احاديث الشيعة، ٢٠ / ١١)

✓ ازدواج، از عوامل وسعت اقتصادی!:

▪ «عدة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبي عبد الله الجاموراني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن المؤمن عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الحديث الذي يرويه الناس حق أن رجلا أتى النبي صلى الله عليه و آله فشكا إليه الحاجة فأمره بالتزويج ففعل ثم أتاه فشكا إليه الحاجة فأمره بالتزويج حتى أمره ثلاث مرات؟»

فقال أبو عبد الله عليه السلام: (نعم) هو حق؛ ثم قال: الرزق مع النساء و العيال» (كافي، ٥ / ٣٣٠، جامع احاديث، ٢٠ / ١٣)

✓ همسر صالح، از مصادیق خیر دنیا و آخرت:

▪ عن رسول الله صلى الله عليه و آله: ... و أوحى إلى موسى عليه السلام أني أعطيت فلانا خير الدنيا و الآخرة و هي امرأة صالحة» (القطب الراوندي في لب اللباب: مستدرک الوسائل، ١٤ / ١٦٩؛ جامع احاديث الشيعة، ٢٠ / ٥٢)

✓ ترس از تشکیل خانواده، نشانه سوء ظن به خدا!:

▪ «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن حريز عن وليد بن صبيح؛ و عدة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله عن الجاموراني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن محمد بن يوسف التميمي عن محمد بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال (ع):

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء بالله عز وجل الظن؛ ان الله عز وجل يقول: «إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله» (كافي، ٥ / ٣٣٠)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

✓ لعنت خدا و ملائکه بر ازدواج ستیزان!:

▪ «عن أبي أمانة عن النبي صلى الله عليه و آله قال :

أربع لعنهم الله تعالى من فوق عرشه و أمنت عليه ملائكته : الذي يحصر نفسه فلا يتزوج و لا يتسرى لئلا يولد له...» (مجمع البيان، ۷ / ۱۴۰

✓ پاداش عظیم وساطت در ازدواج:

▪ «علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام:

أفضل الشفاعات أن تشفع بين اثنين في نكاح حتى يجمع الله بينهما». (كافي، ۵ / ۳۳۱؛ تهذيب الاحكام، ۷ / ۴۰۵)

▪ «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عثمان بن عيسى عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

من زوج أعزبا كان ممن ينظر الله عز وجل اليه يوم القيامة». (كافي، ۵ / ۳۳۱؛ تهذيب الاحكام، ۷ / ۴۰۵)

✓ شرائط اساسی ۵ گانه ازدواج:

«عقل»، «اخلاق»، «دين»، «غيرت كار(برای مردان)، صبر بر مشكلات اقتصادي(برای زنان)»، و «كفويت جنسي»

▪ «و قالوا: لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملك / ۱۰)

▪ عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن أبي عبد الله ، عن إبراهيم بن محمد الهمداني قال :

كتبت إلى أبي جعفر (عليه السلام) في التزويج ، فأثناني كتابه بخطه قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه؛ « إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (كافي، ۵ / ۳۴۷)

▪ «و عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد ، عن الحسين بن بشار الواسطي قال : كتبت إلى أبي جعفر (عليه السلام) أسأله عن النكاح ؟

فكتب إلي : من خطب إليكم فرضيتم دينه و أمانته فزوجوه، إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (كافي، ۵ / ۳۴۷).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «عن محمد بن الوليد، عن الحسين بن يسار (بشار)، قال: كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام في رجل خطب إلي، فكتب عليه السلام:

من خطب إليكم فرضيتم دينه و أمانته كائنا من كان فزوجوه، إلا تفعلوا تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (من لا يحضره الفقيه، ٢ / ٣٩٣).

▪ «علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن عمرو بن عثمان، عن مفضل بن صالح، عن سعد بن طريف، عن الأصبع بن نباته، عن علي عليه السلام قال: هبط جبرئيل على آدم عليه السلام فقال: يا آدم إني أمرت أن أخيرك واحدة من ثلاث فاخترها و دع اثنتين؛

فقال له آدم: يا جبرئيل و ما الثلاث؟ فقال: العقل و الحياء و الدين، فقال آدم (ع): إني قد اخترت العقل؛

فقال جبرئيل للحياء و الدين: انصرفا و ودعاه؛ فقالا: يا جبرئيل إنا أمرنا أن نكون مع العقل حيث كان! قال: فشأنكما و عرج» (كافي، ١ / ١١)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ «الله»، «نور هستی، نور آسمانها و زمین»:

«الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور/۳۵)

➤ «مساجد، کانون نور عقل در پرتو نور وحی» و «پایگاه شبانه روزی بسیجیان مسلح به این نور الهی»:

«مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ؛

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ؛

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور/۳۵-۳۸)

❖ **ضرورت تحول اساسی کارآمد مساجد و سازمان بسیج عمومی با محوریت بسیج ازدواج و حفاظت از خانواده:**

➤ پیگیری نقش «خانواده محوری در تدبیر تمام نظامات اسلامی»، بویژه نظامات فرهنگی (آموزش و پرورش،

حوزه، دانشگاه و غیره)، نظامات اقتصادی، و نظام استخدامی جذب و گزینش؛

➤ «احیا و مرکزیت مساجد در رسالت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و امنیتی»:

✓ تربیت امام جماعت انقلابی و توانمند در مشاوره و حفاظت از خانواده:

✓ شکل گیری هیئت امنای خدا ترس اهل اقامه نماز و پرداخت زکات

➤ «ارتقاء رسالت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و امنیتی بسیج»

➤ «همراهی مثلث مردم، نخبگان، و سلسله مراتب مدیریت اسلامی در بسیج ازدواج و حفاظت از خانواده»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

■ «خانواده محوری در تدبیر نظامات فرهنگی، اقتصادی، و نظام جذب و گزینش:

❖ الزامات ساختاری و قانونی نسبت به نظامات فرهنگی:

با رسالت راهبری «تشکیل»، «تحکیم و تعالی» و «صیانت از گسست خانواده»:

➤ خانواده محوری در اصلاح قوانین، بویژه قانون مهریه:

➤ ایجاد وزارت خانواده:

➤ ایجاد معاونت قدرتمند خانواده در تمام ساختارهای کشوری و لشکری:

«با حداقل کادر رسمی و حد اکثر بسیج مردمی»

➤ ایجاد رشته های جامع مشاوره خانواده حوزوی و دانشگاهی تا فوق دکتری:

➤ تاسیس مراکز تخصصی حوزوی تربیت امام جماعت مشاور خانواده، در مسیر احیای مساجد

➤ ایجاد شبکه مستقل خانواده (یا ادغام شبکه سلامت و خانواده) در صدا و سیما:

➤ تربیت کادر پزشکی و پرستاری متناسب با جمعیت زنان:

➤ جهت گیری جنسیتی در رشته و گرایش های تحصیلات عالی با نگرش تشکیل و تحکیم خانواده

➤ ایجاد سایت های معتبر خانواده مردم نهاد با هیئت امنا و صاحب نظران معتبر حوزوی و دانشگاهی،

➤ الزام به تدوین سیر مطالعاتی عمومی و تخصصی خانواده و ارائه آن به جامعه:

➤ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ الزامات ساختاری و قانونی نسبت به نظامات اقتصادی و جذب و گزینش:

- احیای وزارت مسکن و شهر سازی و چابک سازی آن؛
- تامین حداقل وسائل و امکانات برای شروع زندگی
- تامین حداقل درآمد ماهیانه (اشتغال یا بیمه بیکاری)
- قوانین غلاظ و شداد ناظر به خودکفایی در تامین خوراک، پوشاک، و لوازم ضروری خانواده:
- ایجاد صندوق ذخیره حق تشکیل خانواده برای جوانان دختر و پسر،
- ایجاد صندوق ذخیره حق همسری و مادری زنان؛
- ضرورت پرداخت عائله مندی معنادار برای مردان متاهل شاغل کشوری، لشکری، و کارگری؛
- ضرورت الزام به اولویت جذب و گزینش مردان متاهل و جوانان در شرف ازدواج، در محیط های شغلی مشترک: «حوزه مختص بانوان» / «حوزه مختص مردان» / «حوزه مشترک»

➤ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
مقدمه نشست سی و هفتم نجما:

❖ تذکری مجدد به سطح چالش موجود ناموسی و جمعیت:

➤ ۱۵ میلیون مجرد در سن ازدواج: (از ۱۵-۱۸ تا ۵۰ سالگی)

➤ احتمال جدی ابتلا چالش ناموسی ۱۰ درصد جامعه هدف: (از نگاه، کلام، و لمس ناموسی حرام، تا ارتکاب زنا)

«۱/۵ میلیون نفر: برابر ۱۵۰ لشکر نظامی!»

➤ چالش جدی جمعیت: فاصله نرخ باروری فعلی (۱/۶)، با نرخ جایگزینی (۲/۱):

«فرصت جبران جمعیت: حدود ۸ سال تا بسته شدن پنجره جمعیتی و جبران مافات»

❖ ضرورت آمادگی جهت «آزمون الهی صداقت ایمان»:

▪ «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟! وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت/۲-۳)

▪ «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا؛

حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره/ ۲۱۴)

▪ «صبروا ایما قصیره، اعقبتم راحة طویل» (نهج، خطبه متقین)

❖ شرائط سه گانه ایمان:

«پذیرش داوری پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، در تمام چالش های زندگی خود، رضایت قلبی بدان، و تبعیت بی چون چرا از ان»:

▪ «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...» (احزاب/۶)

▪ «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ!؛ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ صَلًّا مُبِينًا» (احزاب/۳۶)

▪ «فَلَا؛ وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ!؛ ثُمَّ لَا يَحْدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء/ ۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ ازدواج پیامبر اسلام(ع) و مدیریت و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

➤ ازدواج پیامبر اسلام(ص) و پرداخت مهر از جانب خدیجه (ع)!:

▪ «بعض أصحابنا، عن علي بن الحسين، عن علي بن حسان، عن عبد الرحمن بن كثير، عن أبي عبد الله (ع) قال:

لما أراد رسول الله (ص) أن يتزوج خديجة بنت خويلد، أقبل أبو طالب في أهل بيته و معه نفر من قريش حتى دخل على ورقة بن نوفل عم خديجة فابتدأ أبو طالب بالكلام فقال: الحمد لرب هذا البيت، الذي جعلنا من زرع إبراهيم، و ذرية إسماعيل؛ و أنزلنا حرما آمنا، و جعلنا الحكام على الناس، و بارك لنا في بلدنا الذي نحن فيه؛

ثم إن ابن أخي هذا - يعني رسول الله (ص) - ممن لا يوزن برجل من قريش إلا رجح به و لا يقاس به رجل إلا عظم عنه و لا عدل له في الخلق؛ و إن كان مقلا في المال فإن المال رقد جار و ظل زائل و له في خديجة رغبة و لها فيه رغبة،

و قد جئناك لنخطبها إليك برضاها و أمرها و المهر علي في مالي الذي سألتموه عاجله و آجله؛ و له و رب هذا البيت حظ عظيم و دين شائع و رأي كامل،

ثم سكت أبو طالب و تكلم عمها و تلجلج و قصر عن جواب أبي طالب و أدركه القطع و البهر و كان رجلا من القسيسين؛

فقالت خديجة مبتدئة: يا عماه إنك و إن كنت أولى بنفسي مني في الشهود فلست أولى بي من نفسي،

قد زوجتك يا محمد نفسي، و المهر علي في مالي فأمر عمك فلينحر ناقة فليولم بها و ادخل على أهلك!

قال أبو طالب: أشهدوا عليها بقبولها محمدا و ضمانها المهر في مالها!؛ فقال بعض قريش: يا عجباه!؛ المهر على النساء للرجال!؛

فغضب أبو طالب غضبا شديدا و قام على قدميه و كان ممن يهابه الرجال و يكره غضبه؛ فقال: إذا كانوا مثل ابن أخي هذا طلبت الرجال بأغلا الأثمان و أعظم المهر؛ و إذا كانوا أمثالكم لم يزوجوا إلا بالمهر الغالي؛ و نحر أبو طالب ناقة و دخل رسول الله (ص) بأهله» (كافي، ٥ / ٣٧٥)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ آغاز سیره پیامبر(ص) در فرهنگ سازی و تسهیل ازدواج از خاندان بنی هاشم:

- «أبو القاسم الكوفي في كتاب الاستغاثة: قال صلى الله عليه وآله: **أتعلمون لم زوجت المقداد من ضباعة ابنة عمي؟**؛ قالوا: لا . قال(ص): **لتسع النكاح فيناله كل منكم؛** و لتعلموا أن أكرمكم عند الله أتقاكم» (مستدرک الوسائل، ۱۴ / ۱۸۵، جامع احاديث الشيعة، ۲۰ / ۷۴)
- «علي ، عن أبيه ، عن ابن فضال ، عن ثعلبة بن ميمون ، عن عمر بن أبي بكار ، عن الحضرمي ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: **« إن رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلّم زوج المقداد ابن الأسود ضباعة بنت الزبير بن عبد المطلب؛** و إنما **زوجه لتضع المناكح و ليتأسوا برسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلّم و ليعلموا أن أكرمهم عند الله أتقاهم»** (الكافي ۵ / ۲۴۴)

➤ سیره پیامبر(ص) و مدیریت ازدواج (درخواست از جانب زنان):

▪ «محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال:

جاءت امرأة إلى النبي (ص) فقالت: زوجني!؛ فقال رسول الله (ص): **من لهذه؟!؛** فقام رجل فقال: **أنا يا رسول الله زوجنيها،**

فقال(ص): **ما تعطيها؟** فقال: **ما لي شيء،** فقال(ص): **لا،** قال: **فأعادت؛** فأعاد رسول الله (ص) الكلام؛ فلم يبق أحد غير الرجل؛ **ثم أعادت،** فقال رسول الله (ص) في المرة الثالثة: **أتحسن من القرآن شيئاً؟** قال: **نعم،** فقال(ص): **قد زوجتكها على ما تحسن من القرآن؛ فعلمها إياه»**. (كافي، ۵ / ۲۸۰)

➤ سیره پیامبر(ص) و مدیریت ازدواج (فرهنگ سازی، بشارت و هشدار به ازدواج ستیزان):

▪ عن عكاف بن وداعة الهلالي قال: أتيت إلى رسول الله صلى الله عليه و آله فقال لي يا عكاف، أ لك زوجة؟ قلت: لا؛ قال(ص): أ لك جارية؟ قلت: لا؛

قال(ص): و أنت صحيح موسر؟؛ قلت نعم . و الحمد لله . قال(ص): **فإنك إذا من إخوان الشياطين!**

إما أن تكون من رهبان النصارى و إما أن تصنع كما يصنع المسلمون ، و أن من سنتنا النكاح؛ شراركم عزابكم و أراذل موتاكم عزابكم ...

ويحك يا عكاف تزوج ، تزوج ، فإنك من الخاطئين؛ قلت: **يا رسول الله زوجني قبل أن أقوم!**

فقال صلى الله عليه و آله: **زوجتك كريمة بنت كلثوم الحميري»**. (جامع احاديث الشيعة، ۲۰ / ۱۸)

▪ «عن النبي صلى الله عليه و آله أنه قال **لو خرج العزاب من أمواتكم إلى الدنيا لتزوجوا»** (عوالي اللئالي، ۳ / ۲۸۲؛ جامع احاديث الشيعة، ۲۰ / ۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
اصحاب صفه (اضیاف الاسلام)، و سیره پیامبر اسلام در مدیریت و بسیج ازدواج آنان:

❖ ویژگی اصحاب صفه:

«مومنان مجاهد فقیر با مناعت آخرت گرا»:

▪ «وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ؛ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ؛

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا: أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا؟! أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ» (انعام/۵۲-۵۳)

▪ «و اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ؛

وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (كهف/ ۲۸)

▪ «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ؛

تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۷۳)

▪ «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛

وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ جَاحَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛

وَ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر/۸-۱۰)

❖ برخی از چهره های برجسته اصحاب صفه:

«سلمان فارسی»، «ابودرغفاری»، «بلال بن رباح»، «حنظله بن ابی عامر (غسیل الملائکه)»، «مقداد بن اسود»، «عبدالله بن مسعود»، «عمار یاسر»، «حذیفه بن یمان»، «خباب بن ارت» و ...»

(حلیه الاولیاء، اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱/ ۳۴۸ به بعد)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، و مدیریت و بسیج ازدواج (ارائه شاخص «المؤمن کفو للمؤمنه»):

❖ امام باقر (ع) و مدیریت ازدواج:

▪ محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن مالک بن عطیة، عن أبي حمزة الثمالي قال:

كنت عند أبي جعفر (ع)، إذا استأذن عليه رجل فأذن له فدخل عليه فسلم فرحب به أبو جعفر (ع) و أدناه و ساءله فقال الرجل:

جعلت فداك إني خطبت إلى مولاك فلان بن أبي رافع ابنته فلانة فردني و رغب عني و ازدرأني لدمامتي و حاجتي و غربتي و قد دخلني من ذلك غضاضة هجمة غض لها قلبي تمنيت عندها الموت؛ فقال أبو جعفر (ع): اذهب فأنت رسولي إليه و قل له:

يقول لك محمد بن علي بن الحسين ابن علي بن أبي طالب (عليهم السلام): زوج منجح بن رباح مولاي ابنتك فلانة و لا ترده،

❖ امام باقر (ع) و تذكر به الگوی مدیریت ازدواج در سیره پیامبر(ص):

➤ اصحاب صغه و جویبر سیاه پوست مومن فقیر اهل یمامه:

قال أبو حمزة: فوثب الرجل فرحا مسرعا برسالة أبي جعفر (ع)، فلما أن توارى الرجل قال أبو جعفر (ع):

إن رجلا كان من أهل اليمامة يقال له: جویبر؛ أتى رسول الله (ص) منتجعا للاسلام فأسلم و حسن إسلامه؛ و كان رجلا قصيرا دميما محتاجا عاريا و كان من قباج السودان فضمه رسول الله (ص) لجال غربته و عراه و كان يجري عليه طعامه صاعا من تمر بالصاع الأول و كساه شملتين و أمره أن يلزم المسجد و يرقد فيه بالليل فمكث بذلك ما شاء الله حتى كثرا الغرباء ممن يدخل في الاسلام من أهل الحاجة بالمدينة و ضاق بهم المسجد فأوحى الله عز وجل إلى نبيه (ص): أن طهر مسجدك و أخرج من المسجد من يرقد فيه بالليل و مر بسد أبواب من كان له في مسجدك باب ... و لا يمرن فيه جنب و لا يرقد فيه غريب؛ ... قال(ع):

ثم إن رسول الله (ص) أمر أن يتخذ للمسلمين سقيفة فعملت لهم و هي الصفة ثم أمر الغرباء و المساكين أن يظلوا فيها نهارهم و ليلهم، فبزلوها و اجتمعوا فيها فكان رسول الله (ص) يتعاهدهم بالبر و التمر و الشعير و الزبيب إذا كان عنده و كان المسلمون يتعاهدونهم و يرقون عليهم لرفقة رسول الله (ص) و يصرفون صدقاتهم إليهم؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ پیامبر(ص) و تشویق جوان سیاه پوست فقیر برای ازدواج و تشکیل خانواده:

فإن رسول الله (ص) نظر إلى جویبر ذات يوم برحمة منه له و رقة عليه فقال (ص) له:

يا جویبر لو تزوجت امرأة فعفت بها فرجك و أعانتك على دنياك و آخرتك؛

فقال له جویبر: يا رسول الله بأبي أنت و أمي من يرغب في فوالله ما من حسب و لا نسب و لا مال و لا جمال؛ فأية امرأة ترغب في؟!؛

فقال له رسول الله (ص): يا جویبر إن الله قد وضع بالاسلام من كان في الجاهلية شريفا؛ و شرف بالاسلام من كان في الجاهلية وضيعا؛ و أعز بالاسلام من كان في الجاهلية ذليلا؛ و أذهب بالاسلام ما كان من نخوة الجاهلية و تفاخرها بعشائرها و باسق أنسابها؛ فالناس اليوم كلهم أبيضهم و أسودهم و قرشيهم و عربهم و عجمهم من آدم و إن آدم خلقه الله من طين و إن أحب الناس إلى الله عز وجل يوم القيامة أطوعهم له و أتقاهم و ما أعلم يا جویبر لأحد من المسلمين عليك اليوم فضلا إلا لمن كان أتقى لله منك و أطوع؛ ،

➤ جوان سیاه پوست فقیر، پیک رسول خدا(ص)، برای خواستگاری از دختر بسیجی با کمال رئیس قبیله!:

ثم قال له : انطلق يا جویبر إلى زياد بن لبيد فإنه من أشرف بني بياضة حسبا فيهم فقل له:

إني رسول رسول الله إليك و هو يقول لك: زوج جویبرا ابنتك الذلفاء!؛

قال: فانطلق جویبر برسالة رسول الله (ص) إلى زياد بن لبيد و هو في منزله و جماعة من قومه عنده فاستأذن فاعلم فأذن له فدخل و سلم عليه ثم قال: يا زياد بن لبيد إني رسول رسول الله إليك في حاجة لي فأبوح بها أم أسرها إليك؟

فقال له زياد: بل بح بها فإن ذلك شرف لي و فخر فقال له جویبر : إن رسول الله (ص) يقول لك:

زوج جویبرا ابنتك الذلفاء، فقال له زياد: أرسول الله أرسلك إلي بهذا؟!؛ فقال له: نعم!؛ ما كنت لأكذب على رسول الله (ص)؛

➤ مخالفت رئیس قبیله وحشت زده از خواستگاری جوان سیاه پوست فقیر!:

فقال له زياد : إنا لا نزوج فتياتنا إلا أكفاءنا من الأنصار؛ فانصرف يا جویبر حتى ألقى رسول الله (ص) فأخبره بعذري!

فانصرف جویبر و هو يقول: و الله ما بهذا نزل القرآن و لا بهذا ظهرت نبوة محمد (ص)؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ کمک دختر مومن بسیجی رئیس قبیله، به پدر وحشت زده در مواجهه با پدیده وحشتناک داماد سیاه پوست فقیر! فسمعت مقالته الذلغاء بنت زیاد و هي في خدرها؛ فأرسلت إلى أبيها ادخل إلي فدخل إليها فقالت له: ما هذا الكلام الذي سمعته منك تحاور به جووير؟!؛ فقال لها:

ذكر لي أن رسول الله (ص) أرسله و قال: يقول لك رسول الله (صلى الله عليه و آله): زوج جوويرا ابنتك الذلغاء!؛

فقالت له: و الله ما كان جووير ليكذب على رسول الله (صلى الله عليه و آله) بحضرته فابعث الآن رسولا يرد عليك جوويرا؛

➤ رهنمود نبوی: کفویت سیاه پوست مومن فقیر با دختر رئیس قبیله! و شاخص «المؤمن کفو للمؤمنة»:

فبعث زیاد رسولا فلاحق جوويرا فقال له زیاد: يا جووير مرحبا بك اطمئن حتى أعود إليك ثم انطلق زیاد إلى رسول الله (صلى الله عليه و آله)؛

فقال له: بأبي أنت و أمي إن جوويرا أتاني برسالتك و قال: إن رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول لك: زوج جوويرا ابنتك الذلغاء فلم أئن له بالقول و رأيت لقاءك و نحن لا نتزوج إلا أكفاءنا من الأنصار فقال له رسول الله (صلى الله عليه و آله):

يا زیاد!؛ «جوير مؤمن» و «المؤمن كفو للمؤمنة» و «المسلم كفو للمسلمة» فزوجه يا زیاد و لا ترغب عنه؛

➤ پذیرش داماد سیاه پوست از جانب دختر بسیجی رئیس قبیله!:

قال(ع): فرجع زیاد إلى منزله و دخل على ابنته فقال لها: ما سمعه من رسول الله (ص) فقالت له: إنك إن عصيت رسول الله (صلى الله عليه و آله) كفرت؛ فزوج جوويرا؟!؛

➤ پذیرش مهریه، مسکن و وسائل زندگی توسط پدر زن رئیس قبیله!:

فخرج زیاد فأخذ بيد جووير ثم أخرجه إلى قومه فزوجه على سنة الله و سنة رسوله (ص) و ضمن صداقه؛

قال: فجهزها زیاد و هيؤها ثم أرسلوا إلى جووير فقالوا له: أ لك منزل فنسوقها إليك، فقال: و الله ما لي من منزل؟!؛

قال(ع): فهيؤها و هيؤها لها منزلا و هيؤها فيه فراشا و متاعا و كسوا جوويرا ثوبين و أدخلت الذلغاء في بيتها و ادخل جووير عليها معتما؛

➤ شوک روانی بر داماد سیاه پوست مومن فقیر از وضعیت حیرت اور جدید و به تاخیر انداختن شروع زندگی!:

فلما رآها نظر إلى بيت و متاع و ريح طيبة قام إلى زاوية البيت؛ فلم يزل تاليا للقرآن راکعا و ساجدا حتى طلع الفجر فلما سمع النداء خرج و خرجت زوجته إلى الصلاة فتوضأت و صلت الصبح؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

▪ **خوشحالی ضمنی خانواده دختر! و اعتراض به پیامبر(ص):!**

فَسئلت هل مسك؟ فقالت: ما زال تاليا للقرآن و راکعا و ساجدا حتى سمع النداء فخرج؛ فلما كانت الليلة الثانية فعل مثل ذلك و أخفوا ذلك من زیاد؛

فلما كان اليوم الثالث فعل مثل ذلك فأخبر بذلك أبوها؛ فانطلق إلى رسول الله (صلى الله عليه و آله) فقال له:

بأبي أنت و أمي يا رسول الله أمرتني بتزويج جويبر و لا و الله ما كان من مناكحنا؛ و لكن طاعتك أوجبت علي تزويجه؛

فقال له النبي (ص): **فما الذي أنكرتم منه؟**

قال : إنا هيئنا له بيتا و متاعا و أدخلت ابنتي البيت و ادخل معها معتما فما كلمها و لا نظر إليها و لا دنا منها

بل قام إلى زاوية البيت فلم يزل تاليا للقرآن راکعا و ساجدا حتى سمع النداء، فخرج ثم فعل مثل ذلك في الليلة الثانية و مثل ذلك في الثالثة و لم يدن منها و لم يكلمها إلى أن جئتك و ما نراه يريد النساء فانظر في أمرنا؛

▪ **عذر داماد سیاه پوست در احساس نیاز شدید به شکر نعمت حیرت آور!**

فانصرف زیاد و بعث رسول الله (صلى الله عليه و آله) إلى جويبر فقال له: أ ما تقرب النساء؟ فقال له: جويبر:

أو ما أنا بفحل بلى يا رسول الله إني لشبق نهم إلى النساء؛ فقال له رسول الله (صلى الله عليه و آله):

قد خبرت بخلاف ما وصفت به نفسك قد ذكر لي أنهم هيؤوا لك بيتا و فراشا و متاعا و أدخلت عليك فتاة حسناء عطرة و أتيت معتما فلم تنظر إليها و لم تكلمها و لم تدن منها فما دهاك إذن؟ فقال له جويبر:

يا رسول الله! دخلت بيتا واسعا و رأيت فراشا و متاعا و فتاة حسناء عطرة و ذكرت حالي التي كنت عليها و غربتي و حاجتي و وضعتي و كسوتي مع الغرباء و المساكين فأحببت إذ أولاني الله ذلك أن أشكره على ما أعطاني و أتقرب إليه بحقيقة الشكر

فنهضت إلى جانب البيت فلم أزل في صلاتي تاليا للقرآن راکعا و ساجدا أشكر الله حتى سمعت النداء فخرجت؛

فلما أصبحت رأيت أن أصوم ذلك اليوم ففعلت ذلك ثلاثة أيام و لياليها و رأيت ذلك في جنب ما أعطاني الله يسيرا؛ و لكني سأرضيها و أرضيهم الليلة إن شاء الله فأرسل رسول الله (صلى الله عليه و آله) إلى زیاد فاتاه فأعلمه ما قال جويبر فطابت أنفسهم؛ قال (ع): و وفى لها جويبر بما قال؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

ثم إن رسول الله (ص) خرج في غزوة له و معه جويبر؛ فاستشهد رحمه الله تعالى فما كان في الأنصار أيم أنفق منها بعد جويبر» (كافي، ۵ / ۲۴۳)

❖ الگویی دیگر از سیره پیامبر (ص) در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

➤ اعتراض خواستگار سیاه پوست مومن به پیامبر(ص)، نسبت به عکس العمل تحقیر امیز خانواده ها:

▪ الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن أنس بن مالك قال: كان رسول الله صلى الله عليه و آله جالسا يوما فدخل أعرابي و سلم و قال:

يا رسول الله أيمنع سوادي و دمامة وجهي من دخول الجنة؟!؛

قال صلى الله عليه و آله لا . ما كنت خائفا من الله و مؤمنا برسوله؛

فقال: يا رسول الله؛ و الله الذي شرفك بالنبوة، اني قبل ذلك بثمانية أشهر آمنت و أقررت بأن الله واحد و أنك رسوله بالحق ،

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: أنت من القوم ، «لك ما لهم و عليك ما عليهم» ،

فقال: فلم خطبت من هؤلاء الحاضرين فلم يجبني منهم أحد؟!؛ و لا أرى مانعا غير دمامة الوجه و سواء اللون؟!؛

و الا فأنا في قومي بني سليم ذو حسب و آبائي معروفون، و لكن غلبني سواد أخوالي؛

➤ بيك سیاه پوست بد قیافه، بيك پیامبر(ص) جهت خواستگاری از دختر رئیس قبیله!:

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: هاهنا عمر بن وهب - و كان رجلا من ثقيف صعب الجانب و فيه أنفة قالوا: لا يا رسول الله؛

فقال(ص) للأعرابي تعرف داره ؟ قال: نعم . قال(ص): اذهب إلى داره و دق الباب دقا رقيقا ، و إذا دخلت فسلم و قل:

ان رسول الله صلى الله عليه و آله أعطاني بنتك؟!، و كانت له بنت ذات جمال و عقل و عفاف ،

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ عکس العمل شدید خانواده رئیس قبیله و تحقیر و طرد خواسنگار سیاه پوست:

فجاء و دق الباب ، فلما فتح و رأوا سواد وجهه و دمامته اشمازوا منه و أظهروا الكراهة؛

فقال: إن رسول الله صلى الله عليه و آله أعطاني بنتك فزجره و ردوه ردا قبيحا ، فقام و خرج ،

➤ کمک دختر مومن بسیجی رئیس قبیله، به پدر وحشت زده در مواجهه با پدیده وحشتناک داماد سیاه پوست فقیر!

فلما خرج قالت البنت لأبيها : اذهب و استخبر الحال ، فإن كان النبي صلى الله عليه و آله أعطانيه فاني راضية بما فعله رسول الله (ص) !؛

➤ غضب پیامبر بر منطق جاهلی پدر دختر!؛ و عذر خواهی خانواده دختر و اطاعت از فرمان پیامبر(ص):!

فذهب في أثر الرجل و أتى رسول الله صلى الله عليه و آله ، و قد كان الرجل شكاه اليه فقال له رسول الله صلى الله عليه و آله:

يا هذا أنت الذي رددت رسولي؟ فقال: يا رسول الله ، فعلت و بئس ما فعلت و أنا أستغفر الله ،

و انما رددته لأنه كان رجلا من العرب ظننته يكذب؛ و الآن يا رسول الله فاحكم في نفوسنا و بيوتنا و أموالنا ،

و انا نعوذ بالله من غضبه و غضب رسوله صلى الله عليه و آله ،

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: قم يا أعرابي فاني أعطيتك بنته؛ فاذهب إلى بيتها!؛

➤ فقر داماد و کمک امیرمومنان(ع) و برخی از اصحاب جهت شروع زندگی:

فقال الرجل: يا رسول الله؛ أنا رجل من العرب فقير و أستحيي أن أدخل بيت المرأة و يدي صفرة؛

فقال له أمرر علي ثلاثة من الصحابة و خذ منهم ما تحتاج اليه، اذهب إلى عند علي عليه السلام و عند عثمان ، و عند عبد الرحمن بن عوف ، فأتى عليا عليه السلام فأعطاه مائة درهم و كذا عثمان ، و عبد الرحمن...» (مستدرک الوسائل، ۱۴ / ۱۸۹؛ جامع احادیث الشیعه، ۲۰ / ۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ سیره امیر مومنان(ع)، در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

➤ تامین هزینه ازدواج جوانان گنهکار از بیت المال:

▪ محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن سنان، عن طلحة بن زيد ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

إن أمير المؤمنين عليه السلام أتى برجل عبث بذكره فضرب يده حتى احمرت ثم روجه من بيت المال» . (کافی، ۷ / ۲۶۵؛ الاستبصار، ۴ / ۲۲۶)

➤ ساماندهی زنان خیابانی جهت باز پروری و تشکیل خانواده و تامین هزینه ازدواج آنان از بیت المال:

▪ محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن محمد بن الحسين، عن عبد الله بن هلال، عن العلاء، عن محمد بن مسلم،

عن أبي جعفر (ع) قال :

قضى أمير المؤمنين (ع) في امرأة زنت و شردت أن يربطها إمام المسلمين بالزوج كما يربط البعير الشارد بالعقال» (وسائل الشیعه، ۲۸ / ۱۴۸)

❖ سیره امام باقر (ع) در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

▪ علي بن محمد بن بندار (و غيره - كا) عن أحمد بن أبي عبد الله (البرقي - كا) عن ابن فضال وجعفر بن محمد عن ابن القداح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: جاء رجل إلى أبي عبد الله فقال له هل لك من زوجة؟ فقال: لا؛

فقال أبي: و ما أحب أن لي الدنيا و ما فيها و أني بت ليلة و ليست لي زوجة!؛

ثم قال(ع): الركعتان يصليهما رجل متزوج أفضل من رجل أعزب يقوم ليله، و يصوم نهاره،

ثم أعطاه أبي سبعة دنانير (ثم - كا) قال له: تزوج بهذه؛

ثم قال أبي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: اتخذوا الأهل فإنه أرزق لكم» (کافی، ۵ / ۳۲۹؛ تهذیب الاحکام، ۷ / ۲۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره امام جعفر صادق (ع) در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

➤ ازدواج حضرت فاطمه (ع)، سند نقش ازدواج در کمال انسانی زنان!:

▪ «عدة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله عن عبد الصمد بن بشير قال دخلت امرأة على أبي عبد الله عليه السلام فقالت:

أصلحك الله إني امرأة متبتلة فقال(ع): و ما التبتل عندك؟ قالت: لا أتزوج ، قال و لم؟؛ قالت ألتمس بذلك الفضل فقال (ع):

انصرفي، فلو كان ذلك فضلا لكانت فاطمة عليها السلام أحق به منك، انه ليس أحد يسبقها إلى الفضل» (كافی، ۵ / ۵۰۹)

➤ پاداش عظیم رفع نیاز اساسی جامعه خصوصاً ازدواج جوانان، و هشدار به اغنیاء در کوتاهی از این رسالت:

▪ «عن إبراهيم التيمي قال كنت في الطواف إذ أخذ أبو عبد الله عليه السلام بعضدي فسلم علي؛

ثم قال : **ألا أخبرك بفضل الطواف حول هذا البيت ؟** قلت : بلى ، قال : أيما مسلم طاف حول هذا البيت أسبوعا : ثم أتى المقام ، فصلى خلفه ركعتين ، كتب الله له ألف حسنة ، و محى عند ألف سيئة ، و رفع له ألف درجة ، و أثبت له ألف شفاعة .

ثم قال(ع) : **ألا أخبرك بأفضل من ذلك؟؛** قلت: بلى ، قال(ع): **قضاء حاجة امرئ أفضل من طواف أسبوع و أسبوع حتى بلغ عشرة .**

ثم قال(ع): **يا إبراهيم؛ ما أفاد المؤمن من فائدة أضر عليه من مال يفیده؛**

المال أضر عليه من ذئبين ضارين في غنم قد هلكت رعاتها واحد في أولها و آخر في آخرها؛

ثم قال(ع): **فما ظنك بهما؟؛** قلت يفسدان - أصلحك الله - قال (ع): صدقت،

ان أيسر ما يدخل عليه أن يأتيه أخوه المسلم فيقول: زوجني، فيقول: ليس لك مال» . (كتاب المؤمن، ۵۵ ؛ جامع احاديث الشيعة، ۲۰ / ۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره امام موسی بن جعفر (ع) در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

▪ «محمد بن عبد الحمید قال: أخبرني عبد السلام بن سالم عن الحسن بن سالم قال:

بعثني أبو الحسن موسى عليه السلام إلى عمته يسألها شيئا كان لها تعين به محمد بن جعفر في صداقه؛

فلما قرأت الكتاب ضحكت، ثم قالت لي: فقل له: بأبي أنت و أمي؛ الأمر إليك فاصنع به ما تريد في ذلك فقلت لها: فديتك أي شيء كتب إليك؟؛ فقالت تهدي إليك قدر برام أخبرك به؟؛ قلت: نعم؛ فأعطتني الكتاب فقرأته فإذا فيه:

إن لله ظلا تحت يده يوم القيامة لا يستظل تحته إلا نبي أو وصي نبي أو مؤمن أعتق عبدا مملوكا أو مؤمن قضى مغرم مؤمن أو مؤمن كف أئمة مؤمن»
(قرب الإسناد ١٢٣؛ جامع احاديث الشيعة، ٢٠ / ١٦)

❖ سیره امام جواد (ع) در مدیریت ازدواج و فرهنگ سازی تسهیل ازدواج:

▪ عن الريان بن شبيب: ... فقال أبو جعفر عليه السلام:

الحمد لله اقرارا بنعمته ولا إله إلا الله إخلاصا لوحدانيته و صلى الله علي محمد سيد برите و الأصفياء من عترته أما بعد:

فقد كان من فضل الله على الأنام أن أغناهم بالحلال عن الجرام فقال سبحانه: «و انكحوا الأيامي منكم و الصالحين من عبادكم و إمائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله؛ و الله واسع عليم» (احتجاج، ٢ / ٢٢٠؛ جامع احاديث، ٢٠ / ١٢٠)

▪ عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد ومحمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعا عن علي بن مهزيار قال: كتب علي بن أسباط إلى أبي جعفر عليه السلام في أمر بناته و أنه لا يجد أحدا مثله ، فكتب إليه أبو جعفر عليه السلام:

فهمت ما ذكرت من أمر بناتك و أنك لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر في ذلك رحمك الله فان رسول الله صلى الله عليه و آله قال:

إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه؛ (انكم) إلا تفعلوه، تكن فتنة في الأرض و فساد كبير) (كافي، ٥ / ٢٢٧ ؛ تهذيب، ٧ / ٣٩٦)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نظرات برخی از فقهاء، در عدم شرطیت اشتغال در صحت عقد، و آغاز زندگی:

➤ علامه حلی:

«عدم اعتبار الحرفة في الكفاءة» (تذکره الفقهاء، ۲ / ۶۰۶)

➤ شهید ثانی:

▪ (الخامسة عشر: ليس التمكن من النفقة) قوة، أو فعلا (شرطا في صحة العقد) لقوله تعالى:

"و أنكحوا الأيامى منكم و الصالحين من عبادکم و إمائکم؛ إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم"، و الخبرين السابقين (الروضه البهيه، فی شرح اللمعه الدمشقيه، ۵ / ۲۳۷)

➤ شیخ یوسف بحرانی:

▪ «المسألة الثانية : المشهور بين الأصحاب رضي الله عنهم أن التمكن من النفقة ليس شرطا في الكفاءة بل يحصل الكفاءة و يصح العقد و إن كان عاجزا عن ذلك ... و الخبر المذكور ظاهر بالنظر إلى صدره في المطلوب و المراد ،

و صريح بالنظر إلى حكاية قصة جويرير بأوضح صراحة لا يعتررها الإيراد؛ ومما يدل على ذلك قول الرضا عليه السلام في كتاب الفقه الرضوي:

«إذا خطب إليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجه ، و لا يمنعك فقره و فاقته ، قال الله تعالى: «و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته»؛ و قال تعالى: «إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله، و الله واسع عليم» (فقه الرضا، ۲۳۷)

و هو كما ترى أيضا صريح في المدعى، و تؤيده الآيات و الروايات الدالة على ضمان الله عز وجل الرزق لمن خلق و تكفله به» (الحدائق، ۲۴ / ۷۰-۷۴)

➤ سيد عبد الاعلى سبزواری:

(مسألة ۱۸): لا يشترط في صحة النكاح تمكن الزوج من النفقة... للأصل و الإطلاقات و العمومات و قوله تعالى: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...» (مهذب الاحكام، ۲۵ / ۷۳)

➤ محمد علی اراکی:

➤ «و هل يعتبر فيها التمكن و اليسار بمقدار النفقة أو لا؟؛ لا إشكال في عدم اعتبار ذلك في صحة العقد...» (كتاب النكاح، اراکی، ۲۰۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ **محمد تقی بهجت:**

▪ **عدم شرطیت تمکن از نفقه در صحت نکاح: و تمکن از نفقه ، شرط کفایت و معتبر در صحت نکاح نیست» (جامع المسائل، ۳ / ۴۸۸)**

▪ **«هرمکلفی موظف است وظائف اجتماعی و شرعی خود را بجا آورد؛ و قضاء حوائج مومنین بر همگان استحباب موکد دارد؛**

و در صورت اینکه در معرض تلف و هلاکت باشد؛ و عرض و جان مسلمانی بخطر جدی بیافتد، بر هرکسی که قادر بر حفظ آن باشد، واجب است انرا حفظ نماید» (استفتاء: ۱۳۷۹/۹/۲۹)

➤ **فاضل لنکرانی:**

▪ **«قال المحقق في الشرائع : و هل يشترط تمكّنه من النفقة ؟ قيل : نعم ، و قيل : لا ، و هو الأشبه . (شرايع الاسلام، ۲ / ۲۹۹) ؛ ...؛**

و أدلّة القول الأوّل كلّها مخدوشة ، فالأظهر هو القول الثاني ، فتدبرّ جيّداً» . (تفصيل الشريعة، فی شرح تحرير الوسيله، كتاب النكاح، ۳۱۳)

▪ **«همانطور که صریح ایه سی و دو سوره مبارکه نور است در اسلام بسیار نسبت به ازدواج ترغیب شده، اما واجب نیست ولی مستحب موکد است؛ و هر امری هم در راستای آن، مستحب موکد است؛**

بلی در صورت اینکه ترک ازدواج موجب مفسد مهم اجتماعی گردد، بر مسئولین نظام اسلامی لازم است که نسبت به حل این نوع از مسائل و معضلات اجتماعی تدبیری بیاندیشند؛ و بعید نیست که بر همه مردم بنحو واجب کفایی مطرح باشد، که البته با اقدام حکومت نسبت به حل مسئله، از مردم ساقط میشود.» (استفتاء: ۱۳۷۹/۱۱/۱۵)

➤ **مکارم شیرازی:**

▪ **«در درجه اول حکومت اسلامی با در دست داشتن امکانات بسیار وسیع و بودجه های اضافی که این روزها سخن از آن می گویند، در برابر این معضل اجتماعی مسئولیت دارد؛**

و در درجه بعد همه مسلمانان متمکن به عنوان وظیفه کفایی باید در این امر شرکت کنند و جوانان را از آلودگی به فساد گسترده نجات دهند؛ همیشه موفق باشید» (استفتاء: ۱۳۷۹/۱۱/۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ **مسئولیت جامعه:**

تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این ایه داخلند؛ خواه بکر باشند یا بیوه.

تعبیر "انکحوا" ... مفهومی است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید: از طریق کمکهای مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج، و بالأخره، پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست؛

خلاصه مفهوم ایه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می شود.

بدون شک، اصل تعاون اسلامی ایجاب می کند که مسلمانان در همه زمینه ها به یکدیگر کمک کنند؛ ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج، دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

▪ **مسئولیت پدر متمکن:**

"مخصوصاً، اسلام در مورد فرزندان، مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده، و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده است؛ چنانکه در حدیثی از پیامبر □ می خوانیم:

"من ادرک له ولد و عنده ما یزوجه، فلم یزوجه؛ فأحدث فالاثم بینهما!" (مجمع البیان ذیل آیه ۲۲ سوره نور):

کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد، و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه، بر هر دو نوشته می شود! «» و از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسئولیت الهی و انسانی، متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی می شوند، در آیات فوق صریحاً، گفته شده است که فقر نمی تواند مانع راه ازدواج گردد؛ بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی نیازی شود.» (تفسیر نمونه، ۱۲ / ۴۶۴-۴۶۷)

➤ **نوری همدانی:**

"قرآن مجید به عنوان یک دستور مهم زندگی، افراد جامعه را موظف می کند که در راستای انجام ازدواج و تشکیل خانواده برای کسانی که همسر ندارند، بکوشند: " و انکحوا الایامی...": "مردان بی زن، و زنان بی شوهر را به نکاح یکدیگر در آورید ...";

یک مطلب مهم در این آیه این است که خداوند جامعه را مخاطب قرار داده و به آنها می گوید برای جوانان وسائل ازدواج فراهم کنید." (جایگاه بانوان در اسلام، نوری همدانی، ۲۸۹-۲۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ **استاد علامه جوادی آملی:**

▪ **مسئولیت جامعه و امت اسلامی:**

"وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ": ملاحظه می‌فرمایید که جامعه را مسئول قرار داده؛ این "أَنْكِحُوا"، خطاب به امت اسلامی است خطاب به جامعه است؛

به جوان نمی‌گوید: زن بگیر؛ به دختر جوان نمی‌گوید: شوهر انتخاب کن؛ آن آیات دیگر است و وظیفه دیگر و روایات دیگر؛

اما این آیات که جامعه را دارد متمدن می‌سازد که در خیابان و بیابان چطور رفتار کنند چطور نگاه کنند جامعه را مسئول قرار داده که امر ازدواج را تسهیل کنید؛ نکاح کنید؛ فرزندان را نکاح بدهید.

يك وقت است به پدر و مادر خطاب می‌کند آن يك مسئولیت محدودتری است.

يك وقت امت اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد که شما وسیله‌ای فراهم کنید که جوانها ازدواج کنند".

▪ **مسئولیت سه گانه جوانان، خانواده و نظام اسلامی**

"... هم به خود جوانها، هم به اولیای جوانها، به پدر و مادر پسر [و] به پدر و مادر دختر می‌فرماید: وعده الهی این است که با ازدواج، زندگی رونق بگیرد؛ شما منتظر نباشید که زندگی رونق بگیرد، بعد ازدواج کنید؛ بلکه با ازدواج، زندگی‌تان را رونق ببخشید.

دو امر را ذات اقدس الهی - گرچه امور فراوانی در این موضوع مطرح‌اند ولی در این بخش دو امر را - وسیله سبب رزق قرار داده است:

یکی همین مسئله نکاح است که فرمود: "إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ" خدا اینها را بی‌نیاز می‌کند؛

این هم وعده است نسبت به جوانها، هم وعده است نسبت به پدر و مادر، هم وعده است نسبت به نظام.

اگر مسئولین نظام، بخشی از بودجه‌ها را در اختیار ازدواج جوانها قرار بدهند، خداوند بودجه اینها را بیشتر می‌کند؛ درآمد کشور را بیشتر می‌کند؛ درآمد سرانه مملکت را بیشتر می‌کند؛ این برای مملکت و نظام،

پدر و مادر را هم می‌فرماید: "إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ" این دور سوم هم، به خود جوانها وعده جمیل داد که "إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ": هر کس نکاح کرد یا نکاح کرد، مشمول این وعده جمیل الهی است که "إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ". (جزوه تفسیر تسنیم، ج ۱۸ سوره نور)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مقدمه نشست سی و هشتم «نجما»:

❖ سنت دشمنی و تقابل شیاطین با انبیاء و جبهه حق، و سیاست دائمی سه گانه جبهه شیاطین:

و كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ؛ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ؛ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ؛

وَ لَتَصْغَى إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرْضَوْهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (انعام/۱۱۲-۱۱۳)

➤ راهبرد نفوذ و یارگیری از خودی های مریض القلب و منافق از راه تطمیع و یا تهدید:

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ؛ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۱۰۹)

▪ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَىٰ لَهُمْ؛

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا: لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ؛

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ يَصْرِبُونَ وَ جُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/ ۲۵-۲۸)

▪ «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۷۵)

➤ راهبرد آسیب و آزار و اذیت های مالی و جانی و حیثیتی:

▪ «لَتَبْلُؤَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرًا؛

وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِّنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/ ۱۸۶)

➤ راهبرد اغتشاش و فتنه گری و تقابل نظامی:

▪ «وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَ مَن يَرْتَدِدْ مِّنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ «مراقبت از خود»، راهبرد اساسی مصونیت از دشمن:

➤ دغدغه توأم با بصیرت مومنانه آخرتگرایانه در پیگیری متوکلانه ولایت، عزت و رحمت الهی:

▪ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ؛ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (شعراء/۸-۹، ۶۷-۶۸، ۱۰۳-۱۰۴، ۱۲۱-۱۲۲،، ۱۹۱-۱۹۲)

▪ «... لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ؛ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ؛

وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم/۴-۷)

▪ « وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ؛ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ؛ وَ تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ؛ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (شعراء/۲۱۷-۲۲۰)

➤ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ؛ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛

وَ لَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (يونس/۶۲-۶۵)

▪ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛

وَ الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (فاطر/ ۱۰)

▪ «... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون/ ۸)

▪ «محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن الحسن بن محبوب ، عن الهيثم بن واقد قال : سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول :

«من خاف الله أخاف الله منه كل شئ ، و من لم يخف الله أخافه الله من كل شئ» (كافي، ۲ / ۶۸)

▪ «من أصلح ما بينه و بين الله أصلح الله ما بينه و بين الناس، و من أصلح أمر آخرته، أصلح الله أمر دنياه؛

وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظُ؛ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظُ» (نهج، حكمت ۸۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ آسیب شناسی طرح و برنامه ها و عملکردها و رفع آن، خصوصا در حفاظت از منابع انسانی:

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (حشر/۱۸-۱۹)

▪ فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطَعُوا؛ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛

وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ؛ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ؛ وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود/۱۱۲-۱۱۵)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۱۰۵)

▪ «إِنْ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا؛ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران/۱۲۰)

➤ هشيارى و مراقبت از عملکرد اهل مرض و نقاق، در پيگيرى ولايت كفار و ارتباط گيرى با آنان:

▪ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ؛

أَيَّبَتُّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ؟! فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ (نساء/۱۲۸-۱۲۹)

▪ «وَ اتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا؛ كَلَّا؛ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مريم/ ۸۱- ۸۲)

▪ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا؛

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ...

وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ؛ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ (مائده/ ۴۱)

▪ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ؛ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مائده/ ۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

■ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ؛ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ؛
و يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا؛
فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا؛
أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء/ ۶۰-۶۳)

➤ **آمادگی مستمر «فرهنگی، اقتصادی، و نظامی» مقابله با توطئه دشمنان اسلام و نظام اسلامی:**

■ «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛
وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/ ۶۰)

❖ **برخورد سخت هول انگیز با عوامل آشوب (اراذل و اوباش، منافقین، جاسوسان):**

«تحمیل هزینہ هول انگیز خیانت به نظام و مردم بر عوامل آشوب و ترور»

■ «فَإِذَا تَشَفَعْتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (انفال/ ۵۷)

■ «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ؛ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَ قَاتِلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/ ۶۰-۶۲)

■ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛

ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/ ۳۳-۳۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست سی و نهم «نجما»:

❖ «هفته پژوهش» و برخی از «پژوهشهای بنیادین و کاربردی سرنوشت ساز» در حوزه «مدیریت اسلامی»:

➤ «قرآن محوری» و «مرجعیت محکمت دینی»

➤ «جامع نگری به قرآن» در پژوهشهای دینی

➤ «جامعه محوری» و «حکومت محوری» در پژوهشهای دینی

➤ «خانواده محوری» در «تدبیر نظامات اسلامی»:

«مکتب مدیریت اسلامی»

➤ «مراتب الزامات» در «بینش و گرایش» و «عملکرد دینی»

➤ «مدیریت تحقق ارزشهای دینی»:

«راهبرد ها و فرایند فرهنگ سازی ارزشها / راهبردهای تحقق ارزشها»

➤ «شایسته سالاری» و «عقلانیت الهی»:

«عقلانیت ارزشی و حرفه ای»

➤ «تدبیر و ولایت» در «مدیریت رحمانی»

➤ «قیمت گذاری» و «اولویت بندی» در ارزشهای دینی:

«حفظ ناموس و خانواده / دعوت به خیر، و نظارت عمومی و نهادی مردمی / حفظ وحدت اجتماعی و حیثیت نظام اسلامی / ...»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»
❖ فضیلت حضرت فاطمه:

▪ «انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر؛ ان شانک هو الابر» (الکوثر/۱-۳)

▪ «قال النبي صلى الله عليه و سلم فاطمة سيدة نساء أهل الجنة» (صحيح بخارى، ۲/ ۲۰۹ و ۲۱۹؛ سنن ترمذی، ۵/ ۳۲۶)

▪ «حدثنا أبو الوليد حدثنا ابن عيينة عن عمر و بن دينار عن ابن أبي مليكة عن المسور بن مخرمة:

ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال: فاطمة بضعة منى فمن أغضبها أغضبني» (صحيح بخارى، ۴/ ۲۱۹)

▪ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد ثنا إسرائيل عن ميسرة بن حبيب عن المنهال بن عمرو عن زر بن حبيش عن حذيفة قال:

سألتنى أمي: منذ متى عهدك بالنبي صلى الله عليه و سلم قال فقلت لها: (مالي به عهد) منذ كذا و كذا قال: فبالت منى و سبتني قال: فقلت لها دعيني فاني أتى النبي صلى الله عليه و سلم فاصلي معه المغرب ثم لا أدعه حتى يستغفر لي و لك؛ قال: فاتيت النبي صلى الله عليه و سلم فصليت معه المغرب فصلى النبي صلى الله عليه و سلم العشاء ثم انفتل فتبعته فعرض له عارض فناجاه ثم ذهب فاتبعته فسمع صوتي فقال(ص): من هذا؟ فقلت: حذيفة قال(ص): ما لك؟؛ فحدثته بالامر فقال(ص): غفر الله لك و لامك؛

ثم قال (ص): أما رأيت العارض الذي عرض لي قبيل قال قلت: بلى؛ قال(ص): فهو ملك من الملائكة لم يهبط الأرض قبل هذه الليلة فاستأذن ربه ان يسلم علي و يبشرني:

ان الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة؛ و ان فاطمة سيدة نساء أهل الجنة رضي الله عنهم» (مسند احمد بن حنبل، ۵/ ۳۹۳؛ نسايى، ۵۸)

▪ و بهذا الاسناد ، قال: حدثنا أبو الليث يحيى بن زيد بن العباس بالكوفة ، قال: حدثني عمي علي بن العباس ، قال : حدثنا علي بن المنذر ، قال : حدثنا عبد الله بن سالم ، عن الحسين بن زيد ، عن علي بن عمر بن علي ، عن الصادق جعفر ابن محمد ، عن أبيه ، عن علي بن الحسين ، عن الحسين بن علي ، عن علي بن أبي طالب (عليهم السلام) عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) قال : يا فاطمة ، إن الله (تعالى) ليغضب لغضبك ، و يرضى لرضاك .

قال : ف جاء سندل فقال لجعفر (عليه السلام) يا أبا عبد الله: إن هؤلاء الشباب يجيئوننا عنك بأحاديث منكرة .

فقال له جعفر (عليه السلام): و ما ذاك يا سندل؟ قال: جاءنا عنك أنك حدثتهم : أن الله (تعالى) يغضب لغضب فاطمة ، و يرضى لرضاها؟ قال: فقال جعفر (ع): أ لستم رويتم فيما تروون: أن الله يغضب لعصبة المؤمن، و يرضى لرضاها؟ قال: بلى؛

قال(ع): فما تنكر أن تكون فاطمة (عليها السلام) مؤمنة، يغضب الله (تعالى) لغضبها، و يرضى لرضاها؟! قال: فقال: صدقت، الله أعلم حيث يجعل رسالته»(امالى طوسى، ۲۲۷)

❖ حماسه ۹ دی و ایام فاطمیه و حفظ وحدت و «عبرت» از حوادث صدر اسلام در «تربیت و خودسازی»:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست چهلیم «نجما»:

❖ «کارامدی»، شرط اساسی صحت گزاره های مدیریت اسلامی:

➤ شاخصها: «اثربخشی، کارایی، هماهنگی، مصلحت»

➤ تلازم کیفیتهای اسلامی با شاخصهای کمی:

✓ تلازم «نماز با زکات» و تلازم «سهل انگاری در نماز با ریاکاری و بخل»:

▪ «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ؛ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون/۴-۷)

▪ «لاصلوة لمن لا زكوة له»

✓ تلازم نفاق با بخل و سوء خلق:

▪ «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ؛ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ؛ وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ» (ماعون/۱-۳)

▪ «خصلتان لا يجتمعان في مؤمن: البخل و سوء الخلق»

✓ تلازم نفاق با خلف وعده و عادت به دروغ:

▪ «فَاعْقِبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه/ ۷۷)

✓ تلازم نفاق با بخل و تشویق و فرمان به بخل:

▪ «الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء/ ۲۷)

✓

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ بررسی برخی از موارد و آثار منطق «ما مامور به تکلیفیم نه مامور به نتیجه»:

➤ تعارض دنیا با آخرت:

✓ «مثال منطق «توسعه گردشگری بی قید و بند امور شرعی»:

▪ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِن خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِن شَاءَ؛

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۲۸)

✓ «حفظ جان در مقابل حفظ دین» (حادثه کربلا، بازگشت امام «ره» به ایران و ...)

✓ «حفظ جان در مقابل حفظ نظام» (دفاع مقدس، مقاومت در برابر ابطال رای و ...):

▪ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۲۱۶)

▪ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ؟!»

فَمَا مَنَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه / ۲۸)

➤ تعارض نفع کوتاه مدت با نفع دراز مدت:

✓ حفظ نظام ولایت در مقابل حفظ دین حداقلی (سیره امیر مومنان در سقیفه)

✓ حفظ منافع اقتصادی سیاسی در مقابل حفظ دین و نظام (فتوای قتل سلمان رشدی)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ درآمدی به «نظام خانواده و حقوق زنان»، به مناسبت «روز زن»:

➤ «خانواده»، و «نماز»، عمود دین، و «نظام اسلامی» بر پای دارنده آن :

سلسله مراتب «امامت و رهبری عباد مرسل» و امت «حزب الله و جند الله» تابع رهبری، حافظ «خانواده و نماز»

«من تزوج فقد احرز نصف دینه؛ فلیتق الله فی النصف الباقی» (ص): (جامع احادیث الشیعه،)

«و إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ - وَ الْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ» (نهج، نامه به مالک اشتر، ۵۳)

▪ «قال رسول الله (ص): الصلاة عماد الدين فمن ترك صلاته متعمدا فقد هدم دينه و من ترك أوقاتها يدخل الويل ، و الويل واد في جهنم كما قال الله تعالى : «ويل للمصلين الذين هم عن صلاتهم ساهون» (ماعون /): (جامع الأخبار، مغربی،)

▪ «عنه، عن علي بن الحكم ، عن سيف بن عميرة ، عن عمرو بن شمر ، عن جابر ، عن أبي جعفر محمد بن علي (ع)، قال : الصلاة عمود الدين مثلها كمثل عمود الفسطاط إذا ثبت العمود يثبت الأوتاد و الأطناب ، و إذا مال العمود و انكسر لم - يثبت وتد و لا طناب» . (المحاسن، ۴۵)

▪ من كتاب له (ع) إلى عمر بن أبي سلمة المخزومي و كان عامله على البحرين:

«... و أَحَبُّتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِيَ - فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ - وَ إِقَامَةَ عَمُودِ الدِّينِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (نهج، نامه ۴۲)

«... و مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ؛ يَجْمَعُهُ وَ يَضْمُهُ - فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ؛ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا» (نهج، خ ۱۲۶)

➤ جامعه سالم، حاصل مجموعه خانواده های سالم:

«خانواده سالم، محور توسعه پایدار»

➤ خانواده، سازمان پایدار اجتماعی شبانه روزی:

«جریان احکام عمومی مدیریت و سازمان در سازمان خانواده»:

اصول وظائف عمومی مدیریت، وحدت فرمان، سلسله مراتب، و ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ زنان، پناهگاه روانی شوهر و فرزند در روابط خانوادگی، محور سلامت خانواده با شغل همسری و مادری:

✓ ازدواج و تحقق شغل همسری و مادری زنان

▪ «... و لیس الذکر کالانثی ...» (ال عمران /) / «... لتسکنوا الیها...» (روم /)

▪ «و الْوَالِدَاتُ یُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کَامِلَیْنِ...» (بقره / ۲۳۳)

▪ «جهاد المرأة حسن التبعل» (نهج،)

✓ ضرورت تعریف حق همسری و مادری زنان

▪ «و إِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ حَسِیْبًا (نساء / ۸۶)

▪ «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن / ۶۰)

➤ مردان، پناهگاه روانی زن و فرزند در روابط اجتماعی، محور سلامت اجتماعی خانواده

✓ ازدواج و مسئولیت مردان در تامین ضرورت‌های اقتصادی خانواده (نیاز به شغل اجتماعی)، و حفاظت اجتماعی

«... محصنین غیرمسافحین...» (نساء / ۲۴) / «... محصنات غیر مسافحات...» (نساء / ۲۵)

«... الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا...» (نساء / ۳۴)

«... و لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و لِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ؛ و الله عَزِیْزٌ حَکِیْمٌ» (بقره / ۲۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مبانی شخصیت زن و مرد:

➤ اشتراکات معنوی:

«رشد معرفتی/رشد ایمانی/ مراتب رشد و کمال»

➤ تمایزات مادی:

✓ تمایزات جسمی:

«ظرافت جسمی/ جذابیت و زیبایی»

✓ تمایزات روانی:

«تخیل قوی تر/ عاطفه سرشارتر/ حساسیت روحی شدیدتر»

✓ تمایزات جسمی روانی:

«بلوغ زودتر/ امکانات مادری/ ایام ماهانه/ یائسگی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست چهل و یکم «نجما»:

❖ نفس اماره و «چهار دشمن» بیرونی سرسخت «اهل ایمان و نظام اسلامی»:

▪ «عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن داود ابن سرحان قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول:

أربع لا يخلو منهن المؤمن أو واحدة منهن: مؤمن يحسده و هو أشدهن عليه ، و منافق يقغو أثره ، أو عدو يجاهده أو شيطان يغويه» (كافی، ۲ / ۲۵۰)

▪ «علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن عبد الله بن سنان ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : ما من مؤمن إلا و قد وكل الله به أربعة: شيطانا يغويه يريد أن يضلّه؛ و كافرا يغتاله (يقاتله)؛ و مؤمنا يحسده؛ و هو أشدهم عليه ، و منافقا يتبع عثراته» . (كافی، ۲ / ۲۵۱)

▪ «... ثم قال: يا سماعة، أما إنه أشدهم عليه، قلت: كيف ذلك؟ قال(ع): إنه يقول فيه القول فيصدق عليه» (كافی، ۲ / ۲۵۰) .

➤ «مومن حسود» / «منافق پیگیر نقطه ضعفها» / «کافر ستیزه جو» / «شیطان اغواگر»:

▪ «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق / ۵)

▪ «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده / ۲۰)

▪ «افْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ» (يوسف / ۹)

▪ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء / ۵۴)

▪ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُ الْخِصَامِ؛ وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْتُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمِهَادُ» (بقره / ۲۰۲-۲۰۶)

❖ «استمرار توطئه و ازار» دشمنان(رد ادعای «توهم توطئه»):

➤ «ناخوشایندی» نظامات اهل کتاب و مشرکان به «پیشرفت های نظام اسلامی»:

▪ «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۱۰۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ «حسادت شدید سران اهل کتاب به مومنان!»، و تلاش بر «کشاندن مومنان به وادی کفر»:

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/ ۱۰۹-۱۱۰)

➤ «ارتداد»، حاصل رفاقت و اطاعت از اهل کتاب و مشرکان دشمن اسلام و نظام اسلامی:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِيَدِي بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ... إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران/ ۱۱۸)

▪ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/ ۱۰۰)

▪ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ؛

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَاهُمُ النَّارُ وَ بِنَسِ مَنَوَى الطَّالِمِينَ» (آل عمران/ ۱۲۹-۱۵۱)

➤ «ازار و اذیت» مستمر اهل کتاب و مشرکان:

▪ لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا؛

وَ إِنْ تَصَبَرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/ ۱۸۶)

➤ «فتنه گری و جنگ افروزی دشمنان» برای «ارتداد اهل ایمان»:

▪ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «رسالت مستمر» نظام اسلامی و امت مسلمان:

➤ دفع فتنه دشمنان، در گرو آمادگی همه جانبه مستمر «قرهنگی، اقتصادی، سیاسی...» بویژه عرصه نظامی:

▪ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ؛ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛

وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال / ۶۰)

➤ «پذیرش صلح» در بستر «توکل بر خدا»، «اقتدار همه جانبه» و بسیج دائمی «مجاهدین اهل فقه و بصیرت»:

▪ «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران / ۱۶۰)

▪ «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛

وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال / ۶۱-۶۲)

▪ وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَعَتْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛

▪ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ؛ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال / ۶۳-۶۵)

▪ «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ إِنْ يَمَسُّنَّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ... وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران / ۱۳۹-۱۴۰)

▪ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنْ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (يوسف / ۱۰۸)

➤ رهنمود کلی فلاح و رستگاری «ایمان، هجرت، جهاد»، ملازم با «صبر، مصابره، مرابطه، تقوی»:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره / ۲۱۸)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۲۰۰)

❖ «رجب، شعبان و رمضان»، ماه رفاقت و یثره با «خدا، اهل بیت(ع)، و قرآن»:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست چهل و دوم «نجما»:

❖ منزلت اهل البيت(ع):

➤ مظاهر اكمل اسماء و صفات الهی، و واسطه فیض خدا بر عالم خلقت:

▪ «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات/۵)

▪ «و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ قَالُوا: أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُغَدِّسُ لَكَ ...؛

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ؛ فَقَالَ أُنَبِّئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/۳۰-۳۱)

➤ تعهد سپاری بر اداء سختترین مسئولیت مدیریت و رهبری نظام عالم و نظام انس و جن:

▪ «و إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (احزاب/۷)

➤ عصمت کبری و قرآن ناطق:

▪ «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)

▪ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ؛ لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/۷۷-۷۹)

➤ تربیت شده خدا و مربیان بشریت:

▪ «لا يقاس بنا احد؛ نحن صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا» (نهج،)

▪ «أبي، عن محمد العطار، عن الأشعري، عن حمدان بن سليمان عن أيوب بن نوح، عن إسماعيل الغراء عن رجل قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): اليس قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) في أبي ذر رحمة الله عليه: "ما أظلت الخضراء و لا أقلت الغبراء على ذي لهجة أصدق من أبي ذر"؟

قال(ع): بلى؛ قال : قلت: فأين رسول الله (صلى الله عليه و آله) و أمير المؤمنين ؟ و أين الحسن و الحسين ؟ !

قال: فقال(ع) لي: كم السنة شهرا؟ قال: قلت: اثنا عشر شهرا؛ قال(ع): كم منها حرم؟ قال: قلت: أربعة أشهر قال(ع): فـشهر رمضان منها؟

قال: قلت لا، قال(ع): إن في شهر رمضان ليلة (العمل فيها) أفضل من ألف شهر؛ إنا أهل البيت لا يقاس بنا أحد» (معاني الأخبار، ۵۶؛ بحار، ۲۲/ ۴۰۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ مسائل شب بعثت:

➤ مراتب معراج (معراج سه گانه):

▪ «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ» (شوری/ ۵۱)

✓ معراج عادی مستمر:

▪ «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ؛ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ؛ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (تكاثر/ ۵-۷)

▪ «صحابو الدنيا بآبدان ارواحها معلقة بالمحل الاعلى ...» (نهج، حکمت ۱۲۷) / «لقد جاوركم امس بدنى! ...» (نهج،

✓ معراج خاص (با واسطه): اخذ وحی تشریعی و وحی تسدیدی:

✓ «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا ... أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ» (شوری/ ۵۱)

✓ معراج اخص (بیواسطه): اخذ وحی تشریعی و وحی تسدیدی:

✓ «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا ...» (شوری/ ۵۱)

▪ «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم ابن محمد الجوهري، عن علي بن أبي حمزة: سأل أبو بصير أبا عبد الله (ع) و أنا حاضر فقال: جعلت فداك «كم عرج برسول الله (ص)؟» قال (ع): مرتين...» (الكافي، ۱: ۲۴۲ و ۲۴۳؛ بحار، ۱۸ / ۳۰۶)

▪ حدثنا بذلك ابن إدريس ، عن أبيه ، عن جعفر بن محمد ، عن محمد بن الحسين بن زيد (يزيد) ، عن الحسين بن علوان ، عن عمرو بن ثابت ، سأل عن الصادق (ع) ، عن الغشبية التي كانت تأخذ النبي (ص) أكانت تكون عند هبوط جبرئيل ؟

فقال (ع) : لا ، إن جبرئيل (ع) إذا أتى النبي (ص) لم يدخل عليه حتى يستأذنه ، فإذا دخل عليه قعد بين يديه قعدة العبد ،

و إنما ذلك عند مخاطبة الله عز وجل إياه بغير ترجمان و واسطة» (اكمال الدين، ۵۱؛ بحار، ۱۸ / ۲۶۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

- «الحسين بن إبراهيم القزويني، عن محمد بن وهبان، عن أحمد بن إبراهيم بن أحمد، عن الحسين بن علي الزعفراني، عن البرقي، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (ع) قال: قال بعض أصحابنا: أصلحك الله أ كان رسول الله (ص) يقول: قال جبرئيل؛ وهذا جبرئيل يأمرني، ثم يكون في حال أخرى يغمى عليه؟ قال: فقال أبو عبد الله (ع): إنه إذا كان الوحي من الله إليه ليس بينهما جبرئيل، أصابه ذلك لثقل الوحي من الله، و إذا كان بينهما جبرئيل لم يصبه ذلك فقال(ص): قال لي جبرئيل، وهذا جبرئيل» (أمالي الطوسي، ٤٩، بحار، ١٨ / ٢٤٨)
- «أبي، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم قال: أبو عبد الله (ع) كان رسول الله (ص) إذا أتاه الوحي من الله و بينهما جبرئيل (ع) يقول(ص): هو ذا جبرئيل، و قال لي جبرئيل، و إذا أتاه الوحي و ليس بينهما جبرئيل تصيبه تلك السببة و يغشاه منه ما يغشاه لثقل الوحي عليه من الله عز وجل» (المحاسن: ٣٢٨؛ بحار ١٨ / ٢٧١).

➤ شب بعثت، اولین معراج اخص پیامبر(ص):

- «و مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ ... ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى؛ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» (نجم/٣- ١٠)
- «افْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ افْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/١- ٥)
- «اللهم انى اسئلك بالتجلى الاعظم فى هذه الليلة من الشهر المعظم...» (مفاتيح الجنان، دعای شب مبعث)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ شب نبوت و ولایت:

«مدیریت و رهبری پیامبر اسلام (ص) و وزارت امیرمومنان(ع):»

- «وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ؛ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا... وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (نمل/ ۶- ۹)
- «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى؛ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى؛ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ... قَالَ: رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي؛ وَ اخْلَعْ عُقَدَةً مِنْ لِسَانِي؛ يَفْقَهُوا قَوْلِي؛ وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي؛ هَارُونَ أَخِي؛ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي؛ وَ اشْرِكْهُ فِي أَمْرِي؛ كَيْ نُسَيِّحَكَ كَثِيرًا؛ وَ نَذُكِّرَكَ كَثِيرًا؛ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» (طه/ ۱۲- ۲۵)
- «اری نور الوحي و الرسالة و اشم ریح النبوة و لقد سمعت رنة الشيطان حين نزل الوحي عليه(ص)؛ فقلت يا رسول الله ما هذه الرنة؟؛ فقال(ص): هذا الشيطان، قد ايس من عبادته؛ انك تسمع ما اسمع و ترى ما ارى؛ الا انك لست بنى؛ و لكنك لوزير ...» (نهج، خطبه فاصعه)

❖ يوم الله ۲۲ بهمن و تذکری مجدد به نقش اخر الزمانی قوم سلمان:

- رسالت خپير الهی حاکمیت، نخبگان حوزه و دانشگاه، و امت اسلامی، بویژه در جهاد فرهنگی و اقتصادی:
- «كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهيم/ ۱)
- «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهيم/ ۴)
- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهيم/ ۵)
- «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ؛ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (يونس/ ۱۲- ۱۴)
- «وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَ صَرَيْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ؛ وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ؛ فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ مَخْلِفًا وَعْدَهُ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (ابراهيم/ ۲۵- ۲۷)
- «سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ؟؛ «وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره/ ۲۱۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ ۲ پیشگوی آخر الزمانی قرآن کریم:

▪ «و قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا؛

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا؛

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوْا تَتَّبِعُونَ» (اسراء/۴-۷)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أُدْلِيَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَاجُ الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده/۵۲)

▪ «أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمْ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ التَّوْبَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» (انعام/ ۸۹)

▪ «وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد/ ۳۸)

▪ «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛

وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (جمعه/۲-۴)

➤ جنگ احزاب و پایداری اهل ایمان:

▪ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛

وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا؛

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب/۲۱-۲۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست چهل و سوم «نجما»:

❖ مولفه های اساسی جهادی زیرساختی حفظ و اعتلا نظام اسلامی:

➤ حرکت جهادی تشکیل خانواده، حفظ ناموس، ارتقاء جمعیت:

➤ احیاء جهادی مساجد و رسالت مساجد:

✓ احیاء جهادی مساجد:

«امام جماعت جهادی تراز انقلاب» / «هیئت امنای جهادی» / «بسیج مردمی حد اکثری»

✓ احیاء رسالت جهادی مساجد:

«فرهنگی»، «اقتصادی»، «اجتماعی»، «امنیتی»

«فان المساجد بیوت الله» / «المساجد مجالس الانبیاء» / «المساجد بیوت المتقین»: (ر.ک. نجما ۲۷)

➤ ارتقاء رسالت جهادی بسیج مردمی با محوریت مساجد و بسیج ازدواج:

➤ نظام تعلیم و تربیت جهادی جامع چهار مرحله ای اسلام:

✓ «معلمان و اساتید جهادی حوزوی و دانشگاهی»

✓ نظام ۴ مرحله ای «سیادت»، «عبودیت»، «وزارت» و «تولید علم»

➤ نظام رسانه جهادی:

✓ مدیریت و منابع انسانی جهادی (اهل ایمان)

✓ برنامه های «خانواده محور قرآن پایه»، مبتنی بر «بصیرت اجتماعی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ اعجاز ادیان الهی:

➤ اعجاز عمومی:

«محتوای دین خدا» / «شخصیت پیامبر خدا (ع)»

➤ اعجاز ویژه حسی:

«شتر صالح(ع)» / «عصای موسی(ع) و ...» / ...

❖ اعجاز ابدی اسلام:

▪ «و يقول الذين كفروا لست مرسلًا؛ قل كفى بالله شهيدا بيني و بينكم و من عنده علم الكتاب» (رعد/۴۲)

➤ «قرآن»:

▪ «و لو ان قرآنا سیرت به الجبال؛ او قطعت به الارض او كلم به الموتى...» (رعد/۳۱)

اعجاز علمی دائمی / اعجاز حسی گهگاهی»

➤ «من عنده علم الكتاب»: اهل البيت(ع):

«معجزه صاحب اعجاز علمی دائمی و اعجاز حسی گهگاهی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ انبیاء و معصومین(ع)، و مدیریت اعجازی و تدبیری:

➤ مدیریت اعجازی:

«مدیریت خضری (ع)» / «مدیریت ملکی (ع)»

▪ «الله یصطفی من الملائكة رسلا و من الناس ...» (حج/)

➤ مدیریت اعجازی تدبیری توأمان:

✓ «مدیریت موسوی (ع)»

✓ «مدیریت داوودی (ع)» و «مدیریت سلیمانی (ع)»، الگوی «مدیریت مهدوی»:

«سازماندهی نظام خلقت در خدمت حکومت اسلامی» / قوه قضاییه فصل الخطابی / ...»

▪ «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَي كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِّمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ؛ وَ حَشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل/۱۵-۱۷)

▪ «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِيبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرِ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ؛ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا...

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُّوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ ...» (سبأ/۱۰-۱۲)

«وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ ...» (انبیاء/۸۱) / «وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلْنَا الْخِطَابَ» (ص/۲۰)

✓ «مدیریت عیسوی (ع)»:

▪ «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَي وَالِدَتِكَ إِذْ أَبَدْتِكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تَكَلَّمَ النَّاسُ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفِخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَ إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (مائدة/ ۱۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مدیریت تدبیری قرآنی گسترده، مدیریت اعجازی محدود:

«مدیریت نبوی (ص)، علوی (ع)، فاطمی (ع)، حسنی (ع)، حسینی (ع) و ...»

▪ «و قَالُوا: لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ؟؛ قُلْ: إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ؛

أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ؟؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَ ذِكْرًا لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (عنکبوت/ ۵۰- ۵۱)

➤ مدیریت اعجازی تدبیری گسترده:

«مدیریت مهدوی(ع)»:

✓ دوره «خیزش مهدوی»:

«جهاد فرهنگی / فصل الخطابی / رفع موانع داخلی و ایجاد همبستگی و وحدت امت اسلامی / سرکوبی شیاطین بین المللی»

▪ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف/ ۸- ۹)

▪ «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِمْ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ هُوَ الَّذِي ... لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ...» (توبه ۲۲- ۲۳)

✓ دوره «استقرار نظام مهدوی»:

«سازماندهی و بسیج گسترده نظام خلقت در خدمت حکومت اسلامی / قوه قضایه فصل الخطابی / ...»

▪ «و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۱۰۵- ۱۰۶)

▪ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ

لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ؛ وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/ ۵۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

رکن حمد و الگوهای معصوم در امت اسلام:

❖ پیامبر اسلام، تجلی گاه اعظم حمد الهی و صاحب «مقام محمود» در روز قیامت:

▪ «و إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (ن و القلم / ۲)

▪ «و إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ؛

و مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ؛ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (صف / ۶)

▪ «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا؛

سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ؛

وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛

وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح / ۲۹)

▪ «و مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» (اسراء / ۷۹)

حمد و تسبیح در سیره پیامبر اسلام (ص):

▪ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ؛

وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ؛

▪ وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ» (طه / ۱۳۰-۱۳۲)

▪ «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ؛

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر / ۵۵-۵۶)

وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ؛ وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِبْرَارَ النَّجُومِ» (طور / ۴۸-۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْعُرُوبِ؛ وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَارَ السُّجُودِ؛

وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ؛ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ؛ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ إِنَّا الْبِنَا الْمَصِيرُ؛ يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ؛ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» (ق/۲۹-۲۵)

«وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرَهُ فُرطًا؛ وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ ...» (كهف/۲۸-۲۹)

«وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ وَ كَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ؛

وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ وَ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ وَ لِنَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ» (انعام/۵۲-۵۵)

❖ سیره عجیب پیامبر اسلام (ص) در تواضع بندگی و اطاعت امر خدا با وجود انجام وظائف فوق طاقت:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸)

«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (كهف/۶)

«ما عبدناك حق عبادتك ، و ما عرفناك حق معرفتك؛ ...» (ص): (بحار، ۶۸ / ۲۳)

تفسیر علی بن ابراهیم : ابي ، عن ابن ابي عمير ، عن عبد الله بن سنان ، عن ابي عبد الله عليه السلام قال :

كان رسول الله صلى الله عليه و آله في بيت أم سلمة في ليلتها ، ففقدته من الفراش ، فدخلها في ذلك ما يدخل النساء ، فقامت تطلبه في جوانب البيت حتى انتهت إليه و هو في جانب من البيت قائم رافع يديه؛ يبكي و هو يقول:

" اللهم لا تنزع مني صالح ما أعطيتني أبدا؛ اللهم لا تشمت بي عدوا و لا حاسدا أبدا؛

اللهم و لا تردني في سوء استنذتني منه أبدا؛ اللهم و لا تكلني الى نفسى طرفة عين أبدا» (قمي، ۲ / ۷۵؛ بحارالانوار، ۱۶ / ۲۱۸ ، ۹۲ / ۲۵۲)

«الهي لاتسلبني صالح ما انعمت به على ابدا؛ و لا تردني في سوء اخرجتني منه ابدا؛ و ...» ذكر سجده نيمه شب پیامبر (ص) در قبرستان بقیع

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ تسبیح و حمد در سیره پیامبر اسلام(ص) و نگرش پر امید آخر الزمانی به نظام اسلامی:

«با وجود علم به مشکل آفرینی بر سر راه مدیریت و رهبری اهل بیت(ع) از پس رحلت»:

▪ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ؛ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/۱-۲)

▪ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...؛ وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (جمعه/۲-۲)

▪ «و من روایة محمد بن عیسی بن مسکین القاضی، عن سحر یرفعه إلی [ابن] مسعود ، أنه قال: كنا عند رسول الله صلى الله عليه و آله يوما إذ جاء إليه فئة من بني هاشم، فلما راهم تغير وجهه، و أطرق، فقلنا: يا رسول الله إنا نرى وجهك الذي ننكره .

فقال : إنا أهل بيت اختار الله لهم الآخرة على الدنيا ، و [إن أهل بيتي] سيلقون بعدي تطريدا و تشريدا حتي يقوم رجل من أهل بيتي يملأها عدلا و قسطا ، كما ملئت ظلما و جورا ، فمن أدركه فليأته و لو حبوا على الثلج» . (شرح الاخبار، قاضی نعمان، ۳ / ۲۶۰)

▪ «حدثنا عثمان بن أبي شيبة . ثنا معاوية بن هشام . ثنا علي بن صالح عن يزيد بن أبي زياد ، عن إبراهيم ، عن علقمة ، عن عبد الله ، قال : بينما نحن عند رسول الله صلى الله عليه و سلم إذ أقبل فتية من بني هاشم(فيهم الحسن و الحسين). فلما راهم النبي صلى الله عليه و سلم ، (التزمهم و انهملت) أغرورقت عيناه و تغير لونه؛ قال، فقلت: ما نزال نرى في وجهك شيئا نكرهه .

فقال " إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا . و إن أهل بيتي سيلقون بعدي بلاء و تشريدا و تطريدا . حتى يأتي قوم من قبل المشرق؛ معهم رايات سود؛ فيسألون الخير (الحق)، فلا يعطونه؛ (ثم يسألونه فلا يعطونه) فيقاتلون فينصرون .

فيعطون ما سألوا . فلا يقبلونه؛ حتى يدفعوها إلى رجل من أهل بيتي فيملؤها قسطا ، كما ملؤها جورا؛

فمن أدرك ذلك منكم ، فليأتهم و لو حبوا على الثلج»(سنن ابن ماجه، ۲ / ۱۲۶۶؛ مستدرک حاکم، ۴ / ۲۶۲؛ كنز العمال، ۱۴ / ۲۶۷)

▪ حدثنا حرمله بن يحيى المصري، وإبراهيم بن سعيد الجوهري، قالا : ثنا أبو صالح عبد الغفار بن داود الحراني. ثنا ابن لهيعة عن أبي زرعة عمرو بن جابر الحضرمي ، عن عبد الله بن الحرث بن جزء الزبيدي، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم:

«يخرج ناس من المشرق؛ فيوطنون للمهدى؛»؛ يعني سلطانه». (سنن ابن ماجه، ۲ / ۱۲۶۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مشکل آفرینی برخی از همسران در خانواده و رهبری جامعه:

«... إن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؛

عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (تحریم/۴-۵)

«حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا محمد بن جعفر قال ثنا شعبة عن إسماعيل بن أبي خالد عن قيس بن أبي حازم:

ان عائشة قالت لما أتت على الحوآب سمعت نباح الكلاب فقالت: ما أظنني الا راجعة ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال لنا:

أيتكن تنبح عليها كلاب الحوآب؟! فقال لها الزبير: ترجعين؟! عسى الله عز وجل ان يصلح بك بين الناس؟!» (مسند احمد بن حنبل، ۶ / ۹۷)

«رواه أحمد و أبو يعلى و البزار و رجال أحمد رجال الصحيح»: (مجمع الزوائد هيثمى، ۷ / ۲۳۴)؛

«صححه ابن حبان و الحاكم و سنده على شرط الصحيح»: (فتح البارى، ابن حجر، ۱۳ / ۴۵)

«و عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم لنسائه: «ليت شعري أيتكن صاحبه الجمل الأدب تخرج فينبحها كلاب الحوآب يقتل

عن يمينها و عن يسارها قتلى كثير ثم تنجو بعد ما كادت؟!» (كنز العمال، ۱۱ / ۲۳۴)؛ رواه البزار و رجاله ثقات:

(مجمع الزوائد هيثمى، ۷ / ۲۳۴)؛ فتح البارى، ابن حجر، ۱۳ / ۴۵)؛ «و كذا ساق ابن عبد البر (الاستيعاب، ۲ / ۱۸۸۵) باسناده من طريق عصام بن قدامة

عن عكرمة عن ابن عباس - رضي الله عنهما - و قال : «هذا الحديث من أعلام النبوة؛ و عصام ثقة و سائر الاسناد أشهر من أن يحتاج لذكره»؛

«فهذا ما أخبر به - صلى الله عليه و سلم - نحو هذه المعركة التي وقعت في جمادى الآخرة سنة ست و ثلاثين». (مسند ابن راهويه، ۲ / ۲۲)

«و سمعت عائشة في طريقها نباح كلاب فقالت: ما يقال لهذا الماء الذي نحن به؟! قالوا: الحوآب فقالت: إنا لله و إنا إليه راجعون ردوني ردوني

فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول: و عنده نساؤه: «أيتكن ينبحها كلاب الحوآب؟!» و عزمت على الرجوع؛ فأتاها عبد الله بن الزبير

فقال: كذب من زعم أن هذا الماء الحوآب، و جاء بخمسين من بني عامر فشهدوا و حلفوا على صدق عبد الله» (انساب الاشراف، بلاذرى، ۲ / ۲۳۴)

و عن النعمان بن بشير قال استأذن أبو بكر على رسول الله صلى الله عليه و سلم فسمع صوتا عائشة عاليا و هي تقول:

و الله لقد عرفت ان عليا و فاطمة أحب إليك منى و من أبى مرتين أو ثلاثا فاستأذن أبو بكر فأهوى إليها فقال: يا بنت فلانة لا أسمعك ترفعين صوتك

على رسول الله صلى الله عليه وسلم» قلت رواه أبو داود غير ذكر على و فاطمة رواه أحمد و رجاله رجال الصحيح» (مجمع الزوائد، هيثمى، ۹ / ۲۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مشکل آفرینی بنی امیه در مدیریت و رهبری جامعه:

▪ «و إِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ ...» (اسراء / ۶۰)

▪ «و روی ابن مردویه عن عبد الرزاق عن أبيه عن مينا، مولى عبد الرحمن بن عوف: أن عائشة رضي الله عنها، قالت لمروان:

أشهد أني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم، يقول لك ولأبيك ولجدك: إنكم الشجرة الملعونة في القرآن» (مناقب على بن ابى طالب (ع)، ابن مردويه، ۱۶۲)

▪ و روی ابن أبي حاتم من حديث عبد الله بن عمرو: أن الشجرة الملعونة في القرآن الحكم بن أبي العاص و ولده» (عمده القارى، العينى، ۱۹ / ۳۰)

▪ قوله تعالى: «و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونة في القرآن»؛

فإن المفسرين قالوا: إنه رأى بنى أمية ينزون على منبره نزو القردة، هذا لفظ رسول الله صلى الله عليه و آله الذي فسر لهم الآية به، فسأه ذلك؛ ثم قال (ص): الشجرة الملعونة بنو أمية و بنو المغيرة؛

و نحو قوله صلى الله عليه وآله: "إذا بلغ بنو أبى العاص ثلاثين رجلا اتخذوا مال الله دولا و عباده خولا» (شرح ابن ابى الحديد، ۹ / ۲۲۰)

➤ تلفیق سیاست نرمش و مدارا و جذب حداکثری با قاطعیت و شدت عمل، در سیره پیامبر(ص):

▪ «و مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَدْنُ؛ قُلْ: أَدْنُ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه / ۶۱)

▪ «و إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ... أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ؛

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء / ۶۱-۶۳)

▪ «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بُئْسَ الْمَصِيرُ؛

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا؛ وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمُومًا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَ مَا يَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَ إِنْ يَتُوبُوا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (توبه / ۷۲-۷۴)

▪ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان / ۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ رکن حمد و سیره نمادین پیامبر(ص) در رفت و آمد، نفی عادتها و تشویق خلاقیتها:

▪ «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن إسماعیل بن همام، عن أبي الحسن عليه السلام قال: أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله حين غدا من منى في طريق صب، و رجع ما بين المأزمين، و كان إذا سلك طريقا لم يرجع فيه» (الكافي، ۱ / ۲۳۴؛ بحار، ۲۱ / ۳۹۵).

▪ رکن حمد و جهاد اکبر:

▪ «علي، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله (ع) أن النبي صلى الله عليه وآله بعث بسرية فلما رجعوا قال(ص): **مرحبا بقوم** **قضوا الجهاد الأصغر و بقي الجهاد الأكبر**، قيل: يا رسول الله و ما الجهاد الأكبر؟ قال(ص): **جهاد النفس**» (فروع الكافي، ۱ / ۳۳۰؛ بحار، ۱۹ / ۱۸۲)

❖ رکن حمد و ثبات و صلابت در جهاد:

▪ «كنا إذا احمر البأس اتقينا برسول الله صلى الله عليه وآله ، فلم يكن أحد منا أقرب إلى العدو منه» (نهج، ؛ بحار، ۱۹ / ۱۹۱)

❖ رکن حمد و دفع جنگ شناختی روانی شیاطین:

▪ «محمد بن یحیی، عن ابن عیسی، عن ابن أبي عمير، عن أبان، عن زرارة، عن أبي جعفر(ع) قال:

كان إبليس يوم بدر يقلل المؤمنين في أعين الكفار و يكثر الكفار في أعين الناس، فشد عليه جبرئيل عليه السلام بالسيف فهرب منه و هو يقول: يا جبرئيل إني مؤجل؛ حتى وقع في البحر، قال زرارة: فقلت لأبي جعفر عليه السلام: لأي شئ كان يخاف و هو مؤجل؟ قال(ع): يقطع بعض أطرافه» (روضه الكافي، ۲۷۷؛ بحار، ۱۹ / ۲۰۵)

❖ رکن حمد و ذکر امدادی توحید در جنگ بدر:

▪ «ياسناده عن وهب القرشي عن الصادق عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام قال: رأيت الخضر عليه السلام في المنام قبل بدر بليلة فقلت له: علمني شيئا انصر به على الأعداء، فقال(ع): قل: " **يا هو يا من لا هو إلا هو** " فلما أصبحت قصصتها على رسول الله صلى الله عليه وآله و آله فقال لي: **يا علي علمت الاسم الأعظم**، و كان على لساني يوم بدر» (التوحيد: ۷۴ و ۷۵؛ بحار، ۱۹ / ۲۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد، و حرمت عظیم مسلمانان و حیثیت نظام اسلامی:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۹۴)

قيل : نزلت في أسامة بن زيد و أصحابه بعثهم النبي صلى الله عليه و آله سرية فلقوا رجلا قد انحاز بغنم له إلى جبل ، و كان قد أسلم ، فقال لهم : السلام عليكم ، لا إله إلا الله ، محمد رسول الله ، فبدر إليه أسامة فقتله ، و استاقوا غنمه عن السدي ،

و روي عن ابن عباس و قتادة أنه لما نزلت الآية حلف أسامة أن لا يقتل رجلا قال: لا إله إلا الله؛

و بهذا اعتذر إلى علي عليه السلام لما تخلف عنه ، و إن كان عذره غير مقبول لوجوب طاعة الامام ،

«قيل : نزلت في محلم بن خثامة (جثامه) الليثي ، و كان بعثه النبي صلى الله عليه و آله في سرية فلقه عامر بن الأصبط الأشجعي ، فحياه بتحية الاسلام ، و كان بينهما أختة (احنه = حقد)) فرماه بسهم فقتله ، فلما جاء إلى النبي صلى الله عليه و آله جلس بين يديه و سأله أن يستغفر له ، فقال صلى الله عليه و آله لا غفر الله لك ، فانصرف باكيا ، فما مضت عليه سبعة أيام حتى هلك و دفن فلفظته الأرض ، فقال صلى الله عليه و آله لما أخبر به : إن الأرض يقبل من هو شر من محلم صاحبكم و لكن الله أراد أن يعظم من حرمتكم ، ثم طرحوه بين صدفي الجبل و ألقوا عليه الحجارة، و نزلت الآية ، عن الواقدي و محمد بن إسحاق رواية عن ابن عمر و ابن مسعود» (سيرة ابن هشام، ۲ / ۳۰۲؛ بحار، ۱۹ / ۱۴۸)

▪ بإسناده عن موسى بن جعفر ، عن آبائه ، عن أمير المؤمنين (ع) لما بعثني رسول الله (ص) إلى اليمن قال: يا علي: لا تقاتل أحدا حتى تدعوه إلى الاسلام؛ و أيم الله لئن يهد الله على يدك رجلا خيرا لك مما طلعت عليه الشمس و لك ولاؤه» (نوادير الراوندي : ۲۰ ؛ بحار، ۱۹ / ۱۶۷)

▪ «علي ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن معاوية بن عمار قال : أظنه عن أبي حمزة الثمالي ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال :

كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا أراد أن يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ، ثم يقول :

" سيروا بسم الله و بالله ، و في سبيل الله ، و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله ،

و لا تغلوا ، و لا تمثلوا ، و لا تغدروا ، و لا تقتلوا شيئا فانيا و لا صبيا و لا امرأة ، و لا تقطعوا شجرا إلا أن تضطروا إليها ،

و أيما رجل من أدنى المسلمين أو أفضلهم نظر إلى رجل من المشركين فهو جار حتى يسمع كلام الله ، فان تبعكم فأخوكم في الدين ، و إن أبي فأبلغوه مأمنه ، و استعينوا بالله عليه» . (فروع الكافي ۱ / ۳۳۴ ؛ بحار، ۱۹ / ۱۷۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد، جنگ احد و وصیت شهید غرقه به خون مدافع ارزشها و نظام اسلامی:

▪ «فلما سكن القتال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من له علم بسعد بن الربيع ؟ فقال رجل : أنا أطلبه ، فأشار رسول الله صلى الله عليه وآله إلى موضع فقال : اطلبه هناك فإنني قد رأيته في ذلك الموضع قد شرعت حوله اثنا عشر رمحا ،

قال فأتيت ذلك الموضع فإذا هو صريع بين القتلى ، فقلت : يا سعد فلم يجبني ، ثم قلت يا سعد فلم يجبني فقلت :

يا سعد إن رسول الله صلى الله عليه وآله قد سألك عما أنت عليه ، فرفع رأسه فانتعش كما ينتعش الفرح ، ثم قال : إن رسول الله صلى الله عليه وآله لحي ؟ قلت : إي والله إنه لحي ، و قد أخبرني أنه رأى حولك اثني عشر رمحا فقال: الحمد لله ، صدق رسول الله صلى الله عليه وآله ، قد طعنت اثني عشر طعنة كلها قد جافتني،

أبلغ قومي الأنصار السلام و قل لهم : و الله ما لكم عند الله عذر إن تشوك رسول الله صلى الله عليه وآله شوكه و فيكم عين تطرف ، ثم تنفس فخرج منه مثل دم الجزور ، و قد كان احتقن في جوفه ، و قضى نحبه رحمه الله .

ثم جئت إلى رسول الله صلى الله عليه وآله و أخبرته فقال : " رحم الله سعدا نصرنا حيا و أوصى بنا ميتا " . (بحار، ٢٠ / ٤٢)

❖ رکن حمد، و حنظله غسيل الملائكة فرزند و داماد منافقين و سرکردگان اشرار جنگ احد:

▪ «و كان حنظلة بن أبي عامر (الراهب) رجل من الخزرج تزوج في تلك الليلة التي كانت صبيحتها حرب أحد بنت عبد الله بن أبي بن سلول، و دخل بها في تلك الليلة، و استأذن رسول الله صلى الله عليه وآله أن يقيم عندها، فأذن الله:

" إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنه إن الذين يستأذنونك أولئك الذين يؤمنون بالله و رسوله فإذا استأذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم...» (نور/٤٢)

فأذن له رسول الله صلى الله عليه وآله؛ ... فأصبح و خرج و هو جنب ، ...؛ فبعثت امرأته إلى أربعة نفر من الأنصار لما أراد حنظلة أن يخرج من عندها و أشهدت عليه أنه قد واقعها ، فقيل لها : لم فعلت ذلك ؟ قالت : رأيت في هذه الليلة في نومي كأن السماء قد انفرجت فوقع فيها حنظلة ، ثم انضمت ، فعلمت أنها الشهادة ، ... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : " رأيت الملائكة تغسل حنظلة بين السماء و الأرض بماء المزن في صحائف من ذهب " فكان يسمى غسيل الملائكة» (بحار، ٢٠ / ٥٧)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ رکن حمد و حسادت سران منافق و کافر سیاسی و فرهنگي به جایگاه پیامبر(ص):!

➤ عبدالله ابن ابی (بن سلول) خزرچی: (مدعی حکومت):!

➤ امیه بن ابی الصلت ثقفی: (شاعر توحیدی جاهلیت و مدعی نبوت):!

«لك الحمد و النعماء و الفضل ربنا و لا شئ أعلى منك جدا و أمجد /مليك على عرش السماء مهيمن لعزته تعنو الوجوه و تسجد» (الاصابه، ۸ / ۲۶۱)

▪ «الفارعة بنت أبي الصلت ، أخت أمية بن أبي الصلت الثقفی . قدمت على رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و سلم بعد فتح الطائف ...؛ و قال لها يوما: هل تحفظين من شعر أخيك شيئا ؟ فأخبرته خبره ...؛ فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و سلم:

يا فارعة، كان مثل أخيك كمثل الذي آتاه الله آياته فانسلخ منها فأتبعه الشيطان فكان من الغاوين (اعراف/۱۷۵)» (الاستيعاب، ابن عبد البر، ۴ / ۱۸۹۰)

❖ رکن حمد و «مُصعب بن عُمير»، اشرف زاده عاشق خدا و رسول خدا (ص):!

«انظروا إلى رَجُلٍ قَد نَوَّرَ اللهُ قَلْبَهُ، و لَقَدْ رَأَيْتُهُ و هُوَ بَيْنَ أَبَوَيْهِ يُعَدِّيَانِهِ بِأَطْيَبِ الْأَطْعِمَةِ و أَلْيَنِ اللَّبَاسِ، فَدَعَاهُ حُبُّ اللهِ و رَسُولِهِ إِلَى ما تَرَوْنَ» (تنبیه الخواطر، ۱ / ۱۵۲)

❖ رکن حمد و تعارض حق الله و الرسول با حق والدين:

▪ «إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله و الله يعلم إنك لرسوله والله يشهد إن المنافقين لكاذبون؛ اتخذوا إيمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله إنهم ساء ما كانوا يعملون... يقولون: لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجن الأعز منها الأذل ...» (منافقون /)

▪ «... و كان عبد الله بن أبي بقرب المدينة فلما أراد أن يدخلها جاء ابنه عبد الله بن عبد الله حتى أناخ على مجامع طرق المدينة ، فقال: ما لك و بيلك؟ قال: و الله لا تدخلها إلا بإذن رسول الله صلى الله عليه و آله ، و لتعلمن اليوم من الأعز و من الأذل ، فشكا عبد الله ابنه إلى رسول الله صلى الله عليه و آله فأرسل إليه أن خل عنه يدخل ، فقال: أما إذا جاء أمر رسول الله فنعم ، فدخل فلم يلبث إلا أياما قلائل حتى اشتكى و مات ، فلما نزلت هذه الآيات و بان كذب عبد الله قيل له : إنه نزل فيك أي شداد فاذهب إلى رسول الله صلى الله عليه و آله يستغفر لك ، فلوى رأسه ثم قال :

أمرتموني أن أؤمن فقد آمنت ، و أمرتموني أن أعطي زكاة مالي فقد أعطيت ، فما بقي إلا أن أسجد لمحمد!» (بحار، ۲۰ / ۲۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد، حرمت زنان مهاجر مسلمان، و حرمت تعهدات بین المللی:

▪ . و إن أم كلثوم بنت عقبة بن أبي معيط جاءت مسلمة مهاجرة من مكة فجاء أخوها إلى المدينة فسألا رسول الله صلى الله عليه وآله ردها عليهما ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : " إن الشرط بيننا في الرجال لا في النساء " فلم يردّها عليهما» (بحار، ۲۰ / ۲۳۹)

▪ «...فجاءت سبيعة بنت الحارث الأسلمية مسلمة بعد الفراغ من الكتاب و النبي صلى الله عليه وآله بالحديبية، فأقبل زوجها مسافر من بني مخزوم (و قال مقاتل : هو صيفي بن الراهب) في طلبها ، و كان كافرا ، فقال : يا محمد أردد علي امرأتي فإنك قد شرطت لنا أن ترد علينا من أتاك منا ، و هذه طينة الكتاب لم تجف بعد فنزلت الآية :

" يا أيها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنات مهاجرات " من دار الكفر إلى دار الاسلام " فامتحنوهن "

قال ابن عباس : امتحانهن ، إن يستحلفن ما خرجن من بغض زوج و لا رغبة عن أرض إلى أرض ، و لا التماس دنيا ، و لا خرجت إلا حبا لله و لرسوله ، فاستحلفها رسول الله صلى الله عليه وآله ما خرجت بغضا لزوجها ، و لا عشقا لرجل منا ، و ما خرجت إلا رغبة في الاسلام ، فحلفت بالله الذي لا إله إلا هو على ذلك ، فأعطى رسول الله صلى الله عليه وآله و آله زوجها مهرها و ما أنفق عليها و لم يردّها عليه...» (بحار، ۲۰ / ۲۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ **رکن حمد، جنگ احد، و اعجاز الهی به رزمنده تازه داماد:**

▪ «و أصیبت یومئذ عین قتادة بن النعمان حتی وقعت علی وجنته ، قال : فجنثت إلی النبی صلی الله علیه و آله و قلت:

یا رسول الله إن تحتی امرأة شابة جمیلة أحبها و تحبني ، فأنا أخشى أن تغدر مکان عیني ، فأخذها رسول الله صلی الله علیه و آله فردها فأبصرت و عادت کما كانت لم تؤلمه ساعة من لیل أو نهار ، فكان یقول بعد أن أسن: هي أقوى عیني، و كانت أحسنهما».

❖ **رکن حمد، دفاع مقدس، حضرت امام «ره»، و اعجاز الهی به رزمنده تازه داماد:**

▪ «آقای رحمانی، که الآن مسؤول عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی است، تعریف می‌کرد...: روزی آقای غلام‌حسین کرباسچی زنگ زد و گفت: در اصفهان جوانی را با دختری نامزد و یا حالا عقد کرده بودند؛ این جوان مدتی بعد به جبهه رفته و بر اثر انفجار موشک یا گلوله توپی در نزدیکی‌اش شنوایی‌اش را از دست داده و علاوه بر آن کر و لال شده است. حالا که از جبهه برگشته خانواده دختر می‌گویند که پسر معیوب است و ما دخترمان را نمی‌دهیم و مسأله دارد خیلی حاد می‌شود. خانواده پسر هم این عذر را قبول نمی‌کنند و می‌گویند: نه خیر، ایشان عیالش است، موضوع تمام شده و عروس باید مال ما باشد! وضعیت به گونه‌ای است که خدای ناکرده احتمال می‌رود درگیری و خونریزی پیش بیاید لذا هر چه فکر کردیم چاره‌ای نیافتیم، هیچ میانجیگری و واسطه‌ای هم کارساز نبود لذا از تو می‌خواهم یک وقتی تعیین شود این جوان بیاید خدمت امام و این آخرین تیری است که در کمان ماست، ان شاءالله که فرجی شود. رحمانی می‌گفت این داستان را خدمت امام عرض کردم، ایشان فرمودند: بگویند بیاید. قرار گذاشتیم و در روز موعود که من هم خدمت امام بودم دو نفر جوان آمدند. یکی از آنها خودش را معرفی کرد و گفت که این هم برادر من است از پیش وقت گرفته شده است. من دست این دو جوان را گرفتم و پیش امام بردم، آنها آذری‌زبان بودند. به ایوان بالا رفتیم. حضرت امام روی صندلی نشسته بودند. این دو جوان وقتی امام را دیدند بی‌اختیار مثل باران بهاری اشک ریختند که طبیعی بود چون هر کس چشمش به امام می‌افتاد اشک از چشمانش جاری می‌شد. من خدمت امام آمدم و عرض کردم که آقا این جوان همان کسی است که در جبهه آن حادثه برایش پیش آمده است. امام تا موضوع یادشان آمد آن جوان را صدا کردند و گفتند بیا جلو.

آن جوان به امام نزدیک شد و در همان لحظه امام یک کشیده خواباند در گوشش و فرمود که گت (برو)!.

خیلی وا رفتیم، این چه حرکتی بود که امام کرد. هیچی، دست آن دو را گرفتم و پایین آمدم و وارد حیاط شدیم، اما این دو نفر بیرون نمی‌رفتند، همین طور منقلب نگاه می‌کردند. ملاقات‌های امام تمام شد، ایشان دوباره چشمشان به آن دو نفر افتاد که در گوشه‌ای نشسته بودند. گفتند چرا این‌جا نشسته‌اند، بلند شوند بروند. به آن دو جوان گفتیم بفرمایید بیرون و آنها هم رفتند. لحظاتی طول نکشید که یک مرتبه در کوچه همه‌های به راه افتاد و فریاد الله اکبر به گوش رسید. رفتیم ببینیم چه خبر است؟ دیدیم که آن جوان عافیت و سلامتی‌اش را باز یافته است. موضوع را به امام گفتیم و ایشان فرمودند زود به آنها بگویند راهشان را بگیرند و بروند و معطل نشوند» (خاطرات سال‌های نجف، قوچانی، ۱/ ۲۱۲-۲۱۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست چهل و چهارم «نجم»:

❖ «ملائکه» و «امداد و جنگ» شناختی و روانی:

➤ آغاز «بعثت» و «امداد و جنگ» شناختی و روانی ملائکه:

▪ «و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً؛ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان / ۳۲)

▪ «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى؛ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى؛ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى؛ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى؛ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؛ كَلَّا؛ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهَ لِنَسْفَعَنَّ بِالنَّاصِيَةِ؛ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ؛ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ؛ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ...» (علق / ۱۰-۱۸)

➤ گسترش «بعثت» و «امداد و جنگ» شناختی و روانی ملائکه:

▪ «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (شوری / ۵۱-۵۲)

▪ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت / ۳۰-۳۲)

➤ «جنگ بدر»، و «امداد و جنگ» شناختی و روانی ملائکه:

➤ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ كُفْرَكُمْ بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِفِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَاصْرَبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ ذَلِكَ فَذُوقُوهُ وَ أَنْ لِلْكَافِرِينَ عَذَابُ النَّارِ» (انفال / ۹-۱۲)

▪ «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئْتَيْنِ التَّفَا فِتْنَةً تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى كَافِرَةٌ؛ بَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ؛

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران / ۱۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

- وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ؛ بَلَى إِنْ تَصِيرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ؛ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ» (ال عمران/ ۱۲۴-۱۲۷)

➤ جنگ احزاب، و جنگ شناختی و روانی ملائکه:

- «سَنَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَاهُمُ النَّارُ وَ بِنَسِ مَثْوَى الظَّالِمِينَ» (آل عمران/ ۱۵۱)
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَا؛ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا» (احزاب/ ۹- ۱۱)
- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ ... ؛ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا؛ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ (احزاب/ ۲۱- ۲۴)

❖ آسیب شناسی جنگ احد:

- «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (آل عمران/ ۱۵۵)
- «أَوْ لَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِنْهَا فَلْتَمَّ: أَلَمْ يَكُنْ هَذَا؟؛ قُلْ: هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ؛ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ال عمران/ ۱۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «جنگ احد و احزاب» و «جنگ شناختی روانی» دشمنان داخلی و بیرونی نظام اسلامی:

«طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران/ ۱۵۴)

و إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ؛ وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ...» (احزاب/ ۱۲-۱۳)

«أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ؛ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (احزاب/ ۱۹)

❖ «اقدامات شیطانی و ضد انسانی» دشمنان نظام اسلامی،

و ضرورت «قاطعیت برخورد سخت» همه جانبه در کنار «اقدامات اصلاحی» همه جانبه:

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/ ۶۰-۶۲)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/ ۳۳-۳۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ امام زمان(ع) و نظارت بر اعمال و حفاظت از پیروان:

▪ «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ؛ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ؛ كِتَابٌ مَرْفُومٌ؛ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ؛

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ؛ ... يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ؛ ... وَ مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ؛ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (مطففين/ ۱۸- ۲۸)

➤ توقيع امام زمان (ع) به شیخ مفید:

▪ «... إنا غير مهملين لمراعاتكم، و لا ناسين لذكركم، لولا ذلك لنزل بكم الأواء، و اصطلمكم الأعداء...» (احتجاج، ۲/ ۳۲۳؛ بحار، ۵۳/ ۱۷۶) شش ۵

❖ نظام مهدوی، و عقلانیت الهی:

▪ «و النَّازِعَاتِ غَرْقًا؛ وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا؛ وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا؛ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا؛ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات/ ۱- ۵)

▪ «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/ ۱۰)

▪ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲)

▪ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال/ ۵۵- ۵۶)

▪ «و قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُخِّفَا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/ ۱۰- ۱۱)

▪ «حدثنا جعفر بن محمد بن محمد بن مسرور قال : حدثنا الحسين بن محمد بن عامر ، عن المعلي بن محمد البصري ، عن الحسن بن علي الوشاء ، عن مثني الحنيط ، عن قتيبة الأعشى ، عن ابن أبي يعفور ، عن مولى لبني شيبان ، عن أبي جعفر (الباقر) عليه السلام

قال : إذا قام قائمنا عليه السلام وضع يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها أحلامهم» (كافي، ۱/ ۲۵؛ كمال الدين، ۶۷۵).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نظام مهدوی، و یاوران مجاهد:

«... فَصَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ... وَ فَصَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/ ۹۵)

▪ «حدثنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس، قال: حدثنا أبو سليمان، أحمد بن هوزة الباهلي، قال: حدثنا إبراهيم بن إسحاق النهاوندي، قال: حدثنا عبد الله بن حماد الأنصاري، عن المفضل بن عمر، قال: " كنت عند أبي عبد الله (ع) بالطواف، فنظر إلي، و قال:

يا مفضل، ما لي أراك مهموما متغير اللون؟؛ قال: فقلت له: جعلت فداك، نظري إلى بني العباس و ما في أيديهم من هذا الملك و السلطان و الجبروت، فلو كان ذلك لكم لكننا فيه معكم، فقال(ع): يا مفضل،

أما لو كان ذلك لم يكن إلا سياسة الليل، و سباحة النهار، و أكل الجشب، و لبس الخشن، شبه أمير المؤمنين (ع) و إلا فالنار، فزوى ذلك عنا فصرنا نأكل و نشرب و هل رأيت ظلامه جعلها الله نعمة مثل هذا؟ !» (غيبت نعماني، ۲۹۷؛ بحار الأنوار، ۵۲ / ۲۵۸)

▪ «حدثنا علي بن أحمد بن موسى رضي الله عنه قال : حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال : حدثنا محمد بن إسماعيل البرمكي قال : حدثنا إسماعيل بن مالك ، عن محمد بن سنان ، عن أبي الجارود زياد بن المنذر ، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر ، عن أبيه ، عن جده عليهم السلام قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام - وهو على المنبر - : يخرج رجل من ولدي في آخر الزمان ... ،

و وضع يده على رؤوس العباد فلا يبقى مؤمن إلا صار قلبه أشد من زبر الحديد ، و أعطاه الله تعالى قوة أربعين رجلا ، ...» (كمال الدين، صدوق، ۶۵۲)

❖ نظام مهدوی، و ۳۱۳ فرمانده مجاهد اهل يقين:

▪ «كَلَّا؛ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ؛ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ؛ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (تكاثر/ ۵-۷) / «و شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَصَّلَ الْخِطَابِ» (ص/ ۲۰)

▪ «أحمد بن محمد ، عن ابن سنان ، عن أبان قال : سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول :

لا يذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة آل داود لا يسأل عن بيته ، يعطي كل نفس حكمها» .(بصائر الدرجات، ؛ بحار، ۵۲ / ۲۳۰)

▪ «أخبرنا أحمد بن هوزة الباهلي ، قال : حدثنا إبراهيم بن إسحاق النهاوندي ، قال : حدثنا عبد الله بن حماد الأنصاري ، عن عبد الله بن بكير ، عن حمران بن أعين ، عن أبي جعفر (ع) أنه قال: ...

و تؤتون الحكمة في زمانه حتى أن المرأة لتقضي في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله (ص)» (غيبت نعماني، ۲۴۵؛ بحار، ۵۲ / ۲۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ قوم آخر الزمانی اهل قرآن، برادران پیامبر اسلام (ص):

▪ «ابن معروف، عن حماد بن عيسى، عن أبي الجارود، عن أبي بصير عن أبي جعفر (ع) قال: قال رسول الله (ص) ذات يوم و عنده جماعة من أصحابه: " اللهم لفتني إخواني " مرتين فقال من حوله من أصحابه: " أما نحن إخوانك يا رسول الله؟

فقال (ص): لا ، إنكم أصحابي و إخواني قوم في آخر الزمان آمنوا و لم يروني ، لقد عرفنيهم الله بأسمائهم و أسماء آبائهم، من قبل أن يخرجهم من أصلاب آبائهم و أرحام أمهاتهم ، لأحدهم أشد بقية على دينه من خراط القتاد في الليلة الظلماء ، أو كالقايض على جمر الغضا ، أولئك مصابيح الدجى ، ينجيهم الله من كل فتنة غبراء مظلمة». (بصائر الدرجات ، بحار، ١٢٤ / ٥٢)

▪ «محمد بن علي بن الشاه ، عن أحمد بن محمد بن الحسن ، عن أحمد بن خالد الخالدي ، عن محمد بن أحمد بن صالح التميمي ، عن محمد بن حاتم القطان عن حماد بن عمرو ، عن الصادق ، عن آبائه (ع) قال : قال النبي (ص) لعلي (ع):

يا علي ! و اعلم أن أعظم الناس يقينا قوم يكونون في آخر الزمان ، لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجة فأمنوا بسواد في بياض!». (كافي، ١ / ٣٣١؛ إكمال الدين، ٢ / ٢٥٧؛ بحار، ٥٢ / ١٢٥)

▪ «ابن عقدة، عن علي بن الحسن ، عن الحسن و محمد ابني [علي بن] يوسف عن سعدان بن مسلم ، عن صباح المزني ، عن الحارث بن حصيرة عن حبة العرنبي قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام :

كأنني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة ، و قد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما انزل ، ...» (الغيبة للنعماني، ؛ بحار، ٥٢ / ٢٦٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ رکن حمد در سیره مداراتی توحیدی عاشقانه عجیب امیر مومنان(ع) با وجود شدت مظلومیت و عربت:

▪ «... فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا...» (نهج، خ شغشقیه، ۳)

▪ «فَإِنْ أَقْلُ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَى الْمُلْكِ - وَ إِنْ أَسْكُتُ يَقُولُوا جَزَعٌ مِنَ الْمَوْتِ - هَيْهَاتَ بَعْدَ اللَّيْلِ وَالنَّيِّ - وَ اللَّهُ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِالْمَوْتِ - مِنَ الطِّفْلِ بِئَدَى أُمِّهِ - بَلِ انْدَمَجَتْ عَلَى مَكُونِ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لِاضْطِرَابِئُمْ - اضْطِرَابَ الْأَرْضِيَّةِ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ» (نهج، خ ۵)

➤ رکن حمد و سیره مداراتی با خلفاء سه گانه و تاکید بر محوریت رهبری نظام:

▪ فَعَمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَسَلُوا؛ وَ تَطَلَعْتُ حِينَ تَقَبَعُوا وَ نَطَقْتُ حِينَ تَعْتَعُوا؛ وَ مَضَيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا؛ وَ كُنْتُ أَخْفَضَهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ قَوْتًا» (نهج، خ ۲۷)

▪ إِنْ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرُهُ - وَ لَا خِدْلَانَهُ بِكَثْرَةِ وَ لَا بَقَلَّةِ - وَ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَطْهَرَهُ - وَ جُنْدُهُ الَّذِي أَعَدَّهُ وَ أَمَدَّهُ - حَتَّى يَلْغَ مَا بَلَغَ وَ طَلَعَ حَيْثُ طَلَعَ - وَ نَحْنُ عَلَى مَوْعُودٍ مِنَ اللَّهِ - وَ اللَّهُ مُنْجِرٌ وَعَدَّهُ وَ نَاصِرٌ جُنْدَهُ - وَ مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّيْطَامِ مِنَ الْخَرَزِ - يَجْمَعُهُ وَ يَضْمُهُ - فَإِنْ انْقَطَعَ النَّيْطَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَ ذَهَبَ - ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا - وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا - فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ - عَزِيزُونَ بِالْإِجْتِمَاعِ - فَكُنْ قُطْبًا وَ اسْتَدِرِ الرَّحَى بِالْعَرَبِ - وَ أَصْلُهُمْ دُونَكَ نَارَ الْحَرْبِ - فَإِنَّكَ إِنْ شَخَصْتَ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ - انْتَقَصَتْ عَلَيْكَ الْعَرَبُ مِنْ أَطْرَافِهَا وَ أَقْطَارِهَا - حَتَّى يَكُونَ مَا تَدْعُ وَرَاءَكَ مِنَ الْعَوْرَاتِ - أَهْمَ إِلَيْكَ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْكَ - إِنْ الْأَعَاجِمُ إِنْ يَنْظُرُوا إِلَيْكَ عَدَاً يَقُولُوا - هَذَا أَصْلُ الْعَرَبِ فَإِذَا افْتِطَعْتُمُوهُ اسْتَرْحْتُمْ - فَيَكُونُ ذَلِكَ أَشَدَّ لِكَلْبِهِمْ عَلَيْكَ وَ طَمَعِهِمْ فِيكَ - فَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ مَسِيرِ الْقَوْمِ إِلَى قِتَالِ الْمُسْلِمِينَ - فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ هُوَ أَكْرَهُ لِمَسِيرِهِمْ مِنْكَ - وَ هُوَ أَقْدَرُ عَلَى تَغْيِيرِ مَا يَكْرَهُوا؛ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدْدِهِمْ - فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نَقَاتِلُ فِيمَا مَضَى بِالْكَثْرَةِ - وَ إِنَّمَا كُنَّا نَقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَ الْمَعُونَةِ» (نهج، خ ۱۲۶)

➤ رکن حمد در دعای کمیل:

▪ «... النَّاسِ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِي، مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رِعَاعِ انْبَاعِ كُلِّ نَاعِقٍ...» (نهج، حکمت ۱۲۷)

▪ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ خَضَعَتْ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعَزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، بِأَنْ نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ» (دعای کمیل، مفاتیح الجنان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ رکن حمد در دعای حضرت در آغاز جنگ جمل:

▪ «اللهم إني أحمدك و أنت للحمد أهل على حسن صنعك إليّ و تعطفك عليّ

و على ما وصلتني به من نورك و تداركتني به من رحمتك و أسبغت عليّ من نعمتك؛

فقد اصطنعت عندي يا مولاي ما يحقّ لك به جهدي و شكري لحسن عفوكم و بلائكم القديم عندي ، و تظاهر نعمائك عليّ ، و تتابع أياديك لديّ ، لم أبلغ إحراز حظي و لا صلاح نفسي ،

و لكنّك يا مولاي بدأتني أولاً بإحسانك فهديتني لدينك و عرّفتني بنفسك و ثبتّني في أموري كلّها بالكفاية و الصنع لي ، فصرفت عنّي جهد البلاء و منعت مني محذور الأشياء ،

فلمست أذكر منك إلاّ جميلاً و لم أر منك إلاّ تفضيلاً؛ ... «يا ربّ منّ عليّ بذلك فإنك تتولّى الصالحين و لا تضيع أجر المحسنين، و الحمد لله ربّ العالمين» دعای قبل از جنگ جمل، (مستدرک الوسائل، ۱۱ / ۱۱۰؛ مسند الامام علی(ع)، (ع)، (قبانجی، ۲ / ۲۴۸)

❖ رکن حمد و حال ملکوتی عمومی اولیاء معصوم در سیره و کلام امیر مومنان(ع):

▪ «قال كُمَيْلُ بْنُ زَيْدٍ - أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) - فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ - ثُمَّ قَالَ(ع):

يَا كُمَيْلَ بْنَ زَيْدٍ - إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا - فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ:

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ - فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ - وَ هَمَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ ...

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ - إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا - لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ -

وَ كَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلَيْكَ؟؛ أَوْلَيْكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا - وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا -

يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ - وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ؛

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ - وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ؛ وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتْرَفُونَ - وَ أَيْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ -

وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى - أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ - آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ» (نهج، حکمت ۱۲۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»
❖ امیر مومنان (ع) پرچمدار رکن حمد در دنیا و روز قیامت:

«حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (رضي الله عنه)، قال: حدثنا محمد بن أبي القاسم ، عن محمد بن علي الصيرفي ، عن محمد بن سنان ، عن المفضل بن عمر ، عن أبي عبد الله الصادق ، عن أبيه ، عن جده (عليهم السلام) ، قال :

بلغ أم سلمة زوجة النبي (صلى الله عليه و آله) أن مولی لها يتنقص عليا (ع) و يتناوله ، فأرسلت إليه ، فلما أن صار إليها قالت له :

يا بني ، بلغني أنك تتنقص عليا و تتناوله . قال لها : نعم ، يا أماه . قالت : اقعد ثكلتك أمك حتى أحدثك بحديث سمعته من رسول الله (ص)، ثم اختر لنفسك :

إنا كنا عند رسول الله (ص) تسع نسوة؛ و كانت ليلتي و يومي من رسول الله (ص) فدخل النبي (ص) و هو متهلل، أصابعه في أصابع علي، واضعا يده عليه، فقال: يا أم سلمة ، أخرجي من البيت، و أخليه لنا ، فخرجت و اقبلا يتناحيان، أسمع الكلام ، و ما أدري ما يقولان ، حتى إذا انتصف النهار، أتيت الباب،

فقلت: أدخل يا رسول الله؟ قال: لا . فكبوت كبوة شديدة مخافة أن يكون ردني من سخطة، أو نزل في شيء من السماء ، ثم لم ألبث أن أتيت الباب الثانية، فقلت : أدخل يا رسول الله ؟ فقال: لا . فكبوت كبوة أشد من الأولى. ثم لم ألبث حتى أتيت الباب الثالثة ، فقلت : أدخل يا رسول الله ؟

فقال : ادخلي يا أم سلمة . فدخلت و علي (ع) جاث بين يديه ، و هو يقول : فداك أبي و أمي يا رسول الله ، إذا كان كذا و كذا فما تأمرني؟

قال : أمرك بالصبر . ثم أعاد عليه القول الثانية ، فأمره بالصبر ، فأعاد عليه القول الثالثة ، فقال له : يا علي يا أخي ، إذا كان ذاك منهم فسل سيفك ، و وضعه على عاتقك، و اضرب به قدما قدما، حتى تلقاني و سيفك شاهر يقطر من دمائهم، ثم التفت (عليه السلام) إلي، فقال لي : ما هذا الكأبة يا أم سلمة ؟

قلت: للذي كان من ردك لي يا رسول الله؛ فقال لي : و الله ما رددتك من موحدة؛ و إنك لعلی خير من الله و رسوله؛

لكن أتيتني و جبرئيل عن يميني ، و علي عن يساري ، و جبرئيل يخبرني بالاحداث التي تكون من بعدي ، و أمرني أن أوصي بذلك عليا .

يا أم سلمة!!؛ اسمعي و اشهدي، هذا علي بن أبي طالب، أخي في الدنيا و أخي في الآخرة .

يا أم سلمة!!؛ اسمعي و اشهدي ، هذا علي بن أبي طالب ، وزير في الدنيا و وزير في الآخرة .

يا أم سلمة!!؛ اسمعي و اشهدي ، هذا علي بن أبي طالب؛ حامل لوائ في الدنيا و حامل لوائي غدا في القيامة .

يا أم سلمة!!؛ اسمعي و اشهدي ، هذا علي بن أبي طالب ، وصيي و خليفتي من بعدي ، و قاضي عداتي ، و الذائد عن حوضي ،

يا أم سلمة!!؛ اسمعي و اشهدي؛ هذا علي بن أبي طالب؛ سيد المسلمين ، و إمام المتقين ، و قائد الغر المحجلين ، و قاتل الناكثين و القاسطين و المارقين .

قلت : يا رسول الله ، من الناكثون؟ قال : الذين يباعدونه بالمدينة؛ و ينكثون بالبصرة . قلت: من القاسطون؟ قال: معاوية و أصحابه من أهل الشام . قلت : من المارقون ؟ قال : أصحاب النهروان . فقال مولی أم سلمة : فرجت عني فرج الله عنك ، و الله لا سببت عليا أبدا» (امالی صدوق، ۴۶۴؛ بحار، ۲۲ / ۲۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «رضي الله عنه - قال : حدثنا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه ، عن محمد بن علي الصيرفي ، عن محمد بن سنان ، عن المفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام ...؛ إن رسول الله صلى الله عليه و آله قال لام سلمة؛ رضي الله عنها؛:

يا أم سلمة اسمعي و اشهدي: هذا علي بن أبي طالب أخي في الدنيا و أخي في الآخرة ،

يا أم سلمة اسمعي و اشهدي: هذا علي بن أبي طالب وزير في الدنيا و وزير في الآخرة ،

يا أم سلمة اسمعي و اشهدي: هذا علي بن أبي طالب حامل لوائي في الدنيا و حامل لواء الحمد غدا في الآخرة ،

يا أم سلمة اسمعي و اشهدي: هذا علي بن أبي طالب وصيي و خليفتي من بعدي و قاضي عداتي و الذائد عن حوضي ،

❖ يا أم سلمة اسمعي و اشهدي: هذا علي بن أبي طالب سيد المسلمين ، و إمام المتقين ، و قائد الغر المحجلين ، و قاتل الناكثين و المارقين و القاسطين... « (معاني الاخبار، ٢٠٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست چهل و پنجم «نجما»:

❖ «نوروز» و «خیزش مهدوی (ربیع الانام)»:

▪ فَاَنْظُرْ اِلَى اَثَارِ رَحْمَةِ اللّٰهِ كَيْفَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ اِنَّ ذٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (روم / ۵۰)

▪ «اَوْلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللّٰهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ» (عنكبوت / ۱۹)

▪ «اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ؛ وَ لَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَكَسَبَتْ قُلُوْبُهُمْ...»

▪ اَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ»

▪ اِنَّ الْمُصَدِّقِيْنَ وَ الْمُصَدِّقٰتِ وَ اَفْرَضُوْا اللّٰهَ فَرَضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ اَجْرٌ كَرِيْمٌ» (حديد/۱۶-۱۸)

▪ «وَ تَرٰى الْاَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ اَبْتَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتٰى...» (حج/۵-۶)

▪ «وَمِنْ اٰيٰتِهٖ اَنَّكَ تَرٰى الْاَرْضَ خٰشِعَةً فَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ اِنَّ الَّذِيْ اٰخٰىهَا لَمُحْيِي الْمَوْتٰى اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ» (فصلت / ۲۹)

▪ «انما هو عيد لمن قبل الله صيامه ، و شكر قيامه ، و كل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عيد» (نهج، حكمت ؛ جامع احاديث، ۶ / ۳۱۱)

▪ «... السلام على محيي المؤمنين ، و مبير الكافرين... السلام على ربیع الانام ، و نصره الأيام...» (مصباح الزائر، بن طاووس، ۲۲۸ ؛ بحار، ۱۰۱ / ۹۹)

▪ «عن علي صلوات الله عليه انه اهدى اليه فالودج فقال ما هذا قالوا: يوم نيروز قال(ع): فنيروزوا ان قدرتم كل يوم؛ يعني تهادوا و تواصلوا في الله» (دعائم الاسلام مغربي، ۲ / ۳۲۶؛ جامع احاديث، ۱۷ / ۴۲۵)

▪ «محمد بن الحسن في (المصباح) : عن المعلى بن خنيس ، عن الصادق (عليه السلام) ، في اليوم النيروز ، قال :

إذا كان يوم النيروز فاغتسل و البس أنظف ثيابك؛ و تطيب بأطيب طيبك ، و تكون ذلك اليوم صائما فإذا صليت النوافل و الظهر و العصر فصل بعد ذلك أربع ركعات تقرأ في أول كل ركعة فاتحة الكتاب ، و عشر مرات إنا أنزلناه في ليلة القدر ، و في الثانية فاتحة الكتاب و عشر مرات قل يا أيها الكافرون ، و في الثالثة فاتحة الكتاب و عشر مرات قل هو الله أحد ، و في الرابعة فاتحة الكتاب و عشر مرات المعوذتين ، و تسجد بعد فراغك من الركعات سجدة

الشكر ، و تدعو فيها يغفر لك ذنوب خمسين سنة» (التهذيب، ۱ / ۱۱۷ و ۳۰۸؛ وسائل الشيعه، ۳ / ۳۳۵؛ ۵ / ۲۸۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

▪ «حدثني السيد العلامة بهاء الدين علي بن عبد الحميد باسناده إلى المعلى بن خنيس عن الصادق (عليه السلام):

إن يوم النيروز هو اليوم الذي أخذ فيه النبي (صلى الله عليه وآله) لأمير المؤمنين (عليه السلام) العهود بغدير خم فأقروا له بالولاية ،

فطوبى لمن ثبت عليها ، و الويل لمن نكثها ، و هو اليوم الذي وجه فيه رسول الله (صلى الله عليه و آله) عليا (عليه السلام) إلى وادي الجن ، و أخذ عليهم العهود و المواثيق ، و هو اليوم الذي ظفر فيه بأهل النهروان و قتل ذي النديه ، و هو اليوم الذي يظهر قائمنا أهل البيت و ولاة الامر ، و يظفره الله بالدجال فيصلبه على كناسة الكوفة ، و ما من يوم نيروز إلا و نحن نتوقع فيه الفرج ، لأنه من أيامنا حفظه الفرس و ضيعتموه ، ثم إن نبيا من أنبياء بني إسرائيل سأل ربه أن يحيي القوم الذين خرجوا من ديارهم و هم ألوف حذر الموت فأماهم الله فأوحى الله إليه أن صب عليهم الماء في مضاجعهم ، فصب عليهم الماء في هذا اليوم فعاشوا ، و هم ثلاثون ألفا ، فصار صب الماء في يوم النيروز سنة ماضية لا يعرف سببها إلا الراسخون في العلم ، و هو أول يوم من سنة الفرس ، قال المعلى : و أملى على ذلك فكتبت من إملائه» (المهذب، أحمد بن فهد، ١٩٢؛ بحار، ٥٩ / ١١٩) .

▪ «وعن المعلى أيضا قال : دخلت على أبي عبد الله (عليه السلام) في صبيحة يوم النيروز فقال(ع):

يا معلى أتعرف هذا اليوم ؟ قلت : لا ، و لكنه يوم تعظمه العجم و تتبارك فيه ، قال(ع) : كلا و البيت العتيق الذي ببطن مكة ،

ما هذا اليوم إلا لأمر قديم أفسره لك حتى تعلمه ، قلت : تعلمي بهذا من عندك أحب إلي من أن تعيش أترابي (ابدا) و يهلك الله أعداءكم {إن علم هذا من عندك أحب إلي من أن يعيش أمواتي و تموت أعدائي ! }، قال(ع):

يا معلى؛ يوم النيروز هو اليوم الذي أخذ الله فيه ميثاق العباد أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئا ، و أن يدينوا لرسله و حججه و أوليائه،

و هو أول يوم طلعت فيه الشمس ، و هبت فيه الرياح اللواقح و خلقت فيه زهرة الأرض ،

و هو اليوم الذي استوت فيه سفينة نوح على الجودي ، و هو اليوم الذي أحيا الله فيه القوم الذين خرجوا من ديارهم و هم ألوف حذر الموت فقال لهم الله : موتوا ثم أحياهم ، و هو اليوم الذي كسر فيه إبراهيم أصنام قومه ، و هو اليوم الذي حمل فيه رسول الله (صلى الله عليه و آله) عليا (عليه السلام) على منكبه حتى رمى أصنام قريش من فوق البيت الحرام و هشمها؛ و هو اليوم الذي أمر النبي صلى الله عليه و آله أصحابه أن يبايعوا عليا عليه السلام بإمرة المؤمنين ...»(المهذب، أحمد بن فهد، ١٩٢؛ بحار، ٢٣٧ / ٥ ، ٥٦ / ٩١ و ٥٩ / ١١٩)

▪ «و أتى علي عليه السلام بهدية النيروز ، فقال عليه السلام : ما هذا ؟ فقالوا : يا أمير المؤمنين اليوم النيروز ، فقال عليه

السلام : اصنعوا لنا كل يوم نيروزا» . / قال(ع) : نوروزنا كل يوم ...» (من لا يحضره الفقيه، ٣ / ١٩١؛ وسائل الشيعه، ١٧ / ٢٨٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ فتوای فقهاء طراز اول در باب «نوروز»:

- «و أما غسل يوم النيروز فعلى المشهور بين المتأخرين بل لم أعثر على مخالف فيه لخبر المعلى بن خنيس عن الصادق (ع) ... المروي على لسان الشيخ الجليل الشيخ أحمد بن فهد في مهذبه حكاه في المصباح ، و هو طويل قد اشتمل على ذكر أمور عظيمة قد وقعت في هذا اليوم كبيعة علي (عليه السلام) وإرساله إلى الجنى ، و ظفره بالنهروان ، و قتل ذي الندية ، و ظهور القائم (عليه السلام) و يظفره الله فيه بالدجال إلى أن قال : " و ما من يوم النيروز إلا و نحن نتوقع فيه الفرج ...
- ولا ريب في الاكتفاء بذلك مع ذكر جماعة من الأساطين منهم الشيخ و يحيى ابن سعيد و العلامة و الشهيد و غيرهم على ما حكى عنهم و وقوع الأمور العظيمة فيه ما سمعته بعض منها و متوقع فيه الفرج و البركة و غير ذلك من الشرف الذي لا ينكر في إثبات مثل هذا المستحب ، « (جواهرالكلام، محمد حسن نجفى، ٥ / ٢١)
- ومنها : غسل يوم النيروز ، كما عن المصباح(شيخ طوسى)، و الجامع (للشرايع بن سعيد حلى) ، و هو على المشهور بين المتأخرين كما قيل. و المستند فيه رواية لمعلى بن خنيس : « فإذا كان يوم النيروز فاغتسل والبس أنظف ثيابك ، وتطيب بأطيب طيبك »؛ و نحوها رواية أخرى للمعلى محكيّة عن المهذب البارع (بن فهد حلى) مشتملة على بيان أمور عظيمة ،...» (كتاب الطهارة، شيخ انصارى، ٣ / ٥٦)
- وعن جملة من الأصحاب التصريح باستحباب الغسل يوم النيروز، بل لعلة هو المشهور بين المتأخرين ، بل في الجواهر: لم أعثر فيه على مخالف» (مصباح الفقيه، اقا رضا همدانى، ٦ / ٢٠).
- «فصل في الأغسال المندوبة: ... الحادي عشر : يوم النيروز» (العروه الوثقى، سيد محمد كاظم يزدى، ٢ / ١٥٢).
- فصل: أقسام الصوم أربعة: ... و أما المندوب منه فأقسام : ... و منها : يوم النيروز . (همو، همان، ٣ / ٦٥٩)
- «القول في الأغسال المندوبة و هي أقسام: ... أما الزمانية فكثيرة ... و منها يوم النيروز» (تحرير الوسيله، امام خمينى ره، ١ / ٩٩)
- السؤال : ما هو رأي الدين في عيد النيروز؟
- الجواب : لم يرد في الروايات ما يدل على أنه عيد و لكن ورد في بعضها ما يستفاد منها أهمية هذا اليوم». (استفتائات، سيستانى، ٢١٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «اقتدار داخلی» نظام اسلامی، بویژه «اقتدار نظامی» مبنای «صلح بین الملل»:

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده/ ۱۰۵)
- «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛

وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال/ ۶۰- ۶۱)

❖ «فقه نظام» و «اصل وحدت و هماهنگی حاکم بر امور اجتماعی»:

«موضوعات، احکام و مناصب اجتماعی - حکومتی»

➤ مکارم:

- در صورتی که در زمینه سیاسی با اجتماعی حکمی از جانب رهبری جهت عامه شیعیان صادر شود آیا برای مقلدین دیگر مراجع تکلیف می آورد؟ در زمینه های دیگر چطور و چرا؟

جواب: «در مسائل حکومتی حکم ولی فقیه مطاع است» .

- آیا تبعیت از حکم حکومتی ولی فقیه بر همگان، حتی مراجع تقلید هم واجب است؟

جواب: «تبعیت از حکم حکومتی ولی فقیه بر همگان واجب است»

➤ ..

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مقدمه نشست چهل و ششم «نجما»:

❖ «رمضان»، «عید فطر» و «جشن تکلیف»:

➤ عید فطر، «آغاز تجلی و توسعه سرشت الهی» و «باروری و شکوفایی بذر ایمان و تقوی»:

▪ «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» (شمس/۹-۱۰)

▪ «فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله اللتی فطر الناس علیها؛ لا تبدل لخلق الله؛ ذلك الدين القيم؛ و لكن اکثر الناس لا یعلمون» (روم/۳۰)

➤ «جشن تکلیف» و ضرورت «هدایت الهی»:

▪ «أَلَا یَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک/ ۱۴)

▪ «و لَعَدْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/ ۱۶)

▪ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵)

➤ «جشن تکلیف» و معرفت به «حقانیت الهی و کارامدی قرآن»

▪ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي؛ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (يوسف/۱۰۸)

▪ «... إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا؛ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن/۱-۲)

▪ «وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء/ ۸۲)

➤ «جشن تکلیف» و معرفت به «بشریت و ناکارامدی منابع اهل کتاب»:

▪ «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ... فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/۷۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ «سن تکلیف»: «بلوغ طبیعی» یا «سن مقرر»؟:

▪ «و ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...» (نساء/ ۶)

▪ «و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (احقاف / ۱۵)

➤ شاخص «تکلیف به قدر وسع» و «مدارای در تحقق دین»:

▪ «أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ؛ لَا تَعْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/ ۲۸۵-۲۸۶)

▪ «يريد الله بكم اليسر و لا يريد بكم العسر» (مائده/ /) / «و ما جعل عليكم في الدين من حرج» (حج/ /)

▪ «عن ابن عباس : لما نزلت: «يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهدا و مبشرا و نذيرا» (احزاب /) و قد كان [رسول الله (ص)] أمر عليا و معاذا أن يسيرا إلى اليمن ، فقال(ص): انطلقا فبشرا و لا تنفرا ، و يسرا و لا تعسرا ، فإنه قد أنزل علي: «يا أيها النبي . . .» (الدر المنثور، ۶ / ۶۲۴).

▪ «حدثنا يحيى حدثنا وكيع عن شعبة عن سعيد بن أبي بردة عن أبيه عن جده ان النبي، صلى الله عليه وسلم بعث أبا موسى و معاذ بن جبل إلى اليمن قال : و بعث كل واحد منهما على مخالف؛(قال : و اليمن مخلافان)؛ ثم قال(ص) :

يسرا (يسروا) و لا تعسرا (لا تعسروا) و بشرا و لا تنفرا؛ و تطاوعا و لا تخلفا» (صحيح البخاري، ۴ / ۲۶؛ الجامع الصغير للسيوطي،)

▪ «ادعوا الناس و بشرا و لا تنفرا و يسرا و لا تعسرا...» (ص): (صحيح مسلم، ۵ / ۱۴۱ ؛ ۶ / ۱۰۰).

▪ «بعثت بالحنيفية السمحة السهلة» (مسند أحمد ۵ : ۲۶۶؛ الجامع الصغير ۱ : ۲۸۶)

▪ قال الإمام الصادق (عليه السلام) : « إنَّ هذا الدين لمتين ، فأوغلوا فيه برفق ، لا تكثرهوا عبادة الله لعباد الله » . (كافي، ۲ / ۷۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

رسالت «نظام تعلیم و تربیت اسلامی» در «نهادینه کردن معرفت و باور اسلامی»:

«قرآن محوری در تعلیم و تربیت»

▪ «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ؛ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/ ۱۰)

▪ «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ؛ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (جمعه/ ۲-۴)

❖ از «رمضان و عید فطر» تا «دهه فجر و عید قربان»:

«ایمان»، «هجرت»، و «جهاد» در راه «تحقق جامعه و نظام اسلامی» مبتنی بر «کتاب الهی»:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/ ۲۱۸)

▪ «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛

وَ قَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اِخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/ ۱۴۲)

▪ «... أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ؛ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛

وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ؛

وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ؛ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (اعراف/ ۱۶۹- ۱۷۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ اهل البيت(ع)، الگوهای الهی متعالی و تمام عیار رکن حمد:

➤ برترین مظهر اسماء و صفات خدا: برترین مقام خلافت الهی در نظام خلقت (الاسماء):

▪ «و علم آدم الاسماء كلها؛ ثم عرضهم على الملكة...» (بقره/ /) / «...قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد/ ۲۳)

➤ برترین الگوی اطاعت و فرمانبرداری خدا (راکعون):

▪ «... ارکعوا مع الراکعین» (بقره/ ۲۳) / «... ارکعی مع الراکعین» (آل عمران/ ۴۳)

▪ «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده/ ۵۵)

➤ برترین بندگان خدا (عبادالله):

▪ «... عینا یشرب بها عبادالله یفحرونها تفحیرا؛ یوفون بالنذر...» (انسان/ ۶-۷)

❖ رکن حمد و خلاصه سیره حضرت فاطمه(ع)، عطیه عظیم الهی:

➤ کوثر دین، «مادر امامت» و «مادر امت حزب الله جند الله» مجاهد اهل ایمان:

▪ «انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر» / «وَ مَن یَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الذِّینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ الله هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/ ۵۶)

▪ «...خلفت من نور عظمة ربنا...» / «نحن حجج الله على خلقه، و جدتنا فاطمة (علیها السلام) حجة الله علينا»

➤ به «شکست کشانده» اهداف و برنامه های «دشمنان بشریت»:

▪ «ان شانک هو الابتر»

▪ «کل امر ذی بال لم یبدأ بسم الله فهو ابتر» .

«وَ لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وَ إِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (ضافات/ ۱۷۱-۱۷۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد و نورانیت بندگی خدا:

▪ «روي أن عليا استقرض من يهودي شعيرا فاسترهنه شيئا فدفع إليه ملاءة فاطمة رهنا و كانت من الصوف فأدخلها اليهودي إلى دار و وضعها في بيت؛ فلما كانت الليلة دخلت زوجته البيت الذي فيه الملاءة بشغل فرأت نورا ساطعا في البيت أضاء به كله

فانصرفت إلى زوجها فأخبرته بأنها رأت في ذلك البيت ضوءا عظيما فتعجب اليهودي زوجها و قد نسي أن في بيته ملاءة فاطمة ، فنهض مسرعا و دخل البيت فإذا ضياء الملاءة ينشر شعاعها كأنه يشتعل من بدر منير يلمع من قريب ،

فتعجب من ذلك فأنعم النظر في موضع الملاءة فعلم أن ذلك النور من ملاءة فاطمة ، فخرج اليهودي يعدو إلى أقربائه و زوجته تعدو إلى أقربائها فاجتمع ثمانون من اليهود فرأوا ذلك فأسلموا كلهم». (مناقب ابن شهرآشوب ، الخرائج ، بحار، ٢٣ / ٣٠)

❖ رکن حمد، بالندگی در اطاعت امر خدا و خطر کبر و حسادت در سمتهای اجتماعی:

«کبر و حسادت ابليس، قابيل، برادران يوسف(ع)، قارون، بلعم باعورا، سامری و ...»

▪ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ؛ ... و من شر حاسد اذا حسد» (فلق/١-٥)

▪ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء/ ٥٤)

▪ «... فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ جُنُودًا وَ أَعْوَانًا - وَ رَجُلًا وَ فُرْسَانًا - وَ لَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ عَلَيَّ ابْنِ أُمِّهِ - مِنْ غَيْرِ مَا فَضَّلَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِيهِ - سِوَى مَا أَلْحَقْتُ الْعَظْمَةَ بِنَفْسِهِ مِنْ عَدَاوَةِ الْحَسَدِ - وَ قَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْعُصْبِ - وَ نَفَخَ الشَّيْطَانُ فِي أُنْفِهِ مِنْ رِيحِ الْكِبْرِ - الَّذِي أَعْقَبَهُ اللَّهُ بِهِ النَّدَامَةَ - وَ أَرْزَمَهُ آثَامَ الْقَاتِلِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» (نهج، خ ١٩٢)

▪ جامع الترمذي و إبانة العكبري و أخبار فاطمة عن أبي علي الصولي و تاريخ خراسان عن السلامي مسندا أن جميعا التيمي قال :

دخلت مع عمتي علي عائشة فقالت لها عمتي: ما حملك على الخروج على علي؟! ؛ فقالت عائشة:

دعينا فوالله ما كان أحد من الرجال أحب إلى رسول الله من علي و لا من النساء أحب إليه من فاطمة» (سنن الترمذي ٥ / ٣٦٢ ح ٣٩٦٥ ؛ بحار، ٢٣ / ٣٨)

▪ «... و أمّا فُلانَةٌ فَأَدْرَكَهَا رَأْيُ النِّسَاءِ - وَ صِغْنٌ عَلَا فِي صَدْرِهَا كَمَرَجِلِ القَيْنِ!؛ وَ لَوْ دُعِيَتْ لِتَنَالَ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ لَمْ تَفْعَلْ!؛

و لَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى وَ الْجِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى...» (نهج، خ ١٥٦)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

► مقدمه نشست چهل و هفتم «نجما»:

❖ حق و تکلیف:

► «تلازم حقوق با تکالیف»:

▪ إني توكلت على الله ربي و ربكم ما من دابة إلا هو آخذ بماصيتها إن ربي على صراطٍ مستقيم» (هود/ ۵۶)

▪ «لايسئل عما يفعل و هم يسئلون» (انبیاء/)

▪ أما بعد - فقد جعل الله سبحانه لي عليكم حقا بولاية أمركم - و لكم علي من الحق مثل الذي لي عليكم -

فالحق أوسع الأشياء في التواضع - و أضيؤها في التناصف - لا يجري لأحد إلا جرى عليه - و لا يجري عليه إلا جرى له -

ولو كان لأحد أن يجري له و لا يجري عليه - لكان ذلك خالصا لله سبحانه دون خلقه -

لقدرتة على عباده - و لعدله في كل ما جرت عليه صروف فضائه» (تهج، خ ۲۱۶)

► حق، گرفتنی یا دادنی؟:

▪ «يا أيها الذين آمنوا أوفوا بالعقود...» (مائده/ ۱)

▪ يا أيها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ؛ و لو على أنفسكم أو الوالدين و الأقربين إن يكن غنيا أو فقيرا فالله أولى بهما؛

فلا تتبعوا الهوى أن تعدلوا و إن تلووا أو تعرضوا فإن الله كان بما تعملون خبيرا» (نساء/ ۱۲۵)

▪ يا أيها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط و لا يجرمكم شتان قوم على ألا تعدلوا؛ اعدلوا هو أقرب للتقوى؛

و اتقوا الله ؛ إن الله خير بما تعملون (مائده/ ۸)

▪ إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها و إذا حكمتكم بين الناس أن تحكموا بالعدل إن الله نعمًا يعظكم به إن الله كان سميعا بصيرا» (نساء/ ۵۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ اقسام حقوق و تکالیف:

✓ حق و تکلیف نوعی: حقوق اولیه انسانی:

(مانند حق خوراک ، پوشاک، مسکن، حق ازدواج، و ...)

- فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ؛ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش/۲-۴)
- وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ؛ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/ ۱۱۲)

✓ حق و تکلیف عمومی

(اجتماعی، اداری، سیاسی و ...):

✓ حق و تکلیف شخصی:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ رسالت امر به معروف و نهی از منکر:

➤ امر به معروف و نهی از منکر، کشتی جامعه، و حیات اجتماعی:

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ؛ وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۲۴-۲۵)

➤ نهاد امر به معروف و نهی از منکر و حاکمیت اسلامی:

▪ «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج / ۴۱)

▪ «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴)

➤ شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

«علم به موضوع و حکم / احتمال تاثیر / عدم ضرر قابل اعتنا / داشتن قدرت»

▪ «وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْغُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۶)

▪ «وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا: مَعْدِرَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَنْتَفِعُونَ؛

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف/ ۱۶۴-۱۶۵)

▪ «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ؛

وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال / ۶۰-۶۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ «معروف و منکر اعتقادی و رفتاری» و رابطه رفت و برگشتی آن:

✓ فرایند تحول «اعتقادی اخلاقی رفتاری»:

- «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه / ۲)
- «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ...» (آل عمران / ۱۶۴)
- «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ؛ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (قيامت / ۵-۶)

✓ فرایند تحول «رفتاری اخلاقی اعتقادی» (الگوی خوبی و بدی):

- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف / ۲-۳)
- «وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ؛ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود / ۸۸)
- «وَ مَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ؛ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَنْتَهَرُونَ» (اعراف / ۸۲)
- «وَ جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ: يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ؛ قَالُوا: لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا تُرِيدُ» (هود / ۷۸-۷۹)
- «إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ؛ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ» (صافات / ۶۹-۷۰)

➤ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مقدمه نشست چهل و هشتم «نجم»:

❖ فرهنگ سازی «عفاف و حجاب» و «لوازم آن»:

➤ «عفاف و حجاب» بخشی از موضوع «حفظ ناموس»:

➤ «تشکیل و تحکیم خانواده»، از لوازم قطعی «عفاف و حجاب»:

➤ ارائه «الگوی عفاف و حجاب و حفظ ناموس»، از جانب «نخبگان فرهنگی و اجرایی» از لوازم دیگر آن:

➤ «برخورد قاطع و منهدم کننده» با «باندهای حرمت شکن و مروج فساد و بی بند باری»:

➤ ...

❖ «موضوعات محوری» در «سیاستهای کلی نظام» و نسبت «منطقی و شرعی» آنها:

➤ «خانواده محوری / انسان محوری / جامعه محوری / حکومت محوری / ...»

➤ «اقتصاد محوری» / «تولید محوری» / ...»

➤ «عدالت محوری» / «توحید محوری» / دانش بنیان / ...»

❖ امام صادق(ع) و انقلاب فرهنگی ارزشهای اسلامی:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ رکن حمد و مناعت درخواست:

▪ «عن سيف ، عن نجم ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : إن فاطمة (عليها السلام) ضمنت لعلي (عليه السلام) عمل البيت و العجين و الخبز و قم البيت و ضمن لها علي (عليه السلام) ما كان خلف الباب : نقل الحطب و أن يجئ بالطعام ، فقال لها يوما :

يا فاطمة هل عندك شئ ؟ قالت : و الذي عظم حقك ما كان عندنا منذ ثلاثة أيام شئ نقریک به قال : أفلا أخبرتنی ؟

قالت : كان رسول الله (صلى الله عليه و آله) نهاني أن أسألك شيئا فقال(ص): لا تسألين ابن عمك شيئا إن جاءك بشئ [عفو] و إلا فلا تسأليه .

قال(ع): فخرج (عليه السلام) فلقى رجلا فاستقرض منه دينارا ثم أقبل به و قد أمسى ، فلقى مقداد بن الأسود فقال للمقداد :

ما أخرجك في هذه الساعة؟ قال : الجوع و الذي عظم حقك يا أمير المؤمنين ،

قال: قلت لأبي جعفر (عليه السلام): و رسول الله (صلى الله عليه و آله) حي؟ قال: و رسول الله (صلى الله عليه و آله) حي؛

قال: فهو أخرجني و قد استقرضت دينارا و سأوثرک به فدفعه إليه فأقبل فوجد رسول الله (صلى الله عليه و آله) جالسا و فاطمة تصلي و بينهما شئ مغطى فلما فرغت اجترت ذلك الشئ فإذا جفنة من خبز و لحم قال (ص):

يا فاطمة أنى لك هذا قالت: هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب ،

فقال له رسول الله (صلى الله عليه و آله): ألا أحدثك بمثلک و مثلها ؟ قال : بلي ، قال : مثلك مثل زكريا إذ دخل على مريم المحراب فوجد عندها رزقا قال : يا مريم أنى لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب؛

فأكلوا منها شهرا و هي الجفنة التي يأكل منها القائم (عليه السلام) و هي عندنا». (تفسير العياشي، ؛بحار، ٢٣ / ٣١)

▪ «... فإذا هي مملوءة خبزا و لحما فلما نظرت إليه : بهتت و عرفت أنه من عند الله ، فحمدت الله و صلت على نبيه أبيها و قدمته إليه فلما رآه حمد الله و قال : من أين لك هذا ؟ قالت : هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب .

فبعث رسول الله (صلى الله عليه وآله) إلى علي فدعاه وأحضره و أكل رسول الله (صلى الله عليه وآله) و علي و فاطمة والحسن والحسين وجميع أزواج النبي حتى شبعوا ، قالت فاطمة : وبقيت الجفنة كما هي فأوسعت منها علي جميع حيراني جعل الله فيها بركة و خيرا كثيرا». (بحار، ٢٣ / ٢٧)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد و تسبیح حضرت فاطمه (ع):

«محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن ابن بزیع، عن صالح بن عقبه، عن عقبه، عن أبي جعفر (ع) قال: ما عبد الله بشئ من التمجید أفضل من تسبیح فاطمة (عليها السلام)، و لو كان شئ أفضل منه لنحله رسول الله (صلى الله عليه و آله) فاطمة» (الكافي؛ بحار، ۴۲ / ۶۴)

«القطان، عن السكري، عن الحكم بن أسلم، عن ابن علي، عن الحريري، عن أبي الورد بن ثمامة، عن علي (عليه السلام) أنه قال لرجل من بني سعد: ألا أحدثك عني و عن فاطمة إنها كانت عندي و كانت من أحب أهله إليه و أنها استقت بالقربة حتى أثر فصدرها، و طحنت بالرحى حتى مجلت يداها، و كسحت البيت حتى اغبرت ثيابها، و أوقدت النار تحت القدر حتى دكنت ثيابها، فأصابها من ذلك ضرر شديد. فقلت لها: لو أتيت أباك فسألتيه خادما يكفيك ضرر ما أنت فيه من هذا العمل؛

فأتت النبي (صلى الله عليه وآله) فوجدت عنده حداثا فاستحيت فانصرفت. قال: فعلم النبي (صلى الله عليه وآله) أنها جاءت لحاجة، قال: فعدا علينا رسول الله (صلى الله عليه و آله) ... فقال(ص): يا فاطمة ما كانت حاجتك أمس عند محمد؟ ... فقلت: أنا و الله أخبرك يا رسول الله ...؛

قال(ص): أفلا أعلمكما ما هو خير لكما من الخادم؟ إذا أخذتما منامكما فسبحا ثلاثا و ثلاثين، و احمدا ثلاثا و ثلاثين، و كبيرا أربع و ثلاثين؛ ...

فقلت (ع): رضيت عن الله و رسوله ثلاث دفعات» (علل الشرائ،؛ بحار، ۴۳ / ۸۳)

«العدة عن أحمد عن عمرو بن عثمان عن محمد بن عذافر: دخلت على الصادق عليه السلام فسألته عن تسبیح فاطمة عليها السلام، فقال: "الله أكبر أربعاً و ثلاثين مرة، ثم قال: الحمد لله حتى بلغ سبعا و ستين، ثم قال: سبحان الله حتى بلغ مائة يحصيها بيده جملة واحدة" (كافي، ۳ / ۳۴۲، تهذيب، ۲ / ۱۰۵ و ۲۰۰)

«علي بن محمد عن سهل عن محمد بن عبد الحميد عن صفوان عن ابن مسكان عن أبي بصير، عن الصادق (ع) قال:

تبدأ بالتكبير أربعاً و ثلاثين، ثم التحميد ثلاثاً و ثلاثين، ثم التسبیح ثلاثاً و ثلاثين» (كافي، ۳ / ۳۴۲؛ تهذيب الأحكام، ۲ / ۱۰۶)

«محمد عن ابن عيسى عن محمد بن خالد والحسين جميعاً عن القاسم بن عروة عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام قال «تسبیح فاطمة الزهراء عليه السلام إذا أخذت مضجعت فكبر الله أربعاً و ثلاثين، و احمده ثلاثاً و ثلاثين و سبحه ثلاثاً و ثلاثين و تقرأ آية الكرسي و المعوذتين و عشر آيات من أول الصافات و عشر من آخرها» (الكافي، ۲ / ۵۲۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد و سبک زندگی سلسله مراتب مدیریت اسلامی و بستگان نزدیک:

▪ «عن زرارة ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله) إذا أراد السفر سلم على من أراد التسليم عليه من أهله ثم يكون آخر من يسلم عليه فاطمة (عليها السلام) فيكون وجهه إلى سفره من بيتها ، و إذا رجع بدأ بها .

فسافر مرة و قد أصاب علي (عليه السلام) شيئا من الغنيمة فدفعه إلى فاطمة فخرج فأخذت سوارين من فضة و علقت على بابها سترا ، فلما قدم رسول الله (صلى الله عليه و آله) دخل المسجد فتوجه نحو بيت فاطمة كما كان يصنع ، فقامت فرحة إلى أبيها صباة و شوقا إليه؛ فنظر فإذا في يدها سواران من فضة و إذا على بابها ستر ، فقعد رسول الله (صلى الله عليه و آله) حيث ينظر إليها ، فبكت فاطمة و حزنت و قالت: ما صنع هذا بي قبلها.

فدعت ابنيها فنزعت الستر من بابها و خلعت السوارين من يديها، ثم دفعت السوارين إلى أحدهما و الستر إلى الآخر ثم قالت لهما: انطلقا إلى أبي فاقرباه السلام و قولا له: ما أحدثنا بعدك غير هذا؛ فشأنك به،

فجاءاه فأبلغاه ذلك عن أمهما فقبلهما رسول الله (صلى الله عليه و آله) و التزمهما و أقعد كل واحد منهما على فخذه ،

ثم أمر بدينك السوارين فكسرا فجعلهما قطعا ثم دعا أهل الصفة [و هم] قوم من المهاجرين لم يكن لهم منازل و لا أموال ،

فقسمه بينهم قطعا ، ثم جعل يدعو الرجل منهم العاري الذي لا يستتر بشئ و كان ذلك الستر طويلا ليس له عرض فجعل يؤزر الرجل

فإذا التقيا عليه قطعه حتى قسمه بينهم أزرا ثم أمر النساء لا يرفعن رؤوسهن من الركوع و السجود حتى يرفع الرجال رؤوسهم ،

و ذلك أنهم كانوا من صغر إزارهم إذا ركعوا و سجدوا بدت عورتهم من خلفهم ثم جرت به السنة أن لا يرفع النساء رؤوسهن من الركوع و السجود حتى يرفع الرجال . ثم قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) :

رحم الله فاطمة ليكسونها الله بهذا الستر من كسوة الجنة، و ليحلينها بهذين السوارين من حلية الجنة» (الكافي ، مكارم الأخلاق ؛ بحار، ٢٣ / ٨٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد و حرمت علم و معرفت الهی:

▪ « اخبرنا القاضي أبي بكر محمد بن عمر الجعابي قال أخبرنا أبو عبد الله محمد بن العباس بن محمد بن أبي محمد يحيى بن المبارك اليزيدي قال: حدثنا الخليل بن أسد أبو الأسود النوشجاني قال حدثنا رويم بن يزيد المنقري قال حدثنا سوار بن مصعب الهمداني عن عمرو بن قيس عن سلمة بن كهيل عن شقيق بن سلمة عن ابن مسعود قال جاء رجل إلى فاطمة عليها السلام فقال: يا ابنة رسول الله هل ترك رسول الله صلى الله عليه وآله عندك شيئا فطوقتيه فقالت يا جارية هات تلك الجريدة فطلبتها فلم تجدها فقالت: **ويحك اطلبها فإنها تعدل عندي حسنا و حسينا!**

فطلبتها فإذا هي قد قممتها في قمامتها فإذا فيها: قال محمد النبي صلى الله عليه وآله: **ليس من المؤمنين من لم يأمن جاره بوائقه** و من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يؤذى جاره و من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليقل خيرا أو يسكت **ان الله يحب الخير الحليم المتعفف و يبغض الفاحش البذاء السائل الملحف** ان الحياء من الايمان و الايمان في الجنة و ان الفحش من البذاء و البذاء في النار» (دلائل الامامة، جامع احاديث، ١٢ / ٢٢١)

❖ رکن حمد در سيره توحيدى عجيب حضرت فاطمه(ع) در خطبه مسجد النبى (ص):

▪ «الحمد لله على ما أنعم؛ و له الشكر على ما ألهم؛ و الثناء بما قدم؛ من عموم نعم ابتدأها؛ و سبوع آلاء أسداها؛ و تمام منن أولها؛

جم عن الاحصاء عددها، و نأى عن الجزاء أمدها؛ و تفاوت عن الإدراك أبدها؛ و نديهم لاستزادتها بالشكر لاتصالها و استحمد إلى الخلائق باجزالها؛ و ثنى بالنذب إلى أمثالها ،

و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، كلمة جعل الإخلاص تأويلها، و ضمن القلوب موصولها، و أنار في التفكير معقولها ،

الممتنع من الأبصار رؤيته؛ و من الألسن صفته؛ و من الأوهام كيفيته؛

ابتدع الأشياء لا من شئ كان قبلها؛ و أنشأها بلا احتذاء أمثلة امتثلها؛ كونها بقدرته؛ و ذراها بمشيته؛ من غير حاجة منه إلى تكوينها؛ و لا فائدة له في تصويرها؛ إلا تثبيتا لحكمته؛ و تنبيها على طاعته؛ و إظهارا لقدرته؛ تعبدا لبريته و إعزازا لدعوته؛

ثم جعل الثواب على طاعته؛ و وضع العقاب على معصيته؛ زيادة لعباده من نعمته؛ و حياشة لهم إلى جنته؛

و أشهد أن أبي محمدا عبده و رسوله اختاره قبل أن أرسله، و سماه قبل أن اجتباه، و اصطفاه قبل أن ابتعثه ، ...» (احتجاج، ١ / ١٢٦)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ رکن حمد و دفاع از منزلت اهل البيت(ع):

▪ «و أخبرنا أبو الحسن بن بشران العدل ببغداد ، عن أبي عمرو بن السماك عن حنبل بن إسحاق ، عن داود بن عمرو ، عن صالح بن موسى ، عن عاصم بن بهدلة عن يحيى بن يعمر العامري قال : بعث إلي الحجاج فقال :

يا يحيى أنت الذي تزعم أن و لد علي من فاطمة و لد رسول الله (صلى الله عليه و آله) ؟

قلت له : إن أمنتني تكلمت قال : فأنت آمن ، قلت له : نعم اقرأ عليك كتاب الله إن الله يقول :

«و وهبنا له إسحاق و يعقوب كلا هدينا...» - إلى أن قال : - «و زكريا و يحيى و عيسى و إلياس كل من الصالحين» (انعام / ٨٥)

و عيسى كلمة الله و روحه ألقاها إلى العذراء البتول ، و قد نسبه الله تعالى إلى إبراهيم (عليه السلام) .

قال : ما دعاك إلى نشر هذا و ذكره؟! قلت : ما استوجب الله عز و جل على أهل العلم في علمهم: «لتبينه للناس و لا تكتمونه...» (آل عمران/ ١٨٧) قال : صدقت و لا تعودن لذكر هذا و لا نشره!« (بحار، ٢٢ / ٢٢٨)

❖ ایمان و تقوی ملاک حرمت معنوی و انتساب به پیامبر(ع):

▪ «الحسين بن أحمد العلوي و محمد بن علي بن بشار معا ، عن المظفر بن أحمد القزويني ، عن صالح بن أحمد ، عن الحسن بن زياد ، عن صالح بن أبي حماد عن الحسن بن موسى الوشاء البغدادي قال : كنت بخراسان مع علي بن موسى الرضا (عليهما السلام) في مجلسه و زيد بن موسى حاضر و قد أقبل على جماعة في المجلس يفتخر عليهم و يقول : نحن و نحن؛ و أبو الحسن (عليه السلام) مقبل على قوم يحدثهم . فسمع مقالة زيد فالتفت إليه فقال : يا زيد أعرك قول بقالي الكوفة إن فاطمة أحصنت فرجها فحرم الله ذريتها على النار ،

و الله ما ذلك إلا للحسن و الحسين و ولد بطنها خاصة . فأما أن يكون موسى بن جعفر (عليهما السلام) يطيع الله ، و يصوم نهاره و يقوم ليله؛ و تعصيه أنت ثم تحيثان يوم القيامة سواء؟! لانت أعز على الله عز و جل منه إن علي ابن الحسين (عليهما السلام) كان يقول : لمحسنا كفلان من الاجر و لمسيثنا ضعفان من العذاب . و قال الحسن الوشاء : ثم التفت إلي و قال : يا حسن كيف تقرؤون هذه الآية : «قال يا نوح إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح» (هود/ ٢٤) فقلت من الناس من يقرء «إنه عمل غير صالح» و منهم من يقرء «إنه عمل غير صالح» نفاه عن أبيه؛ فقال (عليه السلام) : كلا لقد كان ابنه ، و لكن لما عصى الله عز و جل نفاه الله عن أبيه ، كذا من كان لم يطع الله فليس منا و أنت إذا أطعت الله فأنت منا أهل البيت» (عيون أخبار الرضا (ع) : السناني ، عن الأسدي ، عن صالح بن أحمد مثله) . (معاني الاخبار، ؛ بحار، ٢٢ / ٢٣٠)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست چهل و نهم «نجماء»:

❖ امام رضا(ع) ، حجت اكبر امامت الهی و نهضت مهدوی:

▪ «وَأَلْقِيَ السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا: أَمَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ» (اعراف/ ۱۲۰-۱۲۲)

▪ فَأَلْقِيَ السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا: أَمَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ» (شعراء/ ۴۶-۴۸)

▪ «فَأَلْقِيَ السَّحَرَةَ سُجَّدًا قَالُوا: أَمَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى» (طه / ۷۰)

▪ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي؛ وَ اخْلُ عُنُقَهُ مِنْ لِسَانِي؛ يَفْقَهُوا قَوْلِي؛

وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي؛ هَارُونَ أَخِي؛ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي؛ وَ أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي» (طه/ ۲۵-۳۲)

▪ «حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل (رحمه الله) ، قال : حدثنا علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن يوسف بن عقيل ، عن إسحاق بن راهويه ، قال : لما وافى أبو الحسن الرضا (عليه السلام) نيسابور ، و أراد أن يرحل منها إلى المأمون ، اجتمع إليه أصحاب الحديث ، فقالوا له :

يا بن رسول الله ، ترحل عنا و لا تحدثنا بحديث فنستفيده منك ، و قد كان قعد في العمارية فأطلع رأسه ، و قال(ع) :

سمعت أبي موسى بن جعفر يقول : سمعت أبي جعفر بن محمد يقول : سمعت أبي محمد بن علي يقول : سمعت أبي علي بن الحسين يقول : سمعت أبي الحسين بن علي يقول : سمعت أبي طالب (عليهم السلام) يقول : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول : سمعت جبرئيل (عليه السلام) يقول : سمعت الله عز وجل يقول :

لا إله إلا الله حصني ، فمن دخل حصني أمن عذابي . فلما مرت الراحلة نادانا : بشروطها ، و أنا من شروطها» . (امالی، صدوق، ۲۰۶)

▪ «حدثنا أحمد بن الحسن القطان ، قال : حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسنی ، قال : حدثني محمد بن إبراهيم بن محمد الفزاري ، قال : حدثني عبد الله ابن يحيى الأهوازي ، قال : حدثني أبو الحسن علي بن عمرو ، قال : حدثنا الحسن بن محمد بن جمهور ، قال : حدثني علي بن بلال ، عن علي بن موسى الرضا ، عن موسى ابن جعفر ، عن جعفر بن محمد ، عن محمد بن علي ، عن علي بن الحسين ، عن الحسين بن علي ، عن علي بن أبي طالب (عليه السلام) ، عن النبي (صلى الله عليه وآله) ، عن جبرئيل عن ميكائيل ، عن إسرافيل ، عن اللوح ، عن القلم ، قال : يقول الله تبارك و تعالی : ولاية علي بن أبي طالب حصني ، فمن دخل حصني أمن ناري» (امالی، صدوق، ۳۰۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ شان ملکوتی و مدیریت و رهبری ائمه اطهار(ع) در نظام خلقت، رهنمود زیارتها بویژه زیارت جامعه کبیره:

▪ «عن الدقاق ، و السناني ، و الوراق و المكتب جميعا ، عن الأسدي ، عن البرمكي ، عن النخعي قال : قلت لعلي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ، صلوات الله و سلامه عليهم ،

علمني يا بن رسول الله قولا أقوله بليغا كاملا إذا زرت واحدا منكم فقال عليه السلام: ...

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَهَيْطِ الْوَحْيِ، وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَ خِزَانِ الْعِلْمِ، وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَ أَصُولِ الْكُرَمِ، وَ قَادَةَ الْأُمَمِ، وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَ عُنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَ سَائِسَةَ الْعِبَادِ، وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ، ...

يَكُمُ فَتَحَ اللَّهُ، وَ يَكُمُ يَخْتِمُ، وَ يَكُمُ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ يَكُمُ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ يَكُمُ يَنْفِثُ الرِّيحَ، وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ،...» زیارت جامعه (ع)

▪ «العدة عن أحمد عن القاسم عن جده عن الحسين بن ثوير قال: كنت أنا و يونس بن طبيان و المفضل بن عمر و أبو سلمة السراج جلوسا عند أبي عبد الله (ع) و كان المتكلم منا يونس و كان أكبرنا سنا فقال له:

جعلت فداك ...إني كثيرا ما أذكر الحسين(ع) فأی شيء أقول؟ قال(ع): قل:...

و بكم يفتح الله و بكم يختم الله ، ... و بكم تنبت الأرض أشجارها ، و بكم تخرج الأشجار أثمارها ، و بكم تنزل السماء قطرها و رزقها ، و بكم يكشف الله الكرب ، و بكم ينزل الله الغيث ،...» زیارت امام حسين(ع) (الكافي، ٤ / ٥٧٥ ؛ من لا يحضره الفقيه، ٢ / ٥٩٦؛ تهذيب الاحكام، ٤ / ٥٥)

▪ حدثنا محمد بن أحمد السناني (الشييباني رحمه الله) ، قال : حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريا القطان ، قال : حدثنا بكر بن عبد الله بن حبيب ، قال : حدثنا الفضل بن الصقر العبدي ، قال : حدثنا أبو معاوية ، عن سليمان بن مهران الأعمش ،

عن الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه محمد بن علي ، عن أبيه علي بن الحسين (عليهم السلام) ، قال :

نحن أئمة المسلمين ، و حجج الله على العالمين ، و سادة المؤمنين ، و قادة الغر المحجلين ، و موالى المؤمنين ،

و نحن أمان أهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء، و نحن الذين بنا يمسك الله السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه، و بنا يمسك الأرض أن تميد بأهلها، و بنا ينزل الغيث، و بنا ينشر الرحمة، و يخرج بركات الأرض ، و لولا ما في الأرض منا لساخت بأهلها» (امالى صدوق، ٢٥٢؛ كمال الدين، ٢٠٧؛ بحار، ٢٣ / ٦)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «رحم الله عبدا حببنا إلى الناس و لم يبغضنا إليهم ،

و أيم الله لو يروون محاسن كلامنا لكانوا أعز و لما استطاع أحد أن يتعلق عليهم بشئ» . (بحار، ۷۵ / ۳۴۸)

▪ حدثنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النيسابوري العطار رضي الله عنه قال : حدثنا علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري عن حمدان بن سليمان عن عبد السلام بن صالح الهروي قال : سمعت أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول :

رحم الله عبدا أحيا أمرنا ؛ فقلت له : و كيف يحيى أمركم ؟ قال : يتعلم علومنا و يعلمها الناس فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا ...» (عيون اخبار الرضا(ع)، ۱، ۲۷۵)

❖ حرمت اسناد حدیثی امام رضا(ع):

▪ قال أبو الصلت الهروي : كنت مع علي بن موسى الرضا وقد دخل نيسابور ، وهو على بغلة شهباء ، وغدا في طلبه العلماء من أهل البلد وهم : أحمد بن حرب (۱) ، وياسين بن النصر ، ويحيى بن يحيى ، وعدة من أهل العلم ، فتعلقوا بلجامه في المربعة فقالوا له :

بحق آبائك الطاهرين حدثنا بحديث سمعته من أبيك .

فقال : (حدثني أبي العبد الصالح موسى بن جعفر قال : حدثني أبي جعفر بن محمد الصادق قال : حدثني أبي باقر علم الأنبياء محمد بن علي قال : حدثني أبي سيد العابدين علي بن الحسين قال : حدثني أبي سيد شباب أهل الجنة الحسين بن علي قال : سمعت أبي سيد العرب علي بن أبي طالب يقول : سمعت رسول الله (ص) يقول : الإيمان معرفة بالقلب وإقرار باللسان وعمل بالأركان» .

قال الإمام أحمد بن حنبل (رحمه الله) : **لو قرء هذا الإسناد على مجنون لبرئ من جنونه!**» (معارج الوصول، زرندي حنفي، ۱۵۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ فقه مدیران و صاحب منصبان:

▪ «و تَعَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ؛ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛

فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (تمل/ ۲۰-۲۲)

▪ «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛

وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ سَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا؛

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ؛ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/ ۲۰-۲۲)

«سیره امیر مومنان (ع) با دختر، برادر، برادرزاده، خزانه دار، و استاندار و ...»

«مثالهای متفاوت از قرآن و سیره در احکام قضایی جاری بر مدیران متخلف در دوره انقلاب اسلامی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ زندان و تناسب جرم و مجازات:

▪ «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (عنكبوت / ٢٠)

➤ «مرجعیت الهی» در تعیین نوع مجازات برای مجرمین و «هشدار به عدول از احکام الهی» تحت فشار جهانی:

▪ «و لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَى؛

وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ؛

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره / ١٢٠-١٢١)

▪ «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ؛

وَ لِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفِئْدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ؛

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنذَرٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ؛

وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛

وَ إِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (انعام / ١١٢-١١٧)

▪ «أبو عبد الله الأشعري عن بعض أصحابنا رفعه عن هشام بن الحكم قال : قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام:

يا هشام إن الله تبارك و تعالى بشر أهل العقل و الفهم في كتابه فقال: « فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ... وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ » (زمر / ١٨) ...

يا هشام ثم ذم الله الكثرة فقال « وَ إِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ » (انعام / ١١٦) ...

يا هشام ثم مدح القلة فقال « ... وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ » ... (سبا / ١٢) « (الكافي ، ١ / ١٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ «حدود و دیات و قصاص»، مایه «حیات جامعه بشری»:

▪ «و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۹)

➤ حکم «کفر، ظلم و فسق» و «عذاب جهنم» در «اعراض از احکام و حدود الهی»:

▪ «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا؛

وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده/ ۴۴)

▪ «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ؛

وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده/ ۴۵)

▪ «وَ لِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده/ ۴۷)

▪ «وَ أَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخْذِرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ؛

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ؟؛ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (مائده/ ۴۹-۵۰)

▪ «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ؛ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛

وَ مَنْ يَعصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ» (نساء/ ۱۲-۱۴)

▪ «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُعْصِمَا اللَّهُ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُعْصِمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ؛ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/ ۲۲۹)

▪ «ثُمَّ أُنْمُوا الصِّيَامَ ... وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره/ ۱۸۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ تبیین «حدود الهی» برای «جامعه دانش بنیان!»:

▪ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ طَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ؛

و تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (بقره/ ۲۳۰)

▪ «... ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مجادله/ ۴)

▪ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِغَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق/ ۱)

➤ ادب مواجهه با «رهنمودها و الزامات قرآن»:

▪ «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء...» (نحل/)

▪ «و ما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله...» (شورى/)

▪ «عباد الله إن من أحب عباد الله إليه عبدا أعانه الله على نفسه... قد أمكن الكتاب من زمامه؛ فهو قائده و إمامه؛ يحل حيث حل ثقله؛ و ينزل حيث كان منزله...» (نہج، خ)

▪ «... و اتهموا عليه آرائكم و استغشوا فيه اهوائكم...» (نہج، خ ۱۷۶)

▪ «عنه ، عن أبيه ، عن صفوان بن يحيى و أحمد بن محمد بن أبي نصر ، عن حماد بن عثمان ، عن عبد الله الكاهلي ، قال : قال أبو عبد الله (ع) :

لو أن قوما عبدوا الله وحده لا شريك له ، و أقاموا الصلاة ، و أتوا الزكاة ، و حجوا البيت ، و صاموا شهر رمضان ، ثم قالوا لشيئ صنع الله تعالى أو صنع النبي صلى الله عليه و آله : ألا صنع خلاف الذي صنع ، أو وجدوا ذلك في قلوبهم لكانوا بذلك مشركين ، ثم تلا هذه الآية:

" فلا و ربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ، ثم لا يجدوا في أنفسهم حرجا مما قضيت ، و يسلموا تسليما "

ثم قال أبو عبد الله (ع) : و عليكم بالتسليم» (المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، ۱/ ۲۷۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ برکات اقامه حدود:

▪ «علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إقامة حد خير من مطر أربعين صباحا» . (كافي، ۷/ ۱۷۴)

▪ «محمد بن يعقوب قال: حدثني محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن حنان بن سدير، عن أبيه قال:

قال أبو جعفر عليه السلام : حد يقام في الأرض أزكى فيها من مطر أربعين ليلة و أيامها» . (كافي، ۷/ ۱۷۴)

▪ «أحمد بن مهران ، عن محمد بن علي ، عن موسى بن سعدان ، عن عبد الرحمن بن الحجاج ،

عن أبي إبراهيم عليه السلام في قول الله عز وجل : «... يحيي الأرض بعد موتها» (روم/ ۱۹) " قال (ع) :

ليس يحييها بالقطر و لكن يبعث الله رجالا فيحيون العدل فتحيي الأرض لآحياء العدل ،

و لإقامة الحد لله أنفع في الأرض من القطر أربعين صباحا . (كافي، ۷/ ۱۷۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست پنجاهم «نجما»:

❖ فقه فرد محور پیرو حال نگر، و فقه جامعه نگر حکومت محور پیشرو آینده نگر:

➤ فقه فرد محور پیرو حال نگر:

«غلبه نگرش جزیره ای به موضوعات و احکام شرعی»

✓ توجه به موضوعات بدون لحاظ زمان و مکان، و بدون آسیب شناسی و ریشه یابی مسائل

✓ توجه ناقص به زمان و مکان موضوعات، بدون آسیب شناسی و ریشه یابی مسائل

حکم «ازدواج» / «قانون مهریه» / «لایحه عفاف و حجاب» / «سپرده های ثابت» / «اشتغال زنان و مردان» / و «...»،

حکم تخلف «گروه های سازمان یافته» / تخلف و حرمت «سلسله مراتب کار آفرینان و مدیران» / و «...»،

➤ فقه جامعه نگر حکومت محور پیشرو آینده نگر (بینش اجتهادی امام خمینی «ره»):

«نگرش نظام واره و سیستمی به موضوعات و احکام شرعی»

(«منشور روحانیت» و «رسالت علمای ربانی»)

✓ توجه جامع به «روابط افقی و عمودی» موضوعات و احکام شرعی

✓ توجه جامع به «جریان موضوعات» در زمان و مکان، و آسیب شناسی و ریشه یابی مسائل

✓ مدیریت حل مسئله

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ حضرت امام خمینی ره و انقلاب اسلامی ایران:

- «و عن علي بن عيسى، عن أيوب بن يحيى الجندل، عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: **رجل من أهل قم يدعو الناس إلى الحق** ، يجتمع معه **قوم قلوبهم كزبر الحديد** ، لا تزلهم الرياح العواصف لا يملون من الحرب و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين» (بحار، ۵۷ / ۲۱۶)
- حدثنا حرملة بن يحيى المصري ، وإبراهيم بن سعيد الجوهري ، قالا : ثنا أبو صالح عبد الغفار بن داود الحراني . ثنا ابن لهيعة عن أبي زرعة عمرو بن جابر الحضرمي ، عن عبد الله بن الحرث بن جزء الزبيدي ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه و سلم:
" يخرج ناس من المشرق . فيوطنون للمهدى " یعنی سلطانه» . (سنن بن ماجه، ۲ / ۱۲۶۷)

➤ «منشور روحانیت» و «رسالت علمای ربانی»:

- «... اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست؛ «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند».
- مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. ...؛
- آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزويرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است.
- یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد؛ و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد.
- حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است؛ فقه ، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. ...؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.

حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند؛

و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند؛

چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند؛

علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند...». (منشور روحانیت، امام خمینی، ۱۳۶۷/۱۲/۳).

▪ «... ترسم از آن است که مبادا از حرف‌های خارجی‌ها بت‌رسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم». (صحیفه امام خمینی ره، ۲۰ اذر ۱۳۶۲، در جمع حقوق دانان و فقهاء شورای نگهبان، ۱۸ / ۲۴۲)

❖ **برخی از تدابیر ویژه حضرت امام خمینی «ره»، در اواخر عمر شریف:**

➤ **تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام: « ۱۷ بهمن ۱۳۶۶»**

➤ **پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل: « ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۷»**

➤ **فرمان اجرای فقه تشکیلات نسبت به منافقین: «تابستان ۱۳۶۷»**

➤ **فرمان حکم اعدام سلمان رشدی: « ۲۵ بهمن ۱۳۶۷»**

➤ **منشور روحانیت: « ۳ اسفند ۱۳۶۷»**

➤ **عزل قائم مقام رهبری مسئله دار: « ۶ فروردین ۱۳۶۸»**

➤ **حذف شرط مرجعیت از شرایط رهبری: « اردیبهشت ۱۳۶۸»**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ پذیرش و رعایت دین اسلام، اجباری یا اختیاری؟

➤ پذیرش دین اسلام،

✓ در مرحله «دعوت اسلامی»: «ازادی قلبی ظاهری مطلق:

«ازادی عمل تکوینی» و «جبر پیامدهای تکوینی و آخرتی»

▪ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ؛ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)

▪ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (يوسف/ ۱۰۸)

▪ «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِينُوا يُلَاقُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَعًا؛ إِن الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (كهف/ ۲۹-۳۰)

▪ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا؛ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (انسان/ ۳-۵)

✓ در مرحله «نظام اسلامی»: ازادی قلبی مطلق، و ظاهری مشروط به ادیان توحیدی :

«اسلام، یهودیت، صباثیت، مسیحیت، مجوسیت»

«ممنوعیت بت پرستی، شیطان پرستی، بهائیت و غیره در نظام اسلامی»

▪ «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...» (توبه/۳)

▪ «وَأِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/ ۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ رعایت دین اسلام:

▪ «ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج / ۳۲)

✓ ازادی عمل فردی و جبر پیامدهای تکوینی دنیوی و اخروی:

«ازادی عمل در حریم خصوصی و عدم جواز تفتیش»

▪ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا؛ وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات / ۱۲)

▪ «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ :

الْغَيْبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَالْعَجَلَةِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ» (كافی، ۲ / ۳۵۸)

▪ «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :

مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ :

« إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ » (كافی، ۲ / ۳۵۷)

▪ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ :

جَعَلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي يَبْلُغُنِي عَنْهُ الشَّيْءُ الَّذِي أَكْرَهُهُ فَأَسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُنْكِرُ ذَلِكَ وَ قَدْ أَخْبَرَنِي عَنْهُ قَوْمٌ ثِقَاتٌ؟

فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ كَذِبٌ سَمِعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدِّقْهُ وَ كَذِّبْهُمْ!

لَا تُذِيعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تَشْبِيهُهُ بِهِ وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَةَ تَه - فَتَكُونُ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ :

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (كافی، ۸ / ۱۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

✓ «حاکمیت اسلامی» و «حفاظت از حریم الزامات دینی» :

«ضرورت اجتماعی رعایت الزامات دینی»

▪ «الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج / ۴۱)

▪ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴)

▪ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ» (نور/ ۱۹- ۲۰)

▪ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛

وَ لِيَصْرَبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... وَ لَا يَصْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛

وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/ ۳۰- ۳۱)

▪ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/ ۵۹- ۶۲)

✓ «امت اسلامی» و «حفاظت اجتماعی از حریم الزامات دینی» :

▪ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (آل عمران / ۱۱۰)

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...» (توبه / ۷۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست پنجاه و یکم «نجما»:

❖ حاکمیت «ولایت و رهبری الهی»، «فصل الخطاب» تحقق «جامعیت و کمال» دین در جامعه:

- «...الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (مائده/۳)
- «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/ ۶۷)
- «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف/۸- ۹)
- «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۲۲- ۲۳)
- «و لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وَ إِنَّا جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات/ ۱۷۱- ۱۷۳)
- «و ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (يقره/ ۵۷)
- «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛
- وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فِثَانِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلَهَا قَالَ أَلَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِن لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ صَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (يقره/ ۶۰- ۶۱)
- «ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنِ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب/ ۴۰)
- «الاثنان عن الوشاء عن أبان عن الفضيل عن الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«بني الإسلام على خمس: على الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج و الولاية و لم يناد بشيء كما نودي بالولاية» (الكافي ، ۲ / ۱۸) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ تفسیر قرآن «پیامبر(ص) و اهل البيت(ع)»، بستر تحقق «تفکر و تعقل سالم» در جهان بشری!:

▪ «و أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل / ۲۴)

▪ «... لیثیروا لهم دفائن العقول ...» (نهج، خ ۱)

▪ «و قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ؛ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ؛ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر/۸۹- ۹۱)

❖ «ولایت و رهبری الهی»، محور و واسطه فیض «نظام خلقت»:

▪ «و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره / ۳۱)

❖ امام خمینی «ره» و «الگوی حاکمیتی» غدیر:

▪ «زنده نگه داشتن این عید[غدیر] نه برای این است که چراغانی بشود و قصیده خوانی بشود و مداحی بشود،

اینها خوب است، اما مسئله این نیست.

مسئله این است که به ما یاد بدهند که چطور باید تبعیت کنیم، به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است باید روش ملت‌ها و دست‌اندرکاران باشد» (صحیفه امام، ۲۰/۱۱۲، جماران؛ ۲/۶/۱۳۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «قرآن کریم»، و «کارامدی» نظام اسلامی:

- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (يونس / ۵۷)
- «و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسرا / ۸۲)
- وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ: هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ؛ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت / ۲۴)
- «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (حج/۷۸)

❖ «کارامدی» نظام اسلامی، «اخوت الهی» و «مشارکت مردمی» در «تحقق» ارزشهای اسلامی:

▪ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛

وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید / ۲۵)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...» (حجرات / ۱)

▪ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات / ۱۰)

▪ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ أَعْلَمُ خَيْرٌ» (حجرات / ۱۳)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ...» (ممتحنه / ۱) / «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده / ۱)

▪ «فَمَا أوتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛

وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ؛ وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شورى / ۲۶-۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «مباهله»، «مناظره و مواجهه شناختی روانی معنوی عظیم» با سران و تفکر مسیحیت:

▪ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ؛

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ:

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ»

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ: تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/ ۵۹-۶۴)

❖ سوره «انسان» و «سلوک معنوی اقتصادی رهبران اهل یقین»

و سلوک «اهل ایمان» ملازم با «اهل یقین»:

▪ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ؛ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا؛ يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا؛

وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا...» (انسان/ ۵-۹)

▪ «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ؛ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ؛ كِتَابٌ مَرْفُومٌ؛ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ؛

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ؛ عَلَى الْأَرَانِكِ يَنْظُرُونَ؛ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ؛ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ؛ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

وَ مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ؛ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (مطففين/ ۱۸-۲۸)

▪ این خانه کوچک فاطمه- سلام الله عليها- و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار- پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت‌هایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است. (صحیفه امام، ۱۶ / ۸۷، جماران

(۱۳۶۰/۱۲/۱۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ منزلت امام حسن و امام حسین نزد اهل سنت:

❖ و روى عن الترمذي بسنده عن أبي سعيد قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة» (بخار، ۴۳ / ۳۰۰)

❖ رکن حمد و راهبرد حسنی و حسینی (ع) در نقش خاتم:

▪ «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ؛ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِكُّ مَنْ تَشَاءُ؛

بِيَدِكَ الْخَيْرُ؛ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ال عمران / ۲۶)

▪ «أبي ، عن سعد ، عن البرقي ، عن محمد بن علي الكوفي ، عن الحسن بن أبي العقبه ، عن الحسين بن خالد ، عن الرضا (عليه السلام) قال: كان نقش خاتم الحسن (عليه السلام) : العزة لله ، و كان نقش خاتم الحسين (عليه السلام) : إن الله بالغ أمره...» (عيون أخبار الرضا (ع) ، أمالي الصدوق : ؛ بخار، ۴۳ / ۲۴۲)

❖ رکن حمد و جایگاه مدارا:

▪ قال الحسن بن علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

" إن الأنبياء إنما فضلهم الله على خلقه أجمعين بشدة مداراتهم لأعداء دين الله و حسن تقينهم لأجل إخوانهم في الله " ، (المستدرک - كتاب الأمر بالمعروف - الباب ۲۷ - من أبواب الأمر والنهي)

▪ «و روى المدائني عن جويرية بن أسماء قال : لما مات الحسن عليه السلام أخرجوا جنازته فحمل مروان بن الحكم سريره؛

فقال له الحسين عليه السلام : تحمل اليوم جنازته و كنت بالأمس تجرعه الغيظ ؟ !

قال مروان : نعم؛ كنت أفعل ذلك بمن يوازن حلمه الجبال!» (مقاتل الطالبين، ۵۳؛ تذكره خواص الامه، ۱۲۲؛ بخار، ۴۴ / ۱۴۶).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست پنجاه و دوم «نجما»:

❖ گروه های ۴ گانه درون جامعه مسلمین:

➤ غیرمعصومین: «مريض القلب و منافق / مومن»:

▪ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ ... فَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ؛

وَمِنْهُمْ مَنُ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ...

وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره/ ۲۰۰-۲۰۴)

➤ معصومین(ع): «مطهرون مقرب درگاه الهی»:

▪ «وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/ ۲۰۷)

▪ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران/ ۳۳-۳۴)

▪ «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹)

▪ «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر/ ۳۹-۴۰)

▪ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)

▪ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/ ۷۹)

▪ «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ... ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» (صافات/ ۱۰-۱۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ فلسفه بلاء، و گروه های ۴ گانه مسلمین:

▪ «و لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ؛

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ؛ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره/۱۵۵-۱۵۷)

➤ فلسفه ابتلاء غیرمعصومین:

▪ «و مَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَن كَثِيرٍ» (شوری / ۳۰)

▪ «و لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاَهُمْ بِالْبَاسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام / ۴۲)

▪ «و لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِّن الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف / ۱۳۰)

▪ «و لَتَذِيقَنَّاهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْتَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ وَ مَن أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ... إِنَّا مِن الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ» (سجده/۲۱-۲۲)

➤ فلسفه ابتلاء معصومین(ع):

▪ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ؛ وَ نَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ؛ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ... وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات/۱۰۲-۱۰۷)

▪ «و اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَيُّ مَسْنِي الشَّيْطَانُ يُضْبِ وَ عَذَابٍ؛ ... وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛

إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۴۱-۴۴)

▪ «و الفجر، وَ لَيَالٍ عَشْرٍ ... إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ؛ ...

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ؛ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً؛ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي؛ وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر/۱-۳۰)

▪ «عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أشد الناس بلاء (في الدنيا) الأنبياء ثم الذين يلونهم ثم الأئمة فالأمثل» (كافي، ۲/ ۲۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ منزلت شهدای کربلا، و نهضت انبیاء (ع):

▪ وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّي قَاتِلَ مَعَهُ رَبِّيونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛

وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛

فَاتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَ حُسْنَ تَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۲۶- ۱۲۸)

▪ «ابن عقدة ، عن جعفر بن عبد الله المحمدي ، عن التغلبيسي ، عن السمندي ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه عليهما السلام أنه قال :

المؤمنون يبتلون ثم يميزهم الله عنده ، إن الله لم يؤمن المؤمنين من بلاء الدنيا و مرائرها ، و لكن آمنهم من العمى و الشقاء في الآخرة ، ثم قال :

كان الحسين بن علي عليهما السلام يضع قتلاه بعضهم على بعض ، ثم يقول : **قتلانا قتلى النبيين و آل النبيين**» (النعمانی، ۱۱۲ - ۱۱۳؛ بحار، ۴۵ / ۸۰)

➤ **منزلت شبه عصمت حضرت علی اکبر(ع)، حضرت عباس (ع) و حضرت زینب (ع):**

▪ «حدثني أحمد بن سعيد ، قال : حدثني يحيى بن الحسن العلوي قال : حدثنا غير واحد عن محمد بن عمير عن أحمد بن عبد الرحمن البصري عن عبد الرحمن بن مهدي عن حماد بن سلمة عن سعيد بن ثابت قال :

لما برز علي بن الحسين إليهم أرخى الحسين عليه و سلامه - عينيه فبكى ثم قال :

اللهم كن أنت الشهيد عليهم **فبرز إليهم غلام أشبه الخلق برسول الله** صلى الله عليه و آله ...» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهانی، ۷۷)

▪ قالوا : و رفع الحسين سبابته نحو السماء و قال : اللهم اشهد على هؤلاء القوم **فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقا و خلقا و منطلقا برسولك** ، كنا إذا اشتقنا إلى نبيك نظرنا إلى وجهه؛ اللهم أمنعهم بركات الأرض ، و فرقهم تفريقا ، و مزقهم تمزيقا ، و اجعلهم طرائق قدا ، و لا ترض الولاة عنهم أبدا ، فإنهم دعونا لينصرونا ثم عدوا علينا يقاتلوننا» (بحار، ۴۵ / ۲۳) .

▪ «يا عباس ، اركب؛ **بنفسي أنت** يا أخي؛ ...» (ارشاد، مفيد، ۲ / ۹۰)

▪ «... فقال علي بن الحسين عليه السلام: يا عمه ... ، و أنت بحمد الله **عالمه غير معلمه ، فهمة غير مفهمة**...» (احتجاج، ۲ / ۳۱؛ بحار، ۴۵ / ۱۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ اهل البيت (ع) و نهضت حسینی، الگوی اکمل صداقت، اطاعت، و ولایت الهی،

و الهام بخش نهضت انبیاء!:

▪ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ...؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...» (بقره/ ۳۱-۳۲)

▪ «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» (احزاب/ ۸-۷)

▪ «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/ ۴۳)

▪ تذكر به سيره اسماعيل بن حزقيال (ع): (توضیح در نجما ۳۱)

▪ تذكر به سيره حضرت زكريا و يحيى (ع): (توضیح در نجما ۳۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست پنجاه و سوم «نجما»:

❖ خدای رحمان، مرجع بی چون و چرا و قطعی حل مسائل انسانی:

▪ «وَ الْعَصْرُ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/ ۱- ۲)

▪ «وَ مَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ؛ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری / ۱۰)

➤ قرآن، و اهل البيت(ع){چهارده معصوم}، نماینده خدا، و مرجع بی چون و چرا و قطعی حل مسائل انسانی:

▪ «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء / ۱۰)

▪ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ ...؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/ ۷۷- ۷۹) / «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳)

▪ «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا؛ وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/ ۱۰۵- ۱۰۶)

➤ ضرورت تجدید ایمان در پذیرش مرجعیت قرآن و اهل البيت(ع)!

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رِسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ؛

وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء / ۱۳۶)

▪ فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ؛ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء / ۶۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ حکم قطعی خدا در ضرورت رفع مجرد جامعه مسلمین، در هر شرائط اقتصادی:

- «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ وَ لَيْسْتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَحْدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِ خَيْرًا وَ أَوْهَمُ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور/۲۲-۲۳)
- «... اذا رايتم الرجل (جاءكم من) ترضون خلقه و دينه فزوجوه (فزوجوه)؛ و الا تفعلوا، تكن فتنة فى الارض و فساد كبير» (ص):
- «إذا خطب إليكم رجل فرضيتم دينه و أمانته فزوجوه ، و إلاّ تفعلوه تكن فتنة فى الأرض و فساد كبير» امام جواد(ع): (وسائل الشيعه، ۲۰/ ۵۹)
- «و إذا خطب إليك رجل رضيت دينه و خلقه و أمانته فزوجّه؛ فإنّ الله يقول : إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (مستدرک، ۱۴/ ۱۸۸)

❖ ارزش حیاتی بی بدیل حفظ ناموس، لوازم فرهنگی و اقتصادی حفظ ناموس و اقتضائات زمانه:

➤ ارزش حیاتی بی بدیل حفظ ناموس، و محکم بنیادین حیات اجتماعی:

- «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ، هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ...» (بقره/۱۸۷)
- «فَلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ؛ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام/ ۱۵۱)
- «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِيَّاهُمْ كَانَ خَطِيئًا كَبِيرًا؛ وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا؛ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ...» (اسراء/۲۱-۲۳)

➤ لوازم فرهنگی و اقتصادی حفظ ناموس:

❖ اقتضائات زمانه و مدیریت راهگشای حل مسئله، نه بهانه جوی بن بست افزین:

➤ دوره ضیق معیشت و حکمرانی: دوره پیامبر(ص) و امیر مومنان(ع)

➤ دوره وسعت معیشت و نظام غیر علوی: دوره خلفاء اموی و عباسی: سیره ظاهری ائمه(ع)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ سیره امیر مومنان(ع)، و حساسیت حیاتی حفظ ناموس:

▪ «... فلو أن امرءا مسلما مات من بعد هذا أسفا ، ما كان به ملوما ، بل كان به عندي جدیرا!» (نهج، خ ۲۷)

▪ «...» (ر.ک.: نجما ۲۲ به بعد)

❖ اقتضائات زمانه و سیره حضرت یوسف در حفظ ناموس:

➤ سیره اضطراری حضرت یوسف (ع) و اراده قاطع دفع فحشاء (ترجیح شهادت بر ارتکاب فحشاء!):

▪ «و لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ؛ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف / ۲۴)

▪ «حدثنا أحمد بن زياد (رضي الله عنه) ، و ... ، قال : حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم ، قال : حدثنا القاسم بن محمد البرمكي ، قال : حدثنا أبو الصلت الهروي ، قال : ... قام إليه علي بن محمد بن الجهم ، فقال له : يا بن رسول الله ، أتقول بعصمة الأنبياء ؟

قال : بلي ... و اما قوله في يوسف عليه السلام : «و لقد همت به و هم بها» : فإنها همت بالمعصية و هم يوسف بقتلها ان أجبرته لعظم ما تداخله! ، فصرف الله عنه قتلها و الفاحشة ، و هو قوله: «كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء»: يعني القتل و الزنا ...» امام رضا(ع): (امالی صدوق، ۱۵۰؛ عيون اخبار الرضا ع، ۱/ ۱۷۰؛ نور الثقلين، ۲/ ۲۱۹)

➤ سیره اضطراری حضرت یوسف (ع) و پرهیز از فحشاء (ترجیح زندان بر محیط مستعد فحشاء!):

▪ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَنَّ مِنَ الصَّاعِرِينَ؛

قَالَ: رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيُسْجَنَنَّ حَتَّىٰ حِينٍ» (یوسف / ۲۲-۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ اربعین حسینی:

➤ سه چله اسلامی و مراتب کسب فیض الهی:

➤ چله متصل موسوی:

▪ «وَالْفَجْرِ؛ وَلَيَالٍ عَشْرٍ» (فجر/۱-۲)

▪ «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْتَاهَا بَعْشَرًا؛ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛

وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/ ۱۴۲)

➤ چله منفضل ویژه اسلامی:

▪ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ...» (بقره/۱۸۵)

▪ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ؛ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (قدر/ ۵)

➤ چله عمومی اسلامی:

▪ «قال رسول الله (ص) : ما أخلص عبد لله عز وجل أربعين صباحا إلا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» (عيون اخبار الرضا(ع)، ۲/ ۷۴)

➤ حرمت و حق سرپرستی:

▪ «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره/ ۲۲۸)

▪ «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ...» (بقره/ ۲۲۸)

▪ «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا ...» (بقره/ ۲۳۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

رکن حمد و سیره امام حسن(ع):

❖ حلم و حکمت حسنی در دوران سخت فقدان مدیریت و منابع انسانی جهادی:

➤ «سستی و خیانت مدیران ارشد نظام، بستر صلح خونبار و نرمش قهرمانانه خون به جگرانه»:

▪ «و هَذَا أَجْوُ غَامِدٍ [و] قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ ... وَ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ - عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ - فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ فَلَائِدَهَا وَ رُعْتَهَا - مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ - ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافِرِينَ - مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ -

فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَاءً - مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا يَلُ كَانِ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا ! - فَيَا عَجَبًا عَجَبًا وَ اللَّهُ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يَجْلِبُ الْهَمَّ - مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ - وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ ... يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالٍ!« (نهج، خ ۲۷)

▪ «كَمْ أَدَارِيكُمْ كَمَا تُدَارَى الْبِكَارُ الْعَمْدَةُ - وَ الثِّيَابُ الْمُتَدَاعِيَةُ كُلَّمَا حِيصَتْ مِنْ جَانِبٍ تَهْتَكَتْ مِنْ آخَرٍ!» (نهج، خ ۶۹)

▪ «مَلَكَتْنِي عَيْنِي وَ أَنَا جَالِسٌ - فَسَنِّحْ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَا ذَا لَقَيْتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَ اللَّدِّ؛ فَقَالَ (ص): ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ: أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - وَأَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خ ۷۰)

➤ قلت یاران و طعنه و زخم زبان خودی ها و تبیین فلسفه صلح خونبار حکیمانه:

▪ «روى عن علي بن الحسن الطويل ، عن علي بن النعمان ، عن عبد الله بن مسكان ، عن أبي حمزة ، عن أبي جعفر عليه السلام قال :

جاء رجل من أصحاب الحسن عليه السلام يقال له : سفيان بن ليلي و هو على راحلة له ، فدخل على الحسن و هو محتب في فناء داره فقال له :

السلام عليك يا مذل المؤمنين! فقال له الحسن : انزل و لا تعجل ، فنزل فعقل راحلته في الدار ، و أقبل يمشي حتى انتهى إليه قال فقال

له الحسن (ع) : ما قلت ؟ قال : قلت : السلام عليك يا مذل المؤمنين ، قال و ما علمك بذلك ؟ قال : عمدت إلى أمر الأمة ، فخلعته من عنقك ، و قلده هذا الطاغية ، يحكم بغير ما أنزل الله ، قال : فقال له الحسن عليه السلام : سأخبرك لم فعلت ذلك ...» (بحار، ۲۴ / ۲۴).

▪ «محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن سنان ، عن أبي الصباح ابن عبد الحميد ، عن محمد بن مسلم ، عن أبي جعفر عليه السلام قال : و الله الذي صنعه الحسن ابن علي عليهما السلام كان خيرا لهذه الأمة مما طلعت عليه الشمس...» (الكافي، ؛ بحار، ۲۴ / ۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ اتمام حجت و تبیین تفصیلی ماهیت صلح در مقابل یاران و دشمن منافق:

▪ خطب الحسن بن علي عليهما السلام : بعد وفاة أبيه فحمد الله و أثنى عليه ثم قال :

أما و الله ما ثننا عن قتال أهل الشام ذلة و لا قلة و لكن كنا نقاتلهم بالسلامة و الصبر ، فشيب السلامة بالعداوة ، و الصبر بالجزع و كنتم تتوجهون معنا و دينكم أمام دنياكم ، و قد أصبحتم الآن و دنياكم أمام دينكم و كنا لكم و كنتم لنا ، و قد صرتم اليوم علينا . ثم أصبحتم تصدون قتيلين : قتيلا بصفين تبكون عليهم ، و قتيلا بالنهروان تطلبون بثأرهم ، فأما الباكي فخاذل ، و أما الطالب فتائر .

و إن معاوية قد دعا إلى أمر ليس فيه عز و لا نصفة ، فان أردتم الحياة قبلناه منه ، و أغضضنا على القذى ، و إن أردتم الموت ، بذلناه في ذات الله ، و حاكمناه إلى الله . فنأدى القوم بأجمعهم بل البقية و الحياة» (بحار، ٢٢ / ٢٢)

▪ عن سليم بن قيس قال : قام الحسن بن علي بن أبي طالب عليهما السلام على المنبر حين اجتمع مع معاوية ، فحمد الله و أثنى عليه ، ثم قال : أيها الناس إن معاوية زعم أنني رأيت للخلافة أهلا ، و لم أر نفسي لها أهلا ، و كذب معاوية!

أنا أولى الناس بالناس ، في كتاب الله ، و على لسان نبي الله ، فاقسم بالله لو أن الناس بايعوني و أطاعوني و نصروني لأعطيهم السماء قطرها ، و الأرض بركتها ، و لما طمعت فيها يا معاوية ، و قد قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

ما ولت أمة أمرها رجلا قط و فيهم من هو أعلم منه إلا لم يزل أمرهم يذهب سفالا ، حتى يرجعوا إلى ملة عبدة العجل .

و قد ترك بنو إسرائيل هارون ، و اعتكفوا على العجل ، و هم يعلمون أن هارون خليفة موسى ،

و قد تركت الأمة عليا عليه السلام و قد سمعوا رسول الله صلى الله عليه و آله يقول لعلي عليه السلام :

" أنت مني بمنزلة هارون من موسى غير النبوة؛ فلا نبي بعدي " و قد هرب رسول الله صلى الله عليه و آله من قومه ، و هو يدعوهم إلى الله ، حتى فر إلى الغار ، و لو وجد عليهم أعوانا ما هرب منهم ، و لو وجدت أنا أعوانا ما بايعتك يا معاوية .

وقد جعل الله هارون في سعة حين استضعفوه و كادوا يقتلونه ، و لم يجد عليهم أعوانا ، و قد جعل الله النبي صلى الله عليه و آله في سعة حين فر من قومه ، لما لم يجد أعوانا عليهم ، و كذلك؛ أنا و أبي في سعة من الله ، حين تركتنا الأمة و بايعت غيرنا و لم نجد أعوانا؛ و إنما هي السنن و الأمثال يتبع بعضها بعضا ، أيها الناس إنكم لو التمستم فيما بين المشرق و المغرب لم تجدوا رجلا من ولد نبي غيري و غير أخي . (بحار، ٢٢ / ٢٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نقض عهد، و جنگ روانی و اقتصادی دشمنان منافق:

▪ «و أن معاوية أرسل إلى عبيد الله بن العباس يرغبه في المصير إليه ، و ضمن له ألف درهم بعجل له منها النصف و يعطيه النصف الآخر عند دخوله إلى الكوفة فانسل عبيد الله في الليل إلى معسكر معاوية في خاصته و أصبح الناس قد فقدوا أميرهم!»،

فصلی بهم قیس بن سعد و نظر فی أمورهم . فازدادت بصيرة الحسن عليه السلام بخذلان القوم له...» (بحار، ۲۴ / ۲۸)

❖ تاکید بر خیانت کوفیان، و خیانت همسر :

الإحتجاج : عن الأعمش ، عن سالم بن أبي الجعد ، قال : حدثني رجل منا قال : أتيت الحسن بن علي عليهما السلام فقلت :

يا ابن رسول الله صلى الله عليه و آله أذلت رقابنا ، و جعلتنا معشر الشيعة عبيدا ما بقي [معك] رجل ،

فقال(ع) : و مم ذاك ؟ قال : قلت : بتسليمك الأمر لهذا الطاغية ،

قال(ع) : و الله ما سلمت الأمر إليه إلا أني لم أجد أنصارا ، و لو وجدت أنصارا لقاتلته ليلي و نهاري حتى يحكم الله بيني و بينه ،

و لكني عرفت أهل الكوفة و بلوتهم ، و لا يصلح لي منهم ما كان فاسدا ، إنهم لا وفاء لهم و لا ذمة في قول و لا فعل؛ ،

إنهم لمختلفون و يقولون لنا : إن قلوبهم معنا ، و إن سيوفهم لمشهورة علينا .

قال : و هو يكلمني إذا تنخج الدم فدعا بطست فحمل من بين يديه ملآن مما خرج من جوفه من الدم ،

فقلت له : ما هذا يا ابن رسول الله إني لأراك وجعا قال : أجل دس إلي هذا الطاغية من سقاني سما فقد وقع علي كبدي ، فهو يخرج قطعاً كما ترى ، قلت : أفلا تتداوى ؟ قال : قد سقاني مرتين و هذه الثالثة لا أجد لها دواء .

و لقد رقي إلي أنه كتب إلى ملك الروم يسأله أن يوجه إليه من السم القتال شربة ، فكتب إليه ملك الروم :

أنه لا يصلح لنا في ديننا أن نعين على قتال من لا يقاتلنا ، فكتب إليه : إن هذا ابن الرجل الذي خرج بأرض تهامة قد خرج يطلب ملك أبيه ، و أنا أريد أن أدس إليه من يسقيه ذلك ، فأريح العباد و البلاد منه ، و وجه إليه بهدايا و أطاف ، فوجه إليه ملك الروم بهذه الشربة التي دس بها فسقيتها . و اشترط عليه في ذلك شروطا . « (احتجاج، ۱۲۹؛ بحار، ۲۴ / ۱۲۸).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

رکن حمد، و سیره امام حسین(ع):

❖ سوره فجر: سوره امام حسین(ع):

«الگوی اعظم ایثار و شهادت، و در هم شکننده صولت جباران و گردنکشی مستکبران»

▪ «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات / ۱۰۷)

▪ «وَالْفَجْرِ؛ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ؛...أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ...و ثمود ... و فرعون ذی الاوتاد ...

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ؛ اِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ؛ ... و جاء ربك و الملك صفا صفا ...؛

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ: ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً؛ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي؛ وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» {سوره الحسين (ع): فجر/۱- ۳۰}

▪ «روی محمد بن العباس باسناده عن الحسن بن محبوب باسناده عن صندل ، عن دارم بن فرقد قال : قال أبو عبد الله عليه السلام :

اقرأ سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم ، فإنها سورة الحسين بن علي عليهما السلام؛ و ارجبوا فيها رحمكم الله تعالى ،

فقال له أبو أسامة و كان حاضر المجلس: و كيف صارت هذه السورة للحسين عليه السلام خاصة ؟

فقال : ألا تسمع إلى قوله تعالى : «يا أيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ...»، إنما يعني الحسين بن علي عليهما السلام؛

فهو ذو النفس المطمئنة الراضية المرضية ، و أصحابه من آل محمد صلى الله عليه و آله هم الراضون عن الله يوم القيامة ، و هو راض عنهم .

و هذه السورة في الحسين بن علي عليهما السلام و شيعته و شيعة آل محمد خاصة ، من أدمن قراءة " و الفجر " كان مع الحسين بن علي عليهما السلام في درجته في الجنة ، إن الله عزيز حكيم» . (كنز جامع الفوائد؛ ؛ تأويل الآيات الظاهرة؛ ؛ بحار، ۲۴ / ۲۱۹)

▪ «الحمد لله ... من كان باذلا فينا مهجته ... فليرحل معنا غدا ان شاء الله...»